وضعیت سنجی مجموعه ۱۶

نویسنده : ژاله وفا

تاریخ انتشار کتاب : فروردین ۱۴۰۵

این مجموعه از تاریخ

آبان ۱۴۰۰ برابر با اکتبر ۲۰۲۲

تا

مهر ۱۴۰۰ برابر با

۲۰۲۲ October ۲۱

در سایت انقلاب اسلامی در هجرت انتشار یافته است

تنظیم : جهانگیر گلزار

وضعیت سنجی مجموعه ١٦

نویسنده : ژاله وفا

تاریخ انتشار کتاب : فروردین ١٤٠٥
این مجموعه از تاریخ
آبان ١٤٠٠ برابر با اکتبر ٢٠٢٢
تا
مهر ١٤٠٠ برابر با اکتبر ٢٠٢٢
در سایت انقلاب اسلامی در هجرت انتشار یافته است
تنظیم : جهانگیر گلزار

فهرست

مقدمه نویسنده ۱۲
مقدمه تنظیم کننده و تهیه کننده ۱٤
وضعیت سنجی۳۸۰ ..... ۱٥
رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (۱) ۱٥
قیمت فروش گازدر این قرارداد: ۱٦
نمونه هایی چند از افشا گری جناحین نظام، نسبت به هم در فساد در قراداد کرسنت: ۱۷
میزان خسارت وارده از طریق قرارداد کرسنت به ایران: ۲۰
مقصر اصلی در ماجرای شکایت شرکت اماراتی به دادگاه بین المللی لاهه : .. ۲۱
سانسور پی در پی مردم ایران، در باره محتوای قرارد اد و نیز میزان رشوه های دریافت شده و جریمه ها و نقض حقوق ملی: ۲۲
وضعیت سنجی ۳۸۱ ..... ۲٤
رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (بخش ۲) ۲٤
مقصر اصلی در ماجرای شکایت شرکت اماراتی به دادگاه بین المللی لاهه : .. ۲٥
ایراداتی که به دولت خاتمی و دولت روحانی و وزیر نفت درهر دو دولت،آقای بیژن نامدار زنگنه وارد است: ۲٦
۱-ایراد اول عدم اجرای تعهد در زمان موعود در قرارداد است ۲٦
۲- ایراد دوم :عدم توجه به مسائل امنیتی در خصوص محل تحویل گاز است. ۲٦
۳- ایراد سوم: آغاز فساد و پنهانکاری نسبت به مردم در مورد قیمت گاز صادراتی ایران به امارات ۲۷
۴- ایراد چهارم:چرایی امضای این قرارداد بدون برگزاری مناقصه و با شرکتی فاقد صلاحیت است. ۲۹
۵-ایراد پنجم: عدم مدیریت صحیح وعدم جلوگیری از ورود رشوه بگیران..... ۲۹

۶-ایراد ششم: بی اطلاعی وزیر نفت وقت از روند سهم بری دلالان از درآمد حاصله از فروش گاز و یا اطلاع از این مسئله و عدم جلوگیری از آن است... ۳۱

۷- ایراد هفتم:دیدارهای رسمی و غیر رسمی زنگنه با حمید جعفر که با واسطه دلالانی چون ترقی جاه شکل می گرفت. ۳۲

* پرونده های قضایی در باره قرارداد کرسنت و عدم تناسب جریمه ها با میزان دریافت رشوه ها و خسارات به حقوق ملی..... ۳۲

وضعیت سنجی ۳۸۲..... ۳٤

رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (بخش ۳) ۳٤

ایراد هشتم : چرا زنگنه زیر بار قراردادی رفته که ایران بعنوان فروشنده و دارنده گاز کمتر از سه عامل دیگر که در این قرارداد نقش داشته اند نفع برده است و چرا در قرارداد ریسک مخزن تنها متوجه شرکت ملی نفت شده است؟ ۳٤

ایراد نهم : چرایی تعویض سرداور ایران در دادگاه لاهه توسط زنگنه ۳۵

ایراد دهم: دیگر اتهام وارده در این پرونده، اضافه شدن الحاقیه‌هایی به قرارداد است که حق ایران را در لغو قانونی آن از بین برد..... ۳٦

ایراد یازدهم : وزیر نفت وقت نه تنها قادر به فروش گاز ترش فراورده نشده به امارات نشد و آمادگی تحویل گاز را به امارات نداشت بلکه از شیرین کردن و فراوری ان گاز در خود ایران نیز اجتناب کرد. ۳۸

ایراد دوازدهم: زنگنه و یارانش برای پنهان کردن سهل انگاری خود در عمل نکردن به تعهد قراردادی خود و صادرات بموقع گاز به امارات دولت احمدی نژاد را متهم به لغو قرار داد می کنند.در صورتی که در واقع امردولت خاتمی در این امر مقصر بوده است : ٤۱

ایراد سیزدهم : زنگنه و همکارانش بارها اعلام کرده اند که «ایران قرارداد شرکت ملی نفت با شرکت کرسنت برای صادرات گاز را به صورت یکجانبه «لغو» کرده است. » ٤۲

ایراد چهاردهم : دولت خاتمی و وزیر نفت وقت زنگنه می‌توانستند در جریان عدم توانایی شرکت کرسنت در تامین ۴۰ میلیون دلار به عنوان ضمانت اجرای قرارداد یا قرارداد را ملغی کنند و یا فرمول قیمت‌گذاری را اصلاح کنند اما هیچیک از این کارها را انجام ندادند. ٤۳

وضعیت سنجی ۳۸۳..... ٤۳

چرایی محرمانه بودن قرارداد کرسنت!..... ٤۹

منطق زنگنه به مثابه وزیری که بمدت ۳۰ سال در نظام فاسد ولایت مطلقه فقیه در توجیه فساد و سکوت تلاش کرده است..... ٤٩
ضد و نقیض گویی مسئولان نظام ولایت فقیه در میزان واقعی جریمه ایران در د ادگاه لاهه..... ٥١
زمزمه ضرورت محاکمه زنگنه و خاتمی..... ٥٣
وضعیت سنجی ۳۸۴..... ٥٤
رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (بخش ۵) ٥٥
بررسی دودیدگاه در جامعه نسبت به آگاهی از فساد و نقش مردم..... ٥٥
دو نمونه از عکس العمل خوانندگان محترم این وضعیت سنجی ها را که به اینجانب با ایمیل ارسال کرده اند در اینجا قید می کنم که گویایی خاصی دارند. ٥٦
در این دو نامه دو نوع نگرش متفاوت در جامعه نسبت به نقش جامعه مدنی وجود دارد:..... ٥٨
وضعیت سنجی۳۸۵..... ٦٢
رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (بخش پایانی ۶) ٦٢
تغییرات اساسی و پایدار تنها از طریق" تحول از پایین" در جامعه رخ می دهد. ٦٨
وضعیت سنجی۳۸۶..... ٧٠
بودجه ۱۴۰۱متشکل از:فروش ثروتهای ملی +قرضه + کسری عظیم(بخش ۱) ٧٠
مشخصات کلی بودجه ۱٤۰۱ ..... ٧٠
بودجه کل کشور به سه دسته تقسیم می شود: ٧١
طبقه بندی منابع بودجه : ٧١
ب- واگذاری دارایی های سرمایه ای..... ٧٢
ج- واگذاری دارایی های مالی: ٧٢
انواع هزینه های دولتی :..... ٧٣
طبقه بندی هزینه ها و مصارف : ٧٣
بودجه عمومی دولت ٧٣
اصل تعادل بودجه ٧٤

منابع دولت در سال ۱۴۰۱ ..... ۷۴
جور سازی مصارف دولت..... ۷۵
نحوه تراز بودجه سال بعد..... ۷۶
وضعیت سنجی ۳۸۷..... ۸۰
بودجه ۱۴۰۱متشکل از:فروش ثروتهای ملی +قرضه + کسری عظیم(بخش۲) ۸۰
منابع عمومی دولت در بودجه ۱۴۰۱ ..... ۸۱
رشد بیش از دو برابری درآمدهای فروش گازبه داخل..... ۸۲
غارت صندوق توسعه ملی..... ۸۲
درآمدهای مالیاتی در بودجه ۱۴۰۱..... ۸۳
افزایش ۶۲ درصد درآمدهای مالیاتی چگونه اتفاق افتاد؟ ۸۵
وضعیت سنجی ۳۸۸..... ۸۷
بودجه ۱۴۰۱متشکل از:فروش ثروتهای ملی +قرضه + کسری عظیم(بخش۳) ۸۷
درآمدهای مالیاتی در بودجه۱۴۰۱..... ۸۷
بودجه ۴۳ نهاد مذهبی در نظام ولایت مطلقه فقیه..... ۹۰
برای اینکه خوانندگان محترم قادر باشند مقایسه ای شفاف بنمایند ۴ مثال زیر گویایی دارند :..... ۹۱
وضعیت سنجی ۳۸۹..... ۹۳
سپاه ستون پایه قدرت خامنه ای که در چاه متعفن فساد غرق شده است (بخش۱) ۹۴
فساد سازمان یافته و فر اگیردر سپاه پاسدران و شاخه های آن همچون سپاه قدس و نیز شهرداری تهران: ۹۵
چگونه پول سپاه تامین می شده است ؟..... ۹۷
از راه حرام فروش مواد مخدر و بار ازراه حرام دزدی از حلقوم مردم..... ۹۷
۱- ماجرای سپاه و قاچاق هروئین به نیجریه ۱۰۱
۲- تعقیب قضایی عضو عالیرتبه سپاه در آمریکا..... ۱۰۱
۳-اسناد ویکیلیکس در رابطه با نقش سپاه در تجارت مرگ..... ۱۰۳

وضعیت سنجی ۳۹۰ ..... ۱۰۳
تجربه تجاوز روسیه به اوکراین و اهمیت استقلال برای همه ملتها ۱۰۳
درس اولی که از این بابت ما ایرانیان باید بگیریم :..... ۱۰۸
●آیا هدف روسیه از حمله به اوکراین تنها ترس روسیه از پیوستن اوکراین به ناتو می باشد ؟..... ۱۱۰
درس دومی که باید گرفت..... ۱۱۱
●اهداف مختلف پوتین از حمله به روسیه ۱۱۱
درس سومی که باید گرفت این است که ذهن اغلب دیکتاتورها مدار بسته ای دارد که باعث می شود بعلت گسستن از واقعیات افق روشنی نداشته و تمامی پارامترها ی واقعی را به حساب نیاورند. ۱۱۲
●آیا وضعیت اقتصادی روسیه تحمل بار جنگی طولانی را دارا است؟..... ۱۱۲
● تلاش روسیه برای تبدیل ذخایر دلاری خود به طلا و سایر ارزها ۱۱۳
●قوتها وضعف اقتصادی روسیه ۱۱٤
●واردات کشور روسیه..... ۱۱٥
●کشورهای صادرکننده به روسیه..... ۱۱٦
تحریم روسیه چه عواقبی برای امریکا و خصوصا اروپا دارد: ۱۱٦
نتیجه گیری لازم برای ما ایرانیان از وضعیت اوکراین..... ۱۱۸
وضعیت سنجی ۳۹۱ ..... ۱۲۱
هشدار:قراردادهای پنهان و جدید با روسیه ناقض استقلال ایران..... ۱۲۱
مساله محتوای پنهان قرادادهای ۲۰ ساله روسیه با ایران و اطلاعات قطره ای درج یافته است. ۱۲٤
وضعیت سنجی ۳۹۲ ..... ۱۲٥
هشدار: قراردادهای پنهان و جدید با روسیه ناقض استقلال ایران (بخش دو). ۱۲٥
آخرین تحولات در رابطه با قرارداد بین نظام ولایت فقیه و روسیه ۱۳۳
وضعیت سنجی ۳۹۳ ..... ۱۳۸
هشدار: ربط ذخایر ایران در خزر با قراردادهای پنهان وناقض استقلال ایران با روسیه - (بخش سه)..... ۱۳۸
ویژه گیهای نفت و گاز موجود در خزر ۱٤۰

ذخایر نفتی دریای خزر و سهم هر کدام از کشورها از نفت خزر چقدر است و بهره برداری از خزر چه زمانی آغاز شد ؟ ۱۴۲
اختلالات و توافقات بین ۵ همسایه در خزر..... ۱۴۴
قزاقستان پیشتاز برداشت نفت و گاز دریاچه خزر می باشد ۱۴۵
چرا میزان بهره برداری ایران در خزر بسیار اندک است؟ ۱۴۵
بهره برداری از نفت و گاز خزر برای ایران با چه مشکلاتی مواجه است؟.. ۱۴۶
اما چرا بهره برداری از نفت خزر برای ایران دارای اهمیت است؟ ۱۴۷
هشدار: ربط ذخایر ایران در خزر با قراردادهای پنهان وناقض استقلال ایران با روسیه - (بخش ۴) ۱۴۸
میادین کشف شده نفت و گاز ایران در خزر ۱۴۹
کشف لایه نفتی در مخزن سردار جنگل ۱۰ سال بعد از کشف مخرن گاز سردار جنگل ۱۵۰
اهتمام و یا سهل انگاری دولتهای دوازدهم (روحانی) و دولت سیزدهم (رئیسی این جنایتکار تاریخی) در مورد سرمایه گذاری جهت بهره برداری از میدان گازی و نفتی سردار جنگل ۱۵۲
معرفی شرکت نفت خزر(KEPCO) و مدیر عامل آن و ماموریت وی..... ۱۵۶
معرفی سکوی نیمه شناور امیرکبیر- البرز ایران به مثابه پیچیده ترین پروژه صنعت نفت ایران و از منحصربه‌فردترین سکوهای خاورمیانه در آب‌های عمیق ۱۵۷
وضعیت سنجی ۳۹۵..... ۱۵۹
لزوم جراحی نظام ولایت فقیه از بدن ایران و یا "جراحی اقتصادی..... ۱۶۰
"جراحی اقتصادی" از دید نظام ولایت فقیه و توسط دولت سیزدهم چه معنایی د ارد و قصد نظام از اجرای آن چیست؟..... ۱۶۰
یارانه پنهان و آشکار چیست ؟..... ۱۶۱
آیا پرداخت نقدی یارانه ها (پنهان و آشکار) ۱۶۳
ایرادات نظام فعلی پرداخت یارانه..... ۱۶۳
روند نظام ارزی چند نرخی در ایران..... ۱۶۴
دولت قبل (دولت روحانی) چه اقدامی کرده بود که نیاز به حذف ارز ترجیحی شد..... ۱۶۴

پاس دادن تصمیم حذف ارز تدریجی بین مجلس نظام و دولت سیزدهم ۱۶۷
ادعای دولت سیزدهم که مساله را بهتر از دولت روحانی اداره می کند. ۱۶۸
هدف اصلی این دولت در عجله برای حذف ارز تدریجی چیست ؟ ۱۷۲
وضعیت سنجی ۳۹۶ ..... ۱۷۳
آیا بحرانهای اقتصادی ایران راه حل منطبق برحقوق مردم دارند؟ ۱۷۳
راه حلهای معضلات در چه بستری ؟ ۱۷۵
راه حل معضلات اقتصادی از دید حقوندی اقتصاد ۱۷۶
وضعیت سنجی ۳۹۷ ..... ۱۸۱
آیا بحرانهای اقتصادی ایران راه حلی منطبق برگفتمان حقوندی دارند؟(بخش ۲) ۱۸۱
راه حل ها در وجه سیاسی: ۱۸۲
راه حلها در بعد اجتماعی ۱۸۹
وضعیت سنجی ۳۹۸ ..... ۱۹۲
ضربه پذیرترشدن صنعت نفت و گاز ایران در نظام ولایت فقیه (بخش۱)... ۱۹۲
مجموعه متفاوتی که درآمدهای نفت و گاز ایران با اقتصاد های مسلط و با اقتصاد ایرانی می دهد: ۱۹۸
مجموعه متفاوتی که درآمدهای نفت و گاز ایران با اقتصاد های مسلط و با اقتصاد ایرانی می دهد: ۲۰۱
شایان ذکر است که واردات گاز از ترکمنستان از دو طریق صورت می‌گیرد: ۲۰۷
دلایل اصلی و واقعی عدم صدور صادرات گاز ایران و عملکرد خط لوله ها. ۲۰۸
در ذیل نمونه هایی از این ناکامی ها را ذکر می نمایم: ۲۰۹
وضعیت صادرات گاز به ارمنستان ۲۱۳
وضعیت سنجی ۳۹۹ ..... ۲۱۵
ضربه پذیرترشدن صنعت نفت و گاز ایران و نتایج مخرب وابستگی نظام به روسیه (بخش۲) ۲۱۵
آیا در بلبشوی بازار نفت و گاز، ایران آینده ای دارد؟ ۲۱۶

فروش نفت درسال ۱۴۰۰ و مقایسه صادرات نفت در دولت دوازدهم و سیزدهم ۲۱۸
صادرات نفت ایران ۲۱۹
در مجموع سه آمار کلی ولی متفاوت از میزان نفت ذخیره شده ایران در خشکی و نفتکش ها وجود دارد..... ۲۲۱
افت ۷۵ درصدی صادرات نفت ایران به چین ۲۲۱
روسیه با تخفیف قیمت نفت به چین و هند و امارات و نیز بدر آوردن بازار فولاد از دست ایران، رقیب ایران در این کشورها گشته است. ۲۲۲
وضعیت سنجی ۴۰۰ ..... ۲۲۶
نتایج مخرب قراردادن ایران در تعادل ضعف و ۱۵نمونه ازعداوت و کج دهنی روسیه به ایران..... ۲۲۷
وضعیت سنجی ۴۰۱ ..... ۲۳۶
پویایی ها و ویژه گیهای روابط سلطه- زیر سلطه در مثال ایران و روسیه(۱) ۲۳۶
در این شماره به پویایی های سامانه مسلط- زیر سلطه می پردازم. ۲۳۶
یک رابطه مسلط -زیر سلطه را بایستی از مولفه ها و پویایی های آن باز شناخت. ۲۳۸
مولفه ها و پویایی های شفاف رابطه مسلط - زیر سلطه ۲۴۰
پس ملاحظه می کنیم که پویایی‌های دو اقتصاد مسلط و زیر سلطه یکدیگر را ایجاب می‌کنند..... ۲۴۳
پویایی‌هایی که نماد و بیانگر رابطه مسلط – زیرسلطه هستند: ۲۴۳
وضعیت سنجی ۴۰۲ ..... ۲۴۶
پویایی ها و ویژه گیهای روابط سلطه – زیر سلطه در مثال ایران و امریکا و روسیه(۲) ۲۴۶
وضعیت سنجی ۴۰۳ ..... ۲۵۲
گشودن فضای زندگی و جنبش در سراسر ایران،فضل هنرمندی زنان ایران است ۲۵۳
و زنهار آفتهایی که همگی جنبش مردم را تهدید می کند و بایستی بدان توجه ویژه مبذول داریم: ۲۵۶

وضعیت سنجی ۴۰۴ ..... ۲۵۷
وضعیت سنجی ۴۰۴ - جنبش همگانی و لزوم بدیلی از جنس خود مردم..... ۲۵۸
وضعیت سنجی ۴۰۵ ..... ۲٦٤
بنی صدر:"انقلاب هدیه نسل جوان به ایران کهن است". ۲٦٤
دفاع بنی صدر از حقوق مردم و احزاب و سازمانها تا آخرین روزهای کودتای ۱۳۶۰علیه وی ۲٦٦
کوشش بنی صدر درشناساسی و تدوین عواملی که بایستی هم در دولت استبدادی هم در سطح جهان وهم در جامعه مدنی پدید آیند تا انقلابها رخ دهند :..... ۲٦۹
جنبش همگانی را بدون تردید مردم ایران ابداع کرده‌اند.:از دید بنی صدر.... ۲۷۲

مقدمه نویسنده

از زمانی که به دعوت آقای ابوالحسن بنی‌صدر، استاد گران‌قدر خود، به عرصه‌ی وضعیت‌سنجی مسائل ایران وارد شدم، این کار را وظیفه‌ای خطیر و مسئولیتی جدی تلقی کرده‌ام، در عین حال کوشیده‌ام با تکیه بر دانش و تجربه‌ی ایشان، این شیوه‌ی اندیشیدن و تحلیل را نزد او بیاموزم. همکاری با ایشان را مایه‌ی افتخار خود می‌دانم و کتاب پیشِ رو، حاصل مجموعه‌ای از همان تلاش‌ها و وضعیت‌سنجی‌هاست.

این کتاب تلاشی است برای نگریستن دوباره و دقیق‌تر به وضعیت امروز ایران؛ تلاشی برای سنجش بی‌پرده‌ی شرایطی که جامعه‌ی ما در آن به سر می‌برد. در این مجموعه مقالات، کوشیده‌ام با نگاهی تحلیلی و مبتنی بر واقعیت، ابعاد گوناگون مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی کشور را بررسی کنم و تصویری روشن‌تر از آنچه بر ما گذشته و می‌گذرد ارائه دهم. هدف این نوشته‌ها تنها توصیف بحران‌ها نیست، بلکه فهم ریشه‌ها، سازوکارها و ساختارهایی است که این وضعیت را پدید آورده‌اند.

در این مسیر، بر این باور بوده‌ام که بخش بزرگی از مشکلات و بحران‌های انباشته‌ی امروز، در بستر نظام ولایت فقیه شکل گرفته و به جامعه تحمیل شده‌اند؛ نظامی که با ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود، زمینه‌ساز گسترش و تعمیق بحران‌ها در حوزه‌های مختلف بوده است. در این کتاب تلاش کرده‌ام نشان دهم این بحران‌ها چه گستره‌ای دارند، چه عواملی در پیدایش آن‌ها نقش داشته‌اند و چگونه این عوامل، در پیوند با یکدیگر، ساختاری پیچیده و پایدار از مشکلات را شکل داده‌اند. همچنین به این پرسش پرداخته‌ام که این وضعیت چه تأثیری بر زندگی امروز مردم ایران و آینده‌ی نسل‌های بعدی خواهد داشت.

آنچه در این میان اهمیت بنیادین دارد، پیامدهای این بحران‌ها برای امکان زیست سالم، شرافتمندانه و درخور مردم ایران است. این پرسش اساسی مطرح است که تداوم این شرایط تا چه اندازه می‌تواند مانع رشد، توسعه و تعالی جامعه شود و حتی امکان یک زندگی انسانی و پایدار را از نسل حاضر و نسل‌های آینده سلب کند. این کتاب کوششی است برای روشن ساختن ابعاد این خطر و هشدار نسبت به پیامدهای بی‌توجهی به آن.

در کنار این، برخی از نوشته‌های این مجموعه مورد توجه خوانندگان قرار گرفته و پرسش‌هایی را در ذهن آنان برانگیخته است؛ پرسش‌هایی که غالباً از یک درد و نگرانی مشترک در میان هم‌وطنان سرچشمه می‌گیرد. کوشیده‌ام تا حد امکان به این پرسش‌ها پاسخ دهم و برخی از مقالات این کتاب در واقع تلاشی است در جهت پاسخ‌گویی به همین دغدغه‌ها. این روند برای من فرصتی بوده است تا ارتباطی مستقیم‌تر و زنده‌تر با خوانندگانم برقرار کنم و نشان دهم که پرسش‌ها، نگرانی‌ها و دردهای آنان مهم و شایسته‌ی توجه است. حتی آنجا که خواننده را به‌طور شخصی نمی‌شناخته‌ام، از خلال طرح و واکاوی پرسش‌های او و جست‌وجوی پاسخ، نوعی پیوند و همدلی میان ما شکل گرفته است.

با این همه، این اثر صرفاً روایت بحران نیست، بلکه دعوتی است به اندیشیدن و کنش. از نگاه منِ نویسنده، راه برون‌رفت از این وضعیت، بیش از هر چیز در گرو آگاهی، اراده و مشارکت مردم ایران است. باور دارم که تنها با تکیه بر خرد جمعی و همت ملی می‌توان هم از تداوم و تشدید بحران‌ها جلوگیری کرد و هم برای حل آن‌ها راه‌حل‌هایی پایدار و مؤثر یافت. در این کتاب کوشیده‌ام به سهم خود، ضمن واکاوی مسائل، آن راه‌حل‌هایی را که به ذهنم رسیده، به‌عنوان یک ایرانی با هم‌وطنانم در میان بگذارم؛ با این امید که این تلاش، هرچند کوچک، گامی باشد در مسیر آگاهی، گفت‌وگو و تغییر.

در پایان، لازم می‌دانم از استاد عزیزم، آقای ابوالحسن بنی‌صدر، که دین بزرگی بر گردن من دارند و از ایشان بسیار آموخته‌ام، با نهایت احترام و قدردانی یاد کنم. همچنین از همسرم، آقای جهانگیر گلیان (گلزار)، صمیمانه سپاسگزارم که همواره با پشتیبانی و همراهی خود، شرایطی فراهم کرده است تا بتوانم با آرامش به تحقیق و نگارش بپردازم. نقش وی در تهیه، تنظیم و به‌ویژه در فرایند چاپ این کتاب بسیار پررنگ و تعیین‌کننده بوده است و از این بابت از صمیم قلب قدردان زحماتش هستم.

مقدمه تنظیم کننده و تهیه کننده

وضعیت‌سنجی، به مثابه روشی علمی برای شناخت واقعیت‌های اجتماعی، زمانی اعتبار می‌یابد که گذر زمان بر درستی آن گواهی دهد. مجموعه حاضر، که شامل وضعیت‌سنجی‌های منتشرشده از شماره ۳۸۰ تا ٤٠٥ است، بر پایه شناسایی امرهای واقع مستمر و بررسی رابطه‌های میان آن‌ها شکل گرفته و کوشیده است تصویری دقیق، پویا و زمان‌مند از وضعیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ارائه دهد.

این وضعیت سنجی‌ها نه تنها برای شناخت وضعیت موجود، بلکه برای درک پی‌آمدها، شناسایی وضعیت‌های آینده و یافتن راه کارهای بایسته تدوین شده‌اند و می‌توانند به‌عنوان منبعی پژوهشی در اختیار محققان، دانشجویان و علاقه مندان به تحلیل علمی واقعیت اجتماعی مخصوصا ایران قرار گیرند.

تهیه و گردآوری این مجموعه با هدف حفظ، سامان دهی و در دسترس قرار دادن این تحلیل‌ها انجام گرفته است، به امید آنکه در مسیر آگاهی، نقد مسئولانه و یافتن راه‌های برون رفت از بحران‌ها، سودمند واقع شود.

جهانگیر گلزار (گلیان)

وضعیت سنجی۳۸۰

تاریخ انتشار : ۰٦ آبان ۱٤۰۰

رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (۱)

در چندین وضعیت سنجی در سایت انقلاب اسلامی، نگارنده در باره قرارداد گاز معروف به کرسنت، کمابین ایران و امارات متحده عربی که شدیدا دچار نقص و آلوده به فساد بوده است،گزارش داده ام. اینبار مساله جریمه شدن قطعی ایران در دادگاه لاهه، ایران ابعاد تازه ای به این پرونده پر فساد بخشیده است که طرح دوباره آن با خوانندگان گرامی را ضرور می سازد.

در پی شکایت شرکت دانا گاز به دادگاه بین‌المللی داوری در پاریس، شرکت ملی نفت ایران درمهرماه ۱۴۰۰ به پرداخت ۶۰۷ میلیون دلار جریمه محکوم شد. شایان توجه است که این تنها جریمه تاخیر ۸.۵ سال اول درتحویل گاز به امارات است و ممکن است که ایران به مبلغ هنگفت دیگری که زیان ناشی از فسخ قرارداد در۱۶.۵ سال بعدی این قرارداد ۲۵ است، محکوم شود. این امر که ایران به چه میزان پرداخت خسارت محکوم شده است امری پیچیده است که در لابلای اظهارات متناقض و اغلب سانسور شده مقامات نظام ولایت فقیه بدرستی مشخص نیست. لذا در این شماره و دو شماره آینده با نقل انواع اظهار نظرها و امرهای واقع در کنار یکدیگر سعی میکنم با مشخص کردن تناقضها حقیقت هزار توی قرار داد کرسنت تا حدی آشکار شود.

در این شماره وضعیت سنجی برای یاد آوری روند این قرار داد ، به بررسی مفادآن قرارداد و نحوه شکل گیری فساد در آن می پردازم"

مذاکرات اولیه این قرارداد از سال ۱۹۹۷ آغاز شد و در نهایت، سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۱) در دوران ریاست جمهوری خاتمی(دولت هفتم) و در زمان وزارت بیژن نامدار زنگنه بعنوان وزیر نفت مابین شرکت ملی نفت ایران و شرکت «دانا گاز» که بزرگ‌ترین سهام‌دار آن شرکت اماراتی کرسنت پتاست قراردادی معروف به قرار داد کرسنت بصورت نهایی منعقد گردید .بر مبنای این قرار داد ایران متعهد گردید که بمدت ۲۵ سال همانا از ابتدای سال ۲۰۰۵با احداث خط لوله و با هزینه احداث ۲ میلیارد دلار روزانه معادل ۵۰۰ میلیون فوت مکعب گاز ترش (گاز فرآوری نشده)درمیدان مشترک سلمان واقع در استان هرمزگان و میدان گازی مشترکی با میدان ابوالبوخوش امارات متحده عربی است را از آغاز سال ۲۰۰۵به

امارات بفروشد(که گویا بدون بررسی های میدانی و جدی این قرارداد منعقد شده است و به اقرار علیرضا زاکانی نماینده وقت مجلس نظام درتیر ماه ۹۴ ،میدان گازی سلمان حاوی چنین مقدار گاز پیش بینی شده نبوده است که بتواند در طول ۲۵ سال این حجم از گاز را از آن استخراج کرد !) و قرار بوده سپس بتدریج حجم صادرات و فروش گاز به امارات بیش از ۸۰۰ میلیون فوت مکعب افزایش بیابد. در آن زمان محاسبه شده بود که ایران سالانه ۱ میلیارد دلار در آمد بابت صادرات گاز ترش به امارات کسب در آمد خواهد کرد .

قیمت فروش گازدر این قرارداد:

در طول دوره ۲۵ ساله این قرارداد، درآمد ایران از فروش گاز به کرسنت بین ۱۶ تا ۲۰ درصد(حدود یک‌پنجم) بهای گاز قرارداد ایران با ترکیه در دوره مشابه ۲۵ ساله می‌شد. بهای فروش گاز در قرارداد یاد شده برپایه هزار مترمکعب گاز، معادل یک بشکه نفت درنظر گرفته شد. در این قرارداد، برای هفت سال اول فروش گاز ایران، قیمت نفت به‌صورت ثابت و به میزان ۱۸ دلار برای هر بشکه نفت تعیین شده و بهای فروش هر هزار مترمکعب گاز نیز به همین نسبت ۱۷,۵ دلار درنظر گرفته شد. برای ۱۸ سال بعد، از ۷ سال اولیه و تا پایان زمان ۲۵ ساله قرارداد، قیمت فروش گاز برپایه قیمت نفت خام دبی(۴۰ دلار در هر بشکه)، به صورت ثابت هر هزار مترمکعب ۳۸,۸۵ دلار تعیین شد..

اتهام‌هایی مانند رد پای رشوه در این قرارداد در کنار مسائلی مانند ثابت بودن بهای فروش گاز و پایین‌بودن بهای گاز فروشی به امارات باعث شد که پس از تغییر دولت خاتمی و روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، دولت وی این قرارداد را یک‌طرفه لغو کند.

کرسنت از جمله پرونده هایی است که مقامات دو جناح نظام ولایت فقیه یکدیگر را درضعیف بودن بهای گاز فروشی به امارات و نیز اجرا نشدن و نیز ایجاد فساد و گرفتن رشوه های کلان متهم می کنند. از "محمدخاتمی" و"بیژن زنگنه" گرفته تا «حسن روحانی» و «محمود احمدی‌نژاد» و«سعید جلیلی» که در لغو این قرارداد نقش داشته‌اند و از برخی از افراد نزدیک به دفتر آیت‌الله «خمینی» گرفته تا نزدیکان «محمدرضا رحیمی» و «علی کردان» متهم به دریافت رشوه در این پرونده هستند. خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران، نیز روز دوم آبان ۱۴۰۰ مطلب تهدیدآمیزی درباره قرارداد کرسنت منتشرکرد که در آن «بیژن نامدار زنگنه»، «حسن روحانی» و «محمد خاتمی» به محاکمه تهدید شدند.

نمونه هایی چند از افشا گری جناحین نظام، نسبت به هم در فساد در قرارداد کرسنت:

روزنامه کیهان در شهریور ماه سال ۱۳۸۷ از «مهرداد انصاری شیرازی» مشهور به «همایون»، نام میبرد و وی را رابط پرونده کرسنت دانسته و اعلام کرده است که وی ابتدا ساکن لندن و به امارات نقل مکان کرده بود و در معاملاتی همچون خرید دکل گرفته تا قراردادهای توسعه میادین یا صادرات گاز نقش داشته است.

بر اساس خاطرات «علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی»، مهرداد انصاری شیرازی در دهه ۱۳۶۰ نیز در تامین اسلحه برای نظام حاکم نقش داشته و به اخذ رشوه از کمپانی «نوریکو» در خرید توپ‌های اتریشی۱۵۵ متهم شده و در خانه «مصطفی کفاش‌زاده» بازداشت شده بود. مصطفی کفاش‌زاده از خدمتگزاران آیت‌الله خمینی در پاریس و تهران بوده است. نام مهرداد انصاری شیرازی سال ۱۳۹۴ نیز در پرونده دکل نفتی مطرح شد.

در دوران محمد خاتمی عده ای به قیمت نازل گاز در این قرارداد معترض شدند و استدلال آنها این بود که به جای اینکه قیمت گاز به صورت شناور و متناسب با افزایش نرخ جهانی محاسبه شود، قیمت گاز در قرار داد کرسنت تقریباً به صورت ثابت تعیین شده است به گونه‌ای که بعد از چند سال پول استخراج گاز هم تأمین نمی‌شود.

از جمله ایرادات امنیتی که به کرسنت گرفته می شود این است که اماراتی‌ها طبق قراردادی که در زمان پهلوی به امضا رسیده بود، حدود ٤٠ سال در آبهای تحت مالکیت ایران حضور داشتند و عملاً با تعیین همان نقطه برای تحویل گاز در قرارداد کرسنت، حضور اماراتی‌ها در آبهای ایران در نزدیکی جزایر سه‌گانه، برای مدت ۲۵ سال دیگر ادامه پیدا می‌کرد !

خاتمی پرونده این قرارداد را به شورای عالی امنیت ملی فرستاد وحسن روحانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی انعقاد قرارداد با شرکت اماراتی «کرسنت» را بیرون از چارچوب قانون، از طریق «واسطه» و دارای آثار منفی فراوان برای کشور دانست. قیمت و شرایط قرارداد را در مقایسه با منطقه «بسیار پایین و غیرمطلوب» خوانده بود و نوشته بود که این قرارداد" از طریق واسطه‌ها و عدم ارتباط مستقیم دولتی با یک شرکت غیرمعتبر به امضا رسیده است. "

در اواخر دولت هشتم خاتمی، سازمان بازرسی کل کشور، حسن روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی کشور و حمیدرضا کاتوزیان رئیس کمیسیون انرژی مجلس هشتم ایراداتی در ابعاد تجاری، اقتصادی، حقوقی، فنی و امنیتی به این قرارداد گرفتند و در روز دهم بهمن سال ۸۴ محمدرضا رحیمی رئیس وقت دیوان محاسبات

کشور، با استدلال به صرفه نبودن این قرارداد، از آن به «خیانت» تعبیر کرد و خواستار لغو آن شد. بیژن زنگنه اما به نقل از خبر انلاین در واکنش به این اظهارات گفت که این بهترین قرارداد گازی بوده که تا کنون امضاء شده و هنوز هم از این قرارداد به شدت دفاع می‌کند. او با تأکید که در پاسخ به مخالفان نامه‌ای ۴۰ صفحه‌ای در رد آرای مخالفانش و نیز درست بودن این قرارداد نوشته است؛ و گفته است که «من هنوزم معتقدم این بهترین قرارداد گازی بوده که تا کنون منعقد شده و هنوزم از آن دفاع می‌کنم.

زاکانی بعدها در این باره گفت: سال ۸۷ ما از جانب این قرارداد ۵۶ میلیارد دلار عدم نفع دریافت کردیم؛ در واقع طبق گزارش دستگاه‌های نظارتی کشور از جمله دیوان محاسبات و دستگاه‌های اطلاعاتی در قرارداد کرسنت، ایران ۴۳ میلیارد دلار ضرر کرده است. این گزارش‌ها طی نامه‌ای به رئیس جمهور اعلام شده است. وی در خصوص نقش دلالان و فساد در این قرارداد گفت که چهار گروه دلال در کرسنت فعال بودند که گروه اول یا فرد اول کسانی هستند که ما به ازای ۴۸ سنت فروش گاز، ۸ سنت دریافت می‌کردند؛ یعنی ۷۰ میلیون ایرانی، ۴۸ سنت دریافت می‌کردند و یک نفر برای دلالی فروش گاز، ۸ سنت دریافت می‌کرده است. گروه دوم، یک تا یک و نیم درصد از اصل فروش گاز را دریافت می‌کرده است. گروه سوم نیز مربوط به آقایان عباس یزدان‌پناه یزدی و مهدی هاشمی رفسنجانی می‌شود که دلالی ماجرا را از سال ۷۹ تا ۸۱ بر عهده داشتند. گروه چهارم هم مربوط به علی ترقی‌جاه می‌شود که دلالی این قرارداد را از سال ۸۳ آغاز کرد.

در دولت احمدی نژاد (دولت نهم) نیز اسناد تازه ای از فساد و رشوه و تخلف از این قرارداد یافت شد. دولت احمدی نژاد معتقد بود که این قرار داد حدود ۲۰ میلیارد دلار زیان به ایران وارد خواهد کرد ، لذا اجرای این قرارداد متوقف شد.

جالب توجه اینکه وزیری هامانه و نوذری دو وزیر نفت این دولت خود از عوامل انعقاد قرارداد کرسنت بودند !اما با پی‌گیری دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و سازمان بازرسی کل کشور، اجرای قرارداد کرسنت تعلیق شد. استدلال حقوقی برای بطلان قرارداد، فساد در حین انعقاد قرارداد و فساد در زمان صدور الحاقیه‌های قرارداد بود.

از سوی دیگر شرکت کرسنت خواستار آن شد که ایران به اجرای این قرارداد ملزم شود و طبق قرارداد گاز به ثمن بخس به امارات صادر شود و از سال ۲۰۰۵(زمان اجرای قرارداد) به صورت سالانه یک میلیارد دلار خسارت دریافت کند.

گفتنی است حداد عادل که پدر خانم مجتبی خامنه ای است باجناقی دارد بنام مسعود ترقی جاه که ریاست شبکه گفتگوی صدا و سیما را داشت. گفته برادر دیگر همان باجناق (علی ترقی جاه که درفوق در نقل قول از زاکانی نامش برده شد)، را به

نمایندگی مجتبی در قرارداد کرسنت شرکت داشت. علی ترقی‌جاه و تعدادی از افرادی که در رابطه با این قرارداد رشوه دریافت کرده بودند، احضار و بازداشت شدند و اقاریر مفصل و متعددی در این باره داشتند.

مکانیسم این فساد نیز بدین‌گونه بوده که عباس یزدان‌پناه و علی ترقی‌جاه و چند دلال دیگر به واسطه ارتباطاتشان با مقامات دولتی، به‌عنوان کارگزاران شرکت کرسنت وارد عمل شده و با پرداخت رشوه‌های کلان به افراد، موجبات انعقاد امضای اصل قرارداد و الحاقیه‌های آن می‌شوند.

گفته می شود: که اسنادی که به دست طرف ایرانی رسیده است نشان می‌دهد که در سالهای ۲۰۰٤-۱۹۹٦ یعنی دوران وزارت نفت بیژن زنگنه در دولت خاتمی تمام قراردادهای نفتی بین‌المللی، مذاکرات این قراردادها و اصولا هر اتفاق مهمی که در وزارت نفت می‌افتاد، یک نسخه‌اش در دفتر عباس یزدان‌پناه در لندن موجود بوده است.

علیرضا زاکانی نماینده وقت در مجلس نظام در ۲۰ دی ۹٤ در این باره در یک نشست خبری اعلام کرد: این ادعای محرمانه بودن اسناد در حالی بیان می‌شود که پلیس ضد فساد انگلیس به دفتر عباس یزدان‌پناه یزدی در لندن رفت و مشاهده کرد که اسناد وزارت نفت ایران از سال ۷٦ تا ۸٤ در دفتر کامپیوتر شخصی این فرد در لندن است.. سوال ما این است که چرا این افراد به واسطه مهدی هاشمی محرم می‌شوند و همه قراردادهای نفتی ایران در لندن در دست آنهاست در حالی که این اسناد در بازرسی کل کشور بلوکه شد و در دوره جدید بازرسی کل کشور مورد بررسی قرار گرفت.

ژاله وفا : این اسناد نشان‌دهنده روال و عملکرد وزارت نفت دوران بیژن زنگنه است و تنها به قرارداد کرسنت منحصر نمی‌شود و قراردادهای دیگری همچون استات اویل و توتال را نیز دربرمی‌گیرد. عباس یزدان‌پناه از دوستان نزدیک مهدی هاشمی است که از دوران نوجوانی با او همراه بوده است. یزدان‌پناه در اوایل دهه ۷۰ و در دوران ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی در یک پرونده جاسوسی صنعتی دستگیر می‌شود اما در حالی که با تخفیف به ۸ سال زندان محکوم شده بود، با اعمال نفوذ از زندان آزاد می‌شود و به انگلستان می‌رود. او نزدیک‌ترین فرد به مهدی هاشمی در دوران حضور در لندن و دبی بوده است و پس از این که در یک ویدئوکنفرانس از محل شرکت کرسنت در دادگاه لاهه حضور می‌یابد و با سئوالات فنی طرف ایرانی مواجه می‌شود، و سپس ناپدید می‌شود و خانواده‌اش ادعا می‌کنند که او توسط گروه ضربت دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ربوده شده است.عباس یزدان‌پناه در ویدئوکنفرانس در دادگاه لاهه ارتشا در قراردادهای نفتی

را می‌پذیرد و اظهار می‌دارد که در یک قلم ٦٠ میلیون دلار رشوه گرفته است. علی ترقی‌جاه نیز گرچه حاضر به شرکت در دادگاه لاهه نشد اما تعدادی از نزدیکان او ازجمله منشی دفتر لندن ترقی جاه با حضور در دادگاه درباره مراودات گسترده او با حمید جعفر اظهاراتی را بیان داشتند. به هر حال به جز اسنادی که نزد عباس یزدان‌پناه موجود بوده، نسخه ای از این اسناد در دفتر رئیس هیات امنای دانشگاه آزاد در خیابان پاسداران نیز موجود بود که با دستور مقام قضایی در خرداد ١٣٨٩ ضبط شد.حتی اسناد مربوط به مراوده مالی گسترده حمید جعفر رئیس شرکت کرسنت و دلالان پرونده از بانک انگلیسی استاندارد چارتر به دست آمده است.

علیرضا زاکانی در ٢٠ دی ٩٤ به نقل از فارس و رجا نیوز در یک نشست خبری اعلام کرد:یکی دیگر از تلخ‌ترین نکات در این پرونده نکاتی بود که علی ترقی‌جاه لیستی را با حمید جعفر تنظیم کرده بود که به ازای آن ٧,١٥ میلیون درهم به حسابش در فاصله دی تا شهریور ٨٤ ریخته شده است. در تعهدات ترقی‌جاه که در لاهه صحت خط و امضای آن مشخص شد وعده شده بود که حمید جعفر با زنگنه دیدار کند. مهمترین موضوع دیگر الحاقیه محرمانه ٦ در پرونده کرسنت بود که در زمان زنگنه توسط جوادی (مدیرعامل شرکت ملی نفت) امضا شد و ملت را از حقوق اصلی محروم کرد.

میزان خسارت وارده از طریق قرارداد کرسنت به ایران:

عباس زاکانی نماینده وقت مجلس نظام در ٢٠ دیماه سال ٩٤ میزان خسارت وارده به ایران را در قرارداد در کرسنت بالغ بر٥٠ میلیارد دلار (شامل جرائم و عدم‌النفع) برآورد کرد.

بدینسان ملاحظه می شود که افرادی از مسئولان نظام ولایت فقیه در قرارداد فروش گازبه امارات دست به فساد زده و جدای از فروش گاز به بهای بسیار اندک و با شرایطی کاملا یکطرفه به نفع طرف مقابل حقوق ملی مردم ایران را خدشه دار کرده اند. برخی از مدیران و مسئولین نفتی و نیز افرادی همچون مهدی هاشمی با رشوه‌ای که از طرف اماراتی این قرارداد گرفته‌اند، زمینه امضای آن را فراهم کرده اند. اعتراف به دریافت یک قلم رشوه به مبلغ ٦٠ میلیون دلار توسط عباس یزدان پناه یزدی، دستیار مهدی هاشمی رفسنجانی در رشوه ستانی است که مفقودالاثر شده است (*) و٨٥ میلیون دلار رشوه‌ای که مهدی هاشمی ستانده است بخشی از رشوه‌هایی است که برای به امضاء رساندن این قرارداد ستانده شده اند.

شایان ذکر است که خبرگزاری فارس در فروردین ٩٣ با میرکاظمی رئیس وقت کمیسیون انرژی مجلس انجام داده است که این بخش ان حائز اهمیت است :

سوال خبر گزاری فارس: **آقای میرکاظمی اشاره‌ای به تخلف ویژه کرسنت داشتید. به نظر شما اصلا این موضوع امنیتی است؟**

* **میرکاظمی**: به نظر ما موضوع اصلا امنیتی نیست و کاملا یک مسئله اقتصادی محسوب می‌شود. مجلس حق نظارت بر این موضوع را دارد تا مطمئن شود مستندات ارائه شده به دادگاه لاهه در راستای تامین منافع ملی و دفاع از حقوق ایران است. برخی‌ها می‌خواهند به سمت مصالحه رفته و برخی نیز می‌خواهند خود را تبرئه کنند که ما می‌گوییم نباید اینگونه باشد و باید منافع ملی در نظر گرفته شود. از این موضوع نگرانی‌هایی داشتیم و بر همین اساس خواستیم که اطلاعات مربوطه در اختیار ما قرار گیرد که متاسفانه این اطلاعات در اختیار مجلس قرار نگرفت.

ژاله وفا : «برخی می‌خواهند به سمت مصالحه برویم» یعنی این برخی می‌گویند با شاکی مصالحه شود. زیرا نباید دولت ایران به دادگاه لاهه اعتراف میکرد که مهدی هاشمی فرزند هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت رشوه نظام ستانده است. چرا؟ زیرا «اعتبار نظام» از بین می‌رود. به سخن دیگر، «منافع خانواده هاشمی رفسنجانی» بطور خاص و منافع مافیاها بطور عام، بر «منافع ملی» و صد البته حقوق ملی مقدم است

جالب توجه اینکه علاوه بر خساراتی که از بابت قرار داد کرسنت و ارزان فروشی گاز به اماراتی ها متوجه ایران شد یک ضرر دیگر نیز گریبان ایران را گرفت :همزمان با قرارداد کرسنت، ایران قراردادهای فروش گاز به ترکیه را نیز منعقد کرده بود که قرارداد بوتاش یکی از این قراردادها بود. اما پس از آنکه در قرارداد کرسنت، گاز میدان سلمان به قیمت بسیار ارزانی به اماراتی‌ها فروخته و در قبال آن رشوه‌های سنگینی دریافت شد، ترک‌ها زبان به اعتراض و شکایت گشودند. در واقع اعتراض ترک‌ها به اختلاف قیمت گاز در این ۲ قرارداد بود. این شکایت در نهایت منجر به پیروزی ترک‌ها و پرداخت خسارت ٦/٥ میلیارد دلاری از سوی ایران به این شرکت ترکیه شد.

مقصر اصلی در ماجرای شکایت شرکت اماراتی به دادگاه بین المللی لاهه :

در این زمینه که به چه دلیل شرکت اماراتی کرسنت از ایران به دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت کرد دو نقل‌قول وجود دارد:

امضاکنندگان قرارداد منجمله بیژن نامدار زنگنه معتقد اند فسخ قرارداد از سوی دولت احمدی‌نژاد، دلیل اصلی شکایت کرسنت است. آن‌طور که مسئولان وزارت نفت در دولت اصلاحات و نیز دولت روحانی اظهار نظر می کنند، این قرارداد با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد متوقف شده؛ چراکه مسئولان آن زمان، عقیده داشتند که بهای گاز صادراتی در این قرارداد بسیار نازل درنظر گرفته شده، و این امر باعث وارد آمدن حدود ۲۰ میلیارد دلار زیان به ایران خواهد بود.

برخی معتقدند که اقدام به لغو قرارداد بود که موجب شد تا مقامات شرکت اماراتی کرسنت از ایران به دادگاه لاهه شکایت کنند تا ایران مجبور به اجرای این قرارداد یا پرداخت خسارت سنگین به این شرکت شود.

اما هدایت‌الله خادمی، نایب‌رئیس سابق کمیسیون انرژی در گفت‌وگویی مدعی شده بود بیژن زنگنه و مدیران وزارت نفت سعی دارند با ارائه آمارهای اشتباه و عجیب، خود را از قصورات تبرئه کنند، مثلا می‌گویند دولت احمدی‌نژاد قرارداد را فسخ کرد درحالی که این یک دروغ بزرگ است، قرارداد کرسنت هیچ‌گاه از سوی ایران فسخ نشد، بلکه این کرسنت بود که در میانه مذاکرات با شرکت ملی نفت، به یک‌باره تصمیم گرفت مذاکره را ترک کرده و به لاهه شکایت کند و«شکایت کرسنت به این دلیل بود که معتقد بود ایران به تعهدات خود عمل نکرده است. براساس قرارداد، گاز سلمان باید در سال۸٤ در اختیار این شرکت قرار می‌گرفت ولی توسعه این میدان در دولت اصلاحات تنها ۵۰ درصد پیشرفت کرد که بر این اساس، اولین مقصر دراین‌باره وزیر نفت است که چرا نتوانست توسعه میدان سلمان را به موقع انجام دهد» .

«حسن روحانی»، رییس‌جمهوری سابق در تاریخ ۲۴مرداد۱۳۹۲ درمجلس در دفاع از بیژن زنگنه بعنوان وزیر نفت دولت خود که قرارداد کرسنت دردوره او امضا شده بود، گفت: «در بحث کرسنت، اولین کسی که به قرارداد اشکال گرفت، بنده به عنوان دبیرشورای عالی امنیت ملی بودم "

سانسور پی در پی مردم ایران، در باره محتوای قرارد اد و نیز میزان رشوه های دریافت شده و جریمه ها و نقض حقوق ملی:

●در تیر۹۳ / خبرگزاری مهر به نقل از علیرضا زاکانی نوشت: وی با یادآوری اینکه بین ۷ تا ۸ میلیارد دلار از این رقم ضرر دیرکرد است و ایران برای ۲۵ سال باید گاز تحویل دهد، تاکید کرده بود: میدان گازی سلمان به اندازه ۲۵ سال گازی برای تحویل به امارات نداشته است؛ چنانکه ١٤ اشکال فنی به قرارداد کرسنت وارد است که یکی از آنها پیش فروش گازی است که اساساً در این میدان وجود ندارد و دیگری اشکالات سرزمینی است که الان به آن نمی‌پردازم.

● درآذرماه ۹۳ / سانسور مردم توسط پورمحمدی(که در کشتار چند هزار نفر درسال ٦٧ دست داشت) و وزیر دادگستری دولت روحانی شده بود

وی در این رابطه اظهار داشت: پرونده کرسنت، پرونده سیاسی نیست بلکه فنی و تکنیکی است و مسئولان باید تلاش کنند گیر این پرونده را برطرف کنند و اینکه تصمیمی خوب یا بد گرفته شده است مشکلی را برطرف نمی‌کند و ۷ یا ۸ سال هم از ابتدای کار گذشته و دولت آمده تا کرسنت را حل کند تا کشور متحمل خسارت نشود و دستگاه‌های عالی نیز در جریان هستند اما قرار نیست پرونده پیچیده مالی و حقوقی در اختیار همه قرار گیرد. زمانی که کار به نتیجه رسید جزئیات آن بیان می‌شود.

● در دی ۹۳ / عدم ورود"دستگاه قضا" به پرونده کرسنت

»محمدعلی پورمختار رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نظام ولایت فقیه: « در پرونده کرسنت پس از ارسال گزارشات واصله موضوع را به مراجع ذیربط منعکس کردیم ولی بخشی از محتوای این پرونده به دلیل طبقه‌بندی اطلاعاتی قابل انتشار نیست. پرونده کرسنت بنابر مصوبه شورای عالی امنیت ملی در دستگاه قضا بررسی نمی‌شود و این پرونده در حال حاضر در شورای عالی امنیت ملی مطرح بوده و طبق مصوبه این شورا رسیدگی به آن در شورای عالی امنیت ملی در دست انجام است لذا اطلاع‌رسانی پیرامون این پرونده نیز همسو با مصوبه شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود. »

●در ۲۰دیماه ۹٤/علیرضا زاکانی:الحاقیه ششم زمانی که منعقد شد، توسط مسئولان وزارت نفت، محرمانه اعلام شد، به همین دلیل آقای حمید جعفر، مدیرعامل شرکت کرسنت توانست از طریق مفادی که در قرارداد محرمانه کرسنت وجود داشت، به دادگاه لاهه علیه ایران شکایت کند.

در شماره آینده چگونگی روند رشوه گرفتن و نیز علت شکایت شرکت کرسنت به دادگاه لاهه را بیشتر توضیح می دهم.

پاورقی

*عباس یزدان پناه یزدی بازرگان و واسطه ایرانی بریتانیایی که در سال ۲۰۱۳ در دبی ربوده شده و بعد از آن کسی از او خبر ندارد

در مورد سرنوشت او، اطلاعات ضد و نقیضی منتشر شده و پلیس امارات مدعی شده که نیروهای امنیتی ایران اقدام به ربودن او کرده‌اند. وزارت امور خارجه ایران، این اتهام را رد کرده است. همسر آقای یزدان پناه گفته که وزارت امور

خارجه بریتانیا او را آگاه کرده که شوهرش در جریان آدم‌ربایی جان باخته است. پلیس متروپولیتن لندن تأیید کرده که افسران پلیس ضدتروریسم هم در تحقیقات مربوط به پرونده ناپدید شدن آقای یزدان پناه شرکت داشته‌اند. احمد توکلی با تأکید بر اینکه «عباس یزدان‌پناه در دبی به طرز مرموزی به قتل رسیده» مدعی شد: «مهدی هاشمی در دادگاه پس از پخش فیلم اعترافات یزدان‌پناه که در بازداشت‌های قبلی ثبت شده بود با عصبانیت می‌گوید قتل یزدان‌پناه کار مافیایی است و اعترافات او را رد می‌کند.» در اسفند ۱۳۹۳ دادگاهی در امارات متحده عربی شش شهروند ایران را به اتهام ربودن عباس یزدان‌پناه یزدی، بازرگان ایرانی-بریتانیایی، به حبس ابد محکوم کرد. خبرگزاری رویترز روز پنج‌شنبه، هفتم اسفندماه، به نقل از دادستانان در دوبی گفت که این متهمان با حمله به آقای یزدی و تزریق دارو به او توانسته‌اند وی را از بندری در شارجه به ایران منتقل کنند.

****

وضعیت سنجی ۳۸۱

تاریخ انتشار : ۱٤ آبان ماه ۱٤۰۰

رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (بخش ۲)

قرارداد کرسنت در سال ۲۰۰۱ میلادی (۱۳۸۱ شمسی) در زمانی که رییس جمهوری ایران "سید محمد خاتمی"، دبیر شورای عالی امنیت ملی "حسن روحانی" و وزیر نفت "بیژن زنگنه" بود، به امضا رسید. به‌موجب این قرارداد، مقرر شد تا ایران روزانه ۱۵میلیون متر کعب از گاز ترش از میدان سلمان را تا ۲۵ سال به این شرکت اماراتی بفروشد. به اعتقاد کارشناسان این قرارداد از جنبه‌های مختلفی دارای ایرادات اساسی است و هزینه‌های هنگفتی را برای کشور در پی داشته است. در شماره قبل به ابعادی از این ایرادات پرداختیم و تاکید کردیم که مسایل پیرامون قرارداد کرسنت امری پیچیده است که در لابلای اظهارات متناقض و اغلب سانسور شده مقامات نظام ولایت فقیه بدرستی مشخص نیست. لذا در چند شماره ای که به این موضوع اختصاص می دهیم، سعی می کنیم با نقل انواع اظهار نظرها و

قراردادن امرهای واقع در کناریکدیگر ، تناقضها را مشخص کرده تا حقیقت هزار توی قرار داد کرسنت تا حدی آشکار شود.و نیز مختصرا گفتیم که :

مقصر اصلی در ماجرای شکایت شرکت اماراتی به دادگاه بین المللی لاهه :

در این زمینه که به چه دلیل شرکت اماراتی کرسنت از ایران به دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت کرد دو نقل‌قول وجود دارد:

امضاکنندگان قرارداد منجمله بیژن نامدار زنگنه معتقدند فسخ قرارداد از سوی دولت احمدی‌نژاد، دلیل اصلی شکایت کرسنت است و معتقدند که اقدام به لغو قرارداد بود که موجب شد تا مقامات شرکت اماراتی کرسنت از ایران به دادگاه لاهه شکایت کنند تا ایران مجبور به اجرای این قرارداد یا پرداخت خسارت سنگین به این شرکت شود.

از طرف دیگر طرفداران دولت احمدی نژاد معتقدند که دولت احمدی‌نژاد قرارداد را فسخ نکرد و قرارداد کرسنت هیچ‌گاه از سوی ایران فسخ نشد، بلکه این کرسنت بود که در میانه مذاکرات با شرکت ملی نفت، به یک‌باره تصمیم گرفت مذاکره را ترک کرده و به لاهه شکایت کند و«شکایت کرسنت به این دلیل بود که معتقد بود ایران به تعهدات خود عمل نکرده است.

ژاله وفا :اما ماجرا عمیقتر این حرفها است .در این شماره در بررسی روندی که قرارداد کرسنت طی کرده است بسیاری از امور طبق مرسوم سنواتی در نظام ولایت فقیه، غیر شفاف است و مسئولین نظام نه تنها هیچ گونه توضیحی به مردم نداده اند و حقوق ملی مردم ایران را به هیچ انگاشته اند،بلکه با یک سری مصلحت سنجی ها و اهمال کاری ها و سانسورها صورت مساله را مبهم و نامشخص گذاشته اند. در مورد اطلاعاتی که در مصاحبه ها و یا مطبوعات متعلق به جناحین نظام درز پیدا کرده اند ، بایستی گفت که نه افشای آن اطلاعات نه برای حفظ حقوق ملی بلکه از سر قدرت و در جهت حذف رقیب اشاراتی شده است.

در این شماره به ذکر ایراداتی می پردازیم که جناح مقابل به وزیر وقت نفت آقای بیژن نامدار زنگنه وارد می داند و نیز مسئولیت دولتهای خاتمی و روحانی. این ایرادات بصورت پراکنده در مصاحبه های و مقالات و مطبوعات درج شده اند و اینجانب جمع آوری کرده و دسته بندی شده در اختیار خوانندگان قرار می دهم. و در شماره آینده نیز به ادامه این ایرادات پر شمار خواهم پرداخت و در شماره های بعدی به پاسخ زنگنه و نیز نتیجه گیری نگارنده و به بررسی نقش مردم در این زمینه اختصاص خواهم داد.

ایراداتی که به دولت خاتمی و دولت روحانی و وزیر نفت درهر دو دولت،آقای بیژن نامدار زنگنه وارد است:

در واقع امر سلسه ایراداتی که به عملکرد زنگنه و دولت اصلاحات (خاتمی) در انعقاد قرارداد کرسنت و روندی که در پیش گرفته است و همچنین نقش دولت روحانی در انتخاب زنگنه به مثابه وزیر نفت ،گرفته می شود بسیار زیاد است و پاسخ شفافی نیز از طرف مقابل دریافت نکرده است .اینجانب سعی کرده ام آنهارا ازلابلای مصاحبه ها و نوشته های مسئولین نظام جمع آوری کرده و بترتیب ذیل در اختیار شما خوانندگان محترم قرار دهم:

۱-ایراد اول عدم اجرای تعهد در زمان موعود در قرارداد است

– در دولت دوم اصلاحات قراردادی برای فروش روزانه ۱۵ میلیون متر مکعب از گاز ترش میدان سلمان بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت کرسنت پترولیوم منعقد می‌شود. به اعتقاد کارشناسان این قرارداد از جنبه‌های مختلفی دارای ایرادات اساسی است و هزینه‌های هنگفتی را برای کشور در پی داشت. بر اساس مفاد قرارداد ایران باید فروش گاز به کرسنت را در زمستان ۸۴ آغاز می‌کرد. از اینرو وزیر وقت (بیژن نامدار زنگنه) که قرارداد را در سال ۱۳۸۱ امضا کرده بود باید گاز را به طرف قرارداد میداد. اما روندتوسعه میدان سلمان کند بود و تنها۵۰ درصد پیشرفت داشت ودر اینصورت امکان صادرات گاز به امارات تا سال ۸۹ وجود نداشت. و گویا بدون بررسی های میدانی و جدی این قرارداد منعقد شده است و به اقرار علیرضا زاکانی نماینده وقت مجلس نظام درتیر ماه ۹۴ ،میدان گازی سلمان حاوی چنین مقدار گاز پیش بینی شده نبوده است که بتواند در طول ۲۵ سال این حجم از گاز را از آن استخراج کرد .بنابراین زنگنه مسئول است که چرا قراردادی را امضا کرده که در ۴ سال اول وزارتش قادر به تامین مفاد آن نیست. در۴ سال دوم اما فرصت برای اجرا بود ولی باز قرار داد اجرای نشد. نسبت به دلایل این تاخیر و مسئولیت وی ، تا کنون زنگنه هیچ موضع شفافی نگرفته است. کرسنت در میانه مذاکرات با شرکت ملی نفت، به یک‌باره تصمیم گرفت مذاکره را ترک کرده و به لاهه شکایت کند.دلیل شکایت هم عدم اجرای تعهدات از سوی شرکت ملی نفت ایران بود و نه فسخ یک طرفه قرارداد.

۲- ایراد دوم :عدم توجه به مسائل امنیتی در خصوص محل تحویل گاز است.

چرا که اماراتی‌ها طبق قراردادی که در زمان پهلوی به امضا رسیده بود، حدود ۴۰ سال در آبهای تحت مالکیت ایران حضور داشتند و در قرارداد کرسنت محل تحویل گاز در آب‌های سرزمینی ایران در جزیره ابوموسی روی سکوی مبارک در نظر

گرفته شده بود .یعنی عملاً با تعیین همان نقطه برای تحویل گاز در قرارداد کرسنت، حضور اماراتی‌ها در آبهای ایران در نزدیکی جزایر سه‌گانه، برای مدت ۲۵ سال دیگر ادامه پیدا می‌کرد. درحالی که محل تحویل باید در مرز آبی دو کشور ایران و امارات تعیین می‌شد. تا راه را بر ادعاهای ارضی امارات درباره جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک ایران ببندد.

۳- ایراد سوم: آغاز فساد و پنهانکاری نسبت به مردم در مورد قیمت گاز صادراتی ایران به امارات

در طول دوره ۲۵ ساله این قرارداد، درآمد ایران از فروش گاز به کرسنت بین ۱۶ تا ۲۰ درصد(حدود یک‌پنجم) بهای گاز قرارداد ایران با ترکیه در دوره مشابه ۲۵ ساله می‌شد. بهای فروش گاز در قرارداد یاد شده برپایه هزار مترمکعب گاز، معادل یک بشکه نفت درنظر گرفته شد. در این قرارداد، برای هفت سال اول فروش گاز ایران، قیمت نفت به‌صورت ثابت و به میزان ۱۸ دلار برای هر بشکه نفت تعیین شده و بهای فروش هر هزار مترمکعب گاز نیز به همین نسبت ۱۷.۵ دلار درنظر گرفته شد. برای ۱۸ سال بعد، از ۷ سال اولیه و تا پایان زمان ۲۵ ساله قرارداد، قیمت فروش گاز برپایه قیمت نفت خام دبی(۴۰ دلار در هر بشکه)، به صورت ثابت هر هزار مترمکعب ۳۸.۸۵ دلار تعیین شد. چنان که با افزایش قیمت نفت سود کرسنت به‌شدت افزایش می‌یافت و این اصلاً قابل مقایسه با سود شرکت نفت از اجرای این قرارداد نبود.

در واقع امر شیوه قیمت‌گذاری گاز در قرارداد کرسنت نه تنها تابعی از قیمت جهانی نفت نبود بلکه حتی در تعیین نرخ ثابت قیمت نفت نیز به کرسنت امتیازات ویژه‌ای داده شد؛ به طوری که ششمین الحاقیه این قرارداد در حالی در جولای سال ۲۰۰۴ با مبنا قرار دادن قیمت ۱۸ دلاری هر بشکه نفت به امضای طرفین رسید که قیمت جهانی نفت در این سال حدود ۴۰ دلار در هر بشکه بوده است. بدین صورت وزارت نفت دولت اصلاحات حتی از آخرین فرصت برای اصلاح شیوه قیمت‌گذاری گاز در این قرارداد استفاده نکرد. به زبان دیگر تناسب بسیار کم‌قیمت گاز ایران با قیمت جهانی نفت در قرارداد کرسنت موجب شده بود که هرچه قیمت نفت بیشتر افزایش میافت ، عدم‌النفع ایران از اجرای این قرارداد به صورت تصاعدی بیشتر می شد. شایان ذکر است که توافق وزارت نفت با قیمت‌گذاری گاز صادراتی با قیمت ثابت نفت در قرارداد معروف به قرارداد کرسنت در حالی صورت پذیرفت که پیش‌بینی همه مؤسسات مطالعات بین‌المللی انرژی بر جهش قیمت نفت تا ۱۰۰ دلار در هر بشکه در سال‌های آتی حکایت داشت و اتفاقا همین

اتفاق نیز در عمل افتاد و در سالهای حکومت دولت نهم به بالای بشکه ای ۱۱۰ دلار رسید. شیوه قیمت‌گذاری غلط در قرارداد کرسنت وعدم رعایت منافع ملی در قیمت‌گذاری گاز فقط موجب متضرر شدن ایران در این قرارداد نمی‌شد بلکه بر روی سایر قراردادهای صادرات گاز ایران نیز تأثیر منفی می‌گذاشت؛ همان‌طور که این قرارداد به سندی برای شکایت گازی ترکیه علیه ایران تبدیل شد.

روزنامه وطن امروز در این خصوص در تاریخ ۹مهر ۰۱۴۰ چنین استدلال می کند:

در قراردادهای فروش گاز مشاهد می‌شود این قراردادها همگی دولت با دولت بوده و از همان سال اول تابع نرخ‌های جهانی و تابع قیمت نفت و به صورت متغیر هستند. با این حال بر خلاف عرف رایج بین‌المللی بازار گاز، در قرارداد کرسنت، به صورت کاملا استثنایی قیمت گاز تحویلی برای ۲ دوره ۷ و ۱۸ ساله ثابت محسوب شده و این امتیاز استثنائی بزرگی برای کرسنت محسوب می‌شد. پس از مدت‌ها کوتاهی در امضای قرارداد، روند افزایش قیمت نفت در جهان آغاز شد و ادامه این روند نیز قابل پیش‌بینی بود. بنابراین لازم بود هیات‌مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران از همان هنگام برای اصلاح و افزایش قیمت اقدامات خود را در برابر شرکت کرسنت شروع کند. با این حال و به رغم اینکه کرسنت از همه امکانات خود در طول این مدت برای گرفتن امتیازات جدیدتر از ایران استفاده می‌کرد و موفق نیز می‌شد، از سوی مسؤولان وقت شرکت ملی نفت ایران هیچ اقدامی برای اصلاح قیمت به عمل نیامد. نتیجه اینکه اگر هر زمان (به فرض سال ۲۰۰۶) تحویل گاز آغاز می‌شد، ایران مجبور بود در شرایطی که قیمت جهانی نفت بیش از چند برابر افزایش یافته بود، گاز را که یک ثروت ملی است برای مدت ۷ سال یعنی تا پایان ۲۰۱۲ بر پایه قیمت هر بشکه نفت خام ۱۸ دلار و از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۳۰ میلادی هم بر پایه هر بشکه نفت خام ۴۰ دلار بفروشد!

لازم به توضیح است کشور امارات همزمان با این قرارداد از کشور عربی و همسایه خود قطر، گاز را با قیمت ۶۵ دلار خریداری می‌کرد و قیمت گاز در قرارداد روسیه به اروپا ۲۳۰ دلار یعنی حدود ۱۴ برابر بهای فروش گاز ایران به شرکت کرسنت بوده است و روسیه نیز بهای گاز خود را به اوکراین از ۸۰ دلار به ۱۵۰ دلار در هر ۱۰۰۰ مترمکعب افزایش داده بود. همچنین قیمت پایه گاز ترش برای مصرف صنایع پتروشیمی داخل کشور در آن زمان ۲۱دلار و برای دیگر مصارف صنایع داخلی ۲۵ دلار بوده است. قرارداد کرسنت فقط در مقایسه با قرارداد ایران با ترکیه در صورت اجرا موجب می‌شد ایران از درآمدی نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار محروم شود و این ارزان بودن کاملا بی‌سابقه و حیرت‌آور قیمت گاز موجب منافع ناروای شرکت کرسنت و مولود مشکوک آن شرکت داناگاز و دستیابی آنان به ثروت چشمگیری از ملت مظلوم ایران می‌شد و بدون شک در

صورت عملی شدن این قرارداد آن را باید ارزان‌ترین قرارداد بین‌المللی خرید و فروش گاز در جهان دانست.

۴- ایراد چهارم:چرایی امضای این قرارداد بدون برگزاری مناقصه و با شرکتی فاقد صلاحیت است.

این قرارداد به گفته برخی مسئولان نظام همچون قرارد باشرکت توتال توسط زنگنه بدون برگزاری مناقصه صورت گرفته و خو این امر رانتی است که به مصداق

خشت اول گر نهد معمار کج

تا ثریا میرود دیوار کج

زمینه ایجاد فساد را از ابتدا بوجود آورده است. و شرکت «دانا گاز» که بزرگ‌ترین سهام‌دار آن شرکت اماراتی کرسنت پتاست است شرکتی بوده که به اذعان نهادهای نظارتی خود نظام ، صلاحیت لازم را برای اجرای متن این قرارداد نداشته است.

۵-ایراد پنجم: عدم مدیریت صحیح وعدم جلوگیری از ورود رشوه بگیران

عدم مدیریت صحیح در جریان امضای این قرارداد و چرایی عدم جلوگیری از ورود مفسدان و رشوه بگیران به جریان امضای این قرارداد است.علاوه بر عدم اجرای مناقصه در این قرارداد که خود موجب زمینه سازی فساد گردیده

۴ لایه دلالی و رشوه خواری در این قرارداد محرز شده است.

به‌گفته علیرضا زاکانی، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی "حضور دلالان در این پرونده در ۴ لایه شناسایی شد؛ بخش اول دلالی مربوط به کسی یا کسانی است که به‌ازای هر ۴۸ سنت بهای فروش گاز، ۸ سنت آن را دریافت می‌کردند و قرار بود با اجرایی شدن این قرارداد، سهم آنها به‌طور کامل کنار گذاشته و پرداخت شود. فرد یا گروه دوم دلالی این قرارداد، یک یا ۱.۵ درصد از اصل فروش را باید دریافت می‌کرد و گروه سوم، عباس یزدان‌پناه یزدی و مهدی هاشمی بودند که دلالی را از سال ۷۹ تا ۸۱ به‌عهده گرفتند و گروه چهارم نیز علی ترقی‌جاه بود که دلالی را از سال ۸۳ شروع کرد. (* برای اینکه روند بررسی ایرادات مخدوش نشود، بهپرونده های قضایی رسیدگی به فساد در پرونده کرسنت که در داخل کشور گشوده و یه به نتیجه رسیده اند ، در پایان نوشتار بصورت جداگانه می پردازم)

وجود همین فرمهای مختلف فساد در این قرار داد و روند طی شده آن یکی از دلایلی بود که به استناد برآن امکان لغو کل قرارداد وجود داشت.

در واقع امر در یک مقطعی اماراتی‌ها برای تاخیر در اجرای قرارداد اعتراض داشتند و قرارداد آن‌طور که پیش‌بینی شده بود پیش نرفته بود و پیشرفت فیزیکی میدان سلمان مطابق توافق دو طرف نبود.اختلافات داخلی در ایران بر سر این پرونده نیز موجب شد که شرکت ملی نفت ایران شروع به اجرای تعهدات خود در قبال طرف اماراتی نکند و سرانجام شرکت کرسنت در سال ۲۰۰۹ به دادگاه لاهه شکایت برد. و تقاضای خسارت بابت اجرایی نشدن این قرارداد را مطرح کرد.مقامات ایرانی در دولت نهم و دهم، اقدام به پیگیری حقوقی این قرارداد در دیوان داوری بین‌المللی کردند و با ارائه مستندات گسترده رشوه در این پرونده، تلاش کردند تا این موضوع را محور ادعای خود در دادگاه لاهه قرار دهند. زیرا اگر در دادگاه‌های بین‌المللی ثابت شود که در یک قرارداد بین‌المللی، فساد یا رشوه‌ای صورت گرفته است، آن قرارداد لغو خواهد شد.

و در این کار نیز موفق شد و در سال ۲۰۱۱ فساد در انعقاد این قرارداد را در دادگاه لاهه اثبات کرد .بدینصورت که جلسات داوری قرارداد کرسنت در اردیبهشت‌ماه و خردادماه ۱۳۹۲ در لاهه برگزار شد و این جلسات متعدد دادگاه با توجه به مستندات شفاف، به نفع ایران پیش می‌رفت و تا پیش از روی کار آمدن دولت یازدهم (دولت روحانی)توانست ادعاهای خود را در محکمه اثبات کند.در این خصوص، علیه مدیران و مسئولانی که در امضای قرارداد کرسنت نقش داشتند از جمله وزیر نفت (بیژن نامدار زنگنه)، پرونده‌هایی در مراجع قضایی باز شد (که در پایان این نوشتار بدان اشاره کرده ام). نظام ولایت فقیه معتقد است وجود همین پرونده های فساد و صدور حکم خود دلیل موجهی بود که در دادگاه لاهه ثابت کنیم که قرارداد آلوده به فساد بوده تا حق لغو قرارداد را داشته باشیم.

تا اینکه در سال ۲۰۱۲با روی کار آمدن دولت یازدهم، همان مسئولانی که در امضای قرارداد کرسنت نقش داشتند و پرونده‌های آنها در مراجع قضایی باز بود، دوباره در وزارت نفت و شرکت‌های زیرمجموعه آن حکم گرفتند! در واقع کرسنت مدعی شد که ایران در حالی مدعی وقوع فساد در این قرارداد است که در حال حاضر با روی کار آمدن بیژن زنگنه، همه افرادی که در وقوع فساد در این پرونده دست داشتند در وزارت نفت ایران پُست گرفته اندو آن را دستاویزی برای کمرنگ کردن نقش فساد در امضای کرسنت قرار داد.

خبرگزاری دانشجو در تاریخ در ۱۸ مهر ۱۴۰۰به نقل از کیهان در این باره می نویسد :در واقع زنگنه پس از کسب رای اعتماد مجلس برای پست وزارتش در دولت یازدهم ، برخی از نزدیکان خود در دولت اصلاحات را که نقش مهمی در امضای قرارداد کرسنت داشتند و در مراحل عقد این قرارداد در کنار او حضور داشتند را بار دیگر به‌عنوان مدیران ارشد وزارت نفت منصوب کرد. از آن جمله می‌توان به رکن‌الدین جوادی، مدیرعامل شرکت صادرات گاز ایران در دولت هشتم

و اولین مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در دولت یازدهم (تا اواخر خردادماه ۹۵) و معاون فعلی نظارت بر منابع هیدروکربوری وزیر نفت و همچنین علی کاردر، از امضاکنندگان قرارداد مذکور و معاون فعلی سرمایه‌گذاری و تامین منابع مالی شرکت ملی نفت ایران در این دولت (تا اواخر خردادماه ۹۵) و مدیرعامل فعلی این شرکت اشاره کرد. با توجه به همین وضعیت، مدیران شرکت کرسنت و وکلای آن مدعی شدند که در زمینه فساد در امضای قرارداد کرسنت در ایران دودستگی وجود دارد و این سؤال را مطرح کردند که اگر ایران معتقد است در این قرارداد فسادی رخ داده و مفسدینی وجود دارد پس چرا آن‌ها را در رأس بزرگ‌ترین مناصب صنعت نفت کشورش قرار داده است؟

روند پیگیری پرونده کرسنت در دادگاه لاهه که تا پایان دولت دهم به‌نفع ایران در حال گذر بود، رفته رفته تغییر کرد و در پایان دولت دوازدهم، وضعیت ۱۸۰ درجه به ضرر ایران تغییر کرد. دادگاه لاهه در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد که این قرارداد از لحاظ قانونی لازم‌الاجراست و طرف ایرانی باید تعهدات خود را عملی کند .اما این اتفاق باز هم نیفتاد و دادگاه لاهه تصمیم به جریمه کردن ایران و پرداخت غرامت به طرف اماراتی گرفت .بدینسان به خاطر به‌کارگیری متهمینی در این پرونده در دولت آقای روحانی محکوم به پرداخت خسارت شده‌ایم !!

۶-ایراد ششم: بی اطلاعی وزیر نفت وقت از روند سهم بری دلالان از درآمد حاصله از فروش گاز و یا اطلاع از این مسئله و عدم جلوگیری از آن است.

حسن روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی در نامه‌ای به رئیس جمهور وقت (خاتمی) نوشت: "عمل از طریق واسطه، عقد قرارداد طولانی با شرکت غیر معتبر که در سنوات قبل نیز عملکرد ضعیفی داشته و حقوق ایران را در میدان نفتی مبارک نادیده گرفته است، قیمت و شرایط قراردادی در مقایسه با منطقه بسیار پایین و نامطلوب است . این قرارداد با توجه به برنامه‌های وزارت نفت برای ورود به بازارهای دراز مدت گاز شاید سنگ بنای مناسبی نباشد و در شرایط فعلی هیچ منفعت سیاسی نیز به دست نخواهد آورد. بهره‌برداری از این گاز به روش‌های اقتصادی‌تر نسبت به فروش اقتصادی آن به شرکت غیر معتبر ترجیح دارد."

اما پاسخ بیژن زنگنه به نامه روحانی نیز جالب بود؛ زنگنه معاونانش را از شرکت در جلسات دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی منع کرد.

در واقع زنگنه به گزارش های شورای عالی امنیت ملی در سال ۲۰۰۳ توجه کافی مبذول نداشته است وگرنه قادر می بود در همان زمان به اصلاح امور پرداخته و

از خسارات بعدی جلوگیری به عمل آورد. وچون بی اطلاعی رافع مسئولیت نیست این امری بایستی در دادگاهی صالح معلوم گردد.

۷- ایراد هفتم:دیدارهای رسمی و غیر رسمی زنگنه با حمید جعفر که با واسطه دلالانی چون ترقی جاه شکل می گرفت.

این امرکه این دلالان چه نقشی در دیدارهای رسمی و غیررسمی وزیر نفت داشتند و تا چه حد زنگنه از روند شکل گیری فساد و رانتخوار ی و ارتشاء در این پرونده مطلع بوده نیز امری است که بایستی بصورت شفاف مورد بررسی قرار گیرد.

جهت جلوگیری از ط.لانی شدن نوشتار کنونی ، ادامه این ایرادات به زنگنه و تیم مذاکره کننده در قرارداد کرسنت را به شماره آینده واگذار می نمایم.

* پرونده های قضایی در باره قرارداد کرسنت و عدم تناسب جریمه ها با میزان دریافت رشوه ها و خسارات به حقوق ملی

درباره قرارداد کرسنت ۴ پرونده در دستگاه قضایی نظام ولایت فقیه گشوده شد که در یکی از آنها پرونده قضایی در بخش تحقیقات دادسرا در خصوص عملکرد بیژن زنگنه در خصوص قرارداد شرکت کرسنت تشکیل شد و بیژن زنگنه ۲ بار به منظور پاسخگویی در خصوص اتهامات وارده به دادگاه احضار شد ولی علیه وی تاکنون حکمی صادر نشده است.

درپرونده در شعبه ۸۰ دادگاه کیفری استان تهران مستقر در مجتمع ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز و با توجه به گزارش‌های مستقل ۳ نهاد اصلی نظارتی کشور وابسته به قوای ۳ گانه و بازداشت و بازجویی از اعضای وقت هیأت مدیره شرکت ملی نفت درباره این قرارداد، متهمان را به اتهام تبانی محکوم اعلام کرد.

اما بر اساس حکمی که برای متهمین این پرونده در ابتدای سال ۹۱ صادر شد هر یک از اعضای هیأت مدیره وقت شرکت ملی نفت به پرداخت تنها ۵۰۰میلیون تومان جریمه نقدی بدل از حبس تعزیری و دو تن از ایشان نیز به یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم شدند!

بقول علیرضا زاکانی حتی برخی کسانی که در کرسنت پول دریافت کردند برای ثبت‌نام در مجلس شورای اسلامی آمدند !

ب) پرونده دیگر مربوط است به الحاقیه ۵ به ۶ که در قرارداد کرسنت وجود دارد که این پرونده نیز در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران مفتوح و در حال رسیدگی به اتهامات وارده است.

ج) پرونده سوم نیز که در تیرماه سال ۹۲ در بخش تحقیقات دادگاه مبارزه با مفاسد اقتصادی بازشد. این پرونده برای بررسی عملکرد مهدی هاشمی رفسنجانی در قرارداد صادرات گاز کرسنت گشوده شد. مهدی هاشمی فرزند سوم هاشمی رفسنجانی است.وی در این دادگاه محکوم شد .

اتخاذ رشوه یکی از اصلی ترین دلایل محکومیت مهدی هاشمی در دادگاه بود؛ جرمی که وی را به پرونده هایی نظیر استات اویل و کرسنت آنچنان گره زده بود که راه فراری برای وی باقی نگذاشت.

محسنی‌اژه‌ای سخنگوی وقت دستگاه قضادر نظام ولایت فقیه در تشریح این محکومیت در گفت: جرم‌های مهدی هاشمی شامل اختلاس، ارتشا و مسائل امنیتی است، البته وی اتهامات دیگر هم داشت؛ در کیفرخواست ۱۲ اتهام داشت که برخی از اتهامات را دادگاه بدوی در هم ادغام کرد. درست است که عناوین جرایم مختلف است ولی یک فعل و یک جرم است لذا برخی اتهامات وی ادغام و از برخی مانند جاسوسی تبرئه شد.طبق ماده۱۳۴ در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتکابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم میکند و هرگاه جرائم ارتکابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌کند. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراست و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌شود به دلیل ارتشاء به ۱۰سال حبس، رد مال به مبلغ ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار و جزای نقدی معادل همین میزان، محکوم شد.وی هم اکنون دوران حبس خود را البته با مرخصی های طولانی مدت سپری می کند.

از آنجا که بخش بزرگی از مسئولین نظام درفساد این قراداد نقش داشته اند و بدان آلوده ، مشاهده می شود که محاکمه ها صوری انجام یافته و احکام صادره هیچ تناسبی با میزان رشوه ها ندارد. جالب توجه اینکه در ۱۴ مهر ۱۴۰۰ امیرآبادی نماینده قم در مجلس نظام در مصاحبه با خبرگزاری مهر اعلام کرد: پرونده اخذ رشوه در قرارداد کرسنت در قوه قضائیه بررسی شده، رشوه گیرندگان نیز محکوم شدند اما رأی به این افراد ابلاغ نشده است !

****

وضعیت سنجی ۳۸۲
تاریخ انتشار : , ۲۰ آبان ۱۴۰۰

رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (بخش ۳)

در دو وضعیت سنجی قبلی(۳۸۰ و۳۸۱) به ابعادی از این ایراداتی که به قرارداد کرسنت وارد است پرداختیم و تاکید کردیم که مسایل پیرامون قرارداد کرسنت امری پیچیده است که در لابلای اظهارات متناقض و اغلب سانسور شده مقامات نظام ولایت فقیه بدرستی مشخص نیست. لذا در چند شماره ای که به این موضوع اختصاص می دهیم، سعی می کنیم با نقل انواع اظهار نظرها و قراردادن امرهای واقع در کناریکدیگر ، تناقضها را مشخص کرده تا حقیقت هزار توی قرار داد کرسنت تا حدی آشکار شود.

در شماره قبل نگارنده به ذکر ۷ نمونه از ایرادی پرداخت که جناح مقابل به وزیر وقت نفت آقای بیژن نامدار زنگنه وارد می داند و نیز مسئولیت دولتهای خاتمی و روحانی. این ایرادات بصورت پراکنده در مصاحبه های و مقالات و مطبوعات درج شده اند و نگارنده جمع آوری کرده و دسته بندی شده در اختیار خوانندگان قرار می دهد.در این شماره سایر ایرادات را بررسی می نمایم:

ایراد هشتم : چرا زنگنه زیر بار قراردادی رفته که ایران بعنوان فروشنده و دارنده گاز کمتر از سه عامل دیگر که در این قرارداد نقش داشته اند نفع برده است و چرا در قرارداد ریسک مخزن تنها متوجه شرکت ملی نفت شده است؟

فرآیند کلی قرارداد کرسنت ۴ ذی‌نفع اصلی داشته است: شرکت ملی نفت ایران (به عنوان فروشنده)، شرکت کرسنت (به عنوان خریدار)، شرکت دانا گاز (به عنوان مجری فرآوری و انتقال) و دولت امارات شارجه (به عنوان مصرف‌کننده نهایی) که با توجه به واقعیات موجود در این فرآیند، نقش شرکت کرسنت صرفا در حد دلالی بوده است. به طور خلاصه حضور واسطه‌گرانه شرکت کرسنت در قرارداد با ایران موجب شده بود سهم ایران به عنوان دارنده گاز، از کل درآمدها، کمتر از همه عوامل ذی‌نفع در قرارداد باشد که این عوامل عبارتند از: خریدار یا به عبارت

واقعی واسطه، مصرف‌کننده نهایی (دولت شارجه) و حتی شرکت دانا گاز که نقش فرآوری و توزیع گاز را به عهده دارد.

به گزارش خبرگزاری فارس در سال ۸۶ متعاقب عقد قرارداد صادرات گاز ایران به امارات، بیانیه ای از سوی برخی از کارشناسان مناطق نفت خیز جنوب تدوین و در سایت های مختلفی خبری از جمله سایت نفت نیوز منتشر شد . در این بیانیه آمده است:

در قرارداد کرسنت ریسک مخزن متوجه شرکت ملی نفت ایران است. به این معنا که هرگاه امکان برداشت از مخزن سلمان به هر علتی از بین برود، مسئولیت آن بر عهده شرکت ملی نفت ایران بوده و این شرکت ملزم شد گاز موضوع قرارداد را از هر مخزن دیگری برای خریدار تأمین کند. این بند از قرارداد قبل از آنکه ایراد حقوقی و مالی داشته باشد، ایراد فنی دارد زیرا گاز یا نفت قابل استحصال از هر مخزن هیدروکربوری کمیتی دینامیکی بوده که در طول عمر مخزن با مطالعه و رفتار و پارامترهای مخزنی و اساساً با شناخت تدریجی از مخزن میزان آن مشخص می‌گردد، پر واضح است که در صورت عدم پتانسیل تولیدی مخزن برای تأمین گاز ۲۵ ساله شرکت کرسنت، تمامی این ریسک متوجه شرکت ملی نفت ایران بوده و این شرکت ملزم بوده که از مخازن دیگر و با هزینه‌های مضاعف دیگر گاز خود را به ثمن بخس در اختیار این شرکت دلال و واسطه قرار دهد و متأسفانه در قرارداد کرسنت این ریسک نامعقول نیز به شرکت ملی نفت ایران تحمیل شده بود.

ایراد نهم : چرایی تعویض سرداور ایران در دادگاه لاهه توسط زنگنه

به بیژن زنگنه وزیر سابق نفت این ایراد را می گیرند که:وی با تغییر سرداور ایران "دکتراسدالله نوری" وکیل پایه یک حقوق بین الملل و با رزومه مفصل کار در پرونده‌های بین المللی را که از ابتدای پرونده تاکنون به‌عنوان داور ایرانی در دادگاه لاهه حضور داشته و توانسته بود امتیازات متعددی را از کرسنت بگیرد را کنار گذاشت و "مختوم‌علی خان پاکستانی" را جایگزین کرد که نه تنها در سابقه وی حتی پیگیری یک پرونده بین‌المللی دیده نمی شود بلکه شائبه‌هایی درباره همکاری او با شرکت کرسنت نیز وجود داشته است . و بدینسان عملاً مسیر ایران برای اثبات وقوع فساد در این پرونده را مسدود کرده است. سوال این است که این اقدامات با چه هدفی صورت گرفته و اگر در روند اثبات فساد در دادگاه لاهه اثرگذار بوده، اقای بیژن نامدار زنگنه چه پاسخی دارد؟ سایت دولت بهار متعلق به احمدی نژاد در تاریخ ۱۹مهر۱۴۰۰ طی مقاله ای نوشته است : "به هر صورت با تغییر وکیل ایران در پرونده کرسنت توسط دولت یازدهم، مختوم علی خان با

عملکرد خود تمامی امتیازات گرفته شده از کرسنت توسط ایران را به این شرکت پس داد!"

ایراد دهم: دیگر اتهام وارده در این پرونده، اضافه شدن الحاقیه‌هایی به قرارداد است که حق ایران را در لغو قانونی آن از بین برد.

<u>در الحاقیه پنجم قرارداد ایران و کرسنت، حق فسخ متعلق به ایران بود.</u>

به این شکل که اگر شرکت گاز کرسنت (یکی از زیرمجموعه‌های کرسنت پترولیوم) نتواند اعتبار اسنادی مورد نیاز را تا تاریخ ۲۶ شهریور ۸۲ به شرکت نفت ارائه کند، ایران می‌توانست قرارداد را فسخ کند اما به شکل عجیبی این اتفاق رخ نداد.

خبرگزاری مهر در ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ در مقاله ای تحت عنون پرونده کرسنت همچنان در هاله ای از ابهام در این باره مینویسد :حمید جعفر برای یافتن راهی جهت عدم فسخ این قرارداد جنجالی بدنبال فرد پرنفوذی بود تا بتواند حیات این قرارداد را حفظ کند. احسان الله خان معاون وی و یکی از افراد مؤثر در کرسنت این وظیفه را بر عهده می‌گیرد و طی تماس‌هایی با دوستان ایرانی خود، به فردی به نام علی ترقی جاه می‌رسد.ترقی جاه که شریک رضا مصطفوی طباطبایی دلال دکل گمشده است،و برادر باجناق حداد عادل طی جلساتی با کرسنتی‌ها در تهران و دوبی با حمید جعفر به توافق می‌رسد و مقرر می‌گردد وی برای الحاقیه ششم (توضیح نگارنده: ششمین الحاقیه قرارداد در جولای سال ۲۰۰۴ به امضای طرفین رسید.)از نفوذ خود استفاده کندکه مطابق با بند «پ» این الحاقیه، حق فسخ قرارداد از ایران سلب شد.. طبق قراردادی که به امضای حمید جعفر، بدر جعفر، احسان الله خان، علی ترقی جاه و یکی از شرکای وی به اسم کامین می‌رسد، سهم علی ترقی جاه تعیین می‌شود. او به ازای صادرات هر هزار فوت مکعب ۱,۷۵سنت از کرسنت دریافت می‌کرد.

با آغاز کار ترقی جاه در ایران و ترتیب دادن جلسات فراوان کرسنتی‌ها با برخی چهره‌ها، الحاقیه ششم نهایی می‌شود که در این الحاقیه شرکت ملی نفت ایران انحصار کامل صادرات گاز ایران به شارجه را به کرسنت می‌دهد و حق فسخ را از قرارداد حذف می‌کند."

تسنیم نیز در ۱۹ ابان ۹۸ در این باره نوشت : زمانی که در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۳ شمسی) با پیگیری‌های شورای عالی امنیت ملی، مشخص شد که شرکت کرسنت

صلاحیت لازم برای انعقاد این قرارداد را نداشته و طرف ایرانی با توجه به تمامی مسائل، به‌راحتی می‌تواند قرارداد را ملغی کند ، با فشار دلالان و حضور واسطه‌هایی، هیئت مدیره شرکت ملی نفت با اضافه شدن الحاقیه‌ای، حق لغو را از ایران گرفت!و نیز بعد ها معلوم شد که در قرارداد اولیه کرسنت برای ایران حق فسخ وجود داشته اما طی الحاقیه ششم قرارداد حق فسخ از ایران سلب شده و فروش گاز ایران به امارات، منحصراً در اختیار شرکت کرسنت قرار گرفته است. بعد از مدتی مشخص شد که شرکت کرسنت به برخی از مدیران نفتی برای بسته شدن این قرارداد رشوه پرداخت کرده اند. الحاقیه ششم با ورود علی ترقی جاه به این پرونده در سال ۸۳ رخ داده است و تا روزی که موضوع رشوه استات اویل و توتال به «محسن هاشمی » در راستای افزایش سقف قرارداد شرکت توتال در میادین سیری و فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی افشا نشده بود، ردپایی از وی و همکار او یعنی عباس یزدان پناه نبود.

خبرگزاری مهر در خرداد ۱۴۰۰ می نویسد :پس از افشای رشوه نروژی‌ها به «م. ه»(مهدی هاشمی) برای حضور در پروژه‌های پارس جنوبی جهت تسهیل حضور آن‌ها در ایران، مدارکی در دفتر عباس یزدان پناه یافت می‌شود که مستندات لارم را برای تبانی در اختیار تیم تحقیق قرار می‌دهد. در بازرسی از رایانه عباس یزدان پناه ایمیل‌های مشکوکی یافت می‌شود که از شرکتی به نام کرسنت نام برده شده بود و ایمیل‌های وی با «م. ه»(مهدی هاشمی) و حمیدجعفر (مدیرعامل کرسنت) شبهه برانگیز شد.بررسی‌های بیشتر اما نشان داد که تیم ایرانی مذاکرات خود را از سال ۷۷ با شرکت کرسنت آغاز کرده بود تا با فروش گاز میدان گازی سلمان به این شرکت، مشکلات منطقه‌ای و سیاسی ایران و امارات را در منطقه مناقشه برانگیز ابوموسی برطرف کند. منابع و اسناد در این باره می‌گویند این موضوع یک ادعا و بازی زیرکانه از سوی شارجه و حمید جعفر بود.

با این وجود مرحله نخست فساد بین سال‌های ۷۷ تا ۷۹ رخ می‌دهد و عباس یزدان پناه راهبری این بخش از فساد را برعهده دارد و نقش واسطه‌ای را با شرکای خود در ایران ایفا می‌کند. او در لندن زندگی می‌کرد و یکی از دفاتر کرسنت در این شهر برای پیشرانی قرارداد به وی داده شده بود. مجموع مکاتبات ایمیلی وی با ضیا جعفر و برخی مدیران به دادگاه ارائه شد و ثابت شد یک قرارداد محرمانه درباره قیمت گذاری میان چهره‌های ایرانی و کرسنتی امضا شده است که سهم طرف ایرانی ۸ سنت به ازای هر هزار متر فوت مکعب گاز سلمان است.

در ضمن مشرق نیوز در تاریخ۲۰ دیماه ۹۶ نوشته است :"ادعاهای مبتنی بر اینکه متهم پرونده دکل‌های نفتی همانا علی ترقی جاه برادر باجناق حداد عادل است صحت ندارد. باجناق دکتر حداد عادل یعنی مسعود ترقی‌جاه نه تنها برادر علی ترقی جاه نیست بلکه هیچ ارتباطی هم با پرونده کرسنت نداشته است. در واقع علی ترقی‌جاه

تنها یک برادر به نام مهدی ترقی جاه دارد که بعضی فعالیت‌های اقتصادی وی در ایران را اداره می‌کند."

ایراد یازدهم : وزیر نفت وقت نه تنها قادر به فروش گاز ترش فراورده نشده به امارات نشد و آمادگی تحویل گاز را به امارات نداشت بلکه از شیرین کردن و فراوری ان گاز در خود ایران نیز اجتناب کرد.

خواننده محترمی(آقای سیامک. ت.گ) نیز با خواندن وضعیت سنجی های قبلی نگارنده در ایمیلی از اینجانب سوال کرده است که علت اینکه وزارت نفت در آن زمان ترجیح داده گاز ترش فرآوری نشده را به امارت بفروشد و نه گاز فرآوری شده شیرین را چه بوده است ؟چرا که مسلما قیمت گاز فراوری نشده نیز کمتر بوده و وزارت نفت میتوانسته با فرآوری آن هم در پالایشگاه های خلیج فارس ایجاد اشتغال نماید و هم با قیمت بهتری گاز را به امارات بفروشد.

در پاسخ به این خواننده گرامی بایستی بگویم که آقای زنگنه و وزارت نفت وقت تا بحال به این امر هیچ پاسخی و اشاره ای نکرده اند که چرا در آن برهه تصمیم بر صادرات گاز ترش و فرآوری نشده گرفته شده است.

اینجانب از علت این تصمیم خبری ندارم (توجه بفرمایید اینجانب در خارج از کشور بسر می برم و به اطلاعات دقیق در این حوزه آنهم قرادادهایی که از دید مردم پنهان نگاه داشته شده اند ،ندارم .کار اینجانب این است که اظهار نظرهای پراکنده و مبهم را که از دید اینجانب تعمدی در پراکنده گویی و در پرده ابهام نگاه داشتن این قبیل مسائل نیز وجود دارد را در کنار هم قرار داده تا بتوان پرتو نوری به آنها تابیده و برای مردم ایران این امکان را فراهم آورم که موضوع را بطور شفاف تری پی بگیرند و بتوانند همچون نظاره بر مساله بر زیر رادیوسکوپ ،به شکل شفاف تری به ناکار آمدی ها ، ضعفها، تعمد ها و فسادها در نظام ولایت فقیه پی ببرند. صد البته همه اطلاعات نیز در دسترس نیست ولی اینجانب تا بحال سعی بسیار کرده ام که نزدیک به همه مقاله و نوشته های و مصاحبه های موجود در مورد کرسنت در مطبوعات ایران را مورد مطالعه قرار دهم و امید وارم با وضوح بخشیدن به نظرات دو جناح درون نظام به سنتز مهم تری که نقش ما مر دم ایران است برسم که در شماره های آینده بدان می پردازم.

در ذیل برخی از دلایل و ایراداتی که در این زمینه به وزارت نفت گرفته شده است و بعنوان ایراد یازدهم نقل می کنم:

توضیح اینکه:گاز و یا نفت بسیاری از چاه ها شامل ترکیبات اسیدی همچون سولفید هیدروژن می باشدکه باعث می شود آنرا گاز ترش و یا نفت ترش خواند و عملیاتی که طی آن گازهای ترش از نفت یا گاز جدا می گردد عملیات «شیرین سازی» نامیده می شود.

سایت آفتاب در ۱۱ مهر ۱۴۰۰ نوشته است :

قرارداد کرسنت درباره فروش گاز ترش میدان گازی و نفتی سلمان در خلیج فارس و در ۱۵۰ کیلومتری جنوب جزیره لاوان است. این میدان با میدان ابوالبوخوش امارات متحده ذخایر مشترک دارد و هم‌اکنون حدود ۱۰ حلقه چاه گازی دارد. نفت این میدان به جزیره سیری منتقل و از آنجاکه سولفیدهای هیدروژن آن بیش از حد مجاز است و بایستی برای استفاده پالایش شود و در غیر اینصورت سوزانده می شود . شرکت ملی نفت ایران با کرسنت قراردادی منعقد می‌کند که این گاز را به آنان بفروشد و آنان خودشان پالایش کرده و استفاده کنند.

اما به گزارش خبرگزاری فارس در سال ۸۶بیانیه ای از سوی برخی از کارشناسان مناطق نفت خیز جنوب تدوین و در سایت نفت نیوز منتشر شد . در این بیانیه در این زمینه آمده است: به گزارش خبرگزاری فارس در سال ۸۶ متعاقب عقد قرارداد صادرات گاز ایران به امارات، بیانیه ای از سوی برخی از کارشناسان مناطق نفت خیز جنوب تدوین و در سایت های مختلفی خبری از جمله سایت نفت نیوز منتشر شد . در این بیانیه آمده است:

پروژه توسعه میدان گازی سلمان از جمله پروژه‌هائی بوده است که با هدف تأمین بخشی از نیاز گاز داخل کشور طراحی و اجرا شد. به موجب این طرح گاز میدان سلمان می‌بایست از طریق خط لوله به منطقهٔ عسلویه منتقل شده و پس از فرآوری در عسلویه برای مصارف داخلی و جایگزینی سوخت اختصاص یابد. به موجب این طرح، با مصرف داخلی گاز سلمان، سالیانه بیش از ۸۰۰ میلیون دلار از محل جایگزینی سوخت در هزینه‌های ارزی صرفه‌جویی میشد و بر مبنای همین توجیه اقتصادی و برای مصرف داخلی، پروژه سلمان به تصویب شورای اقتصاد رسید و موافقت نامهٔ فیمابین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شرکت ملی نفت ایران نیز بر همین اساس به امضاء رسید. با این وجود مسئولین و اعضای هیئت مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران برخلاف مصوبات قبلی و بصورت مغایر با اهداف و برنامه‌ها و توجیه اقتصادی میدان سلمان، به جای آنکه با احداث خط لولهٔ سلمان-عسلویه، گاز میدان سلمان را برای مصرف داخلی اختصاص دهد، قراردادی با شرکت کرسنت منعقد کرده بود که به موجب آن خط لوله به سمت میدان مبارک و برای صدور به خارج از ایران تغییر مسیر می‌داد!!

به عبارت دیگر هیئت مدیرة شرکت ملی نفت ایران با انعقاد قرارداد کرسنت، رأساً تصمیم گرفت گازی را که برای مصرف داخلی در نظر گرفته شده بود، صادر کند. به این ترتیب، برخلاف برنامه‌های مصوب، گاز میدان سلمان به جای انتقال به عسلویه، برای فروش به شرکت کرسنت اختصاص یافت و به ازای تحصیل حداکثر حدود ۴ میلیارد دلار درآمد ارزی برای دوره ۲۵ساله (یا به قول وزیر اسبق نفت ۳,۳ میلیارد دلار) از محل صرفه‌جویی ارزی به میزان سالی ۸۶۰ میلیون دلار و ۲۰ میلیارد دلار در ۲۵ سال، چشم پوشی شد. توجیه اقتصادی پروژه توسعه میدان سلمان برمبنای سالانه ۸۶۰میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی تنظیم و تصویب شده بود و صدور گاز با قرارداد کرسنت به جای تحصیل مبلغ صرفه‌جویی ذکر شده، صرفاً حدود ۱۶۰ میلیون دلار درآمد سالانه برای ایران ایجاد کرد و میتوان نتیجه گرفت با قرارداد کرسنت، مبلغ سالانه ۷۰۰ میلیون دلار از توجیه اقتصادی پروژه میدان سلمان کاسته می‌شد. فروش گاز میدان سلمان به کرسنت برای صدور از ایران، اصولاً توجیه اقتصادی میدان سلمان را نیز باطل کرده است. به عبارت دیگر اگر از ابتدا قرار بود طرح توسعة میدان سلمان برای اجرای قرارداد کرسنت اجرا شود، مسلماً فاقد توجیه اقتصادی بوده است.

رجا نیوز در ۲۳ اسفند ۹۵ نیز نوشت :

ایران می‌توانست با سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری این گاز را به گاز شیرین تبدیل کرده و منافع آن را برای ایران محفوظ بدارد، زیرا اولاً درآمد مستقیم حاصل از فروش گاز شیرین نسبت به گاز ترش ۱۰ الی ۱۵ درصد بیشتر است. ثانیاً در قرارداد کرسنت مایعات گازی بین ۲۰ الی ۳۰ درصد قیمت بین‌المللی فروخته شده است. در صورتی که به جای گاز ترش گاز شیرین به کرسنت فروخته می‌شد، این مابه‌التفاوت نیز به ایران تعلق می‌گرفت و علاوه بر آن فرآوری گاز ترش توسط خود شرکت ملی نفت باعث رونق اشتغال می‌شد.

سایت دولت بهار متعلق به احمدی نژاد نیز در ۱۹ مهر ۱۴۰۰ می نویسد: گزاره غلط - «گاز صادره ایران بهکرسنت پترولیم گاز ترش با سولفید هیدروژن بیش از حد مجاز از میدان سلمان بود. به دلیل قرار گرفتن این میدان دردریا امکان تبدیل این گاز ترش به گاز شیرین وجود نداشت و اگر این گاز به امارات صادر نمیشد به ناچار مجبور به سوزاندن آن در «مشعل‌ها» بودیم."

پاسخ: این گزاره از چند جهت دارای اشتباهات فاحش است:

گاز صادره به شرکت کرسنت از نوع گاز مشعل نبود بلکه گاز لایه گازی میدان سلمان است. این گاز هم سوزانده نمی‌شود بلکه در مخزن میدان سلمان موجود است.اتفاقا امکان تبدیل این گاز ترش به گاز شیرین در پالایشگاه‌های گازی ایران وجود دارد. در حال حاضر گاز تولیدی از همه میادین گازی ایران در خلیج فارس

از جمله میدان گازی پارس جنوبی، گاز ترش با SH_2بالا هستند که در پالایشگاه‌ها فرآورش و شیرین‌سازی می‌شوند.تنها سناریوی ایران برای استفاده از این گاز، صادرات آن نبود، همانطور که طبق مصوبه شورای اقتصاد دولت خاتمی قرار بود گاز این میدان پس از فرآورش در پالایشگاه به شبکه خط لوله گاز طبیعی کشور تزریق شود.

در نتیجه نباید با بیان این گزاره غلط به گونه‌ای فضاسازی کرد که گویی ایران چاره‌ای نداشته جز اینکه گاز میدان سلمان را با قیمت بسیار پایین به کرسنت بفروشد. نه گاز صادراتی از نوع فلر بوده، نه جنس گاز از لحاظ ترش بودن بی‌کیفیت بوده و نه تنها برنامه ایران برای جلوگیری از هدررفت آن صادرات با قیمت پایین بوده است.

ایراد دوازدهم: زنگنه و یارانش برای پنهان کردن سهل انگاری خود در عمل نکردن به تعهد قراردادی خود و صادرات بموقع گاز به امارات دولت احمدی نژاد را متهم به لغو قرار داد می کنند.در صورتی که در واقع امردولت خاتمی در این امر مقصر بوده است :

سایت دولت بهار متعلق به احمدی نژاد نیز در ۱۹ مهر ۱۴۰۰ می نویسد:

گزاره غلط - «محمدرضا رحیمی، معاون اول محمود احمدی‌نژاد که رییس دیوان محاسبات نیز بود اجرای قرارداد کرسنت را مساوی با خیانت عنوان کرد. وی دستور توقف در اجرای قرارداد کرسنت را صادر کرد. »

پاسخ: اجرای این قرارداد از دولت هشتم متوقف شده بود در نتیجه معاون اول دولت دهم فردی نبود که برای نخستین بار جلوی اجرای این قرارداد را گرفته باشد بلکه این قرارداد در زمان وزارت بیژن زنگنه نیز به مرحله اجرا نرسید.

نخستین اقداماتی که علیه انعقاد و اجرای قرارداد کرسنت انجام شد در دولت هشتم بود. در این راستا ابتدا نهادهای نظارتی دولت هشتم یعنی وزارت اطلاعات و سپس سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات به انعقاد و اجرای این قرارداد انتقادات جدی وارد کردند. در دولت خاتمی حجم انتقادات وارده به قرارداد کرسنت به حدی بود که شورای عالی امنیت ملی نیز در این ماجرا ورود کرد.

در آذرماه سال ۱۳۸۱ حسن روحانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی با ارسال نامه‌ای به سیدمحمد خاتمی رییس جمهور وقت با اشاره به انعقاد قرارداد

کرسنت و ایرادات آن، نسبت به عملکرد بیژن زنگنه وزیر نفت اعتراض کرده و این اقدام وزارت نفت را خارج از چارچوب قانون عنوان می‌کند.

لذا تحقیقات نهادهای نظارتی از همان دوره عقد قرارداد در دولت هشتم شروع شد و گزارش‌های انتقادی مختلفی را به نهادهای مسئول در دولت ارائه دادند. ولی توجه داشته باشید که این نهادها صرفا به دولت بابت تبعات این قرارداد هشدار دادند ولی برای دولت نسخه متوقف کردن اجرای قرارداد را ننوشتند، بلکه این خود زنگنه بود که در دولت هشتم حاضر به اجرای این قرارداد نشد.

ایراد سیزدهم : زنگنه و همکارانش بارها اعلام کرده اند که «ایران قرارداد شرکت ملی نفت با شرکت کرسنت برای صادرات گاز را به صورت یکجانبه «لغو» کرده است. »

سایت دولت بهار متعلق به احمدی نژاد نیز در ۱۹ مهر ۱۴۰۰ می نویسد:

پاسخ: قرارداد کرسنت هیچگاه توسط ایران لغو نشده است، بلکه اجرای آن متوقف شده است. بین این دو موضوع از لحاظ حقوقی اختلافات زیادی وجود دارد که پرداختن اشتباه آن در رسانه‌های رسمی می‌تواند کار دست کشور دهد!

همچنین شایع کرده اند که «سعید جلیلی رئیس شورای عالی امنیت ملی در سال ۸۸ طی نامه‌ای به محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور خواستار عدم اجرا و لغو این قرارداد از جانب ایران شده بود. »

پاسخ: هر چند نگارش این نامه به صورت ذکر شده صحت دارد اما نکته مهمتر پاسخی بود که محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور وقت به سعید جلیلی داده است. وی در پاسخ عنوان کرده است که امکان لغو این قرارداد توسط دولت ایران وجود ندارد، زیرا هزینه لغو این قرارداد ممکن است بیشتر از اجرای آن باشد.

متاسفانه رسانه‌های اصلاح‌طلب سعی می‌کنند با سانسور جواب احمدی‌نژاد به نامه جلیلی به گونه‌ای القا کنند که رئیس وقت شورای عالی امنیت ملی باعث توقف در اجرای این قرارداد شده است. درحالیکه سعید جلیلی صرفا یک نامه به دولت نوشته است و جوابش را نیز با موضع درست رئیس جمهور وقت دریافت کرده است همین.

ایراد چهاردهم : دولت خاتمی و وزیر نفت وقت زنگنه می‌توانستند در جریان عدم توانایی شرکت کرسنت در تامین ۴۰ میلیون دلار به عنوان ضمانت اجرای قرارداد یا قرارداد را ملغی کنند و یا فرمول قیمت‌گذاری را اصلاح کنند اما هیچیک از این کارها را انجام ندادند.

هرچند وزارت نفت وقت و مسئولانش معتقدند حتی اگر شیوه قیمت‌گذاری گاز در قرارداد کرسنت اشتباه بوده است اما با این حال نحوه حل این مساله نیز در قرارداد پیش‌بینی شده و قیمت جدید قابل مذاکره بود.

سایت بهار معتقد است: اما طبق مفاد قرارداد به هیچ عنوان امکان اصلاح فرمول قیمت‌گذاری توسط ایران در «دولت نهم» وجود نداشت، زیرا قرارداد به گونه‌ای بسته شده بود که به شرکت کرسنت انحصارات ویژه میداد و مانع از این کار می شد. در این راستا اکبر ترکان معاون برنامه‌ریزی وزارت نفت و از نزدیکان بیژن زنگنه در مصاحبه‌ای با روزنامه شرق در سال ۹۰ با اشاره به عدم امکان تغییر در شیوه قیمت‌گذاری گاز در قرارداد کرسنت اذعان کرد: «دیوار کرسنت تا ثریا کج است. »

به طور کلی در ماجرای قرارداد کرسنت تنها یک فرصت برای ایران وجود داشت تا در فرمول قیمت تجدید نظر کند که این فرصت نیز در زمان الحاقیه پنجم و ششم در دولت هشتم بود. در واقع دولت خاتمی می‌توانست در جریان عدم توانایی شرکت کرسنت در تامین ۴۰ میلیون دلار به عنوان ضمانت اجرای قرارداد یا قرارداد را ملغی کند و یا فرمول قیمت‌گذاری را اصلاح کند اما هیچیک از این کارها را انجام نداد درحالیکه در آن برهه زمانی قیمت نفت نیز افزایش چشمگیری یافته بود.

در شماره بعدی به برخی مسائل دیگر پیرامون کرسنت و پاسخ زنگنه و تیم وی می پردازم

****

وضعیت سنجی ۳۸۳

تاریخ انتشار : ۰۵ آذر ۱۴۰۰

رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت
(بخش ۴)

دردو شماره قبل توضیح دادیم که در قرارداد پر فساد کرسنت دو جناح درون نظام ،درگیر و دست اندر کار بودند که هر یک ایراداتی را به طرف مقابل وارد می داند و اغلب پر ابهام و غیر شفاف. ۱۴نمونه از ایراد هایی که جناح مقابل به وزیر وقت نفت آقای بیژن نامدار زنگنه و نیز مسئولیت دولتهای خاتمی و روحانی وارد می داند را نقل کردیم . این ایرادات بصورت پراکنده در مصاحبه های و مقالات و مطبوعات درج شده اند و نگارنده جمع آوری کرده و دسته بندی شده در اختیار خوانندگان قرار دادم.در این شماره به استدلالهای آقای زنگنه در پاسخ به ایراداتی که به سیاست نفتی وی و مدیران وقت شرکت ملی نفت گرفته می شود، می پردازم تا بر ما روشن شود که سرنوشت گاز موجود درمیدان سلمان در سه دوره حکومت خاتمی و احمدی نژاد و روحانی به چه دلیل نه تنها صادر نشد ، فرآوری نیز نشد ویا حتی در تزریق به چاههای داخلی نیز مورد استفاده قرار نگرفت و برعکس سوخت و به هدر رفت و اکنون جریمه سنگین چند میلیار دلاری نیز بر روی دست مردم ایران مانده است.

***پاسخ زنگنه به ایرادات وارده به وی و سیاستش در قرارداد کرسنت**

نا گفته نماند که زنگنه فردی است که طی سالیان متمادی کلاف زندگی سیاسی و شغلی اش در فساد نظام ولایت مطلقه فقیه تنیده شده است و در بلایی که بر سر حراج منابع کشور آمده است نقش بسزایی داشته است .

زنگنه در دولت‌های سوم و چهارم به "نخست‌وزیری" میرحسین موسوی؛ ۵ سال "وزیر" جهاد سازندگی و یک سال نیز "وزیر" نیرو بود. در کابینه اکبر هاشمی رفسنجانی؛ ۸ سال به "وزیر " نیرو بود و در دولت‌های هفتم و هشتم به ریاست محمد خاتمی؛ ۸ سال "وزیر" نفت بود. او در دولت یازدهم و دولت دوازدهم به ریاست جمهوری حسن روحانی برای یک دوره ۸ ساله دیگر نیز، "وزیر" نفت ایران بود.

روزنامه ایران در تاریخ ۷مرداد ۹۶ مصاحبه ای را با بیژن زنگنه، وزیر نفت، در این باره ومسائل مختلف انجام داده است . آن بخش را که به مساله کرسنت مربوط است به شرح ذیل است :

اما کارهای خلاف زیادی کردند. قرارداد کرسنت، برای صادرات گاز به امارات بوده که این آقایان معتقدند که قیمت‌اش پایین بوده است. **خب قیمت پایین.** اما طبق قرارداد، شرکت ملی نفت به‌عنوان طرف ایرانی می‌توانست برود و درخواست تجدید نظر در قرارداد بدهد و از نظر قراردادی محق بود. کاری که ترکیه انجام داد و ادعا کرد قیمت صادراتی ما بالاست و با داوری قیمت را از زمان تجدیدنظر پایین آورد، نه حتی از زمانی که داوری رأی داد. ما می‌توانستیم در داوری بگوییم قیمت کم است و حالا یک سال طول می‌کشید. بعد هم قیمت به عقب برگشت داده می‌شد و ما گاز را صادر می‌کردیم. اما گازی که صادر نکردیم و بعد هم گفتند که قیمت کم است، حالا ببینید چه بلایی سرش آمد. یا در مشعل‌ها سوزانده شد یا از زیرزمین امارات، ابوظبی مجانی برداشت و برد. یعنی تقریباً ابوظبی سهم ایرانی را خالی کرد و این کاری بود که آقایان کردند. گفتند گاز ارزان است و ارزان نمی‌دهیم و فساد است. خب آن‌هایی که فساد کردند، بگیرید و همه را اعدام کنید. ولی چرا به کشور ضرر می‌زنید. **راهی باز شده برای صادرات گاز و شما به همان قیمت که ارزان هم هست بدهید** و بعد بروید تقاضای داوری و تجدیدنظر کنید و بعد قیمت جدید را اعمال کنید...

یا مثلا در قرارداد بود که اگر ما ۶۰ درصد مقدار گازی که به کرسنت فروختیم، به هر خریدار دیگر در امارات می‌فروختیم، آن قیمت جدید در قرارداد اعمال می‌شد. **خب چرا نرفتید بفروشید؟ شما باید گاز را می‌فروختید. حتماً می‌توانستید بفروشید؛ چرا نفروختید که همان قیمت اتوماتیک به قرارداد کرسنت اعمال شود؟** دلیل این کارهای عجیب و غریب، این است که پرونده را از دست مسئولش یعنی شرکت نفت گرفتند و بردند به دست چند نفر از افراد امنیتی دادند که آشنا نبودند. سعی کردند از این بحث، یک آش با یک وجب روغن برای رقبای سیاسی‌شان که اصلاح‌طلب‌ها هستند، بپزند. آنها دنبال این چیزها افتادند و اصل پرونده فراموش شد. در این بحث‌های انتخابات آقای رئیسی درباره کرسنت چیزی گفتند، من نوشتم و گفتم شما را ارجاع می‌دهم از مشاور ارشدتان جناب آقای جلیلی بپرسید که در مرداد ۸۸ در نامه‌شان به آقای احمدی‌نژاد چه نوشتند و در مذاکرات آذر ماه ۹۱ در شورای عالی امنیت ملی، چه گذشت؟ اگر ما حرف نمی‌زنیم، دلیلش این نیست که نمی‌دانیم. الان تمام این اطلاعات برای ما محفوظ است و **لازم شود به‌طور اجمالی آنها را به مردم خواهم گفت**. که ظاهراً چاره‌ای جز این نیست. کسانی که امروز پرونده کرسنت را محکوم می‌کنند خودشان متهمان اصلی پرونده هستند. آنها باید پاسخگو باشند که به کشور ضرر زدند. البته ما تلاش می‌کنیم و ان‌شاءالله جلوی ضرر و زیان را با کارهایی که در داوری انجام داده ایم، می‌گیریم. اما آن‌هایی که اتهامات دروغ می‌زنند، باید بدانند که ما سندهای حرف‌هایی را که در شورای امنیت ملی زده‌اند و مکاتباتی را که کرده‌اند، داریم. این مدارک در دست ماست **و اگر سکوت می‌کنیم فقط به خاطر حفظ منافع ملی است.**

❋ ژاله وفا :خوانندگان گرامی مشاهده میفرمایند که آقای بیژن زنگنه در مصاحبه با روزنامه ایران که (بغیر از سایر اظهارات پراکنده در مطبوعات ،تنها مصاحبه ای است که در مورد کرسنت و ایرادات وارده به وی موضع گرفته و سعی در دادن پاسخ هرچند نا واضح کرده است) بسیار کلی و غیر شفاف صحبت کرده است و به یک سری کلی گوئی‌های یکسویه بسنده کرده و همانگونه که از طرف مقابل ارائه سندو مدرک طلب می کند خود نیز برای اظهارات خود دلیل و سند ارائه نکرده است .

با هم به منطق آقای زنگنه توجه کنیم :

در پاسخ به این ایراد که چرا قیمت گاز فروشی به امارات بسیار پایین بوده می گوید: خب قیمت پایین !اما طبق قرارداد، شرکت ملی نفت به‌عنوان طرف ایرانی می‌توانست برود و درخواست تجدید نظر در قرارداد بدهد و از نظر قراردادی محق بود.راهی باز شده برای صادرات گاز و شما به همان قیمت که ارزان هم هست بدهید و بعد بروید تقاضای داوری و تجدیدنظر کنید و بعد قیمت جدید را اعمال کنید...

این پاسخ ایشان در واقع پاسخ به ایراد اصلی نیست که چرا ازابتدا خلاف عرف بین المللی قیمت گاز صادراتی را تا این حد نازل تعیین کردید . اقای زنگنه بایستی پاسخ دهد که چرا بدون توجه به عرف قراردادهای گازی قراداد صادرات مفت به امارات را منعقد کرده است ؟ چرا که هر فرد آگاه به مساله انرژی می داند که در قراردادهای گازی قیمت گاز بر اساس یک فرمول تعیین می‌شود که بخشی از این فرمول تابع قیمت جهانی نفت یا گازوئیل و یا حتی نفت‌کوره است. اما این قیمت متناسب با افزایش یا کاهش قیمت جهانی نفت تغییر مینماید. حتی بعد از یکی دو ماه با آن تطبیق داده می شود . در هیچ قراداد گازی در جهان رسم بر این نیست که قیمت گاز صادراتی را در یک قرارداد ۲۵ ساله ثابت لحاظ کنند.آنگونه که در قرارداد کرسنت دودوره ثابت ۷ ساله و ۱۸ ساله برای قیمت گاز در نظر گرفته شده است. به ویژه که با چند برابر شدن قیمت نفت از سال ۲۰۰۴ به بعد معلوم بود که نمیتوان تا پایان سال ۲۰۳۰ قیمت گاز را ثابت و نازل لحاظ کرد !

پاسخ زنگنه مصداق این امر است که به معمارساختمانی بگویند چراخشتهای اول را کج گذاشته ای واین دیوار از اکنون پیداست که تا ثریا کج میرود! و وی پاسخ دهد که خوب من خشتها را کج گذاشتم .شما بروید شکایت کنید بعد خانه را تخریب واز نو درست بنا کنید !

زنگنه در جایی دیگر می گوید (والبته خطاب وی به ۳وزیر نفت دوران احمدی نژاد است) خب چرا نرفتید بفروشید؟ شما باید گاز را می‌فروختید. حتماً می‌توانستید بفروشید؛ چرا نفروختید که همان قیمت اتوماتیک به قرارداد کرسنت اعمال شود؟

در اینکه هر دو جناح در اهمال کاری و اجرا نکردن قرارداد مشترک مقصرند شکی نیست مجریان پروژه صادراتی با انجام ندادن کار خود هشت سال گاز را سوزاندند و بخشی از گازآن میدان نیز که بسوی ابوظبی روان می شد را ابوظبی برداشت کرده و فروخته است.

بنابراین در این شک نیست که قرارداد کرسنت واجد اشکال بوده است و و اجرا نکردنش نیز اشکال بزرگتری را ایجاد کرده است وسه وزیر دوران احمدی نژاد نیز بایستی در مورد اهمال کاری خود به مردم ایران پاسخ گو باشند که چرا کشور را دچار تحریم کردند و نتواستند با وجود بدست آوردن ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی صدور گاز به امارات را شروع کنند تا گاز میدان سلمان نسوزد و به هدر نرود ؟

اما خود آقای زنگنه نیزپاسخ نمی دهد که چرا در زمانی که قرارداد منعقد گردید و هنوز دوره خاتمی پایان نیافته بود وزارت نفت آمادگی صدور گاز را نداشت؟ و یا چرا قرارداد با شرکت کرسنت منعقد شده بود که اعتبارات لازم و اسناد لازم را برای اثبات اعتبار خود نتوانست ارائه دهد.

در جایی دیگر در مصاحبه فوق زنگنه در مورد اطلاع رسانی به مردم می گوید : اگر ما حرف نمی‌زنیم، دلیلش این نیست که نمی‌دانیم. الان تمام این اطلاعات برای ما محفوظ است و لازم شود به طور اجمالی آنها را به مردم خواهم گفت.

گویا آقای زنگنه فراموش کرده است که صاحب وطن و این مرزو و بوم و ثروتهای آن تنها و تنها ملت ایران است و هیچ کس بیش از ملت ایران از حق دانستن حقیقت محق تر نیست. ایشان به چه دلیل اطلاعات مربوط به فساد و ضرر های هنگفت به اقتصاد ایران و ثروت ملی را نزد خود محفوظ داشته اند . تازه معتقد است اگرهم لازم شد **بطور اجمالی** آن اطلاعات را به مردم خواهد گفت !

تنها در نظام ولایت فقیه ممکن است که یک فرد وزیر که بایستی خود را در خدمت مردم و کار گزار مردم بداند تشخیص اینکه مردم بایستی همه حقیقت را آنطور که رخ داده را بدانند یا ندانند و یا بطور قطره ای و اجمالی اطلاعات در اختیار آنها قرار گیرد را حق خود بداند !

زنگنه می گوید : اما آن‌هایی که اتهامات دروغ می‌زنند، باید بدانند که ما سندهای حرف‌هایی را که در شورای امنیت ملی زده‌اند و مکاتباتی را که کرده‌اند، داریم.

این مدارک در دست ماست و اگر سکوت می‌کنیم فقط به خاطر حفظ منافع ملی است.

هویداست که آقای زنگنه فرق بین منافع و حقوق را نمی داند و اسیر مصلحت سنجی های قدرت است.منافع را همواره قدرت تشخیص میدهد و از آن خود میداند. منافع رابرای اینکه یکی باید داشته باشد بقیه بایستی محروم شوند در صورتی که حقوق متعلق به همه است و قابل تجزیه و صرفنظر کردن و قابل غصب نیست. یک ملت همواره دارای حقوق انسانی به صفت فردی و حقوق شهروندی و حقوق ملی است و نیز دارای حقوق ملی به عنوان عضوی از جمعه جهانی است و طبیعتی که آن ملت نیز درآن و با آن زیست می کند (در اینجا مخازن نفت و گاز و میدان مشترک سلمان)چون موجود زنده ای است دارای حقوق می باشد.

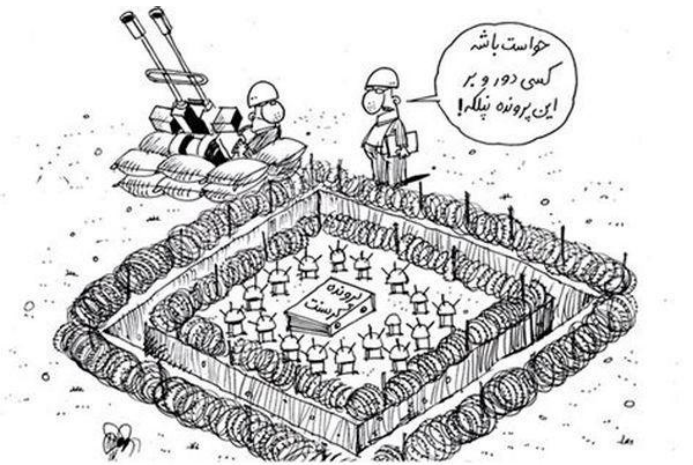
آقای زنگنه بایستی بداند که وقتی حقیقت و اطلاعات را ملک طلق شخصی قلمداد کندآشکارا اعلام می کند در مقابل مردم و در جبهه قدرت حاکم است (بگذریم که برای "اعتبار" نامه گرفتن ازمجلس نظام به شکل وقیحی حتی راضی به تبری جستن از موسوی و جنبش سبز شد و مسلما با قبول پست وزارت در نظام ولایت فقیه هویداست که در سر جز قدرت و منافع حاصل از آن ندارد ولی مساله وقتی است که ایشان بر سر حقوق ملی مغلطه بازی می کنند).چرا که چشم پوشی از ذکر حقایق به مردم و آنرا رعایت مصلحت و منافع ملی دانستن مفسدت است. چرا که هر مصلحتی که عین حقیقت نباشد عین مفسدت است.

لازم به یاد آوری است که علی کاردر، مدیرعامل سابق شرکت ملی نفت ایران که نام وی در این قرارداد پرحاشیه نیز به چشم می‌خورد در تاریخ ۱۳ مهر ماه سال ۹۵ اعلام کرده بود که پرونده کرسنت در دادگاه لاهه در حال پیگیری است. وی همان زمان اظهار کرده بود که به زودی درباره این قرارداد افشاگری می‌کند. از این گفته علی کاردر تاکنون ۵ سال می‌گذرد و هیچ افشاگری در این رابطه نشده است. این در حالی است که بیژن رنگنه، نیزدر بهمن ماه سال ۹۴ در نشستی خبری با بیان اینکه در هفته‌های آینده با ارائه گزارشی جزئیات تازه از متن و حواشی قرارداد کرسنت اعلام می‌کنم، گفته بود بر این اساس با حفظ الزامات تعیین شده از سوی شورای عالی امنیت ملی، توضیحاتی درباره قرارداد کرسنت ارائه می‌کنم.

همچنین ابتدای دولت یازدهم روحانی، آقای بیژن زنگنه قول داد در صورتی که وزیر شود پرونده کرسنت را ۱۵روزه حل کند! این قول وزیر نه تنها در ۱۵ روز بلکه در مدت ۴ سال دولت یازدهم نیز خبری از تحقق وعده شفاف‌سازی وزیر نفت در مورد این پرونده نشد. وی در پایان دولت یازدهم و در آستانه آغاز به کار دولت دوازدهم در سال ۹۶ در مصاحبه با روزنامه دولتی ایران گفته بود «خیلی داستان دارد، که اگر بخواهم بازگو کنم. خیلی چیزها روشن می‌شود. من مصاحبه مفصلی در این مورد کرده‌ام و بالاخره منتشر خواهم کرد. البته برای اینکه ضرری به منافع

ملی نخورد، نصف این مصاحبه را هم خودمان حذف کرده‌ایم ». مصاحبه‌ای که در دولت یازدهم انجام شد، با دلایلی که مشخص نیست، در ۴ سال دولت دوازدهم روحانی نیز پخش نشد !

شایان توجه است که آقای زنگنه تا وقتی وزیر نفت بود عمل به وعده شفاف‌سازی نکرد اما در دوران بازنشستگی که امکان عمل به وعده در حد صفر است!



❋چرایی محرمانه بودن قرارداد کرسنت!

بگزارش خبرگزاری مشرق در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شی در ۲۵آبانماه ۱۴۰۰با محوریت بررسی «قرارداد کرسنت» مالک شریعتی عضو کمیسیون انرژی مجلس نظام گفته است : "شگفت‌آور اینکه در مفاد قرارداد کرسنت آورده شده است که مفاد این قرارداد باید برای مسئولین جمهوری اسلامی ایران محرمانه باشد. یعنی یکی از دلایلی که برخی مفاد این قرارداد و ابعاد فساد در آن تا سال‌ها برای مسئولین جمهوری اسلامی روشن نشده بود به دلیل این بود که وزارت نفت در قرارداد با کرسنت قبول کرده بود که مفاد قرارداد محرمانه بماند !"

❋منطق زنگنه به مثابه وزیری که بمدت ۳۰ سال در نظام فاسد ولایت مطلقه فقیه در توجیه فساد و سکوت تلاش کرده است

و اما روزنامه ایران در ۷مرداد ۹۶از زنگنه در همین زمینه می پرسد :محرمانه بودن این قرارداد یکی از موضوعاتی است که برخی منتقدان از آن به‌عنوان ابزاری

برای فشار تبلیغی به دولت استفاده کنند. شما به تازگی در مصاحبه‌ای دلایل محرمانه بودن قرارداد را توضیح دادید اما انتقادها هنوز ادامه دارد...

پاسخ زنگنه :<u>این محرمانگی را خود مجلس تصویب کرده است!</u> مجلسی که دست آقایان بود و فکر نمی‌کرد که روزی ما دوباره سر کار بیاییم. گمان می‌کردند که تا ابد دولت دست خودشان می‌ماند. من به نمایندگان در مجلس نیز گفتم که یک قانون تصویب کرده‌اید و اختیاراتی در اختیار وزیر گذاشتید و در همان قانون هم تصویب کرده‌اید که قراردادهای نفتی محرمانه است. از طرف دیگر یک وزیر انتخاب کردید. هر دو را می‌توانید تغییر دهید که البته نمایندگان با من موافق بودند.

به فراز دیگری از مصاحبه روزنامه ایران با زنگنه دقت کنیم تا منطق این وزیردرچهار دولت نظام ولایت فقیه را بشناسیم !

خبرنگار روزنامه ایران از زنگنه می پرسد : منتقدان مدعی‌اند، بندهایی در قرارداد توتال وجود دارد که منافع ملی را به خطر می‌اندازد. پاسخ شما چیست؟

پاسخ زنگنه :**اگر این بندها در قرارداد توتال وجود دارد در قراردادهای پیشین نیز بوده است. قانون همان قانون قبلی است.** چرا زمانی که سر کار آمدید، در آن دوره ۸ ساله قراردادهای قبلی را که آنها را هم ما امضا کرده بودیم، افشا نکردید. یا آنکه قراردادهای بعدی را که خودتان امضا کردید. ضمن آنکه خودتان در مجلس خواستید که قراردادها محرمانه باشد که **البته کار صحیح و عرفی هم بود!**

ناگفته نماند که ادعای محرمانه بودن اسناد در حالی بیان می‌شود که پلیس ضد فساد انگلستان (اف اس او) وقتی به دفتر عباس یزدان‌پناه یزدی کارگزار و دوست مهدی هاشمی رفسنجانی در لندن رفت مشاهده کرد که اسناد وزارت نفت ایران از سال ۷۶ تا ۸۴ در دفتر کامپیوتر شخصی این فرد در لندن است.

در منطق آقای زنگنه از دید حقوق ملی و نه دعوای قدرت بین وی و جناح رقیب و بالعکس بنگریم :

۱- صرف محرمانه دانستن قرارداد های نفتی توسط یک مجلس فاسد و "نمایندگان" زوری مجوز صادر می کند که مردم نیز از فساد حاکم بر آن قرارداد ها مطلع نشوند.

۲- صرف محرمانه بودن قرار داد مجوز صادر می کند که از فساد حاکم بر قرارداد سخن نرود!

۳- صرف محرمانه بودن قرار داد مجوز صادر می کند که عیوب قرارداد نقد نشود!

۴- صرف وجود یک قانون با هرنقصی که داشته باشد مجوز صادر می کند که به وجود فساد و نقص درون یک قرارداد اعتراض نشود!

۵- صرف این امر که مسئولانی فاسد به وجود فساد درقراردادهای پیشین و پسین تمکین کرده اند و دست به افشا گری نزده اند،مجوز صادر می کند که برای همیشه بایستی سکوت کرد.

۶- در منطق این وزیر وجود فساد و نقایص را می توان به بهانه محرمانه بودن قراردادها پذیرفت و آنرا افشا نکرد!

۷- در منطق این وزیر محرمانه بودن قراردادهای نفتی که خود به عینه می بیند وقتی دچار فساد میشوند ،همان توجیه محرمانه بودن سرپوشی بر افشای فساد است ،امری صحیح و عرفی شناخته می شود!

۸- در منطق این وزیردر چهار دولت نظام ولایت فقیه وزیر تعهدی نسبت به حقوق مردم ندارد بلکه کارگزار نظام و قدرت حاکم و صد البته دل نگران پست و مقام خویش است.

خبرگزاری فارس نیز در اردیبهشت ۹۶ در یکی از مطالب خود پیرامون این موضوع نوشته بود: «نکته مهم اینجاست که مسوول اصلی پیگیری وضعیت پرونده کرسنت در دادگاه لاهه، شورای عالی امنیت ملی بوده و یکی از دلایل ایجاد وضعیت به شدت مبهم درباره این پرونده در رسانه‌ها عدم تمایل و همچنین محدودیت‌های ایجاد شده توسط دبیرخانه این شورا برای اطلاع‌رسانی درباره این موضوع بوده است.»

بنا براین ملت ایران ملاحظه نماید که مجلس نظام و شورای امنیت نظام چگونه مهر محرمانه بر گفت‌وگوها،صورتجلسات و آنچه میان ایران و امارات در خصوص این پرونده کرسنت گذشته است (و همه قرارداد های نفت و گاز کشور) زده است تا با محروم کردن شما نسبت به دانستن حقیقت هر آنچه بر ثروت ملی شما میرود وبه دور از چشم شما در آلوده شدن به فساد ،چندین گروه مافیای داخلی و خارجی از خوان یغمای شما سیر شوند!

*ضد و نقیض گویی مسئولان نظام ولایت فقیه در میزان واقعی جریمه ایران در د ادگاه لاهه

چند ماه پیش که خبرگزاری رویترز خبری مبنی بر جریمه ایران در پرونده کرسنت منتشر کرد، مطابق این خبر، شرکت اماراتی «دانا گاز» (شرکت مادر کرسنت پترولیوم) اعلام کرده است دیوان داوری بین‌المللی، شرکت ملی نفت ایران را به علت اختلاف بر سر تامین گاز با شرکت دانا گاز به پرداخت جریمه ۶۰۷٫۵ میلیون

دلاری معادل ۱۸ هزار میلیارد تومان محکوم کرده است.البته این محکومیت فقط مربوط به ۸,۵ سال از مدت زمان ۲۵ ساله قرارداد کرسنت است.

در واقع این رای تنها مربوط به بخش کوچکی از پرونده کرسنت است، نه بخش مهم آن؛ یعنی، رای مهم بعدی هنوز باقی مانده و درواقع، خسارت واقعی در رای بعدی مشخص می‌شود. زیرا در حال حاضر رسیدگی به پرونده کرسنت در قالب دو پرونده در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۵و ۲۰۳۰-۲۰۱۴ در دستور کار دیوان داوری بین‌المللی قرار گرفته است و جریمه ذکر شده تنها مربوط به بخش اول این قرارداد است. بنابراین شکایت شرکت اماراتی از ایران درباره پرونده گازی کرسنت دارای دو بخش است. بخش اول مربوط به جریمه لغو قرارداد و بخش دوم نیز مبنی‌بر ادعای دریافت غرامت ناشی از لغو این قرارداد است. اکنون رای بخش اول صادر شده و به ادعای اماراتی‌ها، بخش دوم در سال آینده رسیدگی خواهد شد.

دویچه وله نیزدر تاریخ ۱۳ شهریور ۱۴۰۰ گزارش کرد که مسئولان شرکت "دانا گاز" گفته‌اند که شکایت مربوط به پرداخت خسارت اصلی قرار است در اکتبر سال آینده در دادگاهی در پاریس دنبال شود. جریمه این بخش از پرونده کرسنت سنگین‌تر از جریمه‌ای خواهد بود که در ارتباط با بخش نخست این پرونده تعیین شده است.

درخصوص میزان جریمه ایران نیز ابهامات زیادی مطرح است و مسئولین نظام ارقام متفاوتی را بعنوان میزان جریمه ایران توسط دادگاه لاهه در پرونده کرسنت در طول زمان اعلام کرده و حتی برخی همچون زنگنه امکان جریمه ایران را منتفی نیز می دانست !

در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۳ محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صمت دولت یازدهم (دولت روحانی) درخصوص مقدار جرایم ایران گفته بود: «باوجود اینکه بارها از طریق برخی کانال‌ها، برگزاری دادگاه کرسنت را که به ضرر ایران تمام می‌شد، عقب انداختم اما بالاخره دادگاه لاهه ؛ ایران را به پرداخت جریمه ۱۸ میلیارد دلاری محکوم کرد. بر همین اساس، نه‌تنها ایران عایدی از فروش گازش نداشت، بلکه محکوم به پرداخت جریمه هم شد«.

زنگنه در ۲۷ مرداد ۹۳ در پاسخ به این سؤال که آیا رأی داوری بین‌المللی لاهه درباره پرونده کرسنت اعلام شده است، گفت: بله، اما من در حال حاضر نمی‌توانم در این باره اطلاع‌رسانی کنم ! به گفته زنگنه، مرکزی در ریاست‌جمهوری باید نتیجه داوری بین‌المللی لاهه درباره پرونده کرسنت را اعلام کند.

بیژن زنگنه، در حاشیه بیست‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی در سال ۹۶ نیز در جمع خبرنگاران اظهار داشت: "همان‌طور که رییس جمهور گفتند ایران در پرونده کرسنت هیچ جریمه‌ای نشده است و اصلا خبری از

اعداد نجومی و فوق نجومی نیست، ما در موضوع کرسنت مدعی هستیم که چرا یک عده‌ای با بی‌تدبیری اینقدر کشور را در معرض خطر قرار دادند.

در۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ محسن کوهکن، نماینده مردم لنجان در مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس در بخشی از نطق خود گفت: «ملت ایران! بدانید که رفتار گذشته و فعلی وزیر نفت باعث شده است که ما در هفته گذشته به پرداخت ۱۸ میلیارد دلار محکوم شدیم که البته ما در این رابطه وظایف خود را انجام خواهیم داد.» یک روز پس از این اظهارنظر، روابط‌عمومی وزارت نفت در واکنش به نطق این نماینده مجلس، ضمن تکذیب این موضوع مدعی شد: «پرونده قرارداد کرسنت هم‌اکنون در مراحل پایانی داوری قرار دارد و تاکنون هیچ حکمی درباره این پرونده صادر نشده و ارقامی نیز که به‌عنوان جریمه ایران مطرح شده مورد تایید نیست.» به جز کوهکن و نعمت‌زاده، ابوالفضل ابوترابی، نماینده وقت نجف‌آباد در مجلس نیز در سال ۱۳۹۷ از جریمه ۱۸میلیارد دلاری در موضوع کرسنت خبر داد.

مسعود میرکاظمی، رئیس سازمان برنامه و بودجه هم در این باره اعلام کرد که ما در قرارداد کرسنت به خاطر به‌کارگیری متهمینی در این پرونده در دولت آقای روحانی محکوم به پرداخت خسارت شده‌ایم و دادگاه ما را به پرداخت ۲میلیارد و ۴۰۰میلیون دلار محکوم کرده است که از حساب ما برداشت خواهد شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد محکومیت ایران در بخش اول پرونده کرسنت فقط ۶۰۷,۵ میلیون دلار نیست بلکه این میزان سهم شرکت دانا گاز (سهامدار شرکت کرسنت) از محکومیت ایران است؛ به بیان دیگر رقم کل محکومیت ایران در بخش اول پرونده کرسنت ۲,٤ میلیارد دلار بوده که سهم دانا گاز به عنوان سهامدار شرکت کرسنت از این رقم ۶۰۷,۵میلیون دلار است.اما همچنان یک ابهام جدی درباره رأی بخش دوم پرونده کرسنت در بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۳۰ و رقم احتمالی جریمه ایران وجود دارد. تاکنون هیچ منبع موثقی درباره بخش دوم پرونده کرسنت اظهار نظر رسمی نکرده است اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که رقم جریمه دوم ایران هر چه باشد از رقم اول خیلی بیشتر است. در این بین برخی شنیده‌ها درباره محکومیت اولیه ۱۰ میلیارد دلاری ایران در بخش دوم پرونده کرسنت مطرح می‌شود.

❋ زمزمه ضرورت محاکمه زنگنه و خاتمی

سایتهایی چون مشرق و تسنیم در پی جریمه۶۰۷,۵ میلیون دلاری ایران مقالاتی چند در زمینه ضرورت به محاکمه کشیدن زنگنه و خاتمی نوشته اند با این استدلال

که "به جریان انداختن پرونده حقوقی زنگنه و تیم وی توسط قوه قضائیه در ماجرای کرسنت، تنها عامل مؤثر و برگ برنده ایران در تغییر نتیجه حکم دیوان داوری بین‌المللی درباره بخش دوم پرونده کرسنت خواهد بود."

مشاهده میشود که جناحین درون نظام این پرونده را مستمسکی کرده اند برای طی دعواهای قدرت بین خود و تنها چیزی که در این میان برای آنها محلی از اعراب ندارد حقوق مردم ایران است.

اکنون مدت بیش از ۲۰ سال است که قرارداد آغشته به فساد کرسنت نه تنها برای ملت ایران نفعی و حقوقی ببارنیاورده است ،نه تنها گازی صادر نشده ، نه تنها اشتغالزایی انجام نگرفته ،نه تنها در آمدی برای ایران نداشته است ، بلکه هم گاز میدان سلمان به هدر رفته و سوخته است هم مقداری از آن بطرف میدان گازی در ابوظبی سرازیر و مورد استفاده ابوظبی قرار گرفته است ، هم شرکت ملی نفت ایران درسطح بین المللی بخاطر این پرونده فساد بی اعتبار گشته است و کمتر شرکت نفتی حاضر است آبروی خود را وجه المصالحه عقد قرارداد با چنین شرکتی بکند.و هم مبالغ هنگفتی را نیز بعلت اجرایی نشدن قرارداد بایستی از جیب ملت به شرکت فاسد کرسنت جریمه پرداخت شود !

درواقع امر به مصداق ضرب المثل "آش نخورده و دهان سوخته " بعلت وجود یک مجلس فاسد که " قانونی " فاسد تر وضع کرده که بنا بر آن متون قرارداد های نفتی را از به مردم ایران پنهان می نماید و بعلت بی کفایتی مسئولین مختلفی در چهاردولت خاتمی و احمدی نژاد و روحانی و اکنون رئیسی (قاتل تاریخی) از همه طرف متضرر شده است.

اما زمانی که فساد حیات سیاسی اقتصادی فرهنگی و اجتماعی یک ملت را همچون سرطانی فرا میگیرد به همان ملت جفا است اگر بدنبال مقصر تنها در سطح نظام بگردیم و نقش مسئولیت خود ملت را فراموش کنیم و از آن غفلت !

در شماره آینده به امر مهم نقش مردم در حفاظت از حقوق خود وثروتهای ملی خود و چرایی این غفلت می پردازم. باشد که از هر مشکلی درس عبرتی بگیریم که چراغ راه آینده ای حقوند شود.

****

وضعیت سنجی ۳۸۴

تاریخ انتشار : ۲۱ آذر ۱۴۰۰

رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت
(بخش ۵)

بررسی دودیدگاه در جامعه نسبت به آگاهی از فساد و نقش مردم

خوانندگان گرامی ،نگارنده سعی کردم در چهار شماره وضعیت سنجی مساله چگونگی شکل گیری فساد در قرارداد گازی معروف به قرارداد کرسنت را و چگونگی در گیری جناحین رژیم در آن را و رشوه ها و پورسانتهای دریافتی در این قرارداد و نیزبی کفایتی وناتوانی سه دولت خاتمی واحمدی نژاد و روحانی را در بازه زمانی**بیست** ساله در براه انداختن مساله صدور گاز را به کشور امارات آنهم با قیمیت متعارف و موافق حقوق ملی را و نیز ناتوانی آنها را درجلوگیری از محکومیت ایران در دادگاه لاهه برای پرداخت خسارات میلیاردی و نیز جنگ قدرت بین جناحین درون نظام را و عدم پاسخگویی هر یک از مسئولان درگیر در این فساد را به اطلاع شما هموطنا ن برسانم.

در این ٤ شماره مشاهده کردید که جناحین درون نظام ولایت مطلقه فقیه، این پرونده را مستمسکی برای طی دعواهای قدرت بین خود کرده اند و تنها چیزی که در این میان برای آنها محلی از اعراب ندارد، حقوق شما مردم ایران است.

در این مدت زمان بیش از بیست سال که از عقد قرارداد آغشته به فساد کرسنت می گذرد نه تنها حقوق معنوی و مادی و شهروندی و ملی شما مردم ایران رعایت نشده است و نفعی مادی نیز برای اقتصاد ایران ببارنیاورده است ،در واقع نه تنها گازی صادر نشده ، نه تنها اشتغالزایی انجام نگرفته ،نه تنها این قرارداد در آمدی برای ایران نداشته است ، بلکه هم گاز میدان سلمان به هدر رفته و سوخته است و هم مقداری از آن بطرف میدان گازی در ابوظبی سرازیر و مورد استفاده ابوظبی قرار گرفته است و هم شرکت ملی نفت ایران درسطح بین المللی بخاطر این پرونده فساد بی اعتبار گشته است به نحوی که در آینده کمتر شرکت نفت و گازی حاضر خواهد شد آبروی خود را وجه المصالحه عقد قرارداد با شرکت ملی نفت ایران که اینچنین خود را ناتوان از اجرای صحیح یک قرار دادنشان داده است و نیز در یک

دادگاه بین المللی به پرداخت جریمه هنگفتی محکوم شده است، بنماید.و هم مبالغ هنگفتی را نیز بعلت اجرایی نشدن قرارداد بایستی از جیب ملت به شرکت فاسد کرسنت جریمه پرداخت شود ! و هم تمرکز زور مالی در نظام ولایت فقیه و مافیای مالی- نظامی را افزایش داده است.

در شماره قبل اظهار کردم که درواقع امر به مصداق ضرب المثل "آش نخورده و دهان سوخته " مردم ایران بعلت وجود یک مجلس فاسد که " قانونی " فاسد تر وضع کرده که بنا بر آن متون قرارداد های نفتی را از دید و اطلاع مردم ایران پنهان می نماید و بعلت بی کفایتی مسئولین مختلفی در چهاردولت خاتمی و احمدی نژاد و روحانی و اکنون رئیسی (قاتل تاریخی) از همه طرف متضرر شده اند.

و نیز تاکید کردم که زمانی که فساد،حیات سیاسی -اقتصادی -فرهنگی و اجتماعی یک ملت را همچون سرطانی فرا می گیرد به همان ملت جفا است اگر بدنبال مقصر تنها در سطح نظام بگردیم و نقش مسئولیت خود ملت را فراموش و از آن غفلت کنیم !

اکنون از خواننده محترم سوال می کنم تصور نماید که چنانچه چنین فسادی در یک کشور با دموکراسی های حتی نیم بند اتفاق افتاده بود ،آیا میزان سکوت در مورد این قبیل فسادها در سطح جامعه مدنی به همین میزانی بود که در ایران در میان افواه عمومی در مورد این قرارداد پر فساد برقرار است؟!

دو نمونه از عکس العمل خوانندگان محترم این وضعیت سنجی ها را که به اینجانب با ایمیل ارسال کرده اند در اینجا قید می کنم که گویایی خاصی دارند.

-

۱- خانم ژاله وفای گرامی با درود و سلام. مقالات رادیوسکوپی ... را دنبال کردم.دقت نظر شما جالب و قابل تحسین است اما باید به شما بگویم که متاسفانه این کار شما هر چند بجای خود با ارزش است اما فایده ای در بر ندارد. آنقدر در جمهوری اسلامی میزان دزدی از ثروتهای ملی زیاد است که از حد تصور خارج است .حالا این چند میلیارد جریمه هم رویش و یا بخشی ازآن است. ما مردم چگونه با چنین نظام دزدی، توانا به مبارزه خواهیم بود. همه ثروتهای ما در اختیار حاکمیت است. ما ملت بیچاره یا کارمند دولتیم و حقوق بگیر دولت مثل خود من و جرات جیک زدن نداریم مبادا حقوق مان کم شود و با این وضعیت اقتصادی که روز بروز بدتر می شود نتوانیم مقاومت کنیم و همین زندگی بخور ونمیر را هم از دست بدهیم.

یا بیکاریم که دیگه فاتحه ما خوانده است و خودکشی آخرین چاره. همچون کارگران بیشمار و بی حقوق .یا کار آزاد داریم و کارمان احتکار و گرانفروشی و چاپیدن بقیه مردم است و یا جزو خود این نظام هستیم و داریم پول پارو می کنیم.

پس یا دولت بر ما سوار است و یا ما بر مردم سوار. در این میان کو چاره؟ این قبیل مقالات شما چه فایده ای دارد جز اینکه درد ما را بر اثر آگاهی بیشتر می کند. چون دست بسته ایم.

من خودم چند بارسفری به عسلویه داشته ام و به چشم خود دیدم که محیط طبیعی کشورمان توسط همین مسئولین نفتی تا چه حد تخریب شده است و در محیط کثیف و آلوده آنجا کارگران شرکت نفت با چه زجری و در چه گرمایی و محیط آلوده ای برای چندر غاز پول که آنهم با تاخیر چند ماهه بدستشان می رسد یا نمی رسد ،کار می کنند.و تغییری در این شرایط رخ نمی دهد به نحوی که کارگران دست به خودکشی می زنند.

ببخشیدصریح نوشتم حیفم آمد وقت خود را صرف نوشتن و تحقیقی بکنید که بی فایده باشد هر چند با ارزش.

ارادتمند هوشنگ آ...

۲- خانم وفای محترم. سلام و صد سلام. مقالات سلسه ای شما مرا شگفت زده کرد. یکی از میزان دقت و حوصله شما. که با چه حوصله ای اظهار نظر مسئولان حاکمیت را جمع آوری و نقد کرده اید. و از خودم هم شگفت زده شدم که چگونه ایرانی هستم و در این مملکت زندگی میکنم ولی هیچ از این فساد خبر نداشتم. اینکه می نویسم خبر نداشتم جدی میگم. اصلا اسم کرسنت هم بگوشم نخورده بود گرچه روزنامه خوان هم هستم! من مقاله شماره ۲ شما را بطور اتفاقی در سایت پیک ایران دیدم و بعد رفتم شماره ۱ را خواندم و بعد دیدم این مقالات ادامه دارد و واقعا اینه که یک رادیوسکوپی دقیق از این فساد کرده اید. خیلی به این فکر کردم که چرا من حتی اسم این قرار داد بگوشم نخورده بود. ۳ علت را نزد خودم حد اقل پیدا کردم. اول اینکه من هر چند از طبقه متوسط به طبقه ضعیف ذر این نظام پرتاب شده ام و خانه ام را از دست داده ام و مستاجر شده ام و میوه و گوشت و برنج از سفره ما رخت بربسته و مسافرت هم خط خورده و تا چندی دیگر ماشین پراید قراضه خود را نیز برای فرستادن دخترم به دانشگاه آزاد باید بفروشم .

یعنی با وجود اینکه وضع اقتصادی زندگی شخصی من بسیار سقوط کرده ولی به مسایل اقتصادی علاقه نشان نمی دادم و علتش هم این است که به نظرم موضوع سختی است و نویسندگان مسائل اقتصادی بسیار سخت مفاهیم اقتصادی را توضیح می دهند یا اصلا نمی دهد. ولی دیدم مقالات شما بسیار شفاف و همه فهم نوشته شده. دیدم شما جدا قصد دارید ما مردم از انچه پیرامون ما می گذرد با خبر شویم

و از این بابت خیلی از شما سپاسگزارم .ولی خودم را بیشترمقصر دانستم که با وجود اینکه می بینم وضع زندگیم بد و بدتر می شود دنبال چرایی آن نمی رفتم.و البته این نوع اطلاع رسانی دقیق شما مشوق افرادی مثل من خواهد بود.

دلیل دوم بنظرم این بوده که اگر هم بر فرض می خواستم بفهمم آیامی توانستم این ضد نقیض گویی های مسئولین حاکمیت از وزیر و نماینده مجلس گرفته تا مطبوعات را پی بگیرم؟

دلیل سوم هم این است که در یک کلام نسل ما بین ناامیدی و امید داشتن درگیر است. و همین باعث میشود لحظه ای به مسئولیت خود فکر کندو لحظه ای بخاطر حجم فشارها نا امید شود.

باید بگویم که با خواندن مقالات شما اتفاق دیگری در ذهن من رخ داد و آن اینکه نظرم نسبت به ایرانیان خارج از کشور راشما عوض کردید. وقتی دیدم انسانهای وطن دوست و مردم دوستی هستند که در خارج از کشورند ولی دلشان با مردم است و اینهمه زحمت واکاوی مسائل کشور را بخود می دهند تا ما مردم را از وضعیتی که در پیرامونمان می گذرد آگاه نمایند.

با سپاس فراوان

امیر ت...

ضمن سپاس از این دو خواننده محترم که با اظهار نظرشان مرا وام دار خود کردند . باید بگویم برای هر دو نظر و نویسندگان آن احترام قائلم . اما بدون در نظر گرفتن نام و شخص نگارندگان این دو نامه ، در این شماره از منظر حقوق پنجگانه (حقوق انسان و حقوق شهروندی و حقوق ملی و حقوق طبیعت و حقوق جامعه ملی بعنوان عضوی از جامعه جهانی)به تجزیه تحلیل محتوای نامه ها و نوع نگرشی که بروز داده اند می پردازم. چرا که مسلما در بین هموطنان ایرانی بسیارند افرادی که همچون این دو هموطن به مسائل پیرامون خود و معضلات کشور و نیز مسئولیت خود می نگرند.

در این دو نامه دو نوع نگرش متفاوت در جامعه نسبت به نقش جامعه مدنی وجود دارد:

۱- اول نگرشی که معتقد است " آب که از سر گذشت ، چه یک وجب چه چند وجب " و تحقیق و تفحص و تابانیدن نور به قصد روشن وشفاف کردن قضایا و علل رخ دادن امور را و در یک کلام بالا بردن میزان آگاهی را بر نمیتابد چون

معتقد است این در عین حال درد را بیشتر می کند و ودر تقسیم بندی این نوع نگاه از مردم ، آن بخشی از مردم که به عده ای که به چاپیدن مردم مشغولند سواری می دهند ،دست بسته اند و در زندگی خود به گرفتن رزق و روزی خود به دولت وابسته اند.

۲- نگرش دوم اما به نقد بی پرده خود در اهمیت ندادن به مسئولیت خود در مورد اطلاع یافتن از مسائل پیرامونی خود می پردازد و ذهنیت سبب بینی دارد که بدنبال دلایل رفتاری خود و رفع آنان می پردازد و قصد دارد از مدار بسته نا امیدی و عدم اعتماد به نفس به مدار باز مسئولیت شناسی و آگاهی یافتن و عمل مناسب در قبال آن بی افتد.

هر دو نظر اما دو وجه مشترک دارند . یک اینکه اذعان دارند نظام حاکم جامعه را دچار فساد کرده است و از وضع موجود و آنچه بر آنها روا می رود سخت نارضی اند و در زندگی شخصی خود فشار اقتصادی را حد اقل حس کرده اند. دوم اینکه انسانهای بی تفاوتی نبوده اند و حد اقل با مطالعه مقالاتی که به رادیوسکوپی فساد در نظام ولایت مطلقه فقیه پرداخته ، میل به آگاه شدن از امور پیرامونی خود را در خود بر انگیخته اند.

<u>این دو نظر در مجموع نشانگر چند امر مهم می باشند:</u>

۱- شناخت و معرفت نسبت به حقوق ذاتی تا چه میزان حائز اهمیت است.

شناساندن این حقوق به مردم در همه ابعادش و اهمیتی که در بازکردن مدار بسته استبداد و فساد که نظام به مردم تحمیل می نماید، دارا میباشد،را خاطر نشان مردم کردن.

۲- آگاهی با مسئولیت همراه است و نسل کنونی مابین دو نوع نگرش مسئولیت شناسی و مسئولیت گریزی ، امید و نا امیدی ، عمل به نتیجه آگاهی و یا بی تفاوتی درگیر است و ناچار از انتخاب است. لذا هرگونه نوشته و گفتاری که به روشنایی در این امر یاری رساند و جامعه را در معرض انتخاب قراردهد ، بی نهایت پر اهمیت است.

۳- نقش نویسندگان و متخصصان امر در تقویت وجدان علمی جامعه و نگارش و گفتار با زبان همه فهم و شفاف و روشن ،و نیز نقش مطبوعات در پیگیری و روشن کردن مسائل برای مردم و از ابهام بدر آوردن اظهارات ضد و نقیض مسئولان نظام ، بسیار اساسی و حائز اهمیت است.

٤- متاسفانه اغلب مردم گمان می کنندمعضلات خود را در یک بعد و اغلب اقتصادی بطور ملموس حس می کنند در صورتی که هر پدیده در آن واحد جنبه

های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی دارد.این به اصطلاح " حس کردن یک معضل با همه جنبه ها و ابعاد " بایستی در جامعه تمرین شود تا میزان واقعی تخریب بر همگان روشن شود.

بعنوان مثال پدیده فساد در قرار داد کرسنت می توان بوضوح هر چهار بعد یک پدیده را مشاهده نمود:

الف - هم فساد سیاسی مسئولان نظام ولایت مطلقه فقیه را نظاره کرد (بیکفایتی در تشخیص حقوق ملی و دفاع ازآن و حرص و طمع مشارکت در ارتشاء و مشوش کردن فضای سیاسی و آلودن آن به زور و دروغ بر سر سهم بری از میزان رانت اطلاعات و ارتشاء و تاثیر منفی در روابط همسایگی بین ایران و امارات و ...)

ب - هم فساد فرهنگی را(استبداد رای مسئولان نظام و خود را فوق مردم و قیم مردم دانستن و ترجیح سانسور بر اطلاع رسانی و ترجیح زبان ابهام بر زبان شفاف و آزادی و بی اعتبار کردن بزرگترین شرکت ملی و...)و

ج -هم فساد اقتصادی (ضرر بیشماری که بواسطه سوخت بی مصرف گاز و نیز تخریب طبیعت و همچنین جریمه میلیاردی به ایران وارد شده است و هرز دادن نیروهای محرکه اقتصادی)و

د-فساد اجتماعی (تحمیل سانسور به جامعه و آلودن فضای اجتماعی به دروغ و تهمت و ابهام و تخریب نقش جامعه مدنی در پی سانسور و نا مطلع نگاه داشتن آن و...)

٥- در مواجهه مسائل و بحرانهای مبتلابه جوامع منجمله ایران ،دو راه کار معمولا تبلیغ می شود، یکی «تحول از بالا» و دیگری «تحول از پایین»، اولی ، بدین‌خاطر که قدرت را تنظیم کننده رابطه‌ها می‌کند، وضعیت فلاکت بار محیط زیست و فقر و نابسامانهای امروز جهان را و همچنین ایران راپدید آورده‌است.و بعلت اینکه در سانسور جامعه و سلطه بر مطبوعات بوفور تبلیغ می شود بعنوان تنها راه حل نیز خود را تحمیل میکند و راه حل تحول از پایین را در سانسور نگاه میدارد به نحوی که جامعه ملی که خود باید مصدر تحول از پایین باشد نیز به مرور زمان بر اثر کثرت تبلیغ نافی نقش خود می گردد و «تحول از بالا» را تنها راه ممکن تصور می نماید.

٦- «تحول از بالا»، توجیه‌گر رابطه قوا و بکاربردن ترکیبی از زور و پول و علم و فن و... است و با وسیله کردن «فن‌سالاران» و «فن‌دانان» و دیوان‌سالاران،

در مداربسته روابط قوا، توسط اقلیت مسلط به عنوان راه حل «متحول‌کردن توده‌ها» به جامعه تحمیل می شود.

۷- در این دو نامه می توان بوضوح دید که وقتی روابط قوا فراگیر و همگانی می‌شوند، به میزانی که فراگیر می‌شوند، چون کار قدرت ویرانگری است و قدرت حتی پایگاه‌های اجتماعی برای خود ساخته را هم بطور مستمر ویران می‌کند (به تحلیل رفتن قشرهای میانه در غرب و بند از بندگسستگی اجتماعی وسقوط اقتصادی در ایران و جامعه‌های همانند)، جامعه را بی‌ثبات می‌گردانند. این بی ثباتی حاصل بکاربردن مداوم ترکیب زور و پول و علم و فن و ... در رابطه‌ها، است.

در صورتی که تنها با جا افتادن درک درست از جمهوری به معنای شرکت جمهور شهروندان در اداره امور خویش، از راه شرکت واقعی در شوری‌های واقعی ،و جانشین کردن تحول از بالا با تحول از پایین، بنابراین، جانشین کردن رابطه قوا با رابطه حق با حق، می توان از میزان ویرانی‌های همه جانبه کاست. یعنی تنها در جمهوری حقوندان ثبات دائمی و رشد انسان آبادانی طبیعت میسر می شود.

انقلاب مردم ایران در سال۵۷ با هدف برپایی چنین جمهوری و ایجاد شوراههای کار آمد در جهت مشارکت واقعی مردم انجام گرفت. و هر چند که بایدبر همگان روشن باشد که ماهیت نظام ولایت فقیه بعلت از خود بیگانه کردن همه مفاهیم اعم از جمهوری و شورا و انقلاب و مجلس و دولت و...با ماهیت انقلاب مردمی متضاد است ، راه حل در رهایی دادن انقلاب و اهداف ان از سلطه یک نظام فاسداست که در رفتار ضد انقلاب ترین نظامها است.

۸- تا به چد ضرور است که در تمامی آحاد جامعه جا بیافتد که تا زمانی که رشد انسان به یمن برخورداری از حقوق وفعال‌کردن استعدادهای خود، هدف و روش نگردد «تغییر از پایین»ممکن نمی گرد و «تغییر از بالا»، همچنان ویرانی بر ویرانی طبعیت و هستی آنها می افزاید.

۹- نکته مهم اینکه چون جهت هر تغییری از بالا به پایین شده‌است، جهت ویران‌گری نیز از بالا به پایین گشته‌است. در نتیجه، در پندار قدرت‌پرستان این طبیعت است که، پایین‌تر از همه قرار دارد! ناگزیر، طبیعت نیزگرفتار بزرگ‌ترین ویرانی‌ها، ویرانی‌های برهم افزا، شده‌است.

۱۰- تقویت وجدانهای علمی و تاریخی و اخلاقی جامعه تنها بامعرفت به نقش خود و کسب اعتماد به خود و نیز تمرین شجاعت دخالت کردن در امور خود و نپذیرفتن دلایل مستبدان در اعمال سانسور و ابهام و توجه به حقوق نسل خود و نسلهای آیند ه و حقوق پنجگانه (انسان و شهروندی وملی و طبیعی و جهانی) میسر است و این آگاهی با مسئولیتی همراه است که بجای احساس درد ، احساس شادی و شیرین حرکت و تلاش و ساختن را بهمراه دارد.

نظر به اهمیت حق دانستن و اطلاع مردم ،در شماره آینده در پرتو حقوق پنجگانه به این قرارداد و نقش مردم و عملکرد نظام خواهم پرداخت.

****

وضعیت سنجی۳۸۵
تاریخ انتشار : ۰۲ دی ۱۴۰۰

رادیوسکوپی سرطان فساد نظام در قرارداد کرسنت (بخش پایانی ۶)

در شماره قبل با توجه به نامه دو خواننده گرامی دو نوع نگرش مروج درجامعه را یکی مسئولیت و آگاهی گریزی و دیگری مسئولیت و آگاهی پذیری را و داشتن امید و اعتماد به نفس و یا نا امیدی را در پرتو علل رخ دادن فساد در یک قرارداد را بررسی کردیم.

در این شماره پایانی با تکیه بر حقوق پنجگانه مساله را بررسی خواهم کرد .تا معلوم گردد که آیا در جامعه ای با وجدان علمی و اخلاقی و فرهنگی و تاریخی قوی و حقوند که شهروندانش به حقوق پنجگانه معتقدند، امکان رخ دادن بحرانهای فساد آلود همچون قرارداد فساد آلود کرسنت ممکن خواهد بود یا خیر ؟ و با ارائه فضایی که در اذهان بسیاری غیر ممکن جلوه می کند اما در واقع نه هزینه بردار است نه نیاز به عملیات خشونت باردارد و تنها یک تغییر اندیشه راهنما و باور قابل تجربه به حقوق پنجگانه خود است ، مشخص سازم که همه این قبیل بحرانها و فسادها قابل پیشگیری است و این قبیل معضلات بشرط مشارکت حقوند مردم و عزم جزم کردن مردم ایران قابل جلوگیری و مبارزه است و تحول از پایین به قصد ایجاد فضای زیستی حقوند خالی از زور در خور عنصر ایرانی تنها بدست خود مردم ایران ممکن و میسر است.

زنده یاد ابوالحسن بنی صدر قانون اساسی را به کمک یاران خود تدوین نمود (که افتخار میکنم در بررسی آن قانون اساسی یکی از همکاران ایشان بودم)که میراث بس گرانبهایی برای نسل امروز و نسلهای آینده ایران است. این قانون اساسی که

در۴۹۷ اصل تدوین شده است،بر پایه حقوق پنجگانه (حقوق انسان ، حقوق شهروندی ، حقوق ملی، حقوق طبیعت و حقوق ملی به مثابه عضوی از جامعه جهانی) تدوین شده است و به مردم ایران و مردم جهان پیشنهاد گردیده است. بر خواننده سبب بین و کنجکاو است که این قانون اساسی را مطالعه و با وضعیت امروز خود و کشور مقایسه نماید و تفاوت عظیم را متوجه شود.

در این نوشتار روی سخنم با خواننده گان محترم است تا تنها در یک مورد همانا چگونگی رخ دادن فسادی همچون فساد قرارداد کرسنت به دو مقایسه دست بزنند:

۱- چرایی رخ دادن فساد در قرارداد کرسنت و سرانجامی که این قرارداد بخود گرفته است (که در ۵ وضعیت سنجی قبلی به تفصیل شرح دادم)در نظام فعلی با قانون اساسی موجود مبتنی بر اختیارات فراوان نوشته و نانوشته " ولی مطلقه فقیه" و نیز جامعه مدنی موجود که در اهداف و وظایف و عملکرد کمترین تطابق و سنخیت با یک جامعه مدنی هشیار و بیدار و مسئول و حقوند دارد چرا که از یک طرف بسیاری از شهروندان به حقوق ذاتی خود شناخت و معرفت ندارند و لاجرم در پی تحقق عملی آن نیستند و از طرفی نظام ولایت مطلقه فقیه به اشکال مختلف در پی تهدید و تحدید جامعه مدنی و سلب اختیارات از آن می باشند.

۲- بر فرض داشتن قانون اساسی بر مبنای حقوق پنجگانه و حوزه اختیاراتی که جامعه مدنی بر مبنای آن قانون اساسی دارد و نیز شهروندانی حقوقند و مسئول که مشارکت در امور کشور و مراقبت ازاجرایی شدن واقعی قانون اساسی را حق مسلم خود دانسته و از آن غفلت نمی کند لذا جامعه خود را با هشیاری و مشارکت و جریان اطلاعات و اندیشه از هر نوع امکان شکل گیری فساد دور نگاه می دارد.

مورد اول را چگونگی شکل گیری فساد قرارداد کرسنت آنهم در یک بازه زمانی ۲۵ ساله را بعنوان یک فساد از هزاران فساد و بحرانی که در نظام ولایت فقیه شکل گرفته است را در ۵ شماره بررسی کردیم.

در ادامه با نقل برخی از اصول قانون اساسی پیشنهادی بر اساس حقوق پنجگانه مشاهده میکنیم که آیا با برقرارای چنین اصولی بر قوانین کشور و مراقبت جامعه مدنی امکان شکل گیری چنین فسادی ممکن و میسر بود و یا خیر؟ و اگر نه چرا جامعه ما را خود را از زیست در چنین جامعه حقونی محروم نگاه داشته است و ایا وقت تغییر بزرگ و اساسی و حقوند شدن همه شهروندان و تغییر ساحت سیاسی کشور نرسیده است؟

در بررسی فساد قراداد کرسنت به تفصیل اظهار نظر مسئولان نظام خصوصا اظهار نظر زنگنه زیر نفت سابق را نقل کردیم که معتقد بودند:

:"اگر ما حرف نمی‌زنیم، دلیلش این نیست که نمی‌دانیم. الان تمام این اطلاعات برای ما محفوظ است و لازم شود به‌طور اجمالی آنها را به مردم خواهم گفت. و اگر سکوت می‌کنیم فقط به خاطر حفظ منافع ملی است."

در نظام ولایت فقیه یک وزیر بخود حق می دهد که

۱-صلاح مردم را بهتر از خود مردم بداند

۲-خود را قیم مردم بداند و تشخیص این امر که حقیقت امر را مردم بایستی به تفصیل بدانند و یا به اجمال را حق خود می داند!

۳-منابع گروهی را بناحق نام منافع ملی میدهد و آنرا بر حقوق ملی ترجیح می دهد.

٤-بخود اجازه میدهد در مقام تشخیص حقوق ملی بر فرای عقل جمعی جمهور مردم ایران قرار گیرد!

اما جامعه و حقوق حاکم بر آن در قانون اساسی پیشنهادی بر اساس حقوق پنجگانه تفاوتی اساسی و بنیادی با نظام ولایت مطلقه فقیه وقوانین آن دارد.

به اصول ذیل در قانون اساسی پیشنهادی بر اساس حقوق پنجگانه توجه کنیم :

اصل یک۱۸۲: بنابراین که افزایش میزان و کارآیی سرمایه سیاسی و سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و سرمایه طبیعی و سرمایه اقتصادی نیازمند برخورداری جامعه مدنی از جریان‌های هرچه آزادتر اندیشه‌ها و دانش‌ها و داده‌ها و اطلاع‌ها است،

اصل ۱۸۲,۱ -این جامعه بر داشتن وسائل ارتباط جمعی که یکسره در اختیارش باشند، حق دارد

اصل ۱۸۲,۲ -ممیزی‌ها (سانسورها) ممنوع هستند

اصل ۱۸۲,۳ -هر شهروند حق دارد بر آگاه شدن و آگاه کردن

اصل ۱۸۲,٤ -هر شهروند حق و وظیفه دارد، با یافتن و انتشار دانش و اندیشه و داده و اطلاع، جریان آزاد آنها را گسترده‌تر سازد.

اصل ۱۸۲,٥-وسائل ارتباط جمعی برای آنند که میان شهروندان و حقوق آنها و واقعیت‌ها رابطه مستقیم (شناسایی حقوق و واقعیت‌ها آن‌سان که هستند) برقرار کنند. قانون وسائل ارتباط جمعی باید بر طبق این میزان تدوین شود.

بدینسان ملاحظه میشود در جامعه ای که چنین شهروندان حقونی دارد و مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی وظیفه خود را اطلاع رسانی و شناساندن حقوق و واقعیت ها ان سان که هستند بدانند ،ایا امکان پذیر است بمدت ۲۰ سال واقعیت یک قرارداد پر فساد ازآنها پنهان بماند؟ واصولا ممکن بود چنین فسادی شکل بگیرد ؟

نگارنده در بخش چهارم این سلسله وضعیت سنجی ها در مورد بررسی فساد قرارداد کرسنت در بخش چهارم نقل کردم که : روز نامه ایران در سال ۷مرداد ۹۶ از زنگنه می پرسد :محرمانه بودن این قرارداد یکی از موضوعاتی است که برخی منتقدان از آن به‌عنوان ابزاری برای فشار تبلیغی به دولت استفاده کنند. شما به تازگی در مصاحبه‌ای دلایل محرمانه بودن قرارداد را توضیح دادید اما انتقادها هنوز ادامه دارد...

پاسخ زنگنه اما این بوده است :"این محرمانگی را خود مجلس تصویب کرده است! مجلسی که دست آقایان بود و فکر نمی‌کرد که روزی ما دوباره سر کار بیاییم. گمان می‌کردند که تا ابد دولت دست خودشان می‌ماند. من به نمایندگان در مجلس نیز گفتم که یک قانون تصویب کرده‌اید و اختیاراتی در اختیار وزیر گذاشتید و در همان قانون هم تصویب کرده‌اید که قراردادهای نفتی محرمانه است."

اما در قانون اساسی پیشنهادی بر اساس حقوق پنجگانه می خوانیم :

اصل ۱۸۲,٦ -جامعه مدنی حق دارد مسائلی را که در قلمرو این جامعه پدید می‌آیند، در قلمرو دولت و جامعه سیاسی مطرح کند و حق دارد از مسائلی که در قلمرو دولت و جامعه سیاسی ایجاد می‌شوند، اطلاع و آنها را موضوع بحث و راه‌حل‌جویی قراردهد. بنابراین، هر یک از قوای دولت موظفند بطور مرتب، عملکرد خود را به جامعه مدنی گزارش کنند..

بدینسان ملاحظه می شود در جامعه ای که جمهور مردم میل به اجرای حقوق خود دارند و بر حقوق خود معرفت دارند و جامعه مدنی فعال و بیدار و با مسئولیت و اختیار است ، قوای دولت نمی توانند بطور مرتب عملکرد خود را به جامعه مدنی گزارش ندهند و یا مجلسی تصویب کند مهمترین مسائل مردم از مردم پنهان بماند و "وزیری" که باید کارگزار مردم باشد بخود اجازه دهد که هر وقت خود صلاح دهید بطور اجمالی بخشی از مسائل را با مردم در میان بگذارد !

فساد در قرار داد کرسنت تنها یکی از فسادهاو بحرانهای بیشماری است که بر سر مردم ایران آمده است اما اگر خود مردم به دو اصل ۱۸۲,۳ -هر شهروند حق دارد بر آگاه شدن و آگاه کردن

واصل ۱۸۲,٤ -هر شهروند حق و وظیفه دارد، با یافتن و انتشار دانش و اندیشه و داده و اطلاع، جریان آزاد آنها را گسترده‌تر سازد.

از بن دندان اعتقاد داشتند و بدنبال آگاه شدن و آگاه کردن می رفتند و هم حق و هم وظیفه خود می دانستند که دانش و اطلاع را هم در پی یافتن باشند و در پی انتشار دادن آن برای آگاه کردن سایر هموطنان (اموری که به دولت ربطی ندارد و حرکتی است که باید از خود مردم شروع شود و تمرین شود) می گشتند ،ایا امکان داد حجمی چنین عظیم از فساد و زور و خشونت بر زندگی سیاسی- اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی آنها حکومت کند؟

و اما تنها در یک نظام مبتنی بر زور و طبقه بنی شده بر اساس قدرت است که یک " وزیر" خود را با همه زوری که در هر دستوری می بیند ، خود را مامور و معذور دانسته و از خود سلب مسئولیت می کند.

به اصول ۱۷ تا ۲۰ قانون اساسی پیشنهادی بر اساس حقوق پنجگانه توجه کنیم :

اصل ۱۷- از آنجا که تکلیف بیرون از حقوق ذاتی حیات، حکم زور است، وضع تکلیفی که سالب حق بگردد، ممنوع است و عمل به تکلیفی که حقی از حقوق نباشد، نمی‌تواند موضوع قانون‌گذاری بگردد.

بر اساس اصل فوق هر وزیر و ماموری و مقامی باید خود را نیز انسان و شهروند حقوند و مسئول بداند و نبایستی تن به حکم زور دهد و نبایستی به عمل به تکلیفی که حقی از حقوق نباشد گردن نهد و اطاعت کند.

اصل ۱۸ -حقوق موضوعه که اصولی از هر قانون اساسی را تشکیل می‌دهند، ناقض حقوق ذاتی حیات نیستند و قوانین عادی که وضع می‌شوند، نیز، نباید ناقض حقوق ذاتی حیات باشند.

با توجه به چنین اصلی هریک شهروندی که متوجه شود "نمایندگان " مجلس در قوانین موضوعه حقی از حقوق ذاتی (از جمله حق آگاه شدن از امور کشور) را از مردم سلب می کند ، بایستی هم زبان به اعتراض بگشاید و هم سایر هموطنان را از نقض این حقوق آگاه سازد. نه مانند آقای زنگنه هم زور نهفته در مصوبه مجلس نظام را تحمل و آنرا نیز توجیه سکوت خود نماید !

اصل ۱۹: بنابراین که حقوق ذاتی حیات هستی شمول هستند، همه حیات‌مندها از حقوقی برخوردارند که حیاتشان قائم به عمل به آنها است. طبیعت نیز از همین حقوق برخوردار است.

این مساله که اصل طبیعت ایران دراین قرار داد پرفساد ملحوظ داشته نشده و گازی که نعمتی خدادادی بوده بهدر رفته و سوزانده شده و هوا را نیز آلوده کرده است ، به این علت است که در قانون اساسی کنونی و نظام ولایت فقیه طبیعت ذیحق شناخته نمی شود.

اصل ۲۰: حقوق همدیگر را ایجاب می‌کنند و یک مجموعه را تشکیل می‌دهند، بنابراین، هیچ حقی را نمی‌توان دست‌آویز نقض حق دیگری کرد.

اصل ۱۶۰: دولت نه جانشین که کارگزار جمهور مردم در اعمال حق رهبری است

آقای زنگنه سکوت خود را بنا بر رعایت "منافع ملی" توجیه می کند، اما اگر ایشان بجای قبول مزدوری در نظام ولایت فقیه افتخار زیست در نظامی حقوند را داشت بنا بر اصل فوق متوجه می شد که عقل سالکم نیز حکم می کند که نمی توان هیچ حقی (در اینجا حقوق ملی که به اشتباه منافع ملی می نامد) را دست آویز نقض حقی دیگر(در اینجا حق آگاه شدن جامعه و شهروندان) کرد و خود را در تشخیص حق اطلاع داشتن نه جانشین مردم بلکه کارگزار جمهور مردم می دانست.

اصل ۲۹: تحصیل اطلاع و دانستن، فعالیت استعداد علم و آگاهی جویی، حق هر انسان است. آزادی جریان اطلاع‌ها و داده‌ها و آزادی جریان اندیشه‌ها و آزادی جریان دانش‌ها و فن‌ها و هنرها، بلحاظ آن‌که امکان دانستن را برای هر انسان فراهم می‌آورند، حق هر انسان هستند. بنابر این‌که تکلیف بیرون از حق ، حکم زور است، هر کس حق دارد بداند تکلیفی که انجام می‌دهد، عمل به حق هست یا خیر.از آنجا که «المأمور معذور» ترجمان زورمداری و ناقض حق است، هر امری باید امر به حق باشد و هر وظیفه‌مندی می‌باید مطمئن باشد که دستور سیاسی یا نظامی یا اقتصادی یا اجتماعی و یا فرهنگی که به او می‌دهند ، یا او به دیگران و یا به خود می‌دهد، ناحق نباشد. بنابراین، هر امری، باید با شفافیت تمام بر حق دلالت کند و نباید ناقض حقی از حقوق انسان و یا حقوق شهروندی او و یا حقوق ملی و یا حقوق طبیعت و یا حقوق جامعه بمثابه عضو جامعه جهانی باشد

اصل ۳۰ -اصل بر شفافیت گفتار و کردار است. لذا، سر و پنهان‌کاری به قصد ستم‌کاری، و نیز دوستی و همکاری پنهانی با ستمگر و جنایت‌پیشه، ناقض حق و ممنوع است . بنابراین، دولت حق ندارد عمل ناقض حقی از حقوق انسان و حقوق شهروندی و یا حقوق ملی و یا حقوق طبیعت و یا حقوق ایرانیان بمنزله عضو جامعه جهانی را مرتکب شود. ارتکاب عمل ناقض حقی از حقوق که اصول این قانون را تشکیل می‌دهند، جرم و «سر دولتی» کردن آن موجب تشدید مجازات به ترتیبی است که قانون معین می‌کند.

اصل ۹۵: هر شهروند حق آگاه شدن از امور کشور را دارد. براین اساس، انواع سانسورها ملغی هستند. هر کس حق دارد از حقیقت آگاه شود. آگاهی از شرائط مسئولیت است اما عدم آن رافع مسئولیت نیست. زیرا شهروند باید، در مقام عمل به حق خود، درپی آگاه شدن باشد. بنابراین، حق و وظیفه هر کس است که از هرآنچه لازمه عمل به مسئولیت شهروندی است، آگاه گردد. بنابر این‌که محرومیت از حق، محرومیت از حقوق شهروندی است، محروم کردن شهروندان و یا

شهروندی از این حق، جرم است. اسرار نظامی و دولتی که قانون بر این اصل تعیینشان می‌کند که ناقض حقوق نباشند و دقیق و شفاف باشند، مستثنی هستند.

اصل ۹۵: شهروندان مختارند آنچه را می‌شنوند بپذیرند یا نپذیرند. حتی اگر این سخن، حق‌الیقین باشد. بنابراین، نه طرزفکری و نه اطلاعی را نمی‌توان به شهروندان تحمیل و یا سانسور کرد. آگاه شدن و نشدن به اختیار انسان است. اما اگر در پی آگاه شدن نشد و دروغ را پذیرفت، مسئول تضییع شدن حق خویش است. لذا

آقای زنگنه و امثال وی اگربعنوان یک انسان به حقوق انسانی و شهروندی و ملی خود واقف بودند و بدانها شناخت داشتند حاضر نمی شدند امرو تکلیف مجلسی نا مشروع را(در اینجا مسکوت نگاه داشتن محتوای قرارداد های نفتی از مردم وداشتن سر دولتی)که حکم زور و ضد حقوق انسانی و شهروندی و ملی جمهور مردم ایران است را بی چون و چرا گردن نهد وعمله استبداد و وسیله اعمال سلب حقوق از مردم نیز بشود ! و مردمی نیز که می گذارند مسئولان دولتی امری را از آنها پنهان و سانسور کنند و در پی مسئولیت آگاه شدن نمی روند خود مسئول تضییع شدن حق خویشند!

تنها یک نمونه آنهم فساد در قرارداد کرسنت یک واقعیت را خاطر نشان خردمندان می کند وآن اینکه :

تغییرات اساسی و پایدار تنها از طریق" تحول از پایین" در جامعه رخ می دهد.

در حقیقت، از دو راهکار پیش روی جوامع قرار می گیرد

۱- «تحول از بالا» که بدلیل این امراین شکل از تحول قدرت را تنظیم کننده رابطه‌ها می‌کند،ایینه تمام نمای وضعیت امروز جهان نیز هست.چر که «تحول از بالا»، توجیه‌گر رابطه قوا و بکاربردن ترکیبی از زور و پول و علم و فن و... با وسیله کردن «فن‌سالاران» و «فن‌دانان» و دیوان‌سالاران، در مداربسته روابط قوا،آنهم توسط اقلیت مسلط و به بهانه «متحول‌کردن توده‌ها» رخ می دهد.

این امر شایان توجه است که وقتی روابط قوا فراگیر می‌شوند، به میزانی که فراگیر می‌شوند، بدین‌خاطر که قدرت پایگاه‌های اجتماعی برای خود ساخته را هم بطور مستمر ویران می‌کند (به تحلیل رفتن قشرهای میانه در غرب و بند از بندگسستگی اجتماعی در ایران و جامعه‌های همانند)، جامعه را بی‌ثبات می‌گردانند. چراکه بکاربردن مداوم ترکیب زور و پول و علم و فن و ... در رابطه‌ها، ثبات را ناممکن می‌کند. از این‌رو، جمهوری، در اصل، جانشین کردن تحول از بالا با تحول

از پایین، بنابراین، جانشین کردن رابطه قوا با رابطه حق با حق، با هدف به صفر میل دادن ویرانی‌ها و ایجاد ثبات، ومشارکت واقعی شهروندان در اداره امور خویش است.در این جمهوری است که از راه شرکت در شوری ها رشد انسان دائمی و آبادانی طبیعت مستمر می شود. به زبان دیگر **چون جهت هر تغییری از بالا به پایین شده‌است، جهت ویران‌گری نیز از بالا به پایین گشته‌است.** در نتیجه، این طبیعت است که، به پندار قدرت‌پرستان، پایین‌تر از همه قرار دارد. ناگزیر، طبیعت گرفتار بزرگ‌ترین ویرانی‌ها، ویرانی‌های برهم افزا، شده‌است.

۲-تحول از پایین راه حل جوامع جهانی است زیرا

هرگاه بجای قدرت ؛حقوق بخواهد تنظیم کننده رابطه‌ها بشود تا که نظام اجتماعی، باز و تحول‌پذیر بگردد، دولت نیز می‌باید تحول‌پذیر شود و جهت این تحول از برآیند قوا و سازمانی قدرت محور، تعیین کننده و تعریف کننده حقوق و تضمین کننده حقوق ،به سازمانی باید باشد که به شهروندان امکان می‌دهد، در جامعه باز، برخوردار از جمهوری شورایی، در شوراها و در شورای همگانی شرکت کنند. قانون اساسی در چنین جامعه ای باید به انسانها امکان دهد از بندگی قدرت رها شوند و جهت تغییر را از ویرانی و مرگ به رشد و زندگی تغییر دهند.

به این امید که جمهور مردم ایران با تغییر اندیشه راهنمای خود ،از اصالت دادن به قدرت و زور دست بر کشند و بدینسان توانا به عملی کردن تحول از پایین و بدست گرفتن حاکمیت ملی و ایفای نقش رهبری همگانی و الگو شدن در منطقه بل جهان در ساخت جامعه ای باز وحقوند شوند که درآن حقوق پنجگانه به بهترین نحو رعایت و اجرایی گردد و دیگر شاهد فسادو دروغ و تزویر و تضییع حقوق یکدیگر نباشیم و به حقوق ذاتی طبیعت پر نعمت ایران با احترام بدان نگریسته شود ولاجرم در عمل نیز محترم دانسته شود.

نگارند ه در خاتمه امیدوار است که خوانندگان بیدار و توانا و حقوند با هر مشکل و معضلی که روبرو می شوند با تکیه بر حقوق انسانی و شهروندی و ملی خود ، بخود اجازه چون و چرا کردن و طرح سوال و حق باز کردن مسیر جریان اطلاع و اندیشه و رفع سانسور دهند، تا شیرینی اطلاع یافتن و اجرای مسئولیتی منطبق بر آگاهی را بچشند. و امیدوارم که این تحقیق ٦ شماره ای در این راه یاری رسانده باشد.

****

وضعیت سنجی۳۸۶
تاریخ انتشار : در جمعه, ۱۷ دی ۱۴۰۰

بودجه ۱۴۰۱متشکل از:فروش ثروتهای ملی +قرضه + کسری عظیم(بخش ۱)

در ۲۱ آذر ۱۴۰۰ ابراهیمرئیسی (جنایتکار تاریخی) بودجه سال آینده (۱۴۰۱)را تحویل مجلس نظام داد که معتقد است اقتصاد ایران از تحریمها تاثیر نمیپذیرد اما صرف توجه به در آمدهای پیش بینی شده حاصل از فروش نفت و سهمی که دولت برای تحقق درآمد نفتی خود حساب کرده است ، معلوم میگرداند که دولت سیزدهم روی رفع تحریمها و صادرات روزانه ۱/۲ میلیون بشکه نفت در روز با نرخ تسعیر ارز ۲۳هزار تومانی ،حساب ویژه باز کرده است.

در واقع بررسی لایحه بودجه تا قبل از اینکه مجلس در آن جرح و تعدیل و اغلب قابل ملاحظه ای بوجود اورد ،چندان گویایی ندارد و نگارنده بررسی بودجه در سالهای اخیر را به بعد از کار مجلس نظام برروی بودجه ها موکول می کردم. اما بعلت درخواستهایی چند از اینجانب به بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۱ می پردازم چرا که حداقل گویایی نگاه دولت جدید را به امر بودجه دارد.در ضمن خوانندگان گرامی اغلب تقاضا دارند که بررسی های بودجه با توضیح هر بخش و بزبان ساده انجام پذیرد تا همه فهم گردد. نگارنده در حد توان خود سعی دارد که مطالب اقتصادی را با زبانی شفاف بنویسد تا بتواند به بالا بردن سطح اطلاع عموم یاری رساند .هرچند توضیحات مفاهیم بودجه ای نوشته را متاسفانه طولانی می کند.

مشخصات کلی بودجه ۱۴۰۱

دولت سیزدهم بودجه کل کشور برای سال آینده را سه هزار و ۶۳۱ هزار میلیارد تومان پیش بینی کرده است. این مقدار بودجه نسبت به بودجه سال جاری که دو هزار و ۸۸۲ هزار میلیارد تومان است حدود ۳۰ درصد نسبت به سال جاری افزایش داشته است. مقدار درآمد های پیش بینی شده برای سال آینده ۶۶۴ هزار میلیارد تومان و هزینه های پیش بینی شده ۹۶۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است . در مرکز پژوهش های مجلس برحسب این ارقام هزینه ها ودرآمد های

منتشر شده برای سال آینده ۳۰۱ هزار میلیارد تومان کسری تراز عملیاتی را می بیند. این در حالی است که در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ بیشتر از ٤٦٤ هزار میلیارد تومان کسری عملیاتی وجود دارد، به این معنی است که کسری تراز عملیاتی در سال آینده نسبت به سال جاری حدود ۳۵ درصد کاهش خواهد داشت.

توضیح اینکه

بودجه کل کشور به سه دسته تقسیم می شود:

۱-بودجه عمومی دولت ۲-بودجه شرکتهای دولتی ۳-بودجه موسساتی که غیراز مورد یک ودو هستند

بودجه عمومی دولت: که شامل بودجه های وزارتخانه ها ودستگاههای دولتی می باشد این بودجه کل در آمدهایی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در یک سال مالی به خزانه وارد می شود را شامل می شود

که موضوع بررسی این شماره و شماره اینده وضعیت سنجی است.

بودجه شرکتهای دولتی : مانند بانکها وبیمه های دولتی

قابل توجه اینکه هم اکنون بودجه شرکت‌های دولتی سه برابر بودجه کل کشور است و به دلیل عدم نظارت دقیق بر این بودجه، مشکلاتی مانند حقوق‌های نجومی، سو ءمدیریت‌ها و تخلفات به وجود آمده است و جالب اینکه بودجه شرکت‌های دولتی هیچگاه در مجلس بررسی نمی‌شد و حتی امسال با وجود اینکه براساس مصوبه مجلس نظام مقرر شده است که دولت هر سال گزارشی از عملکرد بودجه شرکت‌های دولتی به مجلس ارائه کند و امسال سازمان برنامه گزارشی از عملکرد بودجه شرکت‌های دولتی در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰ به مجلس نظام ارائه کرده اما این گزارش ناقص است.

و بررسی این بودجه ها و نقشی که بودجه های شرکت های دولتی بر اقتصاد کشور دارد خود بحث مفصلی است و بایستی بدان جداگانه پرداخته شود.

بودجه موسساتی که غیراز مورد یک ودو هستند . مثل بنادر وکشتیرانی ، شهرداری ها.

طبقه بندی منابع بودجه :

الف :درآمدها : که از لحاظ نوع شامل سه بخش ۱-درآمد عمومی و۲- در آمد اختصاصی و ۳- درآمد شرکتهای دولتی می شود.

۱-درآمد عمومی :عبارتست از درآمدهای وزارتخانه ها و موسسات دولتی و مالیات و سود سهام شرکتهای دولتی و درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت و سایر درآمدهائی که در قانون بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد عمومی منظور می شود.

۲-درآمد اختصاصی : عبارتست از درآمدهائی که به موجب قانون برای مصرف یا مصارف خاص در بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد اختصاصی منظور می گردد.

۳-درآمد شرکتهای دولتی : عبارتست از درآمدهایی که در قبال ارائه خدمات و یا فروش کالا و سایر فعالیتهائی که شرکتهای مذکور به موجب قوانین و مقررات مجاز به انجام آنها هستند و عاید آن شرکتها می گردد.

از لحاظ بخش های درآمدی شامل موارد ذیل می شود :

۱/ درآمدهای مالیاتی

۲-کمکهای اجتماعی

۳-کمکهای بلاعوض

٤-در آمدها اموال و دارایی ها

٥-در آمدهای حاصل از جرایم و خسارت

٦-در آمدهای متفرقه

ب- واگذاری دارایی های سرمایه ای

بخشی بصورت فروش نفت و گاز و فروش ساختمانهای دولتی و تاسیسات و ماشین آلات و اموال و داراییهای دولت در داخل و خارج از کشور می شوند.

ج- واگذاری دارایی های مالی:

قسمتی بصورت منابع تامین اعتبار از طریق فروش اوراق مشارکت ، استفاده از صندوق ذخیره ارزی (صندوق توسعه ملی)فروش سهام شرکتهای دولتی ،استقراض از سیستم بانکی ، استفاده از وام ها و قرضه و تسهیلات خارجی ودریافت اصل وامهای داخلی دولت ، تامین می گردد و به واگذاری دارایی های مالی موسوم است.

انواع هزینه های دولتی :

منظور از هزینه ها پرداختهایی است که در بودجه کل کشور درج شده است.

با توجه به نوع درآمد عبارتند از:

الف-هزینه ازمحل درآمد عمومی شامل اعتبارات جاری و عمرانی

ب- هزینه از محل درآمد اختصاصی

ج- هزینه از محل درآمد شرکت های دولتی

طبقه بندی هزینه ها و مصارف :

مصارف ، پرداختهای دولت محسوب می شود و چگونگی تخصیص منابع در شبکه اندام تشکیلاتی دولت . مصارف به ۳ گروه زیر تقسیم می شود .

۱ – اعتبارات هزینه ای : اعتبارات هزینه ای ظرفیتهای موجود را حفظ می کند و موجبات اعمال حاکمیت دولت را میسر میسازد .

۲ – تملک داراییهای سرمایه ای(بودجه عمرانی) : ایجاد و توسعه ظرفیتها و یا تصویب و عمر ظرفیتها ، در یک برنامه زمانبندی شده به صورت سرمایه گذاری در داراییهای سرمایه تولید شده و یا مولد (امور عمرانی)

۳ – تملک داراییهای مالی : تجهیز منابع پولی و مالی "سایر منابع تایین اعتبار " تامین کننده سیاستهای دولت در بازپرداخت بدهیهای خود که به صورت وامها و تسهیلات داخلی و خارجی و یا باز پرداخت اوراق مشارکت یا انجام تعهدات اعزام زائران حج تمتع یا خرید و سرمایه گذاری سهام شرکتهای دولتی یا افزایش سرمایه آنها و تعهدات پرداخت نشده سالهای قبل (دیون با محل) را فراهم می سازند و نیز برگشتی از وجوه اعتبارات مصرف نشده سال قبل که نزد دستگاههای دولتی که از بودجه عمومی استفاده می کنند، مانده ومصرف نشده و وجوه اعتبارات سال قبل خود را تا پایان فروردین سال بعد به خزانه واریز می کنند ، که همگی به تملک داراییهای مالی موسوم است

بودجه عمومی دولت

منظور بودجه ای است که در آن برای اجرای برنامه سالانه منابع مالی لازم پیش بینی و اعتبارات جاری و عمرانی دستگاههای اجرائی تعیین می شود.

اصل تعادل بودجه

بر اساس این اصل درصد رشد هزینه ها نباید بیشتر از درصد رشد درآمد باشد امری که همواره در بودجه نویسی های سنواتی نظام ولایت فقیه تنها بر روی کاغذ نوشته میگردد تا بظاهر از نظر حسابداری برای حفظ ظاهری تراز در آمدها و هزینه ها این تعادل بر روی کاغذ نمایان باشد . اما اغلب نه تنها تعادلی بین در آمدها و هزینه ها وجود ندارد و بیش برآوردهایی که برای تراز کردن منابع و مصارف صورت می‌گیرد موجب کسری بودجه خواهد شد. هزینه ها ی جاری دولت از در آمدهای پیش بینی شده که اغلب تحقق نمی یابند ،بیشتر است و موجبات کسر عظیمی در بودجه را فراهم میاورد که با قرضه داخلی و یا خارجی سعی در پوشاندن آن دارند.البته اصل دیگری تحت عنوان «اصل تقدم درآمدها بر هزینه» نیز هیچگاه رعایت نمیشود و اغلب دولتها در این نظام بودجه های اختصاص یافته عمرانی را صرف هزینه های جاری و لجام گسیخته که بخش اعظم این هزینه های مختص بودجه دستگاههای سرکوب و فشار و استبداد و توقعات یک نظام استبدادی است، را تشکیل میدهند. در واقع بودجه ها در نظام ولایت فقیه عبارتند از:فروش ثروتهای عمومی + کسری + قرضه داخلی و خارجی و بودجه ۱۴۰۱ نیز در عمل همین است.

حال که تا حدی تعاریف بودجه مشخص شد. ابتدا به بررسی این امر میپردازیم که دولت سیزدهم چه منابعی را برای خود در سال ۱۴۰۱ پیش بینی کرده استو ایا قابل تحقق است یا خیر.

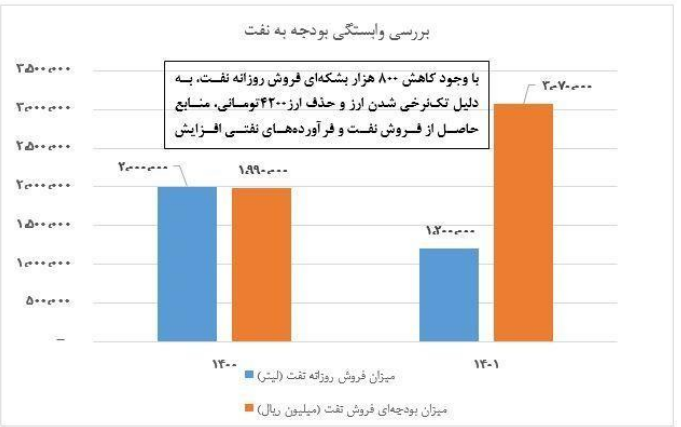
منابع دولت در سال ۱۴۰۱

بخش درآمد ها در لایحه بودجه برای سال آینده رقم ٦٦٤ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است که نسبت به سقف اول قانون بودجه سال جاری ٤٨ درصد رشد دارد و در بخش واگذاری درآمد های سرمایه ای رقم ٤٠٨ هزار میلیارد تومان برای سال آینده پیش بینی شده است که نسبت به سقف اول قانون بودجه امسال ٨١ درصد رشد برای آن پیش بینی شده است. و در بخش آخر منابع عمومی دولت که واگذاری دارایی های مالی است، درآمد حاصل از این بخش ۲۹۹ هزار میلیارد تومان برآورد شده است و نسبت به سقف اول قانون بودجه ۱۴۰۰ تقریبا ٤٦ درصد رشد خواهد داشت.

توجه خوانندگان گرامی را به این امر جلب میکنم که منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (صادرات نفت و فروش اموال) نسبت به پیش بینی عملکرد قانون بودجه سال ۱۴۰۰ (که خود با بیش برآوردی بسیار زیادی همراه بود) حدود ۵۸۰ درصد رشد داشته است. این افزایش قابل توجه، از محل تغییر نرخ تسعیر ارز حاصل از صادرات نفت به دلیل حذف ارز ترجیحی(٤٢٠٠تومانی) و

همچنین به دلیل انتقال منابع حاصل از فروش خوراک میعانات گازی پتروشیمی‌ها از تبصره «۱۴» به سرجمع منابع حاصل از نفت (حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان) حاصل شده است.

قابل توجه اینکه طبق اقرار محسن زنگنه رئیس کمیته اصلاح ساختار بودجه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در مصاحبه با تسنیم در ۱۹ آذر ۱۴۰۰ : سال گذشته دولت (روحانی)رقمی در حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان را برای درآمدهای حاصل از واگذاری اموال دولت در نظر گرفته بود که کمتر از دو درصد محقق شده است ! این مسئله به دو دلیل مقاومت دستگاه‌ها و مسائل قانونی رخ می‌دهد. عموما دستگاه‌ها تمایلی برای واگذاری اموال خود ندارند.به طور مثال آموزش و پرورش ملک و املاک زیادی در اختیار دارد اما حاضر نیست حتی یک مدرسه کوچک خود را از دست بدهد. بانک‌های دولتی و غیر دولتی نیز به همین ترتیب. بخشی از مسئله نیز به قوانین مربوط می‌شود و مدیران نگران هستند که اگر واگذاری داشته باشند در آینده با ورود دستگاه‌های نظارتی و قضائی اتفاقاتی که برای خودشان رخ دهد.



جور سازی مصارف دولت

گفتیم که مصارف عمومی نیز شامل سه بخش اصلی هزینه ها، تملک دارایی های سرمایه ای و تملک دارایی های مالی است. بخش هزینه ها در لایحه بودجه برای سال آینده رقم ۹۶۵ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده که نسبت به سقف اول قانون بودجه سال جاری ۳۸ درصد رشد دارد و در بخش تملک دارایی های سرمایه ای (همان بودجه عمرانی)رقم ۲۵۲ هزار میلیارد تومان برای سال آینده پیش بینی شده که نسبت به سقف اول قانون بودجه امسال ۷۳ درصد افزایش داشته است. در

بخش تملک دارایی های مالی ،(که بخش اعظم ان را فروش اوراق قرضه بخود اختصاص میدهد) مصارف حاصل از این بخش را ۱۵۵ هزار میلیارد تومان قید شده که نسبت به سقف اول قانون بودجه ۱۴۰۰ تقریبا ۶۸ درصد رشد خواهد داشت.

نحوه تراز بودجه سال بعد

در بررسی لایحه بودجه سال آینده توسط مرکز پژوهش های مجلس، منابع درآمد های پایدار را ۶۶۸ هزار میلیارد تومان و مصارف را ۱۳۷۲ هزار میلیارد تومان پیش بینی کرده است. بر طبق این ارقام کسری بودجه ساختاری دولت در بودجه سال ۱۴۰۱ بدون نفت ۷۰۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود. این کسری بودجه ساختاری با علم به اینکه در سال جاری کسری بودجه ساختاری ۴۸۸ هزار میلیارد تومان است بیش از ۴۴ درصد، نسبت به سال جاری افزایش خواهد داشت.

خوب مشاهده میشود که مرکز پزوهشهای مجلس نیز متوجه شده است که دولت سیزدهم نخواهد توانست در آمد های پیش بینی شده خود را تامین کند و محقق سازد و مواجه با کسری عظیمی خواهد شد.

مرکز پژوهش های مجلس می گوید: برای جبران این کسری دولت راه حل هایی را پیش بینی کرده است . در این لایحه اصلی ترین قسمت برای جبران کسری بودجه ساختاری فروش روزانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت به قیمت هر بشکه نفت ۶۰ دلار و خالص صادرات گاز به ارزش ۳,۵ میلیارد دلار و تسعیر ارز های حاصل ازآن ها با نرخ ۲۳ هزار تومان است. برای این بخش حدود ۳۸۲ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است. علاوه بر فروش نفت و میعانات گازی برای کاهش کسری بودجه وبرای سهم صندوق توسعه ملی ۲۰ درصد کاهش پیش بینی کرده اند که شامل ۱۳۷ هزار میلیارد تومان خواهد بود. بخش های دیگری که از آن ها برای جبران کسری بودجه استفاده شده است شامل، فروش اوراق مالی اسلامی به مبلغ ۹۸ هزار میلیارد تومان و واگذاری شرکت ها حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان، همچنین فروش اموال به ارزش ۲۶ هزار میلیارد تومان خواهد بود.

یاد آور می شوم که درآمد حاصل از انتشار اوراق اسلامی در لایحه بودجه سال اینده که ۹۸ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است نسبت به سال ۱۴۰۰ که بیش از ۱۳۴ هزار میلیارد تومان است ،حدود ۳۰ درصد کاهش دارد. البته در این لایحه ذکر شده است در صورت عدم تحقق درآمد حاصل از فروش نفت به دولت اجازه داده شده است تا این مقدار درآمد تحقق نیافته را از طریق فروش اوراق قرضه جبران نماید !

جالب توجه خوانندگان گرامی اینکه درحالی‌که رقم پیش‌بینی‌شده برای فروش اوراق در لایحه بودجه ۱۴۰۱ کمتر از ۱۰۰هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است،

برآوردهای مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد رقم تامین مالی از طریق اوراق قرضه حتی می‌تواند تا ۲۵۰هزار میلیارد تومان افزایش یابد.

دلیل روی آوری به افزایش فروش اوراق قرضه این سه امر می باشد:

«تامین بخشی از ۱۵۶هزار میلیارد تومان کسری بودجه با اوراق»،

«کمتر شدن میزان درآمدهای نفتی از رقم پیش‌بینی» و

«ابهام در مصارف تبصره ۱۴ به‌ویژه در زمینه سیاست‌های حمایتی»

اینها سه عاملی هستند که از دید مرکز پژوهشهای مجلس منجر به رشد فروش اوراق مالی توسط دولت در سال آینده خواهند شد. موفق شدن در فروش اوراقی با این حجم هیج تضمینی ندارد.

علاوه بر این نگارنده یاد آور می شود که یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش اوراق مالی در سال آینده، افزایش سیاست حمایتی دولت در راستای حذف ارز ٤٢٠٠تومانی خواهد بود. در ردیف «۱۷» تبصره «١٤»، به منظور جبران اصلاح نرخ کالاهای اساسی، دارو، یارانه نان و خرید تضمینی گندم، حدود ۱۰۶هزار میلیارد تومان مصارف پیش‌بینی شده است. اما به نظر می‌رسد رقم ۱۰۶هزار میلیارد تومانی برای مجموع این مصارف کم برآوردی قابل‌توجهی داشته باشد.میزان منابع لازم برای خرید تضمینی گندم، یارانه نان و اصلاح قیمت‌های دارو، بیش از ۱۲۰هزار میلیارد تومان خواهد بود و اگر دولت خواهان افزایش یارانه دهک‌های پایین‌تر نیز باشد، میزان منابع لازم برای این ردیف تبصره «١٤» می‌تواند تا ۱۸۰هزار میلیارد تومان نیز برسد و مابه‌التفاوت رقم واقعی و رقم پیش‌بینی‌شده احتمالا از طریق فروش اوراق مالی-اسلامی تامین شود.

خوانندگان گرامی ملاحظه می کنند که دولت سیزدهم در لایحه بودجه ١٤٠١ رقم درآمد دولت از محل فروش نفت را ۴۰۰ هزار میلیارد تومان و درآمد مالیاتی حدود ٥٢٦ هزار میلیارد پیش بینی کرده است (به چند و چون این رقم عظیم مالیاتی و عدم امکان تحقق آن در شماره بعد می پردازم) .

گویا هدف دولت این بوده که با افزایش عجیب درآمد نفت و مالیات، کسری تراز عملیاتی کاهش پیدا کند. بدون اینکه به این مساله توجه کند که آیا امکان فروش ۴۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد نفت و دریافت ۴۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی وجود دارد یا نه؟

در واقع همانگونه که در مقدمه این نوشتار گفته شد :دولت برای تحقق درآمد نفتی خود، روی رفع تحریم‌ها و صادرات روزانه ۱/۲ میلیون بشکه نفت در روز حساب ویژه باز کرده است. و چون دولت باید ۴۰ درصد از درآمد نفت را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند اما می‌خواهد مجوز کاهش سهم صندوق توسعه ملی را از خامنه ای بگیرد. یعنی از طریق کاهش سهم صندوق توسعه ملی از درآمد نفت ، به در آمد ٤٠٠ هزار میلارد تومانی برسد.

اما اینکه چنین مجوزی صادر شود و یا تحریم‌های نفتی حذف شود، دو مولفه‌ای است که باید به آینده واگذار کرد و حد اقل در بخش رفع تحریمها واقعیت ها (عدم داشتن برنامه مشخص دولت سیزدهم در مذاکرات برجام و کوتاه آمدن به توافقات دولت روحانی با ٥+١) خلاف آنرا گزارش می دهد.

البته خوانندگان گرامی می دانند که درآمد فروش نفت ایران و صادرات آن و حتی میزان تخفیفهای ویژه و چوب حراج زدن به ثروت ملی در فروش نفت به کشور چین مدت‌هاست که در نظام ولایت فقیه جزو آمار محرمانه تلقی می‌شود. اظهارات پراکنده درباره درآمد دولت از محل فروش نفت وجود دارد اما رقم رسمی برای درآمد صادرات نفت ایران منتشر نشده است.به گفته وزیر اقتصاد دولت روحانی، درآمد حاصل از صادرات نفت در سال ۹۹ حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان بوده! همچنین به گفته نوبخت معاونت اقتصادی روحانی ،در ۱۱ مهر ۱٤۰۰ ، میزان صادرات نفت ایران در شش ماهه نخست سال، حدود ۱/۲ میلیارد دلار بوده است . یعنی کمترین میزان در چهار دهه گذشته! چون کمترین درآمد نفتی که بعد از انقلاب حاصل شده، مربوط به سال ۶۵ در اوج دوران جنگ است که درآمد نفتی دولت به ۵/۹ میلیارد دلار رسید. اما درآمد نفتی سال گذشته و شش ماهه نخست سال جاری، گویا رکورد کاهش فروش نفت شکسته است وبه زحمت به ۳۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

شایان توجه است که آنچه برای صادرات نفت در سال ١٤٠٠پیش‌بینی شده بود، ۵/۵ برابر رقم محقق شده بود. البته سال گذشته و همزمان با رونمایی از بودجه، وزیر نفت گفته بود این میزان فروش با فرض رفع تحریم‌هاست و اگر تحریم‌ها رفع نشود، چنین درآمد نفتی هم حاصل نمی‌شود.

حال ملاحظه میکنیم که امسال هم دولت سیزدهم برای کسب درآمد نفت، روی رفع تحریم‌ها حساب ویژه باز کرده است.

جالب توجه اینکه خبرگزاری تسنیم در ۱۹ آذر ۱٤۰۰ با محسن زنگنه رئیس کمیته اصلاح ساختار بودجه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفتگو کرده است وی معتقد است : در بودجه ١٤٠٠در واقع در حوزه منابع پایدار همچنان نفت سهم

جدی دارد. در حال حاضر ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز می‌فروشیم و در نتیجه عدد یک میلیون و دویست هزار بشکه که در بودجه در نظر گرفته شده یعنی باید ۵۰۰ هزار بشکه بیشتر بفروشیم.

وی ناخواسته به دو امر مهم اقرار می کند ": ۱ -هدف گذاری غلط دولت در میزان رشد اقتصادی و ۲-دلیل این هدف گذاری اشتباه که همان کسری بودجه شدید است.

وی در ادامه این مصاحبه میگوید :براساس آنچه که خبر داریم، رشد اقتصادی هشت درصد را در بودجه سال آینده مبنا قرار دادند و بعد برای هر یک از وزارتخانه‌ها و استان‌ها سهم قرار دادند. دولت برای تحقق این رشد ۸ درصدی سرمایه‌گذاری در حدود سه هزار و ٤۰۰ هزار میلیارد تومانی نیاز دارد.

سازمان برنامه و بودجه برآوردی انجام داده است که براساس نیازی که به سرمایه‌گذاری از منابع بانک‌ها، بازار سرمایه، بودجه عمومی دولت، منابع داخلی شرکت‌های دولتی، صندوق توسعه ملی نفت، منابع آورده بخش خصوصی و منابع خارجی استفاده کند و برای هر کدام سهمی قائل شده‌اند.برهمین اساس برای بانک‌ها ۹۰۷ هزار میلیارد تومان، بورس و بازار سرمایه ٥٦۰ هزار میلیارد تومان، ۱٦۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی دولت، ۲۷۲ هزار میلیارد تومان منابع داخلی شرکت‌های دولتی، ۳٦۰ هزار میلیارد تومان (۱,٥ میلیارد دلار) صندوق توسعه ملی نفت، ۱۸۱ هزار میلیارد تومان بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی نیز ۱۲۰ هزار میلیارد تومان (۸۰۰ میلیون دلار) در نظر گرفته شده است.

شاید بتوان ۸۰۰ میلیون دلار مشارکت خارجی را از طریق تهاتر انجام داد اما تحقق سهم بخش خصوصی محل ابهام است. کل منابع در نظر گرفته شده که برآورد سازمان برنامه و بودجه است به دو هزار و ٥٦۲ هزار میلیارد رسیده که برای رسیدن به رشد هشت درصدی کافی نبوده و ۸۹۹ هزار میلیارد تومان کسری دارد!

جهت جلوگیری از طولانی شدن نوشتار بخش بررسی در آمدهای مالیاتی مندرج در بودجه ۱٤۰۰ و نیز سایرامور بودجه را به وضعیت سنجی شماره آینده(۳۸۷) واگذار می نمایم.

****

وضعیت سنجی ۳۸۷
تاریخ انتشار ۰۱ بهمن ۱۴۰۰ ۱

بودجه ۱۴۰۱متشکل از:فروش ثروتهای ملی +قرضه + کسری عظیم(بخش۲)

در بخش اول این نوشتار (وضعیت سنجی قبلی شماره ۳۸٦) بعد از توضیحات مفاهیم بودجه ای(بنا بردرخواست خوانندگان گرامی) و بررسی مشخصات کلی بودجه و منابع دولت در بودجه ۱۴۰۰ و جورسازی مصارف بودجه و نحوه تراز بودجه بر روی کاغذ ! و نیز بررسی کسری بودجه پرداختیم.

و اما در این شماره به سایر ویژه گیهای بودجه ۱۴۰۱ و اثر آن بر زندگی مردم خواهم پرداخت.

کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که دولت انتظار بیش از دو برابر شدن درآمدهای حاصل از فروش گاز در داخل کشور را دارد. دولت همچنین نرخ تسعیر ارز را دو برابر کرده و تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی را متوقف کرده است. هر دو این عوامل تورم‌زا است و در واقع دولت درآمدهای ریالی حاصل از فروش نفت را به بهای کوچکتر شدن سفره مردم افزایش خواهد داد.

در دولت یازدهم و دوازدهم خصوصا از زمان آغاز تحریم‌های آمریکا و افت درآمدهای صادرات نفت شاهد بودیم که تلاش دولت برای جبران کسری بودجه به انتشار اوراق قرضه و استقراض داخلی از بانک مرکزی و دیگر بانک‌های داخلی و همچنین برداشت از صندوق توسعه ملی روی می آورد.اما اینبار دولت مستقیما بسراغ تحمیل هزینه های جاری دولت به مردم است.

منابع عمومی دولت در بودجه ۱۴۰۱

در مجموع درآمد دولت از صادرات نفت در لایحه بودجه سال آینده کمتر از ۱۰ درصد افزایش یافته، اما نکته اینجاست که هم نرخ تسعیر دلار (تبدیل دلارهای نفتی به ریال) دو برابرمحسوب شده است و نیز در سال‌های گذشته نیمی از درآمدهای نفتی صرف ارائه دلار ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی می‌شد که در لایحه بودجه سال آینده دلار ۴۲۰۰ تومانی حذف شده است .

خواننده محترمی از اثرات حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی بر زندگی مردم پرسیده است ؟

نگارنده معتقد است که ارز ترجیحی در دولت دوازهم به واردات کالاهای اساسی اختصاص یافت منجمله دارو ولی در نحوه عملکرد و تخصیص آن شاهد ایجاد رانت بزرگ و فساد آوری شدیم که یک نمونه ان این بود که گروههای مافیایی رانت خوار ارز ارزان ۴۲۰۰ تومانی رابرای واردت دارو دریافت ولی با آن لاستیک اتوموبیل وارد کرده بودند !

ناگفته نماند که نزدیک به ده درصد جمعیت ایران فاقد هرگونه پوشش بیمه‌ای است وبا حذف ارز ترجیحی دارو و پرداخت مابه‌التفاوت آن به شرکت‌های بیمه، هزینه دارو را برای این گروه حداقل چهار برابر افزایش می‌دهد. البته دولت رئیسی (این جنایتکار تاریخی) پیش از آنکه لایحه بودجه به تصویب نمایندگان مجلس نظام برسد هم تخصیص ارز برای واردات دارو و مواد اولیه دارویی را آنقدر کاهش یافته که قیمت برخی اقلام دارویی به یک‌باره تا شش برابر افزایش بیابد.

دولت می‌گوید برای «جبران» افزایش قیمت گندم و دارو برنامه دارد و در لایحه بودجه هم ۱۰۶ هزار میلیارد تومان اعتبار برای جبران افزایش قیمت ناشی از حذف ارز ترجیحی اعتبار پیش‌بینی کرده است. اما نحوه توزیع این اعتبار مشخص نیست . مدیر گروه سلامت مرکز پژوهش های مجلس نظام ولایت مطلقه فقیه روایت کرده است که "تنها برای جبران افزایش قیمت دارو به ۸۶ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است." حذف ارز ترجیحی روی کالای اساسی حتما موارد تورمی را خواهد داشت و حتی بهانه به دست عده‌ای می‌دهد که قیمت‌ها را افزایش دهند و بگویند افزایش قیمتها به دلیل حذف ارز بوده است.و فشار براقشار بیکار و زحمتکش وکم بضاعت بسیار طاقت شکن می شود.

بگزارش فرارو در ۱۱ دی ماه ۱۴۰۰درنشست مجازی موسسه دین و اقتصاد که با عنوان «چالش‌های بزرگ لایحه بودجه ۱۴۰۱» برگزار شد آقای فرشاد مومنی اظهار داشته است :" واقعا این‌ها نمی‌فهمند با شوک‌های قیمتی چه بر سر این کشور

می‌آورند؟ واقعا این‌ها نمی‌دانند با حذف نرخ ارز ترجیحی و ایجاد بحران حاد در زمینه دارو، رابطه مردم با حکومت چه می‌شود؟ آیا وزیر بهداشت نمی‌داند در تمام دنیا در مورد دارو می‌گویند دارو مثل پفک نیست که اگر به دست مصرف کننده رسید به من ربطی ندارد. چطور می‌شود وزیر صمت (وزارت صنایع ومعدن و تجارت)در رابطه با حذف ۴۲۰۰ تومانی در این رابطه صحبت می‌کند؟ گزارشات انجمن سلامت و تولیدکنندگان دارو را ندیده اند که چه جهشی در تولید دارو رخ می‌دهد؟ حالا می‌خواهید از طریق دارو هم یک فشار غیرعادی در این زمینه وارد کنید؟"

رشد بیش از دو برابری درآمدهای فروش گازبه داخل

درابتدای نوشتار گفتیم که دولت به قیمت وارد آوردن فشار مستقیم بر دوش مردم لایحه بودجه ۱۴۰۱ را تهیه دیده است. بطور نمونه در لایحه بودجه سال آینده، درآمدهای دولت از فروش داخلی گاز بیش از دو برابر شده است. در بودجه سال جاری ۴۰ هزار میلیارد تومان درآمد از فروش داخلی گاز در نظر گرفته شده بود، اما برای سال آینده این رقم نزدیک ۸۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. اما هیچ نه معلوم که بر چه مبنایی چشم به رشد بیش از دو برابری درآمدهای فروش گاز دوخته است .ایا قصد دارد از راه افزایش دو برابری قیمت گاز کسب در آمد نماید؟ آیا فشار ان مستقیما به مردم وارد نمی شود ؟

دولت طی روزهای گذشته از افزایش نرخ گازبها برای پرمصرف‌ها خبر داده بود، اما به نظر نمی‌رسد تنها با تکیه بر آن، بتوان درآمدهای فروش داخلی گاز را بیش از دو برابر کرد.

غارت صندوق توسعه ملی

استفاده حدود چهاربرابری از صندوق توسعه ملی، در شرایطی که درآمد ناشی از صدور نفت به صورت غیرواقعی برآورد شده است، باعث کاهش بیشتر منابع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ناکارآمد شدن صندوق توسعه ملی خواهد شد و این صندوق را به سرنوشت حساب ذخیره ارزی دچار خواهد کرد.

واگذاری دارایی‌های مالی در بودجه ۱۴۰۰

واگذاری دارایی های مالی: قسمتی بصورت منابع تامین اعتبار از طریق فروش اوراق مشارکت ، استفاده از صندوق ذخیره ارزی (صندوق توسعه ملی)فروش سهام شرکتهای دولتی ،استقراض از سیستم بانکی ، استفاده از وام ها و قرضه و تسهیلات خارجی ودریافت اصل وامهای داخلی دولت ، تامین می گردد و به واگذاری دارایی های مالی موسوم است.

دولت در بودجه سال آینده واگذاری دارایی‌های مالی را تا یک سوم کاهش داده است. بخشی از این واگذاری‌ها مربوط به انتشار اوراق قرضه است.

در بودجه ۱۴۰۰برای سال جاری انتشار ۱۳۲ هزار میلیارد تومان اوراق قرضه در نظر گرفته شده است، اما در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ این رقم ۸۸ هزار میلیارد تومان است.

در کل، دولت سیزدهم واگذاری دارایی‌های مالی سال ۱۴۰۱ را حدود ۲۹۹ هزار میلیارد تومان برآورد کرده که ۱۲۸ هزار میلیارد تومان کمتر از قانون بودجه امسال است.

دولت سیزدهم میتوانست با فروش اموال خود (خصوصی‌سازی) بخشی از منابع بودجه را تامین کند، اما لایحه بودجه سال آینده نشان می‌دهد که منابع دولت از این محل رشد چندانی نخواهد داشت.و البته بی دلیل هم نیست یکی کمی استقبال مردم و دلیل دیگر اینکه طبق آخرین گزارش دیوان محاسبات کشور بدهی‌های خالص دولت ایران به هزار تریلیون تومان رسیده که یک سوم آنها مربوط به اوراق قرضه است!مسعود میرکاظمی رییس سازمان برنامه و بودجه نیز اخیرا اعلام کرد تا سال ۱۴۰۵ دولت باید ۵۳۵ هزار میلیارد تومان اصل و سود اوراق دولت قبل را پرداخت کند !

شایان توجه است که این رقم معادل یک سوم بودجه عمومی دولت در سال آینده است و به نظر نمی‌رسد دولت با توجه به ادامه کسری‌های بودجه، قادر به تسویه این بدهی بشود!

درآمدهای مالیاتی در بودجه ۱۴۰۱

قبل از پرداختن به بررسی مالیاتها در بودجه ۱۴۰۱لازم میدانم که به تعریف نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی بپردازم.

چرا که این نسبت نشان‌دهنده کل مالیات جمع‌آوری شده از طریق بخش عمومی (دولت‌های مرکزی و محلی) نسبت به اندازه اقتصاد است که خود معیار بس مهمی در مقایسه کشورها از لحاظ حکمرانی و رشد محسوب می‌شود. مالیات‌ها، ابزاری برای تامین هزینه‌های جاری و عمرانی دولت‌ها بوده و در تمامی کشورها (به‌جز بعضی از کشورهای دارای نفت و گاز) اغلب این هزینه‌ها از طریق مالیات تامین می‌شود. از طرف دیگر مالیات‌ها به عنوان ابزار توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی متوازن و عامل تثبیت‌کننده اقتصاد به شمار می‌رود. نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی بیانگر این است که تا چه اندازه یک دولت منابع در اختیار یک کشور را به خوبی مدیریت می‌کند. کشورهای توسعه‌یافته به طور معمول مقدار

شاخص بسیار بالاتری نسبت به کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارند. هرچه این نسبت بالاتر باشد به این معنی است که کشور از منابع پایدار برای سرمایه‌گذاری و حفظ و حتی بهبود رشد اقتصادی آینده بهره‌مند خواهد بود.

طبق داده‌های آماری بانک جهانی نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی یا تلاش مالیاتی در ایران زیر ۷ درصد در سال‌های اخیر بوده است. و با فرض تحقق ۱۰۰ درصدی مالیات‌های پیش‌بینی شده در بودجه ۱۴۰۱، مجدد به محدود ۷ درصد باز خواهد گشت. این در حالی است که میانگین نسبت مذکور برای کشورهای جهان ۱۵ درصد و برای بسیاری از کشورهای توسعه یافته بالای ۳۰ درصد است همچنین نسبت مخارج دولت به تولید ملی حدود ۵/ ۲۲ درصد است و بنابراین رقم درصد هزینه‌های دولت بزرگ‌تر از تلاش مالیاتی است که این نشانه بسیار بدی برای رشد محسوب می‌شود. اغلب کشورهای جهان سعی می‌کنند تمامی هزینه یا قسمت اعظم آن را از طریق مالیات تامین کنند

در لایحه بودجه سال آینده ۸۵ هزار میلیارد تومان از درآمدهای مالیاتی مربوط به مالیات بر درآمد است که نسبت به سال جاری ۴۹ درصد افزایش یافته است.

در قانون بودجه سال جاری (۱٤۰۰)، درآمد مالیاتی دولت ۳۲۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده که معادل ۲۴ درصد از بودجه است، اما برای سال آینده(۱٤۰۱) درآمدهای مالیاتی به ۵۲۶ هزار میلیارد تومان اوج گرفته که معادل ۳۵ درصد از بودجه عمومی دولت است

در لایحه بودجه سال ۱٤۰۱ اماخبری از دریافت مالیات از نهادهای معاف از مالیات مانند سپاه و نهادهای زیرنظر بیت رهبری نظام نیست و رشد ۶۴ درصدی درآمدهای مالیاتی مستقیما با مردم در ارتباط خواهد بود.

مالیات بر ثروت از دیگر بخش های درآمد های مالیاتی است که نه تنها در بودجه سال آینده رشد نداشته است بلکه با ۲۰ درصد کاهش، بیشترین مقدار کاهش را در میان بند های مختلف درآمد های مالیاتی داشته است.

عمده بخش های مختلف بند مالیات بر ثروت در بودجه پیشنهادی سال آینده یا کاهشی بوده است یا تقریبا بدون تغییر بوده اند. در میان بخش های مختلف مالیات بر ثروت، مالیات بر نقل و انتقال سرقفلی ۳۲ درصد کاهش داشته است از مالیات بر خودرو های گران قیمت نیز ۲٤ درصد کاسته شده است. و تنها برای مالیات بر ارث و نقل و انتقال املاک در سال آینده پیش بینی افزایش درآمد شده است

مالیات بر شرکت‌های غیردولتی رشد ۱۴۰ درصدی داشته و به رقم ۱۲.۱ هزار میلیارد تومان رسیده است اما در مقابل برای شرکت‌های دولتی که بودجه عظیمی

هم صرفشان می‌شد فقط ۸۳ درصد افزایش دیده‌اند که حدود ۷.۵ هزار میلیارد دلار می‌شود

جالب اینکه انتظار رشد ۶۴ درصدی درآمدهای مالیاتی در حالی است که با توجه به عملکرد ۱۳۹روزه سال‌جاری، تنها ۷/ ۷۵درصد رقم مصوب سال قبل تحقق یافته است. بر این اساس، با توجه به عملکرد سال‌جاری، باید بیش از ۸۰درصد مالیات وصول شود که در شرایط رکودی، کرونا و تحریم، تحقق این امر بسیار بعید به نظر می‌رسد.

افزایش ۶۲ درصد درآمدهای مالیاتی چگونه اتفاق افتاد؟

بررسی جزئیات رشد ۶۲ درصدی درآمدهای مالیاتی جالب است. به طور کلی مالیات ها در بودجه در پنج سرفصل کلی مالیات اشخاص حقوقی شامل (مالیات شرکت های دولتی و خصوصی)، مالیات بر درآمدها شامل(مالیات حقوق بگیران و مشاغل)، مالیات بر ثروت شامل (مالیات بر ارث، نقل و انتقال سهام، املاک و سرقفلی و مالیات های جدید شامل مالیات بر خودروها و خانه های لوکس و خانه های خالی)، مالیات بر واردات (تعرفه و حقوق گمرکی کالاهای وارداتی) و در نهایت مالیات بر کالاها و خدمات (عمدتا شامل مالیات بر ارزش افزوده) می باشد.

مالیات بر اشخاص حقوقی در لایحه بودجه ۱۴۰۱، حدود ۱۲۴.۸ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. این به معنای رشد ۱۰۹ درصدی این نوع مالیات نسبت به قانون بودجه ۱۴۰۰ می باشد.

مالیات بر درآمدها نیز در مقایسه با قانون بودجه ۱۴۰۰ حدود ۵۵ درصد رشد داشته است و از ۵۴.۸ هزار میلیارد تومان به ۸۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

مالیات بر ثروت کاهش یافته است و از ۳۴.۵ هزار میلیارد تومان در قانون بودجه ۱۴۰۰ به ۲۷.۸ هزار میلیارد تومان رسیده است.

اما مالیات بر ثروت چگونه کاهش یافته است و این کاهش از چه ناحیه هایی است؟

کاهش مالیات نقل و انتقال سرقفلی از ۲.۳ هزار میلیارد تومان به ۱.۶ هزار میلیارد تومان

کاهش مالیات بر نقل و انتقال سهام از ۱۷.۱ هزار میلیارد تومان به ۱۰.۴ هزار میلیارد تومان

افزایش مالیات نقل و انتقال املاک از ۲.۳ هزار میلیارد تومان به ۴ هزار میلیارد تومان

بدون تغییر ماندن مالیات واحدهای مسکونی گران (۰.۷ هزار میلیارد تومان)

کاهش مالیات خودروهای لوکس از ۶.۶ هزار میلیارد تومان به ۵ هزار میلیارد تومان

بدون تغییر ماندن مالیات خانه های خالی (۲ هزار میلیارد تومان)

مالیات بر واردات از ۵۶ هزار میلیارد تومان به ۷۹.۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافت و رشد ۴۲ درصدی را تجربه کرد.

مالیات بر کالاها و خدمات با رشد ۶۴ درصدی به ۲۰۵ هزار میلیارد تومان رسید. این افزایش ۶۴ درصدی به صورت زیر پیش بینی شده است:

کاهش مالیات بر فرآورده های نفتی و بنزین از ۶.۱ هزار میلیارد تومان به ۶ هزار میلیارد تومان

افزایش مالیات بر نقل و انتقال خودرو از ۲.۴ هزار میلیارد تومان به ۳.۹ هزار میلیارد تومان

افزایش مالیات بر ارزش افزوده از ۸۹ هزار میلیارد تومان به ۱۴۹ هزار میلیارد تومان

بر خرید طلا، جواهرات و ارز توسط مردم، ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده مالیات وضع شده است

چنانچه ملاحظه میشود بیشترین رشد در ناحیه مالیات ستانی از اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده است.

در حالی که در بودجه ۱۴۰۱فشار مالیاتی بر روی دوش مردم افزایش یافته است ، بودجه نهادهای غیر مسئول اغلب مزاحم حقوق مدنی و شهروندی افزایش یافته است.

در شماره آینده ضمن بررسی بودجه این قبیل نهادها به سایر ویژه گیهای بودجه ۱۴۰۱ می پردازم.

****

وضعیت سنجی ۳۸۸
تاریخ انتشار ۱۵/۱۱/۱۴۰۰

بودجه ۱۴۰۱متشکل از:فروش ثروتهای ملی +قرضه + کسری عظیم(بخش۳)

در شماره قبل این نوشتار یعنی بخش دوم بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۱ به بررسی در آمد منابع فرضی در آمدعمومی دولت در این لایحه و نیز غارت صندوق توسعه ملی و واگذاریهای داریی های مالی و نیز بخشی از در آمدهای فرضی مالیاتی در سال آینده درلایحه بودجه ۱۴۰۱ پرداختیم و گفتیم که در حالی که در بودجه ۱۴۰۱فشار مالیاتی بر روی دوش مردم افزایش یافته است ، بودجه نهادهای غیر مسئول اغلب مزاحم حقوق مدنی و شهروندی افزایش یافته است. اکنون به ادامه بررسی درآمدهای مالیاتی فرضی این لایحه می پردازیم.

درآمدهای مالیاتی در بودجه۱۴۰۱

در شماره قبل در بخشی که به در آمدهای مالیاتی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ پرداختیم آوردیم که در قانون بودجه سال جاری (۱۴۰۰)، درآمد مالیاتی دولت ۳۲۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده که معادل ۲۴ درصد از بودجه است، اما برای سال آینده(۱۴۰۱) درآمدهای مالیاتی به ۵۲۶ هزار میلیارد تومان اوج گرفته که معادل۶۳درصد رشد نسبت به در آمدهای مالیاتی در قانون بودجه جاری است و نیز ۳۵ درصد از بودجه عمومی دولت در سال آینده است.

درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه سال آینده ۵۳۲ هزار میلیارد تومان پیش بینی شد و این در حالی بود که در قانون بودجه سال جاری میزان درآمدهای نفتی ۳۲۹ هزار میلیارد تومان بود.

طبق لایحه بودجه کشور درآمدهای مالیاتی به پنج بخش تقسیم شده اند. در این لایحه بیشترین رشد در حوزه اشخاص حقوقی بوده است.

اما بار مالیاتی سال آینده بر روی دوش کدام قشر است؟

حداکثر بار مالیاتی بر دوش اشخاص حقوقی

در بخش مالیات بر اشخاص حقوقی، بخش مالیات بر اشخاص حقوقی غیر دولتی با افزایش ۱٤٥ درصدی بیشترین نرخ رشد را در بخش مالیات بر اشخاص حقوقی داشته است . این به معنی افزایش بیشتر مالیات در بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی خواهد بود.

کاهش مالیات بر ثروت

مالیات بر ثروت از دیگر بخش های درآمد های مالیاتی است که نه تنها در بودجه سال آینده رشد نداشته است بلکه با ۲۰ درصد کاهش، بیشترین مقدار کاهش را در میان بند های مختلف درآمد های مالیاتی داشته است.

عمده بخش های مختلف بند مالیات بر ثروت در بودجه پیشنهادی سال آینده یا کاهشی بوده است یا تقریبا بدون تغییر بوده اند. در میان بخش های مختلف مالیات بر ثروت، مالیات بر نقل و انتقال سرقفلی ۳۲ درصد کاهش داشته است از مالیات بر خودرو های گران قیمت نیز ٢٤ درصد کاسته شده است. و تنها برای مالیات بر ارث و نقل و انتقال املاک در سال آینده پیش بینی افزایش درآمد شده است.

همچنین پیش بینی درآمد ناشی از مالیات بر واحد های خالی و واحد های مسکونی گران قیمت است. در سال آینده مالیات این دو بند تقریبا بدون تغییر بوده است، یکی از دلایل این که نرخ رشد کسب درآمد از این دو بخش برای سال آینده تغییر نکرده ممکن است این باشد که دولت در سال جاری با وجود تبلیغات گسترده و مانور روی این نوع مالیات نتوانسته میزان درآمد لازم از مالیات بر واحد های مسکونی گران قیمت و واحد های مسکونی خالی را کسب کند به همین دلیل نرخ افزایش درآمد آن را در سال آینده بدون تغییر قرار داده است.

تعدیل مالیات ستانی از نقل و انتقالات سهام

یکی دیگر از بخش های بند مالیات بر ثروت، بخش مالیات بر نقل و انتقال سهام است.کسب درآمد از این بخش در سال آینده با کاهش تقریبا ۳۹ درصدی همراه بوده که بیشترین درصد کاهش در میان بخش های مختلف مالیات بر ثروت است علت آن هم می تواند این باشد که برآورد دولت عدم رونق برای بازار سهام در سال آتی است. زیرا درآمدهای این بخش نسبت به امسال کاهش یافته است. با این حساب می توان گفت دولت تصور می کند نقل و انتقال سهام در سال بعد کمتر از سال جاری باشد.

افزایش مالیات بر واردات، درآمدها، کالا و خدمات

همچنین در بند مالیات بر درآمد ها و مالیات بر کالا و خدمات هر کدام به ترتیب ٥٥ و ٦٤ درصد در بودجه پیشنهادی رشد داشته اند. در بخش مالیات بر درآمدها

نیز بخش مالیات بر مشاغل بیشترین درصد رشد و بیشترین سهم را در افزایش درآمد خواهد داشت. در بند مالیات بر کالا و خدمات با رشد ٦٤ درصدی بعد از بند مالیات بر اشخاص حقوقی بیشترین درصد رشد را در بودجه پیشنهادی سال آینده دارد، در این بند بخش عوارض خروج از کشور با هزار و ۳۰۰ درصد رشد بیشترین درصد رشد را داشته است و بخش مالیات بر کالا و خدمات با رشد ٦٧ درصدی نسبت به سال جاری روبرو شده است .

جالب توجه اینکه حتی دیوان محاسبات در گزارش خود تاکید کرده است که دولت باید در خصوص افزایش ٦٢ درصدی مالیات نسبت به سال گذشته مبانی نحوه افزایش پایه های مالیاتی و جلو گیری از فرار و اجتناب مالیاتی و وصول معوقات را شفاف کند و باتوجه به احکام مندرج در تبصره شش لایحه بودجه شاهد افزایش رشد معافیت ها هستیم که با افزایش ٦٢ درصدی مالیات همخوانی ندارد.

<u>۱۳۵ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی</u>

داوود منظور رییس سازمان امور مالیاتی گفته است (باشگاه خبرنگاران جوان ۲۲ آذر ۱٤۰۰): حدود ۵۰ درصد مالیاتی که وصول می‌کنیم فرار مالیاتی داریم که بر این اساس این مبلغ ۱۳۵ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

شایان توجه است که دولت سیزدهم تبلیغ می نماید که افزایش درآمدهای مالیاتی نشانگر عدم وابستگی بودجه به در امد نفتی است ! دروغ بزرگی که واقعیت مالیات ها انرا آشکار می سازد.

یک رقم ۲٤ هزار میلیارد تومان از محل مالیاتی که برحقوق کارمندان دولت در لایحه بودجه ۱٤۰۱ در نظر گرفته شده است و نیز حدود ۸ هزار میلیارد تومان؛ مجموع مالیات بر واردات در سال ۱٤۰۱ که عاید دولت می شود ،هر دو متکی به درآمد نفت و گاز هستند. زیرا با ارز حاصل از فروش نفت و گاز، کالا و خدمات از خارج خریداری و به کشور وارد می‌شوند. و بدانیم که بابت هر ۱۰ هزار دلار کالائی که وارد کشور می‌شود، ۱ نفر بی‌کار می‌شود. به سخن دیگر، عاملی از عاملهای اصلی بی‌کاری و مصرف محور شدن اقتصاد کشور، واردات کالا و خدمات است.

بنابر این، بودجه که باید برداشتی از تولید داخلی باشد، برداشت از تولید داخلی نیست. و این سوال پیش می آید که پس چرا بخش دولتی رشد می‌کند؟

زیرا بخش دولتی بخاطر فروش نفت و گاز و قرضه‌ها که کسری‌ها را باید پر کنند، «رشد» می‌کند. به سخن دیگر، بخاطر رشد فقیرترشدن و حراج منابع نفت و

گاز و... کشور و ایجاد قرضه سنگین بر دوش نسل امروز و نسلهای آینده، «رشد» می‌کند. به سخن روشن، میزان افزایش فقر بخش دولتی چند برابر میزان افزایش فقر جامعه است. بشرط آنکه فقر ناشی از بیابان شدن طبیعت را در نظر نگیریم. اما فقر شتاب‌گیر دولت، در حقیقت افزوده می‌شود بر فقر جامعه ملی. زیرا منابع ثروت کشور متعلق به آنها است و با از بین رفتن آنها، مردم کشور هستند که گرفتار فقر سیاه می‌شوند.

- و این فقر در بسیار ی موارد حاصل تبعیضها در جامعه است و هدر دادن ثروت ملی به معنای اختصاص دادن بودجه به امور ونهادهایی است که اغلب نه تنها در سازندگی و تولید فکر و کالا نقش ندارند بلکه مخرب تولید فکر و اندیشه و بنیاد تولید در کشورند:

بودجه ۴۳ نهاد مذهبی در نظام ولایت مطلقه فقیه

-

افزایش عجیب بودجه حوزه‌های علمیه از جیب مردم یا خزانه دولت؟!

به گزارش تازه نیوز، در لایحه بودجه ۱۴۰۱، با اینکه بودجه برخی از سازمان‌ها و مؤسسات مذهبی اعلام نشده؛ اما براساس همین لایحه غیرشفاف، بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه نسبت به سال گذشته صد درصد افزایش داشته است. امری که انتقادات بسیاری به همراه داشته و حتی آیت‌الله محقق‌داماد با انتقاد از وابستگی مالی حوزه‌های علمیه به دولت گفته است: آیت‌الله بروجردی حوزه را در برابر حکومت با هر مشکلی اداره کرد؛ اما امروز یکی از مشکلات حوزه این است که وابسته به دولت و حکومت شده است واولین کسی که این اشتباه را کرد و برای حوزه بودجه تعیین کرد، آقای محمد خاتمی بود». این حقوق‌دان تأکید کرد: «حوزه باید از بودجه مردمی استفاده کند که با طیب خاطر پول را بدهند، حوزه باید استقلال داشته باشد».

آن‌طور که در این لایحه آمده، سهم بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه از سازمان حفاظت محیط زیست بیشتر است. بودجه سازمان محیط زیست در لایحه بودجه ۱۴۰۱، دوهزارو ۱۵۷ میلیارد تومان است. ۴۳ دستگاه مذهبی در بودجه سال ۱۴۰۰، هفت‌هزارو ۲۵۲میلیاردو ۶۰۰ میلیون تومان بودجه گرفتند که سهم برخی از آنها به طور جداگانه بیشتر از بودجه سازمان‌هایی مانند ستاد کل بحران کشور بود.حال در جدول هفتم لایحه بودجه ۱۴۰۱، بودجه اجرائی برخی از مؤسسات و سازمان‌های مذهبی نوشته شده؛ اما نه به طور کامل، زیرا بودجه سازمان‌های اوقاف و امور خیریه، فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مؤسساتی مانند جامعه‌المصطفی العالمیه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

و... که سهم بالایی از بودجه سازمان‌های مذهبی را به خود اختصاص می‌دهند و همیشه نقدهای بسیاری به سهم بالای آنها از بودجه وجود داشته، سهمشان در سال ۱۴۰۱ در لایحه بودجه فعلی اعلام نشده است..

-

مقایسه بودجه سال ۱۴۰۰ برخی نهادهای مذهبی و اجرایی

اجرایی		مذهبی	
نام نهاد	بودجه	نام نهاد	بودجه
صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور	۲۵ میلیارد تومان	نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه	۱۲۰ میلیارد تومان
معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری	۲۲ میلیارد تومان	ستاد راهبران نور	۲۰ میلیارد تومان
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۲۲ میلیارد تومان	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم	۲۰۵ میلیارد تومان
سازمان انرژی اتمی کشور	۲۳۰ میلیارد تومان	شورای سیاستگذاری حوزه‌های علمیه خواهران	۲۲۵ میلیارد تومان
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۲۲ میلیارد تومان	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	۲۳۰ میلیارد تومان
سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری	۵۲۰ میلیارد تومان	جامعة المصطفی العالمیه	۲۶۵ میلیارد تومان
سازمان مدیریت بحران کشور	۱۷۱/۹ میلیارد تومان	نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها	۱۷۶ میلیارد تومان
مرکز تحقیقات سنجش سلامت	۶ میلیارد تومان	بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس	۶۷ میلیارد تومان
معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری	۳۳۸ میلیارد تومان	سازمان تبلیغات اسلامی	۳۶۰ میلیارد تومان
سازمان غذا و دارو	۲۵۶ میلیارد تومان	شورای عالی حوزه‌های علمیه	۶۵۱ میلیارد تومان
بنیاد ملی نخبگان	۸۵ میلیارد تومان	مراکز خدمات حوزه‌های علمیه	۱۰۰ میلیارد تومان

<u>برای اینکه خوانندگان محترم قادر باشند مقایسه ای شفاف بنمایند ٤ مثال زیر گویایی دارند :</u>

-

۱- بودجه جامعه المصطفی یکی از اصلی‌ترین دریافت‌کنندگان بودجه دولتی است وهیات مدیره آن توسط خامنه ای تعیین می شوند و کلا در اختیار اهداف وی است و وزارت خزانه‌داری آمریکا، در ۱۸ آذرماه ۹۹ «جامعه المصطفی العالمیه» را در لیست تحریم‌های ثانویه؛ قرار داد در بودجه ۱۴۰۱ سهم بودجه ای برابر با ۵۷۶,۹ میلیارد تومانی دارد . ودر عین حال دانشگاه علم وصنعت ایران که یکی از سه دانشگاه صنعتی برتر ایران است در حال حاضر حدود ۱۲۰۰۰ دانشجو در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، در رشته‌های مختلف مهندسی و علوم پایه (۴۲ رشتهٔ تخصصی) در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند و در مقطع پسادکتری نیز دانشجو می‌پذیرد.و در سال ۲۰۱۵ نیز این دانشگاه به همراه دانشگاه شریف تنها دانشگاه‌های ایرانی در بین ۶۰ دانشگاه برتر آسیا بودندو بر اساس نظام معتبر رتبه‌بندی تایمز در سال ۲۰۱۶، دانشگاه علم و صنعت ایران به

عنوان دانشگاه اول کشور در جایگاه ۴۷۵ دانشگاه‌های جهان قرار گرفت ، نیز سهم بودجه ای ٥٩٤ میلیارد تومانی بخود اختصاص داده است !

نکته مهم آنجاست که جامعه المصطفی برخلاف همه دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور، معافیت مالیاتی نیز دارد.

۲-سازمان تبلیغات اسلامی که در واقع با سبک تبلیغات مخربش ،ضربه به دین اسلام زده و میزند نیزدر سال ١٤٠١ سهم بودجه ای ٧٤١,٧ میلیارد تومانی را بخود اختصاص داده و در همین حال بودجه صنعتی امیرکبیر نیز با دانشجویان ممتازی که پرورش میدهد۷۲۰ میلیارد تومان یعتی ٤١ میلیاردتومان کمتر از سازمان تبلیغات اسلامی بودجه دریافت می نماید.

۳ــ دولت سیزدهم برای حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بودجه هنگفتی برابر با ۲۷۷,۹ میلیارد تومان در نظر گرفته در حالی که بودجه حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی از مجموع بودجه های ۳ دانشگا ه های مهم هنر ایران یعنی دانشگاههای هنر تهران (١٤٥,٤ میلیارد تومان)و دانشگاه هنر شیراز (۱۹,۹ میلیارد تومان)و دانشگاه هنر تبریز(۹۹,۸میلیارد تومان)در مجموع برابر با ٢٦٥ میلیارد تومان هنوز ۱۳ میلیارد تومان بیشتر است !

٤- سهم بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه(دو هزار و ۸۰۸میلیارد تومان) از سازمان حفاظت محیط زیست بیشتر است. بودجه سازمان محیط زیست در لایحه بودجه ۱۴۰۱، ۲ هزار و ۱۵۷ میلیارد تومان است !

٥- بودجه شورای سیاست گذاری ائمه جمعه ۹۸ میلیارد تومان برای سال آینده در نظر گرفته شده است در حالی که بودجه سازمان ملی پرورش استعداد درخشان کشور در سال ١٤٠١، ٨٣ میلیارد و ٦٠٠ میلیون تومان است که ۱۵میلیارد تومان کمتر از بودجه این شورایی است که متشکل از۸ آخوند می باشد !

گویا امسال برای گریز از انواع نقدها به بودجه جامعه المصطفی و سایر سازمان‌های بحث‌برانگیز، خبری از جزئیات نیست.اما از آنچه در بودجه آمده هم نباید غافل ماند، برای نمونه شورای عالی حوزه‌های علمیه نیز از ۲۵۹/۱ میلیارد تومان در سال قبل با رشدی ۳۷ درصدی به مبلغ ۷۱۹/۱ میلیارد تومان رسیده است.یعنی بودجه ای برابر با دانشگاه امیر کبیر !

همچنین بودجه شورای سیاست‌گذاری حوزه علمیه خواهران با رشدی ۱۸ درصدی نسبت به پارسال از ۳۹۱ میلیارد تومان به ۴۶۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. یعنی حدود ١٤٤ میلیارد تومان بیشتر از دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی !مؤسسه نشر آثار امام خمینی با ۱۲۴ درصد رشد به ۷۷.۳ میلیارد تومان رسیده است.یعنی ٥ برابر بودجه دانشگاه هنر شیراز !

دانشگاه اهل بیت نیز با ۵۱ درصد رشد به ۲۷ میلیارد تومان رسیده است. سازمان بسیج نیز با ۴۵ درصد رشد، بودجه‌اش به سه‌هزارو ۸۳ میلیارد تومان افزایش یافته است. بودجه مرکز الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت هم رشد ۱۵۸ درصدی داشته و به ۲۲ میلیارد تومان رسیده است.البته دراین‌بین با گسترش انتقادها به جداول بودجه این مراکز دینی، سازمان برنامه درباره تغییرات بودجه نهادهای مذهبی توضیح داده و گفته است: با توجه به ساماندهی بودجه دستگاه‌های مشابه در یک دستگاه مادر در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱، مقایسه بودجه این دستگاه‌ها با ردیف مشابه در سال‌های قبل نادرست است.

جالب توجه اینکه دربودجه دولت ابراهیم رئیسی (این جنایتکار تاریخی)برای سال ۱۴۰۱، هزینه نهاد ریاست جمهوری به۱۴۸۳میلیارد تومان افزایش داشته است .در واقع بودجه نهاد ریاست جمهوری تقریبا ۳ برابر شده است!

و اگر رژیم ولایت مطلقه فقیه بنا را بر دروغگوئی نمی‌گذاشت و دست کم در باره دخل و خرج دولت به مردم راست می‌گفت، ممکن نبود که اقتصاد کشور باوجود تدابیری که در دوران مرجع انقلاب ایران، برای تولید محور کردن آن به اجرا درآمد، بهمان بیراهه بازگردد که در دوران پهلویها بدان افتاده بود. و البته، استبداد ولایت مطلقه فقیه هم بر قرار نمی‌شد و خود را مالک‌الرقاب ایران نمی‌دانست ونیز، بار مالی بسیار سنگین بر دوش اقتصاد بس ناتوان ایران نمی گذاشت. فقر سیاهی که مردم ایران و طبیعت آنها بدان گرفتارند و بودجه می‌گوید همچنان سیاه‌تر می‌شود، حاصل بازسازی استبداد وابسته به قدرتهای خارج بخاطر ایجاد تعادل قوا بسود خود در داخل است.

****

وضعیت سنجی ۳۸۹

تاریخ انتشار : ۲۹ بهمن ۱۴۰۰

سپاه ستون پایه قدرت خامنه ای که در چاه متعفن فساد غرق شده است (بخش۱)



"در دوران معاصر، انواع سازمان های موازی را در توتالیتاریسم فاشیستی و استالینیستی و پس از آن رژیم های توتالیتری که در کشورهای مختلف، از آنجمله کشورهای اسلامی مستقر شده اند، زیر چشم داشته و داریم. تضادی که بنیاد توتالیتاریسم را تشکیل می دهد، از جمله، در دوگانگی سازمان ها تجلی می کند. حزب حاکم علاوه بر بوجودآوردن دیوان سالاری و سازمان های نظامی و انتظامی، در کنارشان سازمان های «اطلاعات و امنیت» و «چماقداری» و «شبه نظامی» و «انواع پلیس مخصوص» بوجود می آورد

قرآن هر نوبت که به نوعی به توتالیتاریسم می پردازد، این سازمان ها را از یاد نمی برد، از جمله در بحث از حزب فرعون با تفصیل بیشتر به موضوع می پردازد که قدرت فرعون پایه های متعدد دارد:

وَفِرْعَوْنَ ذِي الأَوْتَادِ

و فرعون دارای ستون پایه ها(ی قدرت)گوناگون است: از ارکان و ستونهای قدرتهای فرعونی ، یکی نیروهای نظامی و شبه نظامی :

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الأَرْضِ

و او و لشگریانش بر روی زمین استکبار جسته اند

هرگاه ایرانیان از آنچه بر روسیه و آلمان، در دوران استالین و هیتلر، گذشته است، آگاه می بودند، بسا با کسانی همصدا می شدند که نسبت به ایجاد «نهادهای انقلاب» و تشکیل «بسیج» و «حزب الله» و «انصار حزب الله» هشدار می دادند. هیچ ملتی نمی باید از خطر عود استبداد فراگیر غفلت کند. چرا که قدرت وقتی امکان تمرکز و بزرگ شدن و انباشت پیدا کرد، استبداد فراگیر را برقرار می کند."

نقل از"ص ۱٦۰ کتاب توتالیتر آقای ابوالحسن بنی صدر

در ۲۱ بهمن ۱٤۰۰یک فایل صوتی حدود ۵۰ دقیقه‌ای مربوط به سال ۹۷ از گفت‌وگوهای بین محمدعلی یا عزیز جعفری ، فرمانده وقت سپاه و صادق (میرزاحسن) ذوالقدرنیا ، معاون اقتصادی وقت سپاه پاسداران از طرف رادیو فردا منتشر شد که موضوع گفتگو ی آن ،فساد نیروهای مرتبط با نیروی قدس سپاه، بنیاد تعاون سپاه و شهرداری تهران بوده است و در آنها پای بسیاری از منصوبان خامنه‌ای از جمله قاسم سلیمانی و رئیس کنونی مجلس نظام، محمد باقر قالیباف هم در میان است.

میرزا حسن ذوالقدرنیا که به جعفری فرمانده وقت سپاه گزارش می دهد، پیش از این در فضای عمومی شناخته شده نبود و نام اصلی او صادق گل و سنبل بوده و بین فعالان سیاسی و فرماندهان سابق سپاه استان فارس شناخته شده است.

فساد سازمان یافته و فر اگیردر سپاه پاسدران و شاخه های آن همچون سپاه قدس و نیز شهرداری تهران:

در این فایل صوتی به نقش برجسته شهردار سابق تهران، فرمانده‌های پیشین و کنونی نیروی قدس سپاه، جمال‌الدین آبرومند، معاون وقت هماهنگ‌کننده سپاه و حسین طائب، مسئول اطلاعات سپاه در فسادهای گسترده اشاره شده که رقم آنها به هزاران میلیارد تومان می‌رسد.

سه روز پس از انتشار فایل صوتی «محمدعلی جعفری» ، خبرگزاری فارس اصالت این فایل رااز قول جعفری تایید کرد.

آنچه این فایل صوتی هویدا کرده شمه ای از بوی گندچاه متعفنی است که این نظام و ارگان نظامی سرکوبگری چون سپاه تا خرخره در آن غرقند .

آنچه این فایل صوتی هویدا ساخته عبارتند از

۱-این فایل صوتی نماد آشکار آخر و عاقبت فاسد هر استبدادی است.

۲-دلیلی محکم بر این است که هر نظام استبدادی برای حفظ قدرت خود به هرمرام (کمونیسم و ناریسم و لیبرالیسم و...) و هر دینی یهودیت ومسیحیت و اسلام و...)به مثابه ابزار می نگرد در بین کارگزاران استبداد نه تنها باوری به آن مرام ودین وجود ندارد، بلکه آن را از خود بیگانه می کنند و در خدمت قد رت در می آورند.

۳- و رفته رفته قدرت بدل به دین و مرام بندگان و عملگانش می گردد.

٤- درچنین نظامهایی بکار گیری هر وسیله کثیفی برای هدف حفظ قدرت توجیه می شود.

٥-افسار عمله های قدرت بدست قدرت است و نه بالعکس .

٦-این فایل صوتی دلیل آشکاری است که نمیتوان در حفظ نظام استبدادی کوشا باشی و آنرا اوجب و اجبات خود بدانی ودر درون نظام بمانی و آلوده به فساد نشوی.

۷- این فایل صوتی دلیل آشکاری است که چرا و چگونه حال وطن ما ایران خراب است **!** و سرطان فساد این نظام در همه ارکان سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایران ریشه دوانده و حیات ملی ما را سخت به خطر انداخته است.

شکل گیری این فساد وعملکرد عمله های آن چگونه بوده است؟

۱- این فایل صوتی سند آشکارفساد، زدوبند و رقابت باندهای مافیایی درونی سپاه و اطلاعات سپاه و نیز سپاه قدس به سرکردگی قاسم سلیمانی است که نظام هنوز قصد دارد وی را فردی وارسته جا بزند.

به تعبیر ناصر خسرو

چه سود چون همی ز تو گند آید

گر تو به نام احمدعطاری **!**

۲-در واقع امر بنیاد تعاون سپاه، نقش تامین مالی قاسم سلیمانی را ایفا می کرده و سعی کرده اند بر روی پرونده فساد عظیم وی ماله کشیده شود. پرونده فساد همسر او نیز بایگانی شده است (در دنباله بدان می پردازم). قاسم سلیمانی پول آلوده به فساد را صرف فساد بزرگتری بنام باز کردن پای ایران به جنگهای اغلب خود ساخته منطقه ای مثل سوریه و یمن و عراق یعنی جنگ افروزی آشکار در فراسوی مرزهای ایران از طریق حمایت از گروه های نیابتی و نقض اشکار حقوق کشورهای همسایه و دخالت آشکارا درسرنوشت مردم آن کشورها و بعضا حمایت صریح از دیکتاتورها همانند بشار اسد می کرده است. در واقع امر به ویرانی

کشیدن خاورمیانه و ایران از طریق چاپیدن بودجه و ثروتهای مردم و ترویج وایجاد فساد در ایران.

چگونه پول سپاه تامین می شده است ؟

از راه حرام فروش مواد مخدر و بار ازراه حرام دزدی از حلقوم مردم

۳-اصل مساله شبکه طائب و قاسم سلیمانی است که با حمایت شخص سلیمانی باید نیاز های مادی نیروی قدس را فراهم می کردند. غلامرضا باغبانی مواد مخدر را خصوصا از افغانستان قاچاق می‌کرده (* در پایان نوشتار در فراز ۲ نقش سپاه در قاچاق مواد مخدر به نقش غلامرضا باغبانی می پردازم)، و محمود سیف (با نام واقعی محمود سجادی‌نیا) اسکناس جعل می‌کرده است،مسعود مهردادی تا سال ۱۳۹۷ به عنوان «جانشین اقتصادی» بنیاد تعاون سپاه،که نقش اصلی را در بسیاری از شرکت‌های اقتصادی و قراردادهای این بنیاد بازی می‌کرده همراه با جمال‌الدین آبرومند، یک زوج اقتصادی تشکیل داده بودند و کارشان تاسیس شرکتهای پوششی بوده است، که یکی از آنها هلدینگ یاس بوده است و جمال‌الدین آبرومند، معاون وقت هماهنگ‌کننده سپاه، بی آبرویی کرده و وقتی در بنیاد تعاون سپاه «۸ هزار میلیارد تومان» کم می‌آورد، قالیباف از او خواسته است که یک تفاهم‌نامه ۸ هزار میلیارد تومانی برای رفع و رجوع کردن ماجرا امضا کند!پس آبرومند پولهای دزدی و فساد شهرداری را برای سپاه قدس و فرمانده اش سلیمانی فراهم می کرده است.متاسفانه اکثر مردم تصوری از ۸۰۰۰ میلیارد تومان ندارند.برای مردم شاید ۱۰۰میلون تومان محسوس‌تر از هزارها میلیارد تومان باشد چون آنرا با دارایی خودمی‌سنجند.و صد البته قشر بزرگی از زحمتکشان که حقوق ۱ تا ۲ میلیون تومانی اشان نیز ماهها است به تعویق افتاده رنگ همان ۱ میلیون تومان را هم ندیده اند.

(** غلامرضا باغبانی از فرماندهان سپاه قدس وقاچاقچی مواد مخدر)



٤- فساد گسترده مابین مافیای شهرداری و زد و بندش با سپاه و تلاش قالیباف (هم شهردار وقت و هم رئیس هیات امنای بنیاد تعاون سپاه) برای تامین نیاز سلیمانی به پول فساد آلود (رفع و رجوع فساد هشت هزار میلیاردی)تا نفوذ او در ساختار سیاسی برای بالارفتن از پلکان قدرت و رسیدن به مقام ریاست مجلس نظام که سفره بزرگتری از شهرداری برای فساد وی فراهم می کرده ،بالا رود. این فایل فاش می سازد که طائب رئیس رییس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و نیز سلیمانی حافظ قالیباف در حکومت بوده اند. فایل منتشره البته جرات نمی کند بالاتر ازحسین طائب(که پشتگرم به بیت خامنه ای و مجتبی است) رود و اشاره به زد و بندهایشان کند. اما ازحمایت جدی حسین طائب، از متهمان فساد پرده بر می د ارد و همچنین برنامه طائب برای پرونده‌سازی برای «محمدعلی نجفی» و بازداشت او افشا می‌شود.

(عکس زیر آبرومند و قالیباف)



۵-حسین طائب و آبرومند و مهردادی، در قراردادهای صداوسیما، قرارداد شرکت رسا و ... هم دست داشته اند (بقیه را در وقتش ذکر خواهم کرد) مسعود مهردادی تا سال ۱۳۹۷ به عنوان «جانشین اقتصادی» بنیاد تعاون سپاه، نقش اصلی را در بسیاری از شرکت‌های اقتصادی و قراردادهای این بنیاد بازی می‌کرده و صادق ذوالقدر در بخشی از این فایل صوتی می‌گوید که به مسعود مهردادی گفته است ۶۰۰ میلیارد تومان چک داده است و باید این را جبران کند و پولی که رفته، برگردد.

همه مید انیم که مهمترین کار نیروهای امنیتی درون نظام دزدی و یا ایجاد پوشش برای دزدی و حفاظت از دزدان بوده است . پشت آنها به مجتبی خامنه ای گرم است. طائب سرجایش جا خوش کرده و تا کنون مصون مانده . مسعود مهردادی تنها به ۲سال زندان با مرخصی محکوم شد وهم اکنون آزاد است. آبرومند هم‌اکنون به‌عنوان دستیار محمد باقر قالیباف (رئیس مجلس نظام) در حوزه خدمت و پیشرفت فعالیت می‌کند ! (البته حوزه خدمت به مافیا برای پیشرفت در فساد !) در این فایل صوتی از تخلف آیت الله ابراهیمی، مدیرعامل بانک انصار، سخن می رود که با ارتقای مقام، اکنون به عنوان مدیرعامل بانک سپه معرفی شده است .

در این فایل صوتی فرمانده وقت سپاه(جعفری) نقش مخالف سپاه را ایفا می کند ولی سخت نگران آینده خود است خصوصا که پسرش «محسن جعفری»نیز متهم به فساد در پرونده بانک سرمایه است و ریشش در گرو اطلاعاتی های نظام است.



٦-در آخر سر هم " رهبرمطلقه نظام "برای اختصاص۹۰ درصد منافع این نوع موسسات به سپاه قدس حکم حکومتی صادر کرده است. **و بدین سان به حیف و میل اموال مردم برای پیگیری جنگ طلبی خود می پرداخته است.** جالب اینکه هم

سپاه و سپاه قدس هر ساله نه تنها از طریق ایجاد شرکتهای پوشش غرق در فساد تامین مالی می شده است و نیز پول شهرداری را بالا می کشیده بلکه هر ساله از بودجه عمرانی نیز سهم هنگفت داشته اند .نگارنده در وضعیت سنجی های بررسی بودجه تذکر دادم که سپاه پاسداران و سازمان‌های مرتبط در مقایسه با نیروهای چهارگانه ارتش، سهم قابل‌توجهی از بودجه ۱۴۰۱ را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که نیروی انسانی سپاه یک‌چهارم ارتش ایران است. هزینه‌های تجهیزات و تسلیحات سپاه نیز کمتر از یک‌دهم ارتش است. با اینهمه، سهم سپاه پاسداران از بودجه پیشنهادی سال آینده ۹۲ هزار و ۹۸۸ میلیارد تومان، همانا در حدود سه‌برابر بودجه پیشنهادی برای ارتش است که ۳۳ هزار و ۹۶۷ میلیارد تومان قید شده است.

یاد آور اهل خرد می شوم که در دوران نازیسم نیز تنها ماموران گشتاپو درخارج از کشور ۲۰ میلیون مارک دریافت می داشتند ،حال انکه بودجه پرسنلی سرویس مخفی عادی ارتش از ۸ میلیون مارک تجاوز نمی کرد.

خوانندگان بیاد دارند که حسن روحانی در جشنواره سلامت نیز به ناگهان به یک موضوع جنگ در منطقه اشاره‌کرد و گفت پول موشک‌های سپاه در سوریه را دولت می‌دهد! در واقع دولت که ملک طلق انها نیست بلکه ازپول مردم وفروش ثروتهای ملی نیزپول این موشکها فراهم می شده است.

برداشت از بودجه و نیز از خرانه را کم دیدند امثال شرکت یاس را تأسیس کردند تا با انجام "پروژه‌های عمرانی" بخشی از منابع مالی لازم برای حضور نظامی رژیم ولایت فقیه مطلقه در سوریه و منطقه تأمین گردد.

صادقي نماینده سابق مجلس نظام معتقد است: "بنا داشتیم عملکرد هولدینگ یاس را بررسی کنیم نگذاشتند!یکی از موضوعات تحقیق و تفحص از شهرداری تهران که در سال ۹۵ درخواست کردیم، بررسی ساز و کارانعقاد و تسویه حساب پروژه های عمرانی از طریق صدور هولوگرام و فروش تراکم سیار بود.بنا داشتیم فعالیت مجموعه هایی مانند هولدینگ یاس و شرکت رساتجارت مبین را مورد بررسی قرار دهیم که نگذاشتند."

در وضعیت سنجی های بعدی محتوای نوار صوتی را مورد بررسی قرار میدهم و سوابق کارگزاران درگیر در آن و توجیهات و مهملاتی که سران نظام برای پوشاندن اثرات این نوار بر ریزش نیرو در سپاه بهم می بافند و نیز اهداف لو رفتن این قبیل نوارها و پس لرزه های آن را بیان می کنم .

در ضمن بایستی هوشیار بود که در استانه مذاکرات رژیم با امریکا و آمادگی برای باج دادن از جیب ملت ، مساله نوار صوتی را علم نکرده باشند تا اذهان منحرف شود. این عملکرد اطلاعات نظام مسبوق به سابقه است.به هر حال دیده بانان تیز بین ایرانی را نمیتوان گول زد و ذهنشان را از اتفاقات اساسی منحرف کرد.

در زمینه پیشینه فعالیت سپاه در تجارت و قاچاق مواد مخدر خوانندگان گرامی را به مقاله آقای آرش مولانایی منتشر شده بتاریخ ۱۵ بهمن ۹۹ و مندرج در سایت روزنه ۹۹ ارجاع میدهم .

https://rowzane.com/content/arash-m/article=۲۱۱۱۷۰

اما ۳ فراز از آن را در اینجا برای روشن شدن یکی از راههای حرام تامین پول سپاه و نیز سپاه قدس را ذکر می کنم.

اما از همه جالبتر توجیه عبدالله گنجی مدیرمسئول روزنامه همشهری (متعلق به شهرداری تهران) است که در ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۰ در اعتماد انلاین می گوید:" گزارش یک مسؤل به فرمانده وقت سپاه از جایی است که باید تحریم را برای نیروی قدس دور بزند و در عین دور زدن، قوانین و ضوابط حقوقی نیز لحاظ شود که کار مشکلی است!"

و چون رعایت ضوابط قانونی به زعم مدیرمسئول روزنامه همشهری مشکل است رفتن ازراههای خلاف آسان جلوه می "کند و شرعی و مجاز می شود!

۱- ماجرای سپاه و قاچاق هروئین به نیجریه

در تاریخ ۲۸ آبان ماه ۱۳۸۹ مقامات دولتی نیجریه اعلام کردند که ۱۳۰ کیلو گرم هروئین در محموله ای که از طرف ایران وارد کشور نیجریه شده بود را کشف کردند که مقصد نهایی آن اروپا بود. علاوه بر آن در اوایل آبان ماه ۱۳۸۹ نیروهای امنیتی نیجریه از توقف ۱۳ کانتینر حاوی سلاح غیر قانونی که از کشور ایران آمده بودند خبر داد. انتشار این خبر جمهوری اسلامی را به تکاپو وا داشت و منوچهر متکی با سفر به نیجریه قصد آرام کردن اوضاع را کرد و در عکس العمل به انتشار دو خبر آنها را "سوء تفاهم" خواند. البته نیروهای امنیتی نیجریه چندین نفر ایرانی را در ارتباط با این محموله ها دستگیر کردند و رسما لشکر قدس سپاه پاسداران را مسئول قاچاق مواد مخدر و اسلحه به نیجریه دانستند. در همین رابطه ابوالحسن بنی صدر با ذکر نام دو نفر از متصدیان قاچاق در نیجریه به نامهای "عظیم آقاجانی و سید احمد تهماسبی" که از عناصر عالی رتبه لشکر قدس سپاه ایران هستند، پرده برداشت.

۲- تعقیب قضایی عضو عالیرتبه سپاه در آمریکا

*خبرگزاری رویترز در تاریخ ۷ مارس ۲۰۱۲ اعلام کرد که وزارت خزانه داری آمریکا غلامرضا باغبانی از اعضای برجسته سپاه قدس، را به دلیل تجارت و قاچاق مواد مخدر در لیست افراد مورد تحریم و تحت تعقیب قضایی قرار داد و تمام اموال وی را بلوکه کرده است. غلامرضاباغبانی مواد مخدر را از افغانستان

به ایران وارد می کرد و با استفاده از راه های زمینی و هوایی به سراسر جهان منتقل می کرد و در قبال آن به نیروهای طالبان اسلحه و مهمات می رساند.

**

بر نوشته آقای مولانایی بیفزایم که در ۱۷ اسفند ۱۳۹۰وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا روز چهارشنبه، هفتم ماه مارس، در چارچوب قانون موسوم به «کینگ پین»، غلامرضا باغبانی، از فرماندهان نیروی قدس سپاه پاسداران، را به عنوان قاچاقچی مواد مخدر معرفی کرد.این نخستین باری است که قانون فوق علیه یک مقام رسمی ایرانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. [قانون موسوم به «کینگ پین» مصوب سال ۱۹۹۹ است و بر اساس آن دولت آمریکا موظف به شناسایی و مسدود کردن دارایی‌های قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر شده است.وزارت خزانه‌داری در اعلامیه‌ای که بر روی سایت این وزارتخانه منتشر شده، به نقل از دیوید کوهن، معاون این وزارتخانه نوشته است: «اقدام امروز وزارت خزانه‌داری دست داشتن نیروی قدس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را در قاچاق مواد مخدر آشکار می‌کند. اتهامی که مذموم بودنش مضاعف است زیرا جدای از پخش مواد مخدر، فعالیت نیروی قدس بخشی از برنامه‌ای گسترده‌تر برای حمایت از تروریسم بوده است. وزارت خزانه‌داری همچنان به فعالیت خود در شناسایی و معرفی قاچاقچیان مواد مخدر و حامیان تروریسم، در هر نقطه از جهان که مشغول به اعمال خود هستند،

ادامه خواهد داد«.
برپایه این بیانیه غلامرضا باغبانی از افسران عالی رتبه نیروی قدس سپاه پاسداران و فرمانده فعلی نیروی قدس در زاهدان در استان سیستان و بلوچستان ایران در

نزدیکی مرز افغانستان است.

بیانیه وزارت خزانه‌داری ایالات متحده می‌افزاید: «باغبانی به قاچاقچیان مواد مخدر اجازه داده در قبال مساعدت این قاچاقچیان به نیروی قدس، محموله‌های خود را با استفاده از خاک ایران به دیگر نقاط جهان برسانند. برای مثال، قاچاقچی‌های افغان در برابر اجازه صدور محموله از طریق خاک ایران، بار اسلحه و مهمات سپاه پاسداران را از جانب سردار باغبانی به نیروهای طالبان تحویل داده‌اند. باغبانی نیز قاچاق مواد شیمیایی مورد استفاده در تولید هروئین را در طول مرزهای ایران برای قاچاقچیان تسهیل کرده و به قاچاقچی‌ها در ارسال بار تریاک به درون مرزهای ایران کمک رسانی کرده است«.

وزارت خزانه‌داری آمریکا، شهروندان آمریکایی را از انجام هرگونه معامله مالی یا مراوده تجاری با غلامرضا باغبانی منع کرده است

در انتهای اعلامیه وزارت خزانه داری آمده است که این وزارت خانه همچنان، با استفاده از مفاد قانون «کینگ پین»، شبکه‌های مالی قاچاقچیان مطرح بین المللی و سازمان‌هایشان را هدف قرار خواهد داد

۳-اسناد ویکیلیکس در رابطه با نقش سپاه در تجارت مرگ

اسناد ویکی لیکس منتشر شده از دست داشتن جمهوری اسلامی در قاچاق مواد مخدر به جمهوری آذربایجان حکایت می کند. بی بی سی فارسی در گزارش خود در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۲ به نقل از ویکیلیکس می نویسد: "سند محرمانه ای که تاریخ آن به ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ باز می‌گردد، از دست داشتن مسئولانی در سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در قاچاق مواد مخدر به جمهوری آذربایجان سخن گفته است.این سند که از سفارت آمریکا در باکو صادر شده، خاطرنشان می‌کند میزان هروئینی که از ایران به آذربایجان قاچاق شده، از ۲۰ کیلوگرم در سال ۲۰۰۶ میلادی، به ۵۹ هزار کیلوگرم در سال ۲۰۰۹ رسیده است.این سند تاکید کرده است که ایران از جمهوری آذربایجان به عنوان گذرگاه اصلی برای قاچاق هروئین به اروپا استفاده می‌کند.

****

وضعیت سنجی ۳۹۰

تاریخ انتشار : ۰۸/۱۲/۱۴۰۰

تجربه تجاوز روسیه به اوکراین و اهمیت استقلال برای همه ملتها

به دنبال بیش از یک ماه تنش‌های فزاینده و استقرار گسترده نیروها و ادوات نظامی روسیه در مرزهای آن کشور با اوکراین ، ولادیمیر پوتین بامداد پنجشنبه ۵ اسفند ۱۴۰۰ (برابر با ۲۴ فوریه ۲۰۲۲)فرمان عملیات نظامی در بخش شرقی اوکراین را صادر و با جنون و تبختر وصف ناشدنی یک دیکتاتور اشغالگر ،اوکراین را فاقد تمامیت ارضی دانست و اشغال آن را آغاز کرد.

تبخترپوتین این کارمند «کاگب» شوروی که از دموکراسی وحشت دارد و بیست و پنج سال است که در قدرت جا خوش کرده است، ما ایرانیان را بیاد تبختر مغرورانه صدام حسین و خیالبافی وی در" یک سره کردن کار ایران در عرض یک هفته و جدا کردن خوزستان از ایران " می اندازد.بیاد داریم که قبل از حمله عراق، رئیس جمهور منتخب مردم ایران و فرمانده کل قوا آقای بنی صدر از طریق یاسر عرفات به صدام پیام فرستاده بود که چرا قصد داری که دنیا را شاهد حماقت خود کنی و اگر به کشور ما تجاوز کنی و حمله را آغاز کنی حمله کننده تو خواهی بود ولی تمام کردنش در اختیار تو نخواهد بود.عرفات پیام را شخصا به صدام رسانده وبه بنی صدر گزارش داده بود که صدام مانند طاووس مغرور ،از پیروزی خود مطمئن بود و به عرفات گفته بود که شما خود را در اینکار دخالت ندهید. کار مهمی نیست و در عرض یک هفته کار را تمام خواهیم کرد!

دروغها و انکار پوتین از قصد حمله به اوکراین تا قبل از صبح ۵ اسفند را اما پیشروی نیروهای نظامی روسیه به پایتخت اوکراین و نیز تهدیدی همچون "اگر لازم باشد برای ادامه کار خود از سلاح اتمی استفاده خواهیم کرد " آشکار کرد . البته عمق تزویر وی و نیز قصد واقعی وی را لو داد.

حال که ما ایرانیان شاهد سقوط تک‌تک شهرهای سوریه، عراق، افغانستان و هم اکنون اوکراین توسط قدرتهای امپریالیستی و منفعت طلب بوده ایم، نیک است یادی کنیم از سربازان شجاع و با شرف ایرانی و فرمانده شجاع و وطن دوست آنها منتخب راستین ملت ایران آقای بنی صدر که با رشادت بی نظیری ماشین های جنگی عراق را متوقف کردند ، اما حسرت واگذاشتن یک وجب خاک‌وطن را بر دل کشور متجاوز گذاشتند. روح شهیدان استقلال وآزادی ایران شاد که منش استقلال طلبی و وطن دوستی آنان را باید الگو کرد و از تمامیت ارضی وطنمان درمقابل هر چشم طمع بیگانه با جان و دل حفاظت کنیم.

به مساله تجاوز روسیه به اوکراین باز گردیم.

عقلهای قدرتمدار متوجه دروغهای مکرر و نیز تناقض فراوان خود نمی شوند. چرا که این ماهیت قدرت است که مذبذب است و دچار تناقض. عقل قدتمدار ناچار از گفتن تناقضهای مدام است. پوتین از طرفی در نطق خود در پنجشنبه شب ۵ اسفند

۱٤۰۰که جنگ تمام عیار خود را با اوکراین «عملیات نظامی ویژه» ! نام نهاد می گوید:"«در عین حال، برنامه های ما شامل اشغال سرزمین های اوکراین نمی شود. قرار نیست به زور چیزی را به کسی تحمیل کنیم.نتایج جنگ جهانی دوم و همچنین فداکاری‌های مردم ما در مبارزه با نازیسم، مقدس است، اما این منافاتی با ارزش‌های والای حقوق بشر و آزادی‌های مبتنی بر واقعیت‌هایی ندارد که در طول این مدت شکل گرفته است. همچنین ناقض حق ملتها برای تعیین سرنوشت خود مندرج در ماده یک منشور ملل متحد نیست."

و از طرف دیگر در فردای آن روز درسخنرانی دیگری خود خطاب به مردم روسیه درباره استقلال دونتسک و لوهانسک ، کلا ناقض اصل استقلال کشور اوکراین می شود و می گوید: "لنین در ۱۹۱۷ یک اشتباه کردو آن اینکه او استقلال و آزادی تصمیم مردم کشورهای اتحاد جماهیر شوروی را برسمیت شناخت ! و استالین نیز یک اشتباه کرد و آن اینکه درست است که استالین استقلال این ملتها را قبول نداشت اما اشتباهش این بود که آنرا در قانون اساسی شوروی وارد نکرد!!"

بگذریم که پوتین فراموش می کند که استالین جنایتکار قهاری بود و تنها یکی از اشتباهات بزرگ استالین در حق مردم اوکراین این بود که ۳۰ میلیون مردم اوکراین را سالیان سال عمدا دچار قحطی کرد.

لذا مشاهده می شود که پوتین در فاصله دو روز دو حرف متناقض می زند!

آقای پوتین در واقع قصد دارد به تعیین مرزها به قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ باز گردد و به دوران تزار. آیا پوتین همین حق را برای سایر کشورها هم قائل است؟!

جالب اینکه بعد از فروپاشی شوروی کشورهای مشترک المنافع تشکیل شدند و استقلال این کشورها برسمیت شناخته شد .و جالبتر اینکه در ۸ دی ماه ۱٤۰۰ نیز پوتین در نشست غیررسمی رهبران کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع که در سن‌پترزبورگ تشکیل شد ،جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را اقدامی بسیار درست ارزیابی و یادآور شد که همگرایی این کشورها در طول دهها سال گذشته نه تنها حفظ، بلکه تعمیق شده است.

سوال اساسی این است که بازگشت به بازپس گیری سرزمینهای از دست رفته را

۱- چه مقامی تعیین می کند؟

۲- و چه زمانی را مبداء قرار می دهند؟

آقای پوتین فراموش نکند که ایران نیز می تواند مطابق نظر وی خواستار باز گرداندن بخشهایی از سرزمینهای ایران گرددکه طی عهدنامه ترکمانچای و گلستان از ایران جدا شدند و به روسیه ملحق شدند ، خصوصا که در جریان یک جنگ

این مناطق از ایران جدا شده اند ! (درعهدنامه ترکمانچای۲۵۰ هزار کیلومتر مربع ازخاک ایران جدا شد. در مجموع حدود ۳۰ هزار کیلومتر مربع دیگر شامل حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع از ارمنستان امروزی، حدود ۵ هزار کیلومتر مربع از ترکیه امروزی شامل کوه های آرارات و شهر ایغدیر که در آن زمان بخشی از خانات ایروان بود و حدود ۵ هزار کیلومتر مربع از جمهوری آذربایجان امروزی «شامل تالش شمالی یعنی شهرستان لریک و نخجوان و در عهد نامه گلستان » از ایران جدا شدند.به مجموع مناطق جدا شده طی این دو عهدنامه، هفده شهر قفقاز (هفده ولایت قفقازی ایران) می‌گویند .سرزمین‌های جدا شده از ایران در این قرارداد، امروز بخشی از ارمنستان، جمهوری آذربایجان و ترکیه هستند.

اما از دید ما لشکر کشی به این کشورها و براه انداختن جنگ تجاوز گرانه راه حل مطابق بر حقوق انسان نیست.دئر عصر آگاهی ملتها خود سرنوشت خودر ا تعیین می کنند.

لاوروف، وزیر خارجه روسیه نیز برای توجیه جنایت روسیه دچار تناقض گویی شدید بین گفتار وعمل شده است: از طرفی گفته است :"غرب این اصل را نادیده گرفته بود که امنیت یک کشور را نمی‌توان به قیمت ایجاد ناامنی برای کشوری دیگر بدست آورد."و در همان سخنرانی می گوید :"می‌خواهیم مردم اوکراین را از بندظلم آزاد کنیم!"

و عقل قدرتمدار تناقض گفتارخود را نمی بیند که چگونه امنیت یک کشور با نا امنی کشور دیگر بدست نمی آید ولی "آزاد کردن " ملتی با بمباران و بزیر تانک له کردن آن ملت بدست می آید؟! عقل زورمدار بوش نیزهمانند لاروف عمل می کرد و با بمباران عراق و افغانستان می خواست دموکراسی را به این دو ملت هدیه دهد !! وویرانی عراق و افغانستان و سلطه طالبان نتیجه هدیه دموکراسی به این دو ملت بود!خوشبختانه ملتها بعد از تجربه قرار دارند!و خصوصا بعد از تجربه ترامپ متوجه ضعف " ابر قدرت" امریکا نیز در به کرسی قدرت نشاندن فردی با ویژه گیهای ترامپ شده اند !

اکنون دنیایی به تماشای تجاوز روسیه یه اوکراین نشسته است وتنها سخنی که اولویت دارد دفاع ازحق مردم اوکراین در حاکمیت ملی خود و غیر قابل خدشه بودن آن و پایان دادن و محکوم کردن تجاوز و جنگ است.

به مصداق" رتب خورده منع رطب کی کند "

امریکا وانگلستانی که خود به افغانستان و عراق با مستمسک قراردادن یک دروغ(شلیک سلاح اتمی از سوی صدام در ٤٨ سال آینده) لشکر کشی کردند و نیز ان کشورهایی که به این دروغ تاسی و از این دو قدرت حمایت کردند ،وهزاران نفر از شهروندان عادی این دو کشور را زیر بمباران و موشک پراکنی خود از بین

بردند ، چگونه می توانند اکنون مدافع استقلال مردم اوکراین باشند ؟! امری که تجربه ثابت کرد درعمل هم نبوده است و مساله تهدید روسیه به تحریم نه از باب دفاع از استقلال کشور اوکراین است بلکه از باب ضعیف کردن قدرت روسیه در منطقه برای پیش برد اهداف امپریالیستی خود است.

●اما این حمله اشغالگرانه در قرن ۲۱ حاوی پیامها و درسهای عبرت انگیزی برای ما ایرانیان است.

نباید از یاد برد که اشغال کشور اوکراین و تجاوز به تمامیت ارضی این کشور و نقض اصل استقلال این کشور بدون زمینه سازی ممکن نبود.

-

باهم این زمینه سازی را مرور کنیم :

در اوایل سال ۲۰۱۴ اعتراضاتی گسترده کی‌یف و سراسر اوکراین را در برگرفت . نتیجه این اعتراضات برکناری«ویکتور یانوکوویچ» رئیس جمهور طرفدار مسکو بود. در اوکراین قدرت به دست کسانی افتاده بود که تمایل داشتند تا کشور را هر چه بیشتر به سمت غرب و اتحادیه اروپا بکشانند.روسیه قادر به هضم تحولات جدید اوکراین نبود ودر زمان اوباما در واکنش ،به شبه جزیره کریمه اوکراین حمله کرد و اول بار با نقض تمامیت ارضی اوکراین آن شبه جزیره را بعلت موقعیت ژئوپلیتیکی مهمش ضمیمه خاک خود کرد. اقدامی که اروپا و ایالات متحده آن را غیرقانونی خواندند.اما جز صدور چند بیانیه و اطلاعیه اعتراض آمیز پوتین با واکنشی جدی خصوصا از سوی افکار عمومی جهانی مواجه نشد. نگارنده خود شهروندان اوکراینی را می شناسم که ساکن آلمان می باشند که تمایل به پوتین دارند و چندان با ضمیمه شدن شبه جزیره کریمه به اوکراین مخالفتی نداشتند و اهمیت استقلال وطن را درک نمی کردند تا امروز که همان بلا بر سر خودشان و اقوامشان در اوکراین می آید و بر سرآنان توسط پوتین بمب فرو می ریزد و با تانک در وسط خیابانهای کی اف از روی اتوموبیلهای مردم رد می شوند ،امر استقلال و حیاتی بودنش برایشان ملموس شده است !

همزمان با حمله روسیه به کریمه، جدایی طلبان روس زبان ساکن در مناطق شرقی اوکراین دست به تصرف ساختمان‌های دولتی در دو استان دونتسک و لوهانسک در مرز روسیه زدند و از برپایی «جمهوری‌های مردمی» جدید خبر دادند. مجموع

مساحت این دو استان شرقی اوکراین که به منطقه «دنباس» معروف است، بیش از ۵۲ هزار کیلومتر مربع است، که از این میزان اکنون ۸ هزار و ۹۰۰ کیلومتر در دست این دو حکومت خود خوانده است، کمی کوچکتراز مساحت قبرس .جمعیت این دو استان روی هم رفته به ۶ میلیون نفر می‌رسد که اکنون کمی بیش از ۳ میلیون نفر در مناطق تحت کنترل دولت‌های خود خوانده هستند. روسها صدها هزار پاسپورت روسی میان مردمان این دو منطقه پخش کرده اند که دلیل آنرا دروضعیتی که مردم این دو منطقه دارند باید جستجو کرد. بعنوان نمونه بازنشستگان اوکراینی ساکن در این دو منطقه بعلت اینکه روسیه امکان عملیات بانکی را در این دو منطقه مسدود کرده است و پولهای بانکهای اوکراینی این دو منطقه را به بانکهای روسی منتقل کرده است، می بایستی برای دریافت حقوق بازنشستگی خود با گذرنامه روسی به روسیه سفر کرده واز بانکهای روسی پول بازنشستگی خود را دریافت نمایند . تبلیغات چی های روسیه نیز از این سفرها فیلم گرفته و بعنوان استقبال و گریز مردم اوکراینی منطقه شرق به روسیه جهت یافتن شرایط بهتر زندگی تبلیغ می کنند .

●رهبران جمهوری‌های خود خوانده

هر یک از این دو جمهوری خودخوانده دولت و رئیس جمهور مستقل خود را دارند. در ۳۱ آگوست ۲۰۱۸، الکساندر زاخارچنکو، رهبر جمهوری دموکراتیک خلق، بر اثر انفجار بمب در رستورانی در دونتسک کشته شد. دنیس پوشیلین در ۶ دسامبر ۲۰۲۱ به عضویت حزب حاکم روسیه درآمد ودر سال ۲۰۱۸ در انتخاباتی که از سوی دولت اوکراین غیرقانونی خوانده شد، رهبر به اصطلاح جمهوری خلق دونتسک شد، لئونید پاسچنیک نیز خود را رهبر منطقه جدایی طلب لوهانسک می‌نامد. اکنون جدایی طلبان این دو منطقه زمینه ساز اشغال اوکراین توسط روسیه شده اند.جالب توجه اینکه مطابق گزارش سی ان ان بر اساس ویدئویی که گارد مرزی اوکراین منتشر کرده، خودروهای نظامی روسیه از طریق شبه جزیره کریمه وارد اوکراین شده اند **!**

❋درس اولی که از این بابت ما ایرانیان باید بگیریم :

-

<u>غیرممکن است کشوری به کشور دیگر حمله و تجاوز نماید ، بدون همکاری و وجود ستون پنجمی در خود آن کشور. دشمن بیگانه همواره از راه نیروی خود فروخته داخلی ، به کشور نفوذ وکشور را تجزیه می کند.</u>

-

<u>بدون حضور و وجود اذهان وابسته و داخلی که زمینه ساز دخالت قدرتهای بیگانه هستند این نوع دخالتهای قیم مآب و خطرناک و مخرب ممکن نخواهد شد.</u>

-

از نکات قابل تامل که در گزارش رسانه‌های خبری از حمله روسیه به اوکراین، انعکاس داشت. وجود هسته‌های پنهانی از هواداران روسیه در داخل اوکراین بود که در جریان حمله با مشخص کردن نقاط امن برای فرود چتربازان روس از طریق علامتگذاری مناطق و حتی پشت بام‌ها به حملات برق آسای نیروهای مهاجم کمک می‌کردند.گزارش این ویدیو شرح زنده و مستند فرود مطمئن نیروهای روس در نزدیکی یکی از فرودگاه‌های راهبردی نظامی اوکراین است که محل آن پیشتر توسط همین حلقه ها مشخص و ایمن شده بود.

نزدیکی خوشبینانه و کور به هر کشور بیگانه خصوصا با سوابق تجاوزکارانه و توسعه طلبانه (چه امریکا و چه روسیه و چه چین و ...)و جاسوسی از وطن و در اختیار قراردادن اطلاعات امنیتی و راهبردی کشور وغفلت از موازنه منفی به زعم ایجاد تکیه گاه خارجی برای مقابله با رقبای خارجی دیگر و بی توجهی به رشد حلقه های داخلی همسو با آن، عاقبتی جز آنچه اوکراین تجربه کرد، نخواهد داشت.

زنهار که اقدام پوتین در به رسمیت شناختن منطقه خود مختاردونباس نقض حاکمیتی یک سرزمین است. مردم هر کشوری باید خود در مورد خودمختاری هر بخش از سرزمین خود تصمیم گیرند . اگر این امر در منطقه ما نیز رویه شود که قدرت بیگانه زمینه ساز تجزیه کشور شود و مخالفتی با آن صورت نگیرد و روسیه حرف زور خود را به کرسی بنشاند ،عواقلب آن دامن کشورهای منطقه را خواهد گرفت و هر گروه تجزیه طلبی از کشورهای بیگانه د عوت بعمل می اورد که نیرویهای نظامی به کشور گسیل دارند !!

کار فعلی پوتین شبیه کار او در گرجستان است که استقلال دو منطقهٔ گرجستان را نیز برای تجزیه گرجستان به رسمیت شناخت، اما در اوکراین به نحو گسترده تری در صدد سلب حاکمیت ملی اوکراین است اوکراین به دلیل ویژگی‌های ژئوپلتیک برای روسیه اهمیت بیشتری نسبت به گرجستان دارد.

●آیا هدف روسیه از حمله به اوکراین تنها ترس روسیه از پیوستن اوکراین به ناتو می باشد ؟

روسیه بارها اعلام کرده بود برای مسکو قابل قبول نیست که ناتو را در امتداد مرزهای خود ببیند. (اولین گروه از کشورهای بلوک شرق در ۱۹۹۹ به ناتو پیوستند و ناتو در ۲۰۰۴ به مرزهای روسیه رسید).اما مبرهن است که مساله خطر پیوستن اوکراین به ناتو بهانه ای واهی برای حمله به اوکراین بوده است . چرا که لیتوانی و استونی و لتونی نیز از جمله کشورهای جدا شد ه ازشوروی بودند که عضو ناتو هستندو روسیه بدانها حمله نکرد مساله عمیق تر از ان است که در ذیل بدان می پردازم

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در نشست سال ۲۰۰۸ خود که در بخارست برگزار شد از تمایل اوکراین و گرجستان برای پیوستن به این پیمان و عضویت درناتو استقبال کرد. این در حالی است که پس از آن برنامه عملی اقدام جهت عضویت به این کشورها پیشنهاد و ارائه نشد و اعضای ناتو اعلام کردند که باید به «برخی سوال ها و ابهام‌های باقی‌مانده» در خصوص این درخواست‌ها پاسخ دهند. لازم به یاد آوری است که پارلمان اوکراین در سال ۲۰۱۰ به وضعیت» غیر متعهد» این کشور رای داد.پس از برکناری یانوکوویچ و الحاق شبه جزیره کریمه اوکراین به خاک روسیه، آرسنی یاتسنیوک، نخست وزیر وقت اوکراین اعلام کرد که دیدگاه کشورش در خصوص عضوت در ناتو به کلی تغییرکرده است. روبین الکساندر، روزنامه نگار روزنامه ولت آلمان در کانال ۲ تلویزیون آلمانZDF در ۲۲ فوریه ۲۰۲۲ در برنامه مارکوس لنس ،از خاطرات خود در زمان مذاکرات آلمان و فرانسه و انگلیس با یانوکوویچ در سال ۱۴/۲۰۱۳ می گفت که برای امضای قرارداد تجاری با اروپا و رد کردن توافق با روسیه، یک روز قبل از امضا، ۳۰ میلیارد دیگر پول تقاضا می کرد که مرکل گویا سخت متعجب شده بود و طرف مقابل یعنی روسیه گویا نزدیک به ۳۰ میلیارد نیز وعده کمک داده بود .(در همین راستا درسی را باید گفت که در ذیل بدان خواهم پرداخت) پارلمان اوکراین اما در سال ۲۰۱۷ لایحه‌ای را تصویب کرد که در آن عضویت در ناتو به عنوان یکی از اهداف کشور قانونی شد و بار دیگر در فهرست مطالبات قانونی اوکراین قرار گرفت؛ مسئله‌ای که زمینه اصلاح در قانون اساسی را نیز فراهم کرد.اوکراین در سال ۲۰۲۰ موفق شد از جانب ناتو به عنوان «شریک فرصت‌های پیشرفته» شناخته شود، وضعیتی که امکان اشتراک اطلاعات و دسترسی بیشتر به برنامه‌ها و رزمایش‌های این سازمان را برای کی‌یف فراهم می‌کند.رئیس جمهوری اوکراین زلنسکی بعد از حمله روسیه وگسترش آن حمله به کی اف پایتخت اوکراین و زمانی که دید اروپا و خصوصا امریکا هیچ حمایتی از

مردم اوکراین نمی کنند اعلام کرد بهتر است اوکراین کشوری بی طرف بماند . البته به پوتین و هیچ دیکتاتور دیگری نیامده که در اموراخلی کشوری دخالت کند. این پارلمان اوکراین است که قانونگذار و تعیین کننده خطوط سیاست خارجی کشور خود است.اما ای کاش این تذبذب در نظر از طرف ولودیمیر زلنسکی دیده نمی شد و برحق ملت خود در تصمیم گیری در مورد سیاست خارجی خود تاکید می کرد.

❋ درس دومی که باید گرفت

این است که هر گاه سیاستمداران کشوری آزادی و استقلال کشور و مردم را اصل ندانند بلکه بجای حفظ استقلال وطن و پاسداری از حقوق ملی ،وطن را در گیر توازن قوای بین قدرتهای جهانی کنند، فرصت ساخت وطن را در استقلال از دست می دهند و عمدا می سوزانند.

و نیز چشم امید بستن که قدرت بیگانه در سختی حقوق انسانی و ملی مردم یک کشوری را در نظر بگیرد (همانند توقع دفاع امریکا از حقوق مردم اوکراین) با طل است. چرا که اگر برای ابر قدرتی حقوق اصل بود خود را " قدرت بزرگ" تعریف نمی کرد. قدرت محل تجمع و تمرکز زور است و ماهیتا ضد حقوق است. دفاع ازمردم اوکراین نیز ارسال اسلحه به آن کشور نیست ،خصوصا که اگر اسلحه از طرف قدرتها ارسال شود همانند جنگ عراق با ایران شامل طولانی شدن جنگ و تنها منتفع شدن قدرتها برای فروش تسلیحات خود می شود. بلکه راه حل تنبیه همه جانبه متجاوز از طرف افکار عمومی است.خصوصا از طرف مردم خود روسیه. که خوشبختانه شاهد تظاهرات بسیاری در داخل روسیه علیه سیاست سلطه طلبانه پوتین هستیم .هرچند بطور وحشیانه ای سرکوب گردیده است.

●اهداف مختلف پوتین از حمله به روسیه

جلوگیری از نزدیک شدن اردوگاه شرق به ناتو تنها یکی از اهداف پوتین از حمله به اوکراین بوده است. به دست گرفتن نبض اقتصاد منطقه، محورتعیین کننده سیاست خاورمیانه گشتن و احیاء مرکزیت اردوگاه شرق برای روسیه، ازجمله دیگر اهداف ولادیمیر پوتین هستند. رفتار پوتین با اجزاء جدا شده شوروی در ۱۵ سال گذشته و ماجراهای آبخازیا، اوستیای جنوبی، کریمه و اوکراین و خصوصا اظهارات اخیر و صریح پوتین (که در بالا نقل شد) و نیز نوع حمله و بمباران و ارسال موشکهای بالستیک به اغلب شهرهای اوکراین و نیز نصب پرچم شوروی بر روی تانکهای گسیل شده روسی به اوکراین ، نشان دهنده این است که پوتین در سر رویا و خیال بازگشت به دوران شوروی را می پروراند و خواهان باز گرفتن یک یک کشورهایی است که قبلا در قلمرو شوروی بودند. امر اشغال اوکراین مسلما موجبات هوشیاری

سایر اعضای "کشورهای مشترک المنافع " خواهد شد و اتفاقا آنها را مترصد دفاع از استقلال خود خواهد کرد. ناگفته پیداست که پوتین تنها از پیوستن اوکراین به ناتو در وحشت نیست بلکه شکل گیری هر نوعی از دموکراسی را در اوکراین تاب نمی آورد . اما اشتباه بزرگی که پوتین مرتکب شد این بود که گمان می کرد ارتش اوکراین بفرمان وی تسلیم و نظام سیاسی اوکراین را سرنگون و به مردم خود خیانت و کشور را با بی عمل شدن ارتش در اختیار تجاوز گر می گذارد.امری که خوشبختانه اتفاق نیافتاد.امری که در انقلاب ایران نیز رخ داد و با وجود اینکه مردم ایران در پی اعمال حق حاکمیت خود در مبارزه برای سرنگونی استبداد داخلی بودند ، ارتش بجای رو در رو قرار گرفتن با مردم ؛به مردم پیوست.

***درس سومی که باید گرفت این است که ذهن اغلب دیکتاتورها مدار بسته ای دارد که باعث می شود بعلت گسستن از واقعیات افق روشنی نداشته و تمامی پارامترها ی واقعی را به حساب نیاورند.**

وابسته کردن سرنوشت یک ملت به گفته یک دیکتاتور حماقت محض است. قران کریم در قصص خود ذهنیت فرعونیت را اینگونه وصف می کند: حرف فرعون رشید نیست!

فرعونیتهای هر برهه تاریخی می توانند با حرف نا رشید خود ویرانهای بسیار ببار آورند روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ آدولف هیتلرنیز با تبختری ناشی از خودشیفتگی و نژادپرستی اشغال لهستان را آغاز کرد. و با این حمله جنگ جهانی دوم را آغاز کرد که شش سال و یک روز بعد در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ به پایان رسید .در این جنگ بیش از ۸۵ میلیون نفر در بیش از ۱۰۰ کشور جهان مستقیم و غیر مسقیم دچار قحطی و بیماری و آوارگی شدند و بسیاری زیر بمباران جان خود را از دست دادند و یا در اردوگاه های مرگ کشته شدند و استقلال ایران وطن ما نیز توسط سه قدرت (روش و انگلستان و امریکا) نقض شد و مورد سوءاستفاده بعنوان پل پیروزی قرار گرفت. عواقب مادی و خصوصا روحی روانی این جنگ هنوز در دنیا قربانی می طلبد.

اما هر جنگی نیازمند وضعیت اقتصادی است که بتواند بار خسارات عظیم آنرا تحمل کند. با هم به وضعیت فعلی اقتصادی روسیه نظر افکنیم.

●آیا وضعیت اقتصادی روسیه تحمل بار جنگی طولانی را دارا است؟

از سال ۲۰۱۴ و زمانی که روسیه به دلیل سقوط قیمت نفت و تحریم‌های غرب با فشار اقتصادی مضاعف مواجه شد، کرملین با ایجاد سیستم‌های مالی مستقل و تحکیم اقتصاد کلان، وابستگی به دلار آمریکا را کاهش داده و حمایت از تولید داخلی را جایگزین تجارت آزاد کرده است. حتی زمانی که همه‌گیری ویروس کرونا گسترش یافت و پیامدهای اقتصادی آن به خانواده‌های روسی رسید، دولت محدودیت‌های مربوط به هزینه‌های عمومی و واردات را رها نکرد.

به گزارش راشاتودی، داده‌های بانک مرکزی روسیه نشان می‌دهد حجم ذخایر طلا و ارز این کشور تا پایان ماه آگوست۲۰۲۱ با ۶/ ۱ درصد افزایش (معادل ۶/ ۱۴ میلیارد دلار) به ۶۰۱ میلیارد دلار رسیده است. به گفته بانک مرکزی روسیه، این افزایش ناشی از تداوم روند تقویت ذخایر و تغییر در نرخ‌های برابری ارز حاصل شده است. ذخایر ارزی روسیه شامل ارز، طلا، حق برداشت مخصوص از بانک تسویه بین‌الملل و اوراق قرضه کشورهای خارجی است.

● تلاش روسیه برای تبدیل ذخایر دلاری خود به طلا و سایر ارزها

طی یک سال اخیرنیز میزان ذخایر طلا و ارز روسیه ۱۲ درصد و از ابتدای سال جاری میلادی ۲/ ۷ درصد بیشتر شده است. ۱۵۰ میلیارد دلار از ذخایر بانک مرکزی روسیه را طلا تشکیل می‌دهد که نسبت به مدت مشابه ماه قبل ۲۰ میلیارد دلار بیشتر شده است. در حال حاضر روسیه بزرگ‌ترین خریدار طلا در جهان و چهارمین دارنده بزرگ این فلز گران‌بها محسوب می‌شود. روسیه در شرایطی در پنج سال گذشته به‌طور متوسط ۲۰۰ تن طلا در سال خریداری کرده است که سال گذشته این کشور ۸۱ میلیارد دلار از ذخایر دلاری خود را به طلا و ارزهای دیگر تبدیل کرده است. به گفته بانک مرکزی روسیه تا پایان سال گذشته پوند انگلیس ۳/ ۶ درصد از کل ذخایر ارزی روسیه را تشکیل می‌داده که نسبت به سال قبل آن ۲/ ۰ درصد کمتر شده است. در طرف دیگر اما طلا سهم خود را از ۵/ ۱۹ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۳/ ۲۳ درصد در سال ۲۰۲۰ رسانده است. اتفاق مشابهی هم برای یوآن چین افتاده که سهم آن از ذخایر از ۴/ ۱۱ درصد به ۸/ ۱۲ درصد رسیده است. روسیه ازچند سال پیش تصمیم گرفته است استقراض بر حسب دلار را کنار بگذارد و دیگر ارزهای مهم جهانی نظیر یوآن را جایگزین دلار کند.وزارت دارایی روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد امسال و سال آینده، وام‌های خارجی روسیه تنها بر حسب یورو و یوآن خواهد بود و دیگر استقراضی بر حسب دلار صورت نخواهد گرفت. امری که امریکا آنرا بر نمی تابد. و یکی از مقاصد امریکا از تحریم روسیه نیز واداشتن روسیه به این امر است که حساب ارزی خود را که ناشی از فروش نفت و گاز است به دلار باز گرداند و یا مدت طولانی از بازار عرضه نفت

و گاز دور گردد که البته باید نقش چین را در خرید حاملان انرژی از روسیه از نظر دور نداشت.

در واقع امرهمراهی چین و روسیه در وتو کردن قطعنامه اخیرشورای امنیت قطعنامه سازمان ملل در محکوم کردن حمله روسیه به اوکراین ، تنها به باج دادن سیاسی به یکدیگر ختم نمی شود بلکه جنبه اقتصادی نیز دارد.

شایان توجه است که وزارت خارجه چین در نخستین واکنش رسمی به حمله روسیه به اوکراین دربیانیه خود تاکید کرد که بر خلاف آن چیزی که رسانه های غربی ادعا می کنند حضور نظامی روسیه در اوکراین اشغالگری نیست!چین بحران اوکراین را یک فرصت برای خودش می‌داند ،چرا که هنگامی که آمریکا سرگرم مسائل اوکراین است، فشار کمتری به چین وارد می نماید و احتمال دارد از بحران اوکراین استفاده کرده ودر تایوان همانند روسیه در اوکراین عمل کند؛ با این فرض که آمریکایی‌ها به نفع تایوان هم متوسل به اقدام نظامی نخواهند شد. هر چقدر بحران اوکراین فرسایشی و بلندمدت شود، چین آن را به نفع خود می داند.وزارت دفاع تایوان اعلام کرده است که نیروی هوایی این کشور ۹ هواپیمای چینی را پس از ورود به منطقه دفاعی تایوان رهگیری کرده‌اند.این خبر همزمان با حمله روسیه به اوکراین منتشر شد.

روزنامه نیویورک تایمز نیز گزارش داده است که آمریکا در ماه‌های اخیر با ارائه شواهد مربوط به تجمع نیروهای روسیه در مرز اوکراین به مقامات چینی، خواستار دخالت آنها برای پیشگیری از جنگ شده بودند ولی چینی‌ها این اطلاعات را به روسیه داده‌اند.بر اساس این گزارش، مقام‌های دولت چین همچنین به مسکو تضمین داده بودند که از نقشه‌های نظامی و عملیاتی روسیه برای حمله به اوکراین جلوگیری نخواهند کرد.پوتین تلاش دارد تا به سوی چین بیشتر سوق پیدا کند. اکنون که غرب روسیه را از سیستم سویفت خارج کرده است روسیه قصد دارد با این نزدیکی به چین محدودیت‌های وارداتی و صادراتی خود را کاهش دهد. اما پوتین با امر ساده ای مواجه نخواهد شد و به چین بعنوان تک مشتری وابسته خواهد گردید.

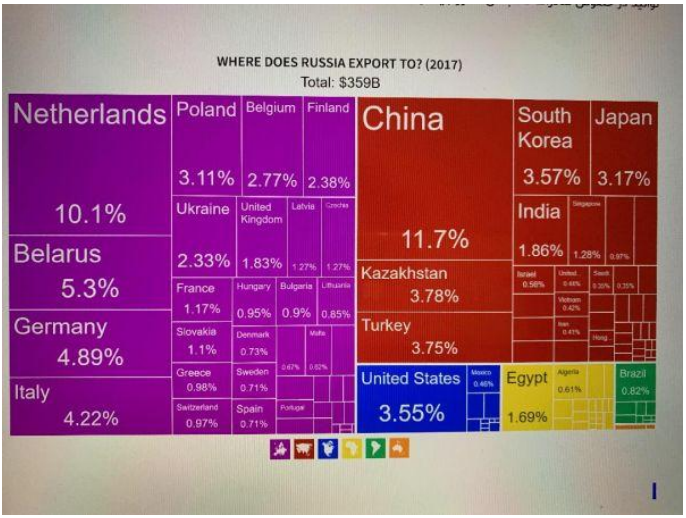
●قوتها وضعف اقتصادی روسیه

علاوه بر داشتن ذخایر ارزی ٦٠١ میلیاردی، بدهی عمومی دولت روسیه کم شده است، و بدهی آن به نسبت تولید ناخالص داخلی معادل ۱۲ درصد است.در سال ۲۰۲۰، روسیه برای نخستین بار پس از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به یکی از صادرکنندگان عمده محصولات کشاورزی تبدیل شد. از طرف دیگر هزینه‌های روسیه برای تحقیق و توسعه، معادل یک درصد تولید ناخالص ملی است که تقریباً نصف، یا شاید یک سوم اقتصادهای آزاد است. حدود دو سوم هزینه‌های

تحقیق و توسعه مربوط به ارتش است و بیشتر مابقی آن، به بخش نفت و گاز اختصاص داردو اقتصاد رانت خوار و آلوده به فسادخصوصا در بخش شرکتهای دولتی است.پیش‌بینی‌های اقتصادی پوتین به خانوارها و مشاغل کوچک آسیب می‌زند. بی‌اعتمادی مردم به اظهارات مقامات دولتی در مورد کرونا و امتناع از تزریق واکسن، باعث شد که فقط کمتر از نیمی از مردم واکسن دریافت کنند.درآمد سرانه واقعی روسیه در حال حاضر کمتر از دوران قبل از حمله به کریمه در سال ۲۰۱۴ است. تورم، بیش از دو برابر سطح مورد نظر بانک مرکزی است و کاهش ارزش روبل در برابر دلار، فشار اقتصادی بر روس‌ها را تشدید کرده است.علاوه بر این، به‌رغم تمام فداکاری‌هایی که مردم عادی روسیه به نام دستیابی به خودکفایی انجام داده‌اند، اقتصاد روسیه همچنان به‌شدت به نفت و گاز وابسته است که در سال‌های اخیر حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص ملی، یعنی حدود ۴۰ درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهد.بنا بر این چنین اقتصاد ی اقتصادی نیست که تحمل بار یک جنگ طولانی مدت و اشغال کشوری را در دل اروپا داشته باشد و مردم اوکراین و روسیه را به نارضایتی و اعتراض حتی در بعد اقتصادی نکشاند.

●واردات کشور روسیه

مجموع واردات کشور روسیه در سال ۲۰۱۷ ، ۲۲۱ میلیارد دلار بود که همین امر این کشور را به ۱۹ مین صادر کننده بزرگ جهان تبدیل کرد. بیشترین کالای وارداتی روسیه به ترتیب شامل ماشین آلات ، حمل و نقل ، مواد شیمیایی ، فلزات ، منسوجات ، پلاستیک و لاستیک ، متفرقه ، مواد معدنی ، کفش و کلاه ، کاغذ ، سنگ و شیشه ، محصولات چوبی می باشد. کالاهای وارداتی روسیه (به صورت درصدی) در نمودار زیر قابل مشاهده می باشند .



●کشورهای صادرکننده به روسیه

کشورهای برتر صادرکننده به روسیه عبارتند از : چین ، آلمان ، بلاروس ، ایالات متحده امریکا و ایتالیا . بیشترین مبداء واردات به ترتیب در قاره های اروپا ، آسیا ، آمریکای شمالی ، آمریکای جنوبی و آفریقا می باشد . واردات کالا ها از کشور های صادرکننده به روسیه (به صورت درصدی) در نمودار زیر قابل مشاهده می باشند.

تحریم روسیه توسط غرب (امریکا و اروپا) شمشیری دولبه است که خساراتی دو طرفه ببار می آورد:

تحریم روسیه چه عواقبی برای امریکا و خصوصا اروپا دارد:

۱-تحریم‌های هدف‌دار علیه روسیه، علاوه بر این فشار به اقتصاد روسیه به اقتصاد کشورهای غربی هم آسیب خواهد زد. چرا که روسیه یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان انرژی برای اقتصاد جهانی است و حجم تجارت بین‌المللی این کشور حدود ۹۰۰ میلیارد دلار است. در نظر بگیریم که ارزش حجم تجارت بین‌المللی ایران بین ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است. بنابراین غیبت روسیه از بازارعرضه نفت، تأثیر قابل ملاحظه ای بر اقتصاد جهانی خواهد داشت.(هرچند که تحریم مردم ایران همواره محکوم بوده است،صرفنظر از سهم تاثیر آن در اقتصاد جهانی)

۲- حذف روسیه از بازار جهانی انرژی، باعث کمبود و نبود انرژی و همچنین افزایش قیمت‌ها خواهد شد و هرگونه محدودیت در زمینه عرضه انرژی می‌تواند منجر به افزایش قیمت نفت خام تا سقف ۱۲۰ دلار برای هر بشکه شود.

۳-اعمال تحریم‌ها علیه روسیه به‌احتمال زیاد به ایجاد بحران اقتصادی در اروپا منجر خواهد شد . توجه شود به نمودار فوق).

۳- افزایش نرخ تورم در غرب که حدود ٦ درصد است (در اتحادیه اروپا بنا به گزارش بانک مرکزی اروپا در دسامبر ۲۰۲۱تورم در سراسر این اتحادیه به طور غیرمنتظره‌ای از ۴.۹ درصد در ماه قبل افزایش یافت و به بیش از دو برابر هدف ۲ درصدی بانک مرکزی اروپا رسید.)اکنون تحریم روسیه نیز می‌تواند بازار بزرگی را از دست اروپا گرفته و تورم را به هشت درصد و فراتر از آن نیز برساند. و همین افزایش نرخ تورم، تقاضا برای افزایش سود بهره بانکی را نیز افزایش خواهد داد. اما اقتصاد بسیاری ازکشورهای عضو اتحادیه اروپا همچون یونان و پرتقال و اسپانیا و...توانایی عرضه بهره بانکی نزدیک به ۱۰ تا ۱۲ درصد را نخواهند داشت ، از این رو خطر بیکاری و رکود اقتصادی نیز اروپا را تهدید می کند.همانگوه که اقتصاد روسیه را.

٤- امریکا قصد دارد نیاز اروپا را به گاز با فروش گاز مایع خود جبران نماید .حتی امریکا به آلمان تحکم کرد که خرید گاز را ار روسیه پایان دهدو بدین سان در امور داخلی آلمان دخالت آشکار کرد (استراق سمع خانم مرکل توسط امریکا افتضاحی بود که قبلا آشکار شده بود). در این امر شک نیست که امریکا بعنوان ابر قدرت در حال افول است و تحمل استقلال کشورهای عضو اتخادیه اروپا را ندارد و از هر فرصتی استفاده می کند تا این استقلال را نقض کرده و اروپا را به خود وابسته نماید. اروپا اما چنانچه بجای پافشاری بر استقلال خود و قطع وابستگی به روسیه در زمینه تامین انرژی، به امریکا وابسته گردد، در ماهیت وابستگی تفاوتی بوجود نخواهد آمد.مگر اینکه از این فرصت برای سرعت بخشیدن به تامین انرژی از طریق انرژی های تجدید پذیر بیشتر و زودتر اهمیت دهند که البته رفع این وابستگی نیز یکشبه ممکن نیست اما مهم هدف را همواره استقلال در نظر آوردن است.

٥-هجوم پناهجویان اوکراینی به اروپا که از دید گرایشها و نیروهای سیاسی افراط گرا اروپایی نه حق بلکه "مشکل" تلقی می شود. جالب اینکه طرفداران پناه دادن به مردم اوکراین نیز تا دید ثنویت گونه و تبعیض گرای خود را نشان ندهند نمیت وانند بر حق مردم اوکراین نیز صحه بگذارند. بطور نمونه لهستان مرز خود را بروی پناهجویان اوکراین بازکرده ولی بر روی دانشجویان نیجریه که میهمان لهستان بوده اند بسته است !(از دید نگارنده البته بهتر آن است که شهروندان اوکراینی به دفاع از وطن خود بپردازند که البته بدفاع برخاسته و حماسه نیز آفریده

اند. اما وقتی نیز که نیاز به پناهنده شدن به کشوری را دارند از حقوق انسانی آنها است که از حق جان خود در قبال متجاوز دفاع کنند).

٦- استثنا قائل شدن اروپا برای انسانها در پذیرش و یا رد پناهندگی آنها نشان دهنده این است که ذهنیت فاشیستی در اروپا هنوز بسیارریشه دار است. اروپا همواره شاهد جنگهای بسیار دهشتناک در آسیا و افریقا بوده است که بعضا نیز خود در براه انداختن ان سهم بسزایی د اشته است ،اما وقاحت را تا به حدی نشان دادند که خبرنگاران اروپایی در مورد مردم اوکراین که به مرزهای کشورهای اروپایی رسیده اند می گویند "این ها سفید پوست و دارای چشمان آبی هستند و مثل ما هستند. این مردم از شمال افریقا و از آسیا نمی آیند" حقوق مردم و عراق و افغانستان و ایران وسوریه و کشورهای افریقایی بعلت چشم ابی نبودن از دید بسیاری از اروپاییان و...حائز اهمیت نیست.ملتهای ما باید درس عبرتی از این ثنویت دو محوری اروپاییان بگیرند که حافظ حقوق ما تنها خود ما هستیم و نه هیچ قدرتی.

❋نتیجه گیری لازم برای ما ایرانیان از وضعیت اوکراین

<u>آنچه برای ما ایرانیان حائز اهمیت ویژه است امور ذیلند:</u>

۱ــ تجاوز نظامی روسیه به اوکراین باید به ما بفهماند که روس‌ها در ۲۰۰ سال گذشته همواره به ایران و ایرانی ضربه زده‌اند .همانطور که شرح آن رفت سرزمینهای بسیاری از ایران را جدا کرده اند.

۲ ــدر تجاوز عراق به ایران نیز روسیه از حکومت صدام حمایت کردو به وی اسلحه رساند.

۳-روس‌ها در زمان ریاست جمهوری آقای پوتین به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران رأی داد.

٤-در تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه مردم ایران روسها همچون چینی ها به عنوان کاسبان بین‌المللی جیب خود را بخاطر "موهبت" تحریم پر کردند.

٥ــدر سوریه روسیه تنها به منافع خود نظر داشته ، نه حق استقلال مردم سوریه برایشان مهم بوده است وگرنه به یاری فاسد دیکتاوری چون بشار اسد نمی شتافتند و نیز در ژانویه ۲۰۱۸ توافق دوجانبه ای را برای انحصار حق برداشت از منابع نفتی و گازی سوریه امضا کردند.

٦ــروسیه عملا با استفاده از ضعف نظام ولایت مطلقه فقیه با زد وبند با این نظام سهم مشاع ایران را در دریای خزر زیر پا گذاشته و حقوق ملی مردم ایران را نقض کرده اند.

۷-روسها همواره مانع رسیدن گاز ایران به اروپا بودند و از تنش میان ایران و غرب بیشترین سود را برده‌اند .

۸-باج دادنهای نظام ولایت فقیه به هر سه قدرت امریکا و روس و چین نقض استقلال و حاکمت ملی ما ایرانیان است.

۹-محکوم کردن هر نوع تجاوز به حریم کشورها و دخالت در امور داخلی کشورها بهترین سیاست اتخاذی است . لذا بایستی از حق مردم اوکراین آشکارا دفاع نمود و متجاوز را محکوم کرد.که البته از یک نظام مستبدی چون نظام ولایت فقیه بر نخواهد آمد.

۱۰-زنهار که سه قدرت امریکا و روسیه و چین در حال تعیین مرزهای قدرت خود می باشند. و در این بین استقلال کشورها و حقوق آنها به تعبیر درست و زیبای آقای بنی صدر بازیچه دست "عقابهای مرداب خوار" خواهد شد. قدرتهای جهانی همواره قصد دارند کشورهایی را که برای غارت منابعشان در نظر گرفته اند ، دچارتعادل انواع ضعفها کنند .و باز به پیش بینی اقای بنی صدر امریکا به مثابه ابرقدرت در حال افول است و هم اکنون جزء بدهکارترین کشورهای جهان است و ملتها بایستی موقعیت را غنیمت بشمارند و بر استقلال و آزادی خود پافشاری کرده و میدان را برای عمل این قدرتها در امور داخلی و در سطح جهانی ببندند .

می دانیم که در تعادل ضعف نگاه داشتن گاهی نیز با دینامیزم تلاشی همراه می شود آنهم از طریق :

الف-تحمیل جنگ بدانها (نمونه به جان هم انداختن دو کشور همسایه و دارای تاریخ و عوامل فرهنگی نسبتا مشترک ایران و عراق به تحریک امریکا و غرب)

ب-از طریق فروش اسلحه بدانها (و بدان غارت ذخایر ارزی آنها . نمونه فروش ۱۱۰ میلیارد دلار اسلحه توسط ترامپ به عربستان)،

ج -ازطریق تحمیل نظامهای استبدادی بدانها و بستن مدار بر روی مردم یک کشور وبی آینده کردن آنها تا با هدر دادن نیروهای محرکه داخلی آنها و یا جذب نیروهای محرکه انسانی آنها (سیل مهاجرت نخبگان علمی ایران به این غرب)

تا آن کشوررا از درون از حافظان استقلال و آزادی خود تهی و خالی کند .و توسط دولتهای وابسته انواع بحرانها را به کشور تحمیل وبر هم می افزایند .ساختارهای متصلب نظامهای اجتماعی امکان عمل به نیروهای محرکه را نمی‌دهند، لاجرم، این نیروها تخریب می‌شوند. نتیجه این است که جامعه‌ها گرفتار پویایی‌های تخریب نیروهای محرکه و فقر و خشونت می گردند.

چاره اما نه قراردادن وطن در موازنه قوای تحمیل شده از طرف قدرتها و بازیچه توقعات و منافع قدرت آنها شدن است، بلکه شناخت و معرفت کافی به حقوق انسانی و شهروندی و ملی خود است.

۱۱-چاره همواره اتحاذ سیاست موازنه منفی است. الگوی این نوع منش وسیاست در نظر و عمل دو گلد سته استقلال ایران دکتر محمد مصدق و بنی صدر بودند. سیاست موازنه عدمی تنها یک جمله نیست، بلکه یک منش و روش است. که در تمامی زوایای سیاسی- اقتصادی – فرهنگی و اجتماعی زندگی روزمره ما بایستی هویدا باشد و اثر خود را بجای گذارد. لذا بر همه ما ایرانیان است که قدر استقلال وطن و داشته های خود را بدانیم و نگذاریم نظام وابسته حاکم آنرا با باج دهی برای حفظ خود به خطر اندازد.در عین حال مواظب اپوزیسون وابسته برای باز کردن پای قدرت خارجی در داخل باشیم. تصمیم در مورد مسائل داخلی تنها و تنها حق ملت ایران است و بس.

۱۲- وجدان علمی و اخلاقی و تاریخی خود را زنده نگاه داریم و در هر زمینه ای زمینه وابستگی خود را به قدرتها کم و کمتر کنیم. یکی از راه های آن تغییر نگاه ما به مصرف گرایی است. خاصه در مصرف نفت و گاز و انرژی و مصرف گرایی در فکر.

با باور به صلح و خلع سلاح کردن قدرتها ،با دفاع از استقلال وآزادی ملتها و اجرای حقوق خود و حقوند زیستن ،سایه شوم جنگ و ویرانی و استثماررا از جهان دور کنیم

****

وضعیت سنجی ۳۹۱
تاریخ انتشار : ۲۸ اسفند ۱۴۰۰

هشدار:قراردادهای پنهان و جدید با روسیه ناقض استقلال ایران



نگارنده در تلویزیون سپیده استقلال و آزادی بیش از ۱۰سال افتخار مصاحبه های بسیاری در زمینه های مختلف با آقای ابوالحسن بنی صدر را داشتم .دراولین مصاحبه سلسله واری که در زمینه بررسی کتاب استقلال ایشان داشتم(۲۷ شهریور (۹۹ ودر ۱۷ مصاحبه به بررسی ۱۷ کارکرد استقلال اختصاص یافت،ایشان جمله ای ناب را بیان کردند :اندیشه استقلال و آزادی در ایران بالیده شده است.

و دلایل آنرا درفصل اول کتاب استقلال خود که به نقل از اوستا و نقد نظرات سهروردی در معنای استقلال اختصاص یافته است قید کرده اند و بعد از سیر روابط در نظامهای سلطه گر و زیر سلطه و دینامیزمهای آن ،به دوران معاصر و نظریه موازنه عدمی دربیان مدرس و موازنه منفی در بیان مصدق در بعد سیاسی می پردازد .

در ایران مدرس اولین کسی است که استقلال را به مثابه نه مسلط و زیر سلطه تعریف کرده است.وی گفته است : "آنچه من از استقلال می فهمم این است که ما زندگی خودمان را داریم و شما هم زندگی خود را دارید. نه شما بر ما مسلط باشید و نه ما زیر سلطه باشیم".

از اینرو در ایران مدرس اولین کسی است که استقلال را به مثابه نه مسلط و نه زیر سلطه تعریف کرده است.وآقای بنی صدر در ادامه راه مدرس و مصدق نظریه موازنه عدمی واستقلال راپی گرفته و از نقطه نظر نظری در کتاب استقلال تبیین کرده اند.

موضوع وضعیت سنجی این شماره و دو شماره آینده بررسی روابط ایران و روسیه و قرادادهای پنهان از مردم و نقش نظام ولایت فقیه و دولت روسیه در نقض استقلال ایران با توجه به اخبار و شواهد حتی خیر واگذاری ساختار گازی چالوس به روسیه می باشد.و خصوصا موضع و موقعیتی که روسیه با تجاوز به کشور اوکراین و نقض استقلال آن کشور در آن قراردارد و خطر بلافصلی که استقلال ایران را از طرف مقاصد روسیه تهدید می کند .

بی د لیل نیست که بعلت موقعیت ژئوپلیتکی و در چهار راه حوادث قرارداشتن ایران و غنای طبیعت و وجود انسانهای مستعد و پراستعداد در این مرزو بوم ، بسیاری از قدرتها برای جلوگیری و ایجاد مانع و رادع در مقابل بالندگی امر استقلال و آزادی در فرهنگی کهن ما ایرانیان، ملت ما را تا بدین حد نسبت به امر استقلال وآزادی وبر هم زدن رابطه سلطه ،حساس و هوشیار کرده است.

نا گفته نماند که تغییر ساخت دولت از استبدادی به مردم سالاری ، بدون اینکه رابطه ملت با دولت و دولت با قدرت خارجی تغییر کند، میسر نیست و این تغییر، کلید حل مشکل است. در حقیقت، در طول تاریخ ایران ، دولت استبدادی ، در بودجه و قوای نظامی و اداری، از جامعه ملی مستقل بوده است.از این رو، میان جامعه ملی و قدرتهای خارجی رابطه ای بر قرار می کرده و در این رابطه ، خود در محلی قرار می گرفته است که جامعه ملی را از قیام بر ضد خویش ناتوان کند . رفتار دولت در نظام ولایت فقیه در جلوگیری از رشد اقتصادی مستقل و وابسته شدن در بودجه به درآمدهای نفتی و قرضه های خارجی ، رفتار بر سنت دیرین دولت استبدادی اما در موقعیت زیر سلطه است .

از اینرو این امر حائز اهمیت بسیار است که بدانیم « ملی کردن دولت » بمعنای مستقل کردن دولت از قدرت سلطه گر و پایان بخشیدن به نقش آن بعنوان کارگزار سلطه گر در رابطهٔ سلطه گر - زیر سلطه و بنا براین، به تابعیت ملت درآوردن آنست.
گرچه بسیارند کسانی که می گویند در جهانی که اقتصاد در آن جهانی می شود ،

دولتها دیگر صفت مستقل را از دست داده و می دهند، اما با درسی که از بحث در زمینه شناسایی منطق صوری فریب از آقای بنی صدر گرفته ایم مشخص می شود که قائلان به این قول، فریب منطق صوری را خورده اند. چرا که در این صورت ، دولت در جامعه ای با موقعیت مسلط مشابه دولت در یک جامعه زیر سلطه است .اما در معنی ، در اقتصادی که جهانی می شود ، تفاوتی بنیادی وجود دارد میان بخش مسلط با بخش زیر سلطه جهان

در بخش زیر سلطه ، دولت آلت فعل اقتصاد مسلط در صدور نیروهای محرکه به بخش مسلط است(به رفتار نظام ولایت فقیه در فراهم آوردن زمینه فرار مغزها به عنوان نیروی محرکه انسانی و حراج ثروتهای ملی بعنوان نیروهای محرکه مادی بنگریم) و در بخش مسلط، دولت عامل فراملیها در تسلط بر اقتصاد جهان و صاحب اختیار حال و آینده اقتصاد جهان است.

پس در رابطهٔ سلطه گر - زیر سلطه ، دولت کارگزار قدرت مسلط است و مداخله مسلط برای آنست که کارآئی دولت زیر سلطه را بیشتر کند. این مردم کشور هستند که، از راه جنبش همگانی ، می باید به این تغییر واقعیت ببخشند.

ملتی که در انقلاب ایران اعتماد به نفس و غرور خویش را باز یافته بود و طبقه حاکمه سعی در ستاندن آن اعتماد و این غرورملی را از او کرده است، تنها راه نجات حیات ملی اش این است که با عزمی ملی ، قدم در راهی نهد که به اعتماد به نفس و غرور ملی خود و باز یافت استقلال و آزادی خود نیاز دارد.

برای پیگیری لوازم مقاومت ملت ما برای برهم زدن رابطه سلطه / زیر سلطه در رابطه با رفتاری که قدرت روسیه با وطن ما اتخاذ کرده نیازمند بررسی دقیق وقایع اتفاقیه داریم. نگارنده از اینرو این وضعیت سنجی و دوشماره بعد آن را بدین امر مهم اختصاص خواهم دارد. و با در کنار هم قراردادن اخباری که یکدیگر راخود بازگو می کنند خواننده رابطه علت و معلولی وقایع و موضع گیریها را خود درک و دنبال خواهد کرد.

و بتدریج مشخص می شود چگونه وابستگان و سرسپردگان داخلی بنام" رهبر و ریاست جمهوری و ریاست مجلس و وزیر و سفیر" آرام آرام زمینه بازگشت روابط سلطه / زیر سلطه را فراهم و استقلال وطن را نقض می کنند.

❋مساله محتوای پنهان قراردادهای ۲۰ ساله روسیه با ایران و اطلاعات قطره ای درج یافته است.

محمد جواد ظریف " وزیر"امور خارجه دولت روحانی (در تاریخ ۱ مرداد۱۳۹۹ همشهری انلاین)گفته بود :" یک قرارداد همکاری میان ایران و روسیه وجود دارد که در زمان ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی منعقد شده است(نگارنده در اسفند ۱۳۷۹)، این قرارداد ۱۰ ساله بوده و دو تا پنج سال تمدید شده و هشت ماه دیگر(نگارنده :اسفند ۱٤۰۰ یعنی هم اکنون)، ۲۰ ساله می‌شود. این قرارداد به دوره دیگری از روابط بین‌الملل و روابط ما با روسیه مربوط می‌شود. با پوتین توافق کردیم این قرارداد بازنگری شود. البته زمانی که رأس موعد مقرر برسد، اگر کسی مخالفت نکند، تمدید می‌شود، ولی بهتر دیدیم یک قرارداد جامع راهبردی درازمدت تدوین شود و قرارداد به‌روز شود و نهایتا امضا و برای تصویب به مجلس ارائه شود".

توجه خوانندگان گرامی را به این امر جلب می کنم که آقای محمد خاتمی این " سید خندان " و رییس" دولت اصلاحات "و چندماه بعد در دی‌ماه ۱۳۸۰ "نمایندگان " ششمین دوره مجلس شورای اسلامی با اکثریت مطلق اصلاح‌طلب آن قرارداد را امضا کردند ، با پنهان کردن محتوای این قرارداد از ملت ایران لابد در دل به ریش ملتی می خندندکه بدون اطلاع وی قراردادی بس مهم را از وی پنهان و بنام " نمایندگان " وی امضا کرده اند ! هرچند به اصطلاح معروف جوجه را آخر پاییز می شمارندً!



خوانندگان محترم خود تلاش و امتحان کنند که تا به چه حد به محتوای واقعی این قرار داد دسترسی می یابند.

نگارنده تا کنون با سعی بسیار به اطلاعات ذیل که درز کرده است دست یافته است.

****

وضعیت سنجی ۳۹۲
تاریخ انتشار : ۱۳ فروردین ۱۴۰۱

هشدار: قراردادهای پنهان و جدید با روسیه ناقض استقلال ایران (بخش دو)



موضوع وضعیت سنجی شماره قبل ۳۹۱ و این شماره و شماره آینده بررسی روابط ایران و روسیه و قراردادهای پنهان از مردم و نقش نظام ولایت فقیه و دولت روسیه در نقض استقلال ایران با توجه به اخبار و شواهد حتی خبر واگذاری ساختار گازی چالوس به روسیه می باشد. و خصوصا موضع و موقعیتی که روسیه با تجاوز به کشور اوکراین و نقض استقلال آن کشور در آن قرار دارد و خطر بلافصلی که استقلال ایران را از طرف مقاصد روسیه تهدید می کند.

در وضعیت سنجی شماره ۳۹۱ به اهمیت نقش استقلال و سیاست موازنه عدمی از قول متفکرانی همچون مدرس و مصدق و بنی صدر پرداختم خصوصا به تدوین دینامیزمهای روابط سلطه - زیر سلطه و دینامیزمهای استقلال از طریق اقای بنی صدر اشاره کردم.

و نیز در رابطه به قرارداد های منعقد شده نظام ولایت فقیه با دولت روسیه به مساله محتوای پنهان این قرارداد در زمان عقد آن در دولت "اصلاحات " پرداختم و تذکر دادم که

❋ مساله محتوای پنهان قراردادهای ۲۰ ساله روسیه با ایران و اطلاعات قطره ای درج یافته است

محمد جواد ظریف " وزیر"امور خارجه دولت روحانی (در تاریخ ۱ مرداد۱۳۹۹ همشهری انلاین)گفته بود :" یک قرارداد همکاری میان ایران و روسیه وجود دارد که در زمان ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی منعقد شده است(نگارنده: در اسفند ۱۳۷۹)، این قرارداد ۱۰ ساله بوده و دو تا پنج سال تمدید شده و هشت ماه دیگر(نگارنده :اسفند ۱۴۰۰ یعنی هم اکنون)، ۲۰ ساله می‌شود. این قرارداد به

دوره‌دیگری از روابط بین‌الملل و روابط ما با روسیه مربوط می‌شود. با پوتین توافق کردیم این قرارداد بازنگری شود. البته زمانی که رأس موعد مقرر برسد، اگر کسی مخالفت نکند، تمدید می‌شود، ولی بهتر دیدیم یک قرارداد جامع راهبردی دراز مدت تدوین شود و قرارداد به‌روز شود و نهایتا امضا و برای تصویب به مجلس ارائه شود."

توجه خوانندگان گرامی را به این امر جلب می کنم که آقای محمد خاتمی و رِئیس" دولت اصلاحات "چندماه بعد در دی‌ماه ۱۳۸۰ و"نمایندگان" ششمین دوره مجلس شورای اسلامی با اکثریت مطلق اصلاح‌طلب آن قرارداد را امضا کردند.

۱- مواد مهم این معاهده این معاهده شامل مقدمه و بیست و یک ماده است. ماده ۶ این معاهده بر همکاری دو کشور در حوزه انرژی، از جمله هسته ای اشاره کرده و تصریح می کند «طرفین به گسترش مناسبات دراز مدت و متقابلاً مفید خود به منظور تحقق طرحهای مشترک در زمینه‌های حمل و نقل، انرژی من‌جمله: استفاده صلح جویانه از انرژی هسته‌ای، احداث نیروگاههای اتمی، صنایع، علوم، فنون، کشاورزی و بهداشت عمومی مساعدت خواهند نمود.

ماده ۱تاه و ماده ۱۲ و ۲۱ این معاهده از دید نگارنده مهمند. بخصوص ماده ۱۲ که بدان باز می گردم.

ماده ۱ - جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به عنوان کشورهای دوست، روابط فی‌مابین را بر پایه برابری حاکمیت، همکاری، اعتماد و احترام‌متقابل به حق حاکمیت،

تمامیت ارضی، استقلال و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر استوار می‌سازند.

ماده ۲ - هر یک از طرفین متعهد می‌شوند تا از توسل به زور و تهدید در روابط فی‌مابین پرهیز نموده و اجازه ندهند تا از سرزمین‌شان برای تجاوز وعملیات خرابکاری و تجزیه طلبی علیه طرف دیگر استفاده گردد.

ماده ۳ - چنانچه یکی از طرفین مورد تجاوز کشور دیگری قرار بگیرد، طرف دیگر ملزم می‌باشد از هرگونه مساعدت نظامی و یا کمکهای دیگر به‌متجاوز که موجبات ادامه تجاوز را فراهم می‌آورد، خودداری نموده و سعی نماید تا اختلافات به وجود آمده براسا س منشور سازمان ملل متحد و اصول‌کلی حقوق بین‌الملل حل و فصل گردد.

ماده ٤ - طرفین موافقت می‌نمایند که اختلافات احتمالی بین خود را صرفاً از طرق مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند.

ماده ٥ - طرفین موافقت نمودند، شرایط مناسب حقوقی، اقتصادی، مالی و تجاری برای فعالیتهای دوجانبه و چند جانبه و نیز سرمایه‌گذاری‌های‌مشترک در کشورهای یکدیگر و کشورهای ثالث ایجاد نمایند. همچنین طرفین اعتقاد دارند که برای دستیابی به اهداف فوق‌الذکر، اعطای حقوق‌کاملةُ الوداد، فعالیت کمیسیون مشترک دائمی ایران و روسیه، در خصوص همکاریهای اقتصادی، تجاری و همچنین همکاری بین بانکهای دو کشوراهمیت به سزایی دارند.

ماده ١٢ - طرفین در خصوص گسترش همکاریهای جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در تمامی زمینه‌ها در دریای خزر، معاهده بین ایران وجمهوری فدراتیو روسیه سوسیالیستی شوروی مورخ ٢٦ فوریه ١٩٢١ و قرارداد بازرگانی و بحرپیمایی میان ایران واتحاد جماهیر شوروی‌سوسیالیستی مورخ ٢٥ مارس ١٩٤٠ و نامه‌های ضمیمه آنها را مبنای حقوقی ناظر بر فعالیت در دریای خزر می‌دانند .رژیم حقوقی دریای خزر بایستی براساس اتفاق آرا پنج کشور ساحلی تکمیل گردد و طرفین تا تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر هیچ مرزی را در این دریابه رسمیت نمی‌شناسند و باتوجه به مبانی فوق، همکاری در دریای خزر را از طریق تدوین چارچوب‌های حقوقی لازم در زمینه‌های ماهیگیری وپرورش ماهی، کشتیرانی، تجارت ساحلی، استخراج منابع معدنی و حفظ محیط زیست توسعه می‌دهند.

ماده ٢١ این معاهده می نویسد: « این معاهده برای مدت ده سال منعقد می‌گردد و در صورتی که هیچ یک از طرفین حداقل یک سال قبل از پایان اعتبار آن به صورت کتبی طرف دیگر را از قصد خود پیرامون قطع اعتبار معاهده مطلع نسازد، خود به خود برای دوره‌های پنج ساله بعدی تمدید می‌شود. این معاهده در مسکو در تاریخ بیست و دوم اسفند ماه سال ١٣٧٩ هجری شمسی برابر بادوازدهم مارس ٢٠٠١ میلادی در دو نسخه به زبانهای فارسی و روسی که هر یک از متون دارای اعتبار یکسان می‌باشد، تنظیم شده است.»

٢ - در ٨٣/٠٩/٢٦ پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاریهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه چهارشنبه شب با حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران و رئیس آژانس انرژی اتمی روسیه در مسکو به طور رسمی افتتاح شد. سید صفدر حسینی رئیس هیات ایرانی، در مراسم افتتاح کمیسیون ظرفیت همکاریهای ایران و روسیه در زمینه های مختلف اظهار داشت: ما برای پذیرفتن شرکت های روسی در پروژه های حمل و نقل، صنایع و بخش های دیگر

به ویژه نفت و گاز آماده هستیم. وی افزود خوشبختانه شرکت های روسی در پروژه های پارس جنوبی، آزادگان و اناران موفق بوده اند.

به گزارش خبرنگار مهر، پانزدهمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به مدت سه روز در ۲۸ خرداد ۹۸ در اصفهان برگزار شد و طی آن ۱۲ سند همکاری میان دو کشور به امضا رسید.

از محتوای این اجلاسهای مشترک همکاریها نیز کمترین خبری در دسترس نیست.

۳ ـ سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۹ برابر با ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۰ ظریف وزیر خارجه دولت روحانی سه‌شنبه ۳۱ تیرماه۹۹ به مسکو رفت. ظریف حامل پیام روحانی به پوتین؛ سفیر جمهوری اسلامی در مسکو اظهار داشت: می‌خواهیم از روسیه سیستم پدافندی بخریم! یک هفته پس از آنکه جمهوری اسلامی به بشار اسد قول داد سیستم‌های پدافندی سوریه را تقویت می‌کند کاظم جلالی سفیر رژیم ایران در مسکو به روزنامه «کامرسانت» گفت مایلیم برای تقویت ظرفیت‌های پدافندی خود، تسلیحات جدید روسیه را خریداری کنیم!

-جلالی سفیر جمهوری اسلامی در روسیه نیز اظهار داشت «ما درباره چیزهایی که برای تقویت ظرفیت‌های دفاعی خود نیاز داریم، با روسیه مشورت خواهیم کرد... در این زمینه، روسیه اولویت شراکت ما است».

- به دلبریهای "سفیر "نظام ولایت فقیه توجه کنیم:

جلالی در مسکو با بیان اینکه تهران هم چیزهایی برای ارائه به مسکو و پکن دارد، با عرضه‌ی وسوسه‌انگیزِ «جمعیت زیاد و جوان» و «منابع معدنی بسیار» افزود: «ایران چیزهایی برای ارائه به روسیه و چین دارد. ما کشوری بزرگ با جمعیتی زیاد و تقریبا جوان هستیم، منابع معدنی بسیار و فناوری‌های پیشرفته داریم. اگر ما تشریک مساعی داشته باشیم، می‌توانیم بر فشار آمریکا غلبه کنیم»!

-یک روز قبل از سفر ظریف به مسکو زنگنه وزیر نفت جمهوری اسلامی گفت «هیچ کشور خارجی حاضر به امضای قرارداد با ایران نیست»؛ تسنیم نوشته بخشی از مذاکرات در زمینه همکاری‌های اقتصادی و انرژی را انتشار داده است!

-خبرگزاری تسنیم می‌نویسد در این سفر پیشرفت پروژه‌های بزرگ مشترک در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل و کشاورزی مورد بررسی طرفین قرار خواهد گرفت.

٤- محمدباقر قالیباف رئیس یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز بهمن‌ماه ۱۴۰۰سفری پرحاشیه به روسیه داشت و پیام علی خامنه‌ای" رهبر" جمهوری اسلامی را برای ولادیمیر پوتین برد اما رئیس جمهوری روسیه از دیدار با محمدباقر قالیباف خودداری کرد و این نامه به رئیس پارلمان (دوما) روسیه تحویل داده شد.

اما هرگز محتوای نامه خامنه ای به ولادیمیر پوتین معلوم نگردید اما محمدباقر قالیباف در اینباره گفته که فصل جدیدی در روابط راهبردی ایران و روسیه و نقشه راه «نگاه به شرق» در دیپلماسی جمهوری اسلامی آغاز خواهد شد.

همچنین حسین دهقان وزیر دفاع سابق جمهوری اسلامی در دولت محمود احمدی‌نژاد و از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بهمن‌ماه ۱۳۹۹ فاش کرد که قاسم سلیمانی بود که رئیس جمهوری روسیه را راضی کرد تا در جنگ سوریه مشارکت کنند.

٥ - در ۱۰ آبان ۱۴۰۰ -خبرگزاری ایلنا بناگهان خبری کوتاه از یک گفتگو را با این محتوا درج کرد :" اردشیر دادرس در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا، اظهار داشت: طبق معاهده و توافق ایران و روسیه تا زمانی که تراز گاز ایران مثبت است و تولید به نسبت مصرف داخلی جوابگو است، ما حق استخراج منابع گازی دریای خزر را نداریم، ضمن اینکه توجیه اقتصادی هم ندارد که از این منابع برداشت داشته باشیم. بنابراین ما فعلا نباید به فکر منابع گازی دریای خزر باشیم **!**

رئیس انجمن صنفی سی‌ان‌جی ایران درباره علت این موضوع گفت: اکنون روسیه ۱۸,۱ درصد از ذخایر گاز دنیا را داراست و این رقم در مورد ایران ۱۷,۹ درصد است، چنانچه از خزر برداشت داشته باشیم این رقم به ۱۸,۲ درصد رسیده و در مقام بالاتری از روسیه قرار می‌گیریم که طبق توافق‌هایی که قبلا با این کشور صورت گرفته نباید اینچنین شود تا روسیه همچنان در صدر باشد**!** "

جالب توجه اینکه در حالی رئیس انجمن صنفی سی‌ان‌جی خبر میدهد که ایران حق برداشت از هشت حلقه چاه بزرگ گازی در دریای خزر را ندارد. که این چاه‌ها در محدوده آبی ایران هستند **!**

در پی خبر این توافق شوکه کننده که ظاهرا تاکنون در سکوت پیش رفته است، موج انتقادات جدیدی در فضای مجازی از سوی افکار عمومی از همه‌جا بی‌خبر به راه افتاده است.

اما نکته جالب اینجاست که حتی پیگیری‌های خبرنگار اقتصادآنلاین از اتاق بازرگانی کشور نشان می‌دهد که نه تنها مردم، بلکه مسئولان رده بالای بخش خصوصی هم در مواجهه با این خبر غافلگیر شده‌اند.

برای مثال رضا پدیدار، نائب رییس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران اعلام می‌کند که به هیچ عنوان از این توافق خبر ندارد. حتی آرش نجفی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران، نیز در این باره به اقتصاد آنلاین می‌گوید:« ما هر روز در حال سورپرایز شدن هستیم و از همه چیز بی‌خبریم وگرنه ممکن نبود زیر بار چنین خفتی برویم. اجازه برداشت از منطقه گازی خزر که بسیار غنی است، خیلی مهم است. این خبر شبیه خبر استخراج نفت کشور ما در قم بود.

او تاکید می‌کند: **من به عنوان رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی کشور از مفاد هیچ یک از قراردادهای ایران مطلع نیستم. هیچ بخشی از این گزارش‌های به ما اطلاع‌رسانی نمی‌شود. اتاق به طور جدی و رسمی در جریان هیچ بخشی از توافق‌نامه‌ها نیست».**

علاوه بر بخش مربوط به انرژی، ظاهرا اتاق مشترک ایران روسیه هم در جریان مفاد قراردادها نیست. هادی تیزهوش تابان، رئیس اتاق مشترک ایران و روسیه، عنوان می‌کند:« این اطلاعات را فقط مقامات دولتی دارند. من هم مثل شما این خبر را الان شنیدم. معمولا این گزارش‌ها منتشر نمی‌شود. همانطور که مفاد توافق ایران و چین منتشر نشد. این مسائل و قراردادها محرمانه تلقی می‌شوند و معمولا فقط بخشی از کلیات آن منعکس می‌شود».

نگارنده به این خبر درشماره بعدی همانا بخش دوم این وضعیت سنجی بطور مفصل در رابطه با ساختار گازی چالوس خواهم پرداخت.

٦ - روز سه‌شنبه ۲۲ تیرماه ۱۴۰۰، کاظم جلالی سفیر نظام ولایت فقیه در روسیه در گفتگویی ۴۵ دقیقه‌ای که تماماً به روابط ایران و روسیه اختصاص یافت، یادآوری کرد که معاهده‌ای که در سال ۲۰۰۱ میان دو کشور امضا شد، خود به خود در دوره‌های پنج ساله تمدید می‌شود. اما هدف توافق‌نامهٔ جدید "روزآمد کردن قرارداد قبلی و ادامهٔ آن برای دو دهه یا بیشتر است".

جلالی گفت که پیشنهاد توافق به خواست رهبری جمهوری اسلامی مطرح شده و در نامه‌ای که علی خامنه‌ای به واسطهٔ قالیباف برای ولادیمیر پوتین فرستاد، به تفصیل و در موضوعات مختلف تشریح شده است. جلالی گفت که محور اصلی این نامهٔ "بسیار پراهمیت" گسترش همکاری‌های دو کشور بود. به گفتهٔ جلالی "جناب پوتین" نیز پاسخ مبسوطی به این نامه داد و بدین ترتیب آغاز "فصل نوینی در روابط ایران و روسیه" امکان‌پذیر شد.

قابل ذکر است که مردم ایران هیچگاه از محتوای نامه های خامنه ای و پوتین مطلع نشدند.

سفیر ایران در مسکو، در مقام مقایسه توضیح داد که قرارداد ۲۵ سالهٔ ایران و چین یک "تفاهم‌نامه" است، اما قرارداد با روسیه یک "توافق‌نامه" است که حتماً نیازمند تصویب مجلس خواهد بود. قبلاً، در مورد قرارداد با چین، مقامات ایرانی گفته بودند که "الزامی به تایید مجلس" ندارد.

کاظم جلالی توضیح داد، به رغم آن معاهده، توسعهٔ روابط دو کشور رضایتبخش نبوده و به ویژه در حوزهٔ اقتصادی بسیار محدود مانده است. او گفت که در عرصهٔ سیاسی نیز ایران می‌تواند با روسیه و چین **"باشگاه کشورهای تحریمی" را تشکیل دهد. به طور کلی ایران خواهان یک "روسیهٔ مقتدر" است، زیرا تهران و مسکو در عرصهٔ جهانی "دیدگاه‌های مشترک" دارند.**

۷ - دبی - العربیه فارسی در ۱۹ ژانویهٔ برابر با ۲۹ دیماه ۱۴۰۰ نوشت:در حالی‌که انتقادها در داخل ایران از قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین شدت گرفته و منتقدان آن را نقض «حاکمیت ملی» این کشور می‌دانند، ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری ایران در سفر خود به مسکو، پیش‌نویس «قراردادی ۲۰ ساله با روسیه» را به همراه خود برد.

کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه، چهارشنبه، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۲در مصاحبه با خبرگزاری «مهر» اعلام کرد، مقامات ارشد تهران و مسکو پیشتر توافق کرده بودند که قراردادی ۲۰ ساله «یا بیشتر» بین این دو کشور منعقد شود. او در این زمینه افزود، پیش‌نویس این قرارداد به مقامات روسیه تحویل داده خواهد شد تا پس از بررسی آن توسط کرملین، توافق نهایی با این کشور حاصل شود. ابراهیم رئیسی، در دومین سفر خارجی مهم خود، امروز وارد مسکو، پایتخت روسیه شد. به گفته رسانه‌های ایران، این سفر به دعوت پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه صورت گرفته و قرار است به‌جز دیدار دو رئیس‌جمهوری، رئیسی در پارلمان این کشور نیز سخنرانی کند.

این سفر تنها دو روز پس از مرحله به‌اجرایی درآمدن قرارداد ۲۵ ساله ایران با چین که در حافظه تاریخی ایرانی‌ها به عنوان «قرارداد ترکمنچای دوم» به ثبت رسیده، صورت می‌گیرد.

جلالی درباره موضوعاتی که بین رئیسی و همتای روس او مطرح خواهد شد نیز گفت: «مسائل بین‌المللی، منطقه‌ای، امنیتی و گسترش روابط اقتصادی» از جمله موضوعات مطرح‌شده خواهد بود. قرارداد ایران و روسیه در حالی«راهبردی» خوانده می‌شود که دیگر قرارداد این کشور با چین نیز عنوان «راهبردی» به خود دارد. قراردادی که جزئیات و مفاد آن تا به الان منتشر نشده است.

۸ - در فروردین ۱۴۰۰سند تفاهم‌نامه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین برای یک برنامه همکاری ۲۵ساله در زمینه‌های مختلف اقتصادی و امنیتی و ... امضا شد.

۳ ماه بعد از ان تفاهم نامه پنهان با چین کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه تیرماه ۱۴۰۰ از آماده شدن متن قرارداد ۲۰ ساله سیاسی، امنیتی، نظامی، دفاعی و اقتصادی میان ایران و روسیه خبر داد.

❋ آخرین تحولات در رابطه با قرارداد بین نظام ولایت فقیه و روسیه

۹- در پی حمله روسیه به اوکراین و گرفتار شدن ارتش روسیه در مقابل دفاع شجاعانه مردم اوکراین از خاک وطنشان، پوتین و نزدیکانش امیدوارند که جنگ اوکراین_ البته به قول آنان، «عملیات ویژه»_ به «همسایگان نزدیک» بفهماند که عبور از خطوط قرمز مسکو می‌تواند آنان را به سرنوشت اوکراین دچار کند. این تاکید در دیدار اخیر سرگئی لاوروف، وزیر خارجه پوتین، و حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، در مسکو به‌خوبی آشکار گردید. در این دیدار، لاوروف از «موضع‌گیری واقع‌بینانه» جمهوری اسلامی در حمایت از روسیه در جنگ اوکراین سپاسگزاری کرد و در همان حال، یادآور شد که «دنیا اکنون می‌داند که خواسته‌های روسیه چیست».پوتین بارها گفته‌است که خواستار اوکراینی خلع‌سلاح‌شده و بی‌طرف است که هرگز نتواند به اتحادیه‌های نظامی و سیاسی بالقوه ضد روسیه بپیوندد.

پوتین در اظهاراتی که از تلویزیون کشورش در ۱۳ اسفند ۱۴۰۰ پخش شد گفت: "من به آنها (همسایگانمان) توصیه می‌کنم که تنش در اوضاع را تشدید نکنند و هیچ محدودیتی اعمال نکنند. و در ۲۸ اسفند نیز در دیدار با رئیس جمهور مجارستان اظهار داشت :" الحاق اوکراین به ناتو می‌تواند به عملیات نظامی کی‌یف برای بازپس‌گیری منطقه کریمه که روسیه در سال ۲۰۱۴ به خاک خود ضمیمه کرد، منجر شود."

ایا در واقع روسیه همین توقع را نسبت به ایران دارد ؟ که بعلت هم مرز بودن ایران با روسیه، پوتین بتواند الگوی اوکراینی را به ایران این "همسایه نزدیک" نیز حقنه کند؟

و اما جالبتر اینکه خبرگزاری ایرنا در ۲٤ اسفند در شرح دیدار امیر عبداللهیان "وزیر "امور خارجه دولت سیزدهم و لاوروف وزیر امور خارجه روسیه خبر عجیبی به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک با این محتوا انتشار داد:"

لاوروف درباره روابط دوجانبه میان تهران و مسکو نیز تصریح کرد: هردو کشور ایران و روسیه درحال تهیه اسناد جدید برای رسمی ساختن سطح جدیدی از همکاری ها هستند.

تا پیش از حمله روسیه به اوکراین، هرچند همانگونه که شرح آن رفت محتوای قرارداد روسیه با نظام ولایت فقیه از مردم ایران پنهان نگاه داشته شده است اما گمان میرفت همان قرارداد را با تغییرهایی جزئی برای ۲۰ سال دیگر تمدید خواهد کرد. سخنان اخیر لاوروف نشان می‌دهد که طرف روس اکنون در پی سطح جدیدی از همکاری ها در قالب اسناد جدید است !

طرح تمدید قرارداد ۲۰ ساله از چند ماه پیش آماده امضا بود و تصور می‌رفت که سفر تحقیرآمیز ابراهیم رئیسی (این جنایتکار تاریخی)، به مسکو نهایی شود. اما عملی نشد و اکنون اسناد جدید به احتمال قوی متناسب با موقعیت جنگی روسیه در دست تهیه هستند !

این اسناد جدید موقعی شک بر انگیز می شوند و بیم آن میرود روسیه از ضعف نظام استبدادی ولایت فقیه سوء استفاده کرده و ایران را به یکی از اقمار روسیه بدل کند، که ملاحظه می کنیم که الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان در ۲۲ فورذیه ۲۰۲۰ به مسکو فرا خوانده شد و وی و پوتین،سند همکاری‌های موسوم به "تعامل متفقین" را امضا کردند.

علی اف گفت این بیانیه "مهم ترین سند" امضا شده بین دو کشور است!

علی کریملی، حزب جبهه خلق آذربایجان، رهبر اپوزیسیون اصلی آذربایجان در رابطه با این" تعامل متفقین " گفت: ما خواهان درگیری با روسیه نیستیم، اما این بدان معنا نیست که کشور ما باید متحد رسمی کشوری شود که بخشی از خاک اوکراین و گرجستان را که شرکای راهبردی طبیعی ما هستند، اشغال کرده است. او افزود: ائتلاف با روسیه باعث افزایش تهدیدات علیه حاکمیت و سرعت بخشیدن به انزوای کشور در جامعه بین‌المللی خواهد شد.

عارف حاجیلی، رهبر حزب مخالف مساوات نیز از الهام علی‌اف خواست هیچ سندی را امضا نکند که جمهوری آذربایجان را در کنار مسکو در مناقشه روسیه و اوکراین قرار دهد زیرا این امر می‌تواند در آینده "مشکلات جبران‌ناپذیری" برای باکو ایجاد کند.

حال توجه خوانندگان محترم را به دو نوع برخورد نمایندگان دروغین و راستین یک ملت در دو برهه تاریخی جلب می نمایم :

۹/در چهارشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۰ برابر با ۲۶ ژانویه ۲۰۲۲

پاسداری بنام قالیباف که بر مقام ریاست مجلس نظام تکیه زده است ترجیح داد با دروغ گفتن صورت مسئله را پاک کند!

محمدرضا صباغیان "نماینده" مهریز و بافق امروز چهارشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۰ در تذکری شفاهی در جلسه علنی مجلس گفت: «گفته می‌شود که بین ایران با چین و ایران با روسیه قراردادهایی بسته شده اما مجلس اصلا در جریان جزئیات این قراردادها نیست. بر اساس قانون اساسی هر قراردادی که با سایر کشورها بسته می‌شود باید در مجلس به تصویب برسد.»

وی در ادامه افزوده «امروز اگر مردم از نمایندگان خود در خصوص جزئیات این قراردادها سوالی کنند ما پاسخی برای گفتن نداریم. انتظار داریم رئیس مجلس در این زمینه روشن‌سازی کند. آقای قالیباف رئیس مجلس مقتدری است و در آغاز به کار مجلس یازدهم نیز اعلام کرد که جایگاه مجلس را ارتقا می دهد. اما بی‌اطلاعی مجلس از جزییات این قراردادها به تدریج منجر به نزول جایگاه مجلس در سطح جامعه می شود.»

محمدباقر قالیباف اما در پاسخ به پرسش صباغیان ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت که «از نظر حقوقی قراردادی بسته نشده است، وگرنه مجلس در جریان آن قرار می گرفت!»

و بدین ترتیب با تبعیت از گفته گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر که "دروغ را آنچنان بزرگ بگویید تا کسی در راست بودن آن شک نکند !" با دروغی به این بزرگی بر روی اظهار نظر "وزیر" و "سفیر" خط کشیده صورت مساله را پاک کرد !

و اما نظری بیافکنیم به چگونگی موضعگیری دو نماینده واقعی ملت در راستای حفظ استقلال کشور همانا مدرس و مصدق با قرارداد ننگین۱۹۱۹ با انگلستان:

۱۰/ پنجم شهریورماه ۱۹۱۹، چند روز بعد از عقد قرارداد ۱۹۱۹ به دست وثوق‌الدوله، عده زیادی از رجال و نمایندگان سابق مجلس شورای ملی نزد رئیس‌الوزرا رفتند تا اعتراض و نارضایتی خود را نسبت به انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ به اطلاعش برسانند...

اگرچه در متن قرارداد ۱۹۱۹ و بندهایش به‌طور مشخص جمله یا عبارتی که ایران را تحت‌الحمایه انگلستان قرار دهد دیده نمی‌شد اما خبر انتشار قرارداد ۱۹۱۹ موجی از مخالفت را برانگیخته بود. محمدعلی همایون‌کاتوزیان معتقد است که نه‌تنها

ناسیونالیست‌های متجدد، بلکه علما و روحانیون، دموکرات‌ها و مشروطه‌خواهان و بخشی از افسران ژاندارمری و قزاق نیز در این گمان شریک بودند که ایران تحت‌الحمایه بریتانیا شده است.

تصویب این قرارداد مغایر با قانون اساسی مشروطه بود و در مجلس شورای ملی و بیرون مجلس با چالش جدی روبه‌رو شد. افرادی مانند مشیرالدوله پیرنیا، حاج امام‌جمعه خویی، ممتازالدوله، محمود افشاریزدی، حاج‌میرزا یحیی دولت‌آبادی، عبدالله مستوفی، محمدعلی فروغی، مستوفی‌الممالک و بسیاری دیگر، نهضت ضد قرارداد را که منتهی به لغو قرارداد شد، راه انداختند.

در مجموع مبلغ صد و سی و یک هزار لیره برابر با چهارصد هزار تومان (دویست هزار تومان به وثوق‌الدوله و صدهزار تومان به هر یک از وزیران) از سوی بریتانیا به عاقدان قرارداد پرداخت شد.(۲)

وثوق‌الدوله پیگرد و سرکوب معترضان به قرارداد را نیز چنین توصیف کرد:

«یک اشخاصی بودند که می‌خواستند شهر را شلوغ کنند و خسته شده بودند که چرا آدم‌کشی درشهر نمی‌شود. خسته شده بودند که چرا شهر امن است. می‌خواستند به هر قیمتی که شده، شهر را برهم بزنند. بنده هم به نظمیه گفتم هرکس مخل نظم است بگیرید و تبعید کنید. آنها هم گرفتند و تبعید کردند».

سید حسن مدرس از مخالفان قرارداد در مجلس شورای ملی گفت: «مثلا آمدند قرارداد درست کردند. دستی از غیب بیرون آمد و بر سینه نامحرم زد. هر چه کردند نشد ....»

دکتر محمد مصدق بعدا در سخنان خود در مجلس شورای ملی (دوره ششم) در مخالفت با کابینه مستوفی‌الممالک که حسن وثوق‌الدوله وزارت دادگستری‌اش را بر عهده داشت، در ارتباط با قرارداد ۱۹۱۹ می‌گوید: « ...ایشان (وثوق‌الدوله) بر خلاف نصّ صریح این ماده، قراردادی را که با انگلیسی‌ها بسته بودند پیش از آن‌که به تصویب مجلس برسانند، به معرض اجرا گذاشتند ...ای نمایندگان مجلس! چشم ملت ایران سیاه شد بس که از بعضی رجال این مملکت خطاکاری و خیانت دید. ای برگزیدگان ملت! همان چشم‌ها از انتظار سفید شد از بس که محاکمه رجال خائن و وطن‌فروش را ندید ....»

دکتر محمد مصدق همچنین در نطق خود در مجلس شورای ملی در ۲۹ شهریور ۱۲۰۵ در نشست ۱۱ اظهار داشت (۳):"بنده نمی‌توانم قبول کنم که آقای وثوق الدوله مجبور بوده زیرا ماده اول قرارداد درخصوص استقلال دولت ایران حاکی

است که ایشان با یک عبارات فریب دهنده خواسته‌اند طبقه عوام ملت را اغفال نمایند ولی خوشبختانه زود معلوم شد که ملتی که قشون ومالیه اش دست دیگری است استقلال ندارد. رابعا –بنده نمی‌توانم مجبوریت ایشان را تصدیق کنم زیرا شخصی که پول گرفت راضی است و او را نمی‌توان مجبور دانست کما اینکه سپهسالار که پول نگرفته بود قید فورس ماژور را در نوشته کنترل نمود، مجبوری خود را ثابت و نوشته را بی اعتبار کرد."

ملاحظه می گردد ملت ایران که صاحبان اصلی حاکمیت ملی ایران هستند و تصمیم گیرندگان واقعی امور ایران هرگاه محتوای هرگونه قرارداد و تفاهم نامه و موافقتنامه و ... از آنها پنهان نگاه داشته شود ، رسمیت نخواهد داشت. چرا که ناقض اصل استقلال به مثابه حق تصمیم هر یک از آحاد ملت است و بالتبع ناقض اصل استقلال و آزادی جمهور مردم ایران به مثابه دو اصل تفکیک ناپذیر . ملت ایران و دیده بانان تیز ببین و مستقل و آزاد این ملت در افشای این قبیل قرارداد ها کوشا و به هیچ عنوان زیر بار ننگ نقض استقلال ایران نخواهند رفت.

در شماره آینده به مساله به خطر افتادن تصاحب ساختار گازی چالوس در دریای خزر توسط روسیه و نیز سایر مواضع نظام ولایت فقیه در رابطه با روسیه خواهم پرداخت.

+++

پاورقی ۱- https://www.eslahatnews.com/۳۷٦/

پاورقی ۲-

ANGLO-PERSIAN AGREEMENT OF ۱۹۱۹ – Encyclopaedia Iranica». www.iranicaonline.org

پاورقی ۳

مذاکرات مجلس شورای ملی ۲۹ شهریور ۱۳۰۵ نشست ۱۱

٪۸D٪۰B٪۸D٪۸۵٪۹https://mashruteh.org/wiki/index.php?title=%D
۸٤٪۹AC%D٪۸D٪۸۵٪۹AA_%D٪۸D٪۷A٪۸D٪۱B٪۸D٪۹DA%A٪۷A
۹D٪۸۵٪۹C_%D۸%DB٪۷A٪۸D٪۱B٪۸D٪۸۸٪۹D٪٤B٪۸_%D۳B٪۸D%
DB٪۱B٪۸D٪۸۷٪۹D٪٤B٪۸_%D۹DB%B٪۲C_%DB%B۸%DB٪۸٤%
_%٥DB%B٪۰DB%B٪۳DB%B٪۱_%DB%B۱B٪۸D٪۸۸٪۹C%D۸%
۱DB%B٪۱AA_%DB%B٪۸D٪۳B٪۸D٪٤B٪۸D٪۸٦٪۹D

****

وضعیت سنجی ۳۹۳

تاریخ انتشار : ۰۲ اردیبهشت ۱٤۰۱

هشدار: ربط ذخایر ایران در خزر با قراردادهای پنهان وناقض استقلال ایران با روسیه - (بخش سه)



در دو وضعیت سنجی قبل (شماره های ۳۹۱ و۳۹۲) درمورد اهمیت و ضرورت استقلال و نیز در باره قراردادهای ایران و روسیه که از زمان محمد خاتمی منعقد شده و محتوای آن تا کنون که به قراردادهای ۲۰ ساله تمدید شده است از مردم ایران پنهان مانده است پرداختم.

در فاصله نگارش این دو وضعیت سنجی ۲خواننده ای گرامی طی ایمیل هایی از من در خواست کرده اند که در این سری وضعیت سنجی ها در رابطه با روسیه به مسایل زیر با ذکر جزئیات بپردازم

۱-ابتدا اقای جمشید. س . از من در خواست کرده اند که به مساله میزان ذخایر نفت و گاز ایران در دریای خزر و سهم ایران خصوصا در میدان گازی سردار جنگل بپردازم و بهره برداری ایران از نفت و گاز در دریای خزرو میدان سردار جنگل به چه میزان است؟

۲- آقای کیامرث.ت.م ازمن خواسته اند ابهامات مطرح شده در باره واگذاری میدان نفتی چالوس به روسیه را با ذکر جزئیات شکافته و بررسی نمایم وخطاب به اینجانب تاکید کرده اند "بخاطر اینکه شما خانم وفای گرامی سبک نگارشتان بررسی اصولی مسائل با ذکر منابع و تاریخ است ،این وضعیت سنجی ها با ذکر جزئیات وقایع خود یکی از ماندگارترین سند های تاریخی مسائل و بحرانهایی است که حاکمیت بر ما مردم تحمیل کرده است. لذا برای ما مردم ایران توضیح دهید که فرق دو اصطلاح میدان گازی چالوس و یا ساختار گازی چالوس چیست و اینکه چرا خبرگزاری

فارس اصرار دارد از ساختار چالوس و نه میدان نفتی چالوس نام ببرد و این تعمد به چه قصدی صورت می گیرد؟و آیا میدان چالوس به مرحله بهره برداری رسیده است؟

ضمن سپاس از این ۲خواننده گرامی اینجانب دراین شماره (۳۹۳) به بررسی اهمیت نفت و گاز خزر با توجه به میزان ذخایر ایران و نیز کشفیات در این منطقه و سهم همسایگان ایران در خزر و چرایی میزان بهره برداری اندک ایران در خزر و بررسی مشکلات بهره برداری از نفت و گاز خزر برای ایران و چرایی اهمیت بهره برداری از نفت خزر برای ایران می پردازم.

در وضعیت سنجی بعدی ۳۹٤ به ذخایر و میادین گازی و نفتی سردار جنگل و اظهارات مقامات نفتی ایران را در مورد محل میدان نفت و گازی سردارجنگل و علل عدم بهره برداری در دولتهای دوازدهم و سیزدهم از این میدان خواهم پرداخت.

و در وضعیت سنجی ۳۹۵ به قرارداد۲۰ ساله با روسیه و ربط آن با گمانه واگذاری میدان نفتی چالوس به روسیه را با بررسی دقیق اظهار نظرهای در این مورد را پی خواهم گرفت وضمن معرفی ساختار چالوس به اظهار نظرهای مقامات نفتی ایران و ادعای نشریه اویل‌پرایس که در دو تاریخ انتشار یافته است و ربط آن با قراردادهای ایران و روسیه خواهم پرداخت.

*ویژه گیهای نفت و گاز موجود در خزر

شایان توجه است که این منطقه از لحاظ ژئوپلیتیکی بدین علت که محل اتصال قفقاز و کشورهای آسیای مرکزی به خاورمیانه است دارای اهمیت بسزایی است. علاوه بر آن این منطقه دارای مزایای فراوانی برای ایران است .

۱-در مسیر اصلی ترانزیت منطقه قرار دارد

۲-منابع عظیم نفت و گاز را دارا می باشد که بعلت اینکه ایران هم به خزر و هم از طریق خلیج فارس و دریای عمان به آبهای آزاد بین المللی راه دارد امکان انتقال و حمل نفت را به این آبهای آزاد بین المللی و حتی سواپ نفت سایر کشورهای منطقه را دارا می باشد.

۳-منطقه دارای ظرفیت‌های اقتصادی و بازار بزرگ برای ایران است

٤- ایران دارای نیروهای محرکه که همانا سرمایه های انسانی متخصص و جوان برای بکارگیری در منطقه می باشد.

۵- ایران از سابقه قرابت فرهنگی و تمدن با کشورهای شمال برخوردار است .

٦- زبان فارسی در بسیاری از کشورهای منطقه مرسوم است.

۷- ۶۷۵ کیلومتر از سواحل خزر مربوط به ایران است و این منطقه بعد از خاورمیانه و سیبری از مهمترین مناطق حوزه انرژی جهان به شمار می‌رود.

۸- چنانچه اکتشافاتی در ساختار چالوس انجام گیرد ،بخش ایرانی دریاچه خزر می تواند تبدیل به هاب جدید انرژی دنیا می‌شود.

همه این ویژه گیها می تواند مورد طمع قدرتهای منطقه خصوصا روسیه گردد. که این امر را در این شماره بررسی خواهم کرد.

در واقع هر ایرانی وطن دوستی بایستی هشیار باشد که روسیه برای کنترل بازار انرژی اروپا می تواند مانع ارسال نفت و گاز ایران به اروپا گردد .چه وقت و به چه صورت ؟چنانچه نظام ولایت فقیه در موضع تعادل ضعف قرار گیرد و برای جلب حمایت روسیه استقلال ایران و حقوق ملی را نقض وحاضر به واگذاری سهم مشاع (۵۰ -۵۰) ایران در دریای خزر شود. (که شواهد زیادی این امر را متاسفانه نشان می دهد و البته جای پرداخت بدان در این شماره وضعیت سنجی نیست و نگارنده درمصاحبه های متعدد با تلویزیون سپیده استقلال و آزادی مساله معامله نظام ولایت فقیه بر سرسهم مشاع ایران روشنگری کرده ام).

جدای از ان شواهد حاکی از آن است که روسیه ایران را به مثابه مهره‌ای می‌بیند که می‌تواند نظم مورد نظر مسکو در منطقه «اوراسیا» را تکمیل کند و از مواضع روسیه در مناقشات سوریه، یا اوکراین هم حمایت کند ، چنانچه همینطور نیز شده است.لذا مشاهده می کنیم که در حالیکه اکثریت جهان حمله مخرب روسیه به اوکراین را محکوم کردند دولت رئیسی (این جنایتکار تاریخی) نه تنها ان حمله را محکوم نکرد بلکه رای منفی ایران به خروج روسیه از شورای حقوق داد و خامنه ای در سخنرانی خود حتی نامی از کشور روسیه نبرد و همچنین رای منفی روسیه به تمدید ماموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل برای ایرانی که رکورددار اعدام است و نیز دستور العمل گستاخانه ای که لوان جاگاریان، سفیر روسیه در تهران در چهارشنبه۱۲ اسفند ۱۴۰۰ در توییت خود و نیز در نشست خبری در ۱۸ اسفند ۱۴۰۰برای رسانه‌های داخل ایران با این جملات صادر کرد:" اول باید بگویم در موضوع اوکراین از لفظ عملیات ویژه نظامی روسیه استفاده کنید و این حمله نظامی نیست."! و... و همه نشان از دیپلماسی سراسر از موضع ضعف نظام ولایت فقیه در مقابل روسیه است و نه روابط بین دو همسایه از منظر حفظ حقوق ملی و از موضع استقلال . لذا همین موضع شدیدا ضعیف از موضع زیر سلطه ای که نظام ولایت فقیه اتخاذ می کند و امر سکوت در موردمحتوای قرارداد ۲۰ ساله با روسیه نگرانی مردم ایران را بابت معامله برسر سهم ایران در خزر و واگذاری

منابع نفت و گاز ایران درخزر و واگذاری آن به روسیه را و تکرار قرارداد های ننگین ترکمنچای و گلستان را صد چندان می کند.

مشاهده رفتار نظام ولایت فقیه نسبت به روسیه حتی گمانه زنی هایی از این دست را نیز بوجود آورد که در زمانی که روسیه در سومین روز جنگ با اوکراین، تهدید کرد دیگر به اروپا سوخت نمی‌رساند و اروپا در نگرانی تامین سوخت گاز خود بود بعضی ازتحلیل‌گران این گزاره را پیش کشیدند که در صورت احیای توافق اتمی با ایران، این کشور می تواند هم اروپا را از بحران سوخت نجات دهد و هم این امکان را به ایران بدهد که با فروش گاز به اروپا ضمن تامین کسری بودجه، اقتصاد خود را از ورشکستگی کامل فعلی کمی نجات دهد.تهدید روسیه نسبت به توقف صادرات گاز به اروپا، آلمان را که میزان وابستگی اش به گاز روسیه بیش تر از سایر کشورهای اروپایی بود وادار کرد که در اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه با امریکا همکاری نکند. آن زمان بود که یک گزینه جدی مطرح شد که شاید نظام ولایت فقیه از چند سال قبل با اگاهی از قصد روسیه به حمله به اوکراین و با زد و بند با روسیه و یا اعمال فشار توسط روسیه به ایران در جهت افزایش توان مسکو برای وارد آوردن فشار بر روی اروپا ، تعمدا و «آگاهانه» از بازار گاز اروپا خارج شده است. در این گمانه ممکن است ایران به مسکو کمک کرده باشد تا از طریق ابزار انرژی اروپا را فلج کند و اروپا نتواند در برابر کمپین اشغال اوکراین عکس‌العمل نشان دهد.

❋ذخایر نفتی دریای خزر و سهم هر کدام از کشورها از نفت خزر چقدر است و بهره برداری از خزر چه زمانی آغاز شد ؟

اداره اطلاعات انرژی آمریکا که به وزارت انرژی این کشور وابسته است در گزارشی در سال ۱۳۹۲با موضوع نفت و گاز دریاچه خزر کل ذخایر کشف شده نفت در این دریا را ٤٨,٢ میلیارد بشکه و کل ذخایر کشف شده گاز در این دریاچه را ۲۹۲ تریلیون فوت مکعب اعلام کرد.

نام کشورما ایران چنان با نام نفت سند خورده بود که کمتر کسی گمان می‌کرد روزی خزر هم به لیست مناطق نفت خیز ایران اضافه شود. بیستم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ در عمق حدود ۲۵۰۰ متری دریاچه خزر میدان نفتی "سردار جنگل" با برخورداری از نفتی سبک و مرغوب کشف شد. نفتی که دسترسی به آن مانند نفت جنوب کشور آسان نیست و برخی کارشناسان بر این باورند که استخراج آن چندان اقتصادی به نظر نمی‌رسد.

با وجود اینکه دریاچه خزر به عنوان بزرگترین دریاچه جهان و با در اختیار داشتن حجم وسیعی از ذخایر هیدروکربنی دنیا، از مناطق بکر نفت و گاز به شمار می‌رود

اما تا فروردین ۹۷هیچ شرکتی به طور رسمی برای ورود به توسعه خزر اعلام آمادگی نکرده بود تا اینکه در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۷ ایران و جمهوری آذربایجان به منظور انجام فعالیت‌های مشترک در بلوک‌های اکتشافی خزر، سند همکاری امضا کردند. امضای قرارداد مذکور امید به باز شدن دریچه‌های توسعه روی منابع نفتی و گازی خزر را گشود. به طوریکه محسن دلاویز، مدیرعامل سابق شرکت نفت خزر اعلام کرد شرکت نفت خزر به‌زودی شاهد فصل تازه‌ای از فعالیت‌های توسعه‌ای خواهد بود.

البته در خزر تنها برداشت منابع نفتی و گازی حائز اهمیت نیست، بلکه انتقال و سوآپ نفتی نیز می‌تواند نقش مهمی را بازی کند؛ موضوعی که حسن روحانی، رییس جمهور وقت نظام در نشست سران کشورهای ساحلی دریاچه خزر در قزاقستان به آن اشاره کرد و گفت: همکاری در حوزه انرژی از جمله انتقال و سوآپ انرژی، از دیگر موضوع‌های مهم همکاری در دریاچه خزر است. ما فعالیت در این زمینه را با برخی کشورهای ساحلی آغاز کرده‌ایم .

شوروی همسایه شمالی ایران در سال ۱۹۹۱ به ۱۵ کشور تجزیه شد . این چنین بود که همسایگان دور خزر از یک کشور به ۵ کشور تبدیل شد. تا قبل از ان دریاچه خزر طبق قراداد با شوروی بین ایران و شوروی بطور مشاع (هر کدام ۵۰ درصد) تقسیم شده بود . متاسفانه نظام ولایت فقیه در بعد از فروپاشی شوروی بدون صیانت از حق مشاع ایران در دیدارها وکنفرانسهایی که با ۵ کشور حوزه خزر برگزار کرد از حق ۵۰ درصد بسیار نزول و طبق برخی اظهارات به ۱۱ درصد رضایت داده است. در بررسی قرارداد های ایران و روسیه به پنهان بودن محتوای قراداد ها اشاره کردیم و در اینجا نیز متذکر می شوم که هنوز مسئولان نظام ولایت فقیه میزان واقعی معامله شده در مورد سهم ایران در دریاچه خزر را با این ۵ کشور هنوز اعلام نکرده است و اقای ظریف "وزیر" امور خارجه دولت روحانی در اظهاراتی غیر شفاف در ۲۵ مرداد ۹۷ در شبکه دو سیمای نظام ولایت فقیه تاکید کرد : سهم ایران از دریای خزر نه ۵۰ درصد است نه ۱۱ درصد !به هر حال بررسی ضعف دیپلماسی نظام ولایت فقیه در دفاع از حق مشاع ایران را اینجانب به نوشتار دیگری موکول می کنم.)

بعد از تقسیم روسیه ،و بوجود آمدن همسایگان جدید در دریای خزر ،اولین کشوری که در حاشیه خزر نسبت به بهره برداری از خزر اقدام کرد، آذربایجان بود. تولید نفت و گاز این کشور از سال ۱۹۹۷ آغاز شد . سال ۲۰۱۶ نیز تولید از میدان شاه دنیز نیز اجرایی شد. ترکمنستان در سال ۲۰۰۷، روسیه در سال ۲۰۱۰ و قزاقستان در سال ۲۰۱۶ بهره برداری از تولید نفت و گاز را کلید زدند اما ایران تنها کشوری است که هنوز تولید پهنه آبی شمالی اش را آغاز نکرده است.

❋اختلالات و توافقات بین ۵ همسایه در خزر

پنج کشور حاشیه دریاچه خزر چارچوب کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی این منطقه را در نوامبر ۲۰۰۳ در تهران امضا کردند. در بخش شمالی این دریا، کشورهای روسیه و قزاقستان در جولای ۱۹۹۸ توافقنامه تعیین حدود در بستر شمالی دریاچه خزر را برای بهره برداری از ذخایر این دریاچه مضا کرده و این توافق در بیانیه رؤسای جمهور (پوتین و نظربایف) راجع به همکاری درخصوص خزر که در ۹ اکتبر ۲۰۰۰ در آستانه امضا شد. پوتین همچنین بیانیه مشترکی راجع به اصول همکاری در دریاچه خزر در سفر رسمی خود به باکو در تاریخ ۹ ژانویه ۲۰۰۱ امضا نمود و در خلال بازدید رسمی حیدر علی‌اف به مسکو در ژانویه ۲۰۰۲،موافقتنامه تحدید حدود بستر مناطق مرکزی دریاچه خزر امضا شد. درست قبل از آن (نوامبر ۲۰۰۱ ،)رؤسای جمهور قزاقستان و آذربایجان یعنی حیدر علی‌اف و نظربایف موافقتنامه‌ای درخصوص تقسیم بستر دریاچه بین آذربایجان و قزاقستان امضا کردند که در فوریه ۲۰۰۳ پروتکل تعیین حدود بستر این دریا چه نیز بین کشور امضا شد. متعاقب این توافق دو جانبه، سه کشور روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان در می ۲۰۰۳ میلادی در تعیین جدود بخش های مجاور دریاچه خزر نیز به توافق رسیدند. شایان ذکر است که موضع ایران نسبت به این توافق دوجانبه و سه جانبه دیر هنگام و ضعیف و از دید مردم ایران در راستای عدم دفاع از حقوق ملی بوده است.

علیرغم توافق دوجانبه و سه‌جانبه دربخش شمالی دریاچه خزر،در بخش جنوبی توافقی بین کشورهای ایران، آذربایجان و ترکمنستان شکل نگرفته است. یکی از مهمترین اختلافاتی که بین این کشورها وجود دارد، مربوط به مالکیت بلوک‌های نفتی است.

کشورهای آذربایجان و ترکمنستان‌بر مالکیت میادین چراغ، آذری،کپز،که در ترکمنستان به ترتیب عثمان، عمر و سردار نامیده می شوند و کشورهای ایران و آذربایجان بر مالکیت میدان البرز که در آذربایجان آلوو نامیده می شود اختلاف دارند.

بر اساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا که به وزارت انرژی این کشور وابسته است در سال ۱۳۹۲کشورهای حاشیه خزر دارای ذخایر نفت و گازی به شرح ذیلند:

قزاقستان بزرگترین دارنده ذخایر نفتی در آب های دریاچه خزر و روسیه بزرگترین دارنده ذخایر گازی در این دریا شناخته شده است. ذخایر نفت قزاقستان در این دریا ۳۱,۲ میلیارد بشکه و ذخایر گازی روسیه ۱۰۹ تریلیون فوت مکعب اعلام شده است.

ذخایر نفتی آذربایجان در این دریا ۸,۵ میلیارد بشکه، روسیه ٦,١ میلیارد بشکه، ترکمنستان ۱,۹ میلیارد بشکه اعلام وبرای ازبکستان رقمی در این زمینه ذخایر نفتی در این گزارش اعلام نشده است.

ذخایر گازی جمهوری آذربایجان در دریاچه خزر ٥١ تریلیون فوت مکعب، قزاقستان ١٠٤ تریلیون فوت مکعب، ترکمنستان ١٩ تریلیون فوت مکعب، و ازبکستان ٧ تریلیون فوت مکعب گزارش شده است.

❋قزاقستان پیشتاز برداشت نفت و گاز دریاچه خزر می باشد

میزان تولید نفت سایر کشورها از منابع دریاچه خزر عبارت است از: آذربایجان ۹۲۲ هزار بشکه در روز، قزاقستان ۱,۳۸۷ میلیون بشکه در روز، روسیه ۱۲۰ هزار بشکه در روز، و ترکمنستان ۲۱٦ هزار بشکه در روز.



❋چرا میزان بهره برداری ایران در خزر بسیار اندک است؟

بر اساس برآوردهای اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، در سال ۱۳۹۲، ایران در سواحل خود کمترین! ذخیره انرژی (نفت و گاز) را دارد.کل ذخایر نفت ایران در این دریا چه بر اساس بر آورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا ۰,۵ میلیارد بشکه و ذخایر گازی ایران در این دریا ۲ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است.

از طرف دیگر برآوردهای اخیر و غیر رسمی حاکی از آن است که میزان ذخایر نفت و گازایران بسیار بیشتراز برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا در سال ۱۳۹۲است و ایران از ۱۵ میلیارد بشکه نفت و ۱۱ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی ذخایر هیدروکربوری در دریاچه خزر برخوردار است، ضمن آنکه مطالعات انجام شده نشان می دهد که عمده ذخایر نفت و گاز ایران در اعماق ۵۰۰ تا ۸۰۰ متری زیر بستر دریاچه خزر جنوبی قرار دارد.

در سال‌های گذشته طبق آمارهای مختلف کشورهای یادشده از مخازن خود بهره‌برداری کرده‌اند. آمارها نشان از رشد روزافزون تولید نفت و گاز داشته است. خطوط لوله در خزر طراحی و ساخته شد و به مقصد اروپا منتقل شد. البته روسیه به علت تولید بالای نفت خود که بیش از ۱۰ میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز است خیلی به نفت و گاز خزر نیاز ندارد.

البته در اوایل فروردین ماه ۱۳۹۷ ،ایران طی مذاکراتی که با کشور آذربایجان در رابطه با توسعه میدان البرز داشته، به تفاهمنامه ای رسیده است که دو کشور با همکاری یکدیگر بدون در نظر گرفتن رژیم حقوقی دریاچه خزر، این میدان را توسعه دهند.اگرچه اجرای این توافق در مراحل اولیه خود قرار دارد ولی می‌توان گفت که گام نخست برای حضور ایران در بهره‌برداری نفت و گاز دریاچه خزر است.

❋بهره برداری از نفت و گاز خزر برای ایران با چه مشکلاتی مواجه است؟

عمق زیاد آب، بسته بودن دریای خزر و ارتباط نداشتن با آب‌های آزاد، محدودیت‌های عملیاتی در ارتباط با حمل‌ونقل تجهیزات، شرایط جوی و اقلیمی متغیر، پشتیبانی بسیار سخت و پیچیده ناشی از فاصله زیاد از ساحل، هزینه و ریسک بالای عملیات اکتشاف، نبود زمینه مناسب برای انجام فعالیت‌های تعمیراتی و سرویس‌های دوره‌ای ناوگان دریایی و تحریم‌های فناورانه از چالش‌های اصلی کار در خزر بوده و است. جدای از آن شکل ساحل ایران در خزر به صورت صاف است، برای نمونه اگر در مخازن و میدان‌های جنوبی ایران و در خشکی هزینه یک بشکه نفت ۹ دلار محاسبه شود در خزر این هزینه به چند برابر می‌رسد و اکتشاف و حفاری نفت در این منطقه مطلوبیت اقتصادی ندارد.البته ایران دارای تجربه زیادی در زمینه توسعه و تولید از میدان‌های هیدروکربنی در بخش فراساحل است، اما این تجارب مربوط به بخش‌های کم‌عمق جنوبی کشور (خلیج فارس) است. دریای خزر (به علت عمق زیاد) شرایط ویژه‌ای را در همه مراحل مربوط به حفاری، توسعه، تولید و انتقال ایجاب می‌کند.

بر این اساس از میان ٥ کشورحاشیه خزر تنها ایران است که هیچ تولیدی از ذخایر نفتی و گازی خزر ندارد.

*اما چرا بهره برداری از نفت خزر برای ایران دارای اهمیت است؟

حجم ذخایر نفت و گاز خزر در قیاس با ذخایر جنوبی ایران چندان بالا نیست اما به این حال به دلیل وجود بی ثباتی در منطقه خاورمیانه به دلیل وجود نا آرامیها در عراق و سوریه و یمن، تنش‌های ایران و عربستان سعودی به عنوان منبع اصلی نفت و گاز و تمایل کشورهای واردکننده انرژی به متنوع سازی مبادی انرژی، ذخایر نفت و گاز منطقه دریاچه خزر مورد توجه بازیگران بازار نفت و گاز ازجمله چین و اتحادیه اروپا قرار گرفته است. نمونه ای بارز توجه این بازیگران به استفاده از انرژی منطقه دریای خزر را می‌توان در طرح‌هایی همچون طرح کریدور گازی جنوبی SGC و احداث خط لوله آسیای مرکزی به چین (CACGP) را مشاهده کرد.

نگارنده اما با تکیه بر نظرات متخصصان مستقل و ملی ایران در زمینه نفت و اقتصاد انرژی(منجمله دکتر حسن حسنتاش) معتقد است که بیشترین توجه بایستی از نقطه نظر بهره برداری از حوزه های نفتی مشترک موجود تا میادین جدید نفتی باشد. یک نظام حقوند و مستقل و مردمی اینگونه عمل می کند که با حفظ صیانت نفت و گاز کشور برای نسلهای آینده به لزوم تغییرنگرش صرفا در آمدزایی از فروش نفت خام نفت اهمیت میدهد و از نفت بعنوان یک نعمت خدادادی و چند وجهی و ذیقیمت بهره برداری با ارزش افزوده در صنعت پتروشیمی اولویت می دهد و در استخراج نیز اولویت را در بهره برداری از مخرن مشترک پارس جنوبی با قطر قرار می دهد . چرا که هم اکنون بدون سرمایه گذاری ایران در آن حوزه، نفت و گاز آن بعلت ضعف حقوقی مسئولان نفتی در حفظ سهم ایران ، توسط قطر استخراج می شود .

در وضعیت سنجی آینده (٣٩٤) به بررسی میادین کشف شده نفت و گاز ایران در خزر وکشف میدان گازی و نفتی سردار جنگل به فاصله ١٠ سال درورودسر و نیز اهتمام و یا سهل انگاری دولتهای دوازدهم (روحانی) و دولت سیزدهم در مورد سرمایه گذاری جهت بهره برداری از میدان گازی و نفتی سردار جنگل و دلایل آن و نیز معرفی سکوی نیمه شناور امیرکبیر و نیز شرکت نفت خزر و ماموریت آن می پردازم که به ساختار چالوس نیز ربط پیدا می کند.

****

وضعیت سنجی ۳۹۴

تاریخ انتشار : ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

هشدار: ربط ذخایر ایران در خزر با قراردادهای پنهان وناقض استقلال ایران با روسیه - (بخش ۴)



در وضعیت سنجی شماه قبل(۳۹۳) به بررسی اهمیت نفت و گاز خزر با توجه به میزان ذخایر ایران و نیز کشفیات در این منطقه و سهم همسایگان ایران در خزر و چرایی میزان بهره برداری اندک ایران در خزر و بررسی مشکلات بهره برداری از نفت و گاز خزر برای ایران پرداختم.

در این شماره وضعیت سنجی(۳۹۴)به ذخایر و میادین گازی و نفتی سردار جنگل و اظهارات مقامات نفتی ایران در مورد محل این میدان نفتی و گازی و علل عدم بهره برداری در دولتهای دوازدهم و سیزدهم از این میدان همچنین معرفی شرکت نفت خزر(KEPCO) و مدیر عامل آن و ماموریت وی و نیز معرفی سکوی نیمه شناور امیرکبیر- البرز ایران خواهم پرداخت.

❋میادین کشف شده نفت و گاز ایران در خزر

کشف میدان گازی سردار جنگل در رودسر

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نفت(MOP) مهندس رستم قاسمی "وزیر" نفت وقت دوران احمدی نژاد در اواسط آذر ماه ۱۳۸۰ ازکشف میدان جدید گازی در آب‌های دریای خزر خبر داد.در۱۹ دی ۱۳۹۰، مهندس رستم قاسمی با حضور در رودسر در استان گیلان، کلنگ آغاز عملیات ساخت پایگاه پشتیبانی میدان سردار جنگل در دریای خزر را به زمین زد.این میدان گازی در انتهای بخش مرزی و در عمق ۷۰۰ متری آب‌های دریای خزر قرار دارد و یک میدان مستقل گازی به حساب می‌آید.برآورد می شود این مخزن گازی حدود ۵۰ تریلیون فوت مکعب یعنی بیش از ۱۰ برابر میدان شاه دنیز ذخیره گازی داشته باشد. قاسمی در مراسم کلنگ زنی پایگاه پشتیبانی و صنعتی میدان گازی سردار جنگل گفت: ویژگی دیگر میدان تازه کشف شده سردار جنگل، دستیابی متخصصان کشور به دانش و فناوری حفاری در آب های عمیق است؛ آن هم در شرایطی که کشورهای معدودی به این امکان دسترسی دارند. با کشف این میدان، امیدواری برای کشف منابع نفت و گاز در بلوک های هشت گانه دریای خزر و توانایی استخراج نفت و گاز از آن افزایش یافته است. قاسمی با اشاره به وجود ۱۷ درصد ذخایر گازی و ۱۲ درصد ذخایر نفتی جهان در ایران گفت: دنیا امروز به دنبال تامین انرژی از منابع متعدد است و ایران با داشتن چنین ذخایری می تواند منبع مناسبی برای تامین این نیاز باشد.میدان گازی سردار جنگل در دریای خزر و انتهای بخش مرزی ایران قرار دارد، که در استان گیلان واقع شده‌است. این میدان، ۲۴ کیلومتر طول و ۱۶ کیلومتر عرض دارد و از لایه‌های مختلفی تشکیل شده‌است.

رستم قاسمی در نامه‌ای به احمد قلعه بانی معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران ضمن تقدیر و تشکر از کلیه دست‌اندرکاران شرکت نفت‌خزر، میدان کشف‌شده گازی در دریای خزر را به نام «سردار جنگل میرزا کوچک خان» نام‌گذاری کرد.

شهرستان رودسر در ۱۸۸ کیلومتری میدان گازی سردارجنگل قرار دارد و در دی ماه سال ۱۳۹۰ ساخت سایت پشتیبانی این میدان آغاز شده‌است.برای احداث این مجموعه پشتیبانی نفت و گاز، زمینی به مساحت ۳۰۰ هکتار در منطقه ساحلی رودسر در منتهی الیه شرق گیلان در نظر گرفته شده‌است.در این پایگاه، تاسیسات فرآورشی جانبی، انبارها، نیروگاه‌ها، واحدهای ذخیره مواد شیمیایی و تاسیسات اطفای حریق این میدان، در حال ساخت می‌باشد.

❋کشف لایه نفتی در مخزن سردار جنگل ۱۰ سال بعد از کشف مخرن گاز سردار جنگل

در ۹ دی ۱۳۹۱سامانه خبری سازمان بنادر و دریانوردی نوشت در سال ۱۳۹۰ بعد از گذشت ۱۰ سال از کشف این میدان گازی، در دریای خزر، در پی مطالعات اکتشافی بر روی سکوی نیمه شناور امیرکبیر، یک لایه نفتی، در عمق ۷۲۸ متری در این مخزن هیدروکربوری کشف شد. این لایه نفتی، در میدان گازی سردار جنگل، دارای ذخیره نفت درجای ۲ میلیارد بشکه‌است، که با توجه به ضریب برداشت ۲۵ درصدی آن، مقدار نفت قابل استحصال این مخزن، در حدود ۵۰۰ میلیون بشکه نفت است. انجام مطالعات ساخت این میدان گازی، از سال ۱۳۸۰ آغاز و در نتیجه آن ۴۶ ساختار کوچک و بزرگ در دریای خزر شناسایی شد. ساختارهای شناسایی شده در اعماق ۵۰۰ تا ۸۰۰ متری، نیازمند حفاری‌های اکتشافی بود. پروژه‌های ساخت سکوی نیمه شناور امیرکبیر، شناورهای ۱۶ هزار اسب بخار و کاسپین‌های ۱، ۲ و ۳ مقدمه انجام این حفاری‌های اکتشافی بود. سکوی نیمه شناور امیر کبیر با وزن ۱۴۷۰۰ تن، سنگین ترین سازه دریایی کشور شناورهای ۱۶ هزار اسب بخار و کاسپین‌های ۱، ۲ و ۳ مقدمه انجام این حفاری‌های اکتشافی بود. در ۹ دی ۱۳۹۱سامانه خبری سازمان بنادر و دریانوردی نوشت

در۹ دی ۱۳۹۱سامانه خبری سازمان بنادر و دریانوردی نیز تاکید کرد : برخی رسانه های خارجی اخیرا مدعی شده اند که این میدان در آب های مشترک ایران و آذربایجان واقع شده است و ایران باید سهم این کشور را در برداشت منابع نفتی و گازی پرداخت کند. این موضوع در شرایطی مطرح شده است که سال ۸۰ برای اولین بار این میدان کشف شد و یک دهه بعد نیز کشف گاز از آن انجام گرفت و بارها اعلام شد که این میدان در آب های تحت تملک جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، در این مدت هیچگاه ادعایی از سوی کشورهای عضو کنوانسیون دریای

خزر مطرح نشده است اما به تازگی برخی رسانه ها به آن دامن زده اند. این در شرایطی است که منابع مطلع در وزارت نفت اعلام کرده اند، چنین ادعایی از سوی آذربایجان مطرح نشده است و این موضوع که در رسانه ها به آن پرداخته شده کذب محض است.وزارت نفت اعلام کرده است که میدان کشف شده سردار جنگل در آبهای عمیق ایران قرار دارد و ادعای برخی از کشورهای خارجی و البته برخی از رسانه های داخلی مبنی بر مشترک بودن میدان سردار جنگل کذب است. بر این اساس از ابتدای کشف آن تا حفاری حلقه های بعدی به هیچ عنوان وارد آبهای مرزی نشده است. گفته می شود که مسئولان آذربایجان سال گذشته قبل از آنکه خبر اکتشاف این میدان اعلام شود مدعی بودند که ایران در آبهای مشترک با این کشور کار حفاری را انجام می دهد اما پس از انجام مذاکره، متقاعد شدند که میدان کشف شده متعلق به جمهوری اسلامی ایران است و حتی به مسئولان صنعت نفت کشور نیز نیز تبریک گفته اند. هم اکنون ایران مشغول ساخت پالایشگاه گازی در منطقه رودسر برای پالایش گاز این میدان است. در تاریخ ۲۰ آذرماه سال ۹۰ برای اولین بار خبر کشف میدان گازی با حجم ذخایر ۵۰تریلیون فوت مکعب گاز اعلام شد و پس از آن مشخص شد که این میدان دارای حجم ۸ تا ۱۰ میلیارد بشکه نفت درجا است.

نگارنده توجه خوانندگان را به اظهارات مدیران نفتی وقت در خبر ذیل در مورد احتمال میزان ذخایر نفت و گاز در خزر و نیز عدم اشتراک آنها با حوضه نفتی اذربایجان جلب می کند.

به گزارش خبرنگار مهردر ۲۳ اذر ۹۰، یعنی دو سال قبل از برآورد اداره اطلاعات انرژی امریکا در سال ۱۳۹۲ نوشت :با گذشت یک دهه از آغاز ساخت فعالیت های اکتشافی ایران و ساخت سکوی نیمه شناور امیرکبیر، ایران در آبهای عمیق دریای خزر یک مخزن با ذخیره ۵۰ تریلیون فوت مکعبی گاز طبیعی کشف کرد.

بر اساس اعلام مسئولان شرکت ملی نفت ایران میدان تازه اکتشاف شده گاز طبیعی در آب‌های حاکمیتی ایران در دریای خزر قرار گرفته است و با هیچیک از کشورهای همسایه مشترک نیست.

شرکت ملی نفت ایران برای کشف این ذخیره جدید هیدروکربوری تاکنون هفت حلقه چاه اکتشافی در آبهای عمیق دریای خزر حفاری کرده است که در نهایت

هشتمین چاه اکتشافی در این حوزه دریایی به کشف یک میدان عظیم گازی ختم شده است.از سوی دیگر با دستور رستم قاسمی وزیر نفت دوران احمدی نژاد به منظور بررسی بیشتر و تکمیل مطالعات اکتشافی میدان تازه اکتشاف شده گاز طبیعی قرار است با تکمیل چاه اکتشافی یک حلقه چاه توصیفی در این میدان گازی کشف شود.در حال حاضر میزان ذخایر گاز طبیعی کشف شده در بلوک ٦ اکتشافی در دریای خزر به طور کامل نهایی نشده است اما مطالعات اولیه نشان می دهد که این میدان گاز طبیعی علاوه بر ذخایر گاز و میعانات گازی دارای ذخایر قابل توجه نفت خام است.در این بلوک اکتشافی حدود ۸ تا ۱۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام وجود دارد که با توجه به ادامه فعالیت های اکتشافی در مورد حجم دقیق ذخایر نفت این بلوک در شرایط فعلی نمی توان اظهار نظر کارشناسی شده‌ای انجام داد.

آقای علی اصولی مدیر وقت شرکت خزردرباره کشف ذخایر نفت خام در بلوک ٦ اکتشافی ایران در دریاچه خزر به مهر گفت: در حال حاضر(آذر ۱۳۹۰) نمی‌توان در خصوص میزان دقیق حجم ذخایر هیدروکربوری و نفت خام این بلوک اکتشافی اظهار نظر کرد.

این مقام مسئول با یادآوری اینکه در سال‌های گذشته لرزه نگاری‌های دو بعدی و سه بعدی گسترده ای در محدوده آب های حاکمیتی ایران در دریاچه خزر انجام شده است اظهار داشت: با حفاری چاه‌های جدید در این بلوک اکتشافی در آینده حجم دقیق ذخایر گاز طبیعی و نفت خام آن اعلام خواهد شد.

وی همچنین درباره احتمال مشترک بودن بلوک اکتشافی ایران در دریاچه خزر، توضیح داد: مخزن گازی کشف شده به هیچ‌وجه با جمهوری آذربایجان مشترک نیست.

*اهتمام و یا سهل انگاری دولتهای دوازدهم (روحانی) و دولت سیزدهم (رئیسی این جنایتکار تاریخی) در مورد سرمایه گذاری جهت بهره برداری از میدان گازی و نفتی سردار جنگل

خبرگزاری فارس (نزدیک به سپاه پاسداران) در تاریخ ۱۹ اسفند ۱٤۰۰ درگزارشی تحت عنوان تولید زودهنگام از میدان نفتی سردار جنگل شاید وقتی دیگر/ جزئیات فعالیت شرکت نفت خزر به کمبود منابع مالی شرکت نفت خزر و محدودیت در انجام پروژه‌ها اشاره کرد و ضمن ارائه نمودارهایی نوشت:

بررسی صورت مالی شرکت نفت خزر در سال ۹۹(د دوران ریاست جمهوری روحانی) نشان می‌دهد که تقریبا منابع مالی قابل توجهی برای انجام پروژه‌های این شرکت به آن تخصیص داده نشده است.

در نتیجه برای انجام انتقال پروژه سکو، پروژه شناورهای ۱ و ۲، پروژه احداث واحدهای مسکونی، پروژه لرزه‌نگاری گرگان، پروژه ژئوفیزیک در دریا، پروژه حفاری در خشکی و دریا و ... هیچ منابع مالی به این شرکت اختصاص داده نشده است.

و در باره علت این کمبود سرمایه گزاری و عدم تخصیص منابع مالی نوشت : شاید کمبود منابع مالی شرکت ملی نفت در سال ۹۹ در سایه کاهش فروش نفت باعث شده است که شرکت نفت خزر کاملا به حاشیه رود و اولویت تولید بر سایر مناطق نفت‌خیز کشور با هزینه تولید ارزان‌تر متمرکز شود.

و در نمودار ۱جزئیات اهداف کمی شرکت نفت خزر را در سال ۹۹ طبق معیار «بودجه مصوب» و «عملکرد» نشان داد.

شماره ردیف	عنوان طرح	مخارج تا پایان سال ۱۴۰۵	تغییرات طی سال ۱۴۰۶										خزینه تا پایان سال ۱۴۰۶	پیشرفت فیزیکی	
			بودجه مصوب			بودجه تخصیصی			هزینه های انجام شده						
			ریالی	ارزی (هزار دلار)	معادل ریالی ارز	جمع	ریالی	ارزی (هزار دلار)	معادل ریالی ارز	جمع	ریالی	ارزی (هزار دلار)	معادل ریالی ارز	جمع			
۱۱	تأمین زمین دانشگاه مجازی	۲,۶۹۲,۳۰۱	-	-	-	-	-	-	-	-	(۱۵,۶۹۲)	-	-	(۱۵,۶۹۲)	۹,۶۷۷,۶۱۲	۱۰۰	۱۰۰
۱۲	تکمیل بنا	۲۸۹,۱۷۰-۵,۲۴۲	۲۹۸,۱۷۰	۷,۵۵۶	۸۲۱,۱۹۱	۱,۶۲۰,۶۶۱	۳۱۹,۶۳۲	۷,۵۵۵	۸۳۱,۰۱۹	۱,۱۳۰,۶۵۰	۷,۰۸۶	۶,۰۰۷	۱,۶۶۱,۶۳۶	۸,۶۶۷,۰۰۷	۹۶,۶۳۶,۰۱۱	۱۰۰	۱۰۰
۱۳	ساختمانی تولید	۶۶۲,۶۸۲	۱۰-۶۲۶	-	-	۱۰-۶۲۶	۶,۶۲۶	-	-	۶,۶۲۶	۲۰۶,۸۲۶	-	-	۲۰۶,۸۲۶	۶۶۱,۸۰۲	۱۰۰	۱۰۰
۱۴	ساختمان اقامت با قدسی	۱,۱۹۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱,۱۹۲	۱۰۰	۱۰۰
	جمع پروژه ها	۳۲,۱۶۵,۶۲۱	۲۸۸,۸۰۶	۷,۵۵۶	۸۲۱,۱۹۱	۱,۶۲۰,۰۰۱	۲۰۶,۰۶۶	۷,۵۵۵	۸۳۱,۰۱۹	۱,۱۲۲,۰۸۹	۹,۶۶۶,۶۶۶	۶,۰۰۶	۱,۶۶۱,۶۳۶	۸,۶۶۸,۶۱۲	۶۱,۶۶۲,۱۶۸		
	انتقال پروژه سکو	(۳,۱۶۵,۸۶۵)													(۳,۱۶۵,۸۶۵)		
	انتقال پروژه شهرهای ۲ و ۱	(۷۷۲,۶۶۲)													(۷۷۲,۶۶۲)		
	انتقال پروژه تاسیسات پشتیبانی	(۶۶۱)													(۶۶۱)		
	انتقال پروژه احداث واحد های مسکونی	(۶۶۶)													(۶۶۶)		
	انتقال ۲ دستگاه خودرو	(۶,۱۶۶)													(۶,۱۶۶)		
	انتقال پروژه ایران-نگاری گرانی	(۱۲,۶۶۶)													(۱۲,۶۶۶)		
	انتقال پروژه دو قرارداد شناور	(۶۶,۶۱۶)													(۶۶,۶۱۶)		
	انتقال پروژه پژوهشی	(۱۰۰۱)													(۱۰۰۱)		
	انتقال پروژه زائو فیزیک دو خرید	(۲۸۶,۲۶۵)													(۶۶۲,۲۶۵)		
	انتقال پروژه خرید خالی کوبلر و دستورات آن	(۲۹,۳۲۲)													(۲۹,۳۲۲)		
	انتقال بقایای ۱۱ پروژه حقوقی در خرید	(۱۵۲,۲۱۹)													(۱۵۲,۲۱۹)		
	انتقال پروژه حقوقی در شناسی	۰									(۱,۱۰۱,۱۶۲)				(۱,۱۰۱,۱۶۲)		
	مالقه پروژه های درحست تکمیل	۲۸,۲۶۶,۳۷۰													۶۵,۶۶۲,۲۲۹		

و در نمودار ۲ نشان داده می شود که عملیات راهبری، مدیریت و نگهداشت سکوی امیرکبیر و اجرای بسته‌های کاری و تعمیراتی از جمله اولویت‌های شرکت نفت خزر بوده است.

بخش دیگری از فعالیت‌های شرکت نفت خزر نیز بر راهبری شناورهای پشتیبانی کاسپین، تعمیرات، تامین سوخت و روغن ناوگان خلاصه شده است.

چ-اهداف کمی

	بودجه مصوب اصلاحی		عملکرد	
	ارزی (درصد)	ریالی(درصد)	ارزی(درصد)	ریالی(درصد)
۱- راهبری، مدیریت و نگهداشت سکوی ایران امیرکبیر و اجرای بسته های کاری و تعمیراتی مربوطه	۱۳	۳۵	۳۹	۵۱
۲- راهبری، مدیریت و نگهداشت شناورهای پشتیبانی کاسپین (سه فروند)	۰/۳	۲۲	۰	۵۶
۳- تهیه و اصلاح شرح کار (SOW) تعمیرات اساسی شناورهای کاسپین و اقدام به برگزاری مناقصه تعمیرات اساسی شناورها با توجه به میزان کارکرد، گذشت عمر تجهیزات و الزامات قانونی موسسات رده بندی و سازمان بنادر و دریانوردی	۴/۴	۰	۰	۰
۴- پیگیری و اقدام به برگزاری مناقصات و اجرای تعمیرات تعدادی از سیستمهای اولویت دار سکو در قالب بسته های تعمیراتی مربوطه با توجه به الزامات قانونی جهت اخذ کلاس و میزان کارکرد تجهیزات	۹	۱۴	۶۰	۰/۸
۵- نگهداشت و به روزآوری سیستم های مدیریت یکپارچه IMS و HSE-MS شامل ISO۹۰۰ :۲۰۱۵ و ۲۹۰۰:۲۰۱۰ ISO/TS ، ۱۴۰۰:۲۰۱۵ ISO,ISO ۴۵۰۰۱:۲۰۱۸ و راهنمای HSE-MSو گواهینامه مدیریت انرژی ISO-۵۰۰۰-۱ با انجام ممیزی صدور گواهینامه ها.	۰	۰/۱۵	۰	۳۰
۶-تامین سوخت و روغن ناوگان و سایر اقدامات مربوط به سکو و شناورها جهت بیمه و اخذ گواهینامه های کلاس موسسات رده بندی مربوطه	۰	۵/۴۵	۰	۹۵

فارس FARSNEWS

این خبرگزاری تاکید کرد که میدان نفتی سردار جنگل تنها میدان کشف شده ایران در ساختارهای هیدروکربوری متعلق به ایران در حوزه خزر جنوبی است. این میدان نفتی در سال ۱۳۹۱ کشف شده و تاکنون ایران تولیدی از این میدان نفتی نداشته است و صرفا اکتشاف و حجم مخزن اثبات شده است.

ودر دولت گذشته (دولت دوازدهم روحانی) بارها طرح تولید زودهنگام از میدان نفتی سردار جنگل و طرح‌های دیگر برای فعال کردن حوزه خزر به هیئت مدیره شرکت ملی نفت برده شد ولی با مخالفت هیئت مدیره صرفا توسعه حوزه خزر با مشارکت خارجی و حضور کنسرسیوم‌های خارجی مشروط شد.

هنوز معلوم نیست که برنامه وزارت نفت دولت سیزدهم درباره ساختارهای هیدروکربوری متعلق به ایران در حوزه خزر جنوبی، همکاری با همسایگان در خصوص تعیین رژیم حقوقی و دیگر مباحث مرتبط به حوزه خزر چیست.

*معرفی شرکت نفت خزر(KEPCO) و مدیر عامل آن و ماموریت وی

شرکت نفت خزر یکی از شرکت‌های رسمی و دولتی و تابعه شرکت ملی نفت ایران و یکی از پنج شرکت اکتشافی و تولیدی زیرمجموعه شرکت ملی نفت ایران به‌شمار می‌آید که در دیماه ۱۳۷۸ تاسیس شد .موضوع فعالیت این شرکت، انجام ماموریت‌ها و اجرای قراردادها در زمینه اکتشاف، توسعه و تولید نفت خام و گاز طبیعی و فرآوری اش و همچنین انتقال نفت خام و فرآورده‌های نفتی به مخازن و بنادر مربوط و بارگیری و وظایف دیگری که مجمع عمومی شرکت نفت تصویب می‌کند در «محدوده جغرافیایی دریاچه خزر» به انضمام استان‌های گیلان، مازندران و گلستان است. نظارت بر اجرای کلیه قراردادهای منعقد شده بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت های بین المللی جهت مطالعه و توسعه میادین نفتی در دریاچه خزر و همچنین نظارت بر مسائل زیست محیطی مرتبط با عملیات اکتشاف و توسعه ذخایر نفت و گاز در دریاچه خزر نیز به عهده شرکت نفت خزر می باشد.

خبرگزاری مهر ۲۰ دی ۱۳۸۸ اعلام کرد که سیف الله جشن ساز مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران با صدور حکمی آقای علی اصولی را به عنوان مدیر عامل و نایب رئیس هیئت مدیره شرکت نفت خزر منصوب کرد.در حکم معاون وزیر نفت، خطاب به مدیرعامل جدید شرکت نفت خزر آمده است: برنامه‌ریزی جامع و ساماندهی مدیریت اجرای طرح‌های اکتشاف نفت و گاز در حوزه دریای خزر و

تسریع در ایجاد زیر ساخت‌های مورد نیاز با هدف بهره‌برداری هر چه سریعتر از منابع هیدروکربوری حوزه دریای خزر از جمله اولویت‌های کاری شرکت نفت خزر است.

گفته می شود اختلاف نظر بین مدیریت شرکت نفت خزر و شرکت ملی نفت ایران در بهره برداری از سکوی نیمه شناور ایران امیر کبیر- البرز و آغاز حفاری اکتشافی ایران در دریاچه خزر عامل این تغییر و تحول مدیریتی بوده است. در دی ماه ۸۸ با گذشت حدود ۱۶۵ روز از افتتاح رسمی سکوی نیمه شناور ایران البرز- امیرکبیر هنوز حفاری اولین چاه اکتشافی ایران در دریاچه خزر توسط این سازه ۱۴ هزار و ۵۰۰ تنی آغاز نشده بود.

آقای علی اصولی تا زمان معرفی مدیر عامل جدید دکتر محسن دلاویز در ۲۰ فروردین ۹۶ مدیر عامل شرکت نفت خزر بود و اظهارات وی در مورد نفت چالوس بحث انگیز شد.

*معرفی سکوی نیمه شناور امیرکبیر- البرز ایران به مثابه پیچیده ترین پروژه صنعت نفت ایران و از منحصربه‌فردترین سکوهای خاورمیانه در آب‌های عمیق



ساخت این سکوی نیمه شناور امیرکبیر با هدف شروع عملیات حفاری در دریاچه خزر، از نیمه اول سال ۱۳۸۰ با بودجه اولیه ۲۱۵ میلیون دلار و ۳٤ میلیارد تومان توسط کنسرسیوم صدرا ایران و GVA سوئد آغاز شد. سکوی امیرکبیر، قادر به حفاری در آبهای تا عمق ۱۰۰۰ متر بوده و همچنین قابلیت حفاری از کف دریا تا عمق ۶۶۰۰ متری را دارد. تثبیت موقعیت سکو در محل حفاری توسط ۸ لنگر ۲۰ تنی و زنجیر انجام شده‌است.

برای اجرای عملیات لنگر اندازی و پشتیبانی سکو در دریا، پروژه ساخت سه یدک کش کاسپین ۱، ۲ و ۳ پیش بینی شده است. سکوی نیمه شناور امیر کبیر با وزن ۱۴۷۰۰ تن، سنگین ترین سازه دریایی کشور است. این سکو قادر به تولید بیش از ۱۱ مگاوات برق بوده و امکان اقامت ۱۲۰ نفر بر روی آن فراهم شده‌است.

این سکوی حفاری می‌تواند عملیات حفاری را به صورت نیمه شناور تا عمق هزار و ۳۰ متر از سطح آب و تا ٦ هزار متری بستر دریا انجام دهد.

در نهایت این سازه ۱۵ هزار تنی تابستان سال ۱۳۸۸ با حضور احمدی نژاد به طور رسمی افتتاح شد و فعالیت اکتشافی امیرکبیر بهمن ماه همان سال در آبهای عمیق خزر آغاز شد.

تاکنون برای ساخت سکوی امیر کبیر و شناورهای پشتیبانی آن بیش از ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری شده است ضمن آنکه کارشناسان از نیاز به سرمایه گذاری حدود ۱۰ میلیارد دلاری برای توسعه ذخایر احتمالی هیدروکربوری ایران در دریای خزر خبر می دهند.

کمالیان مدیروقت مهندسی و ساختمان شرکت نفت خزر اظهار داشت: هم‌اکنون سکوی حفاری امیرکبیر ۱۳۷ مایل هوایی معادل ۲۵۰ کیلومتر از ساحل خزر فاصله دارد. شرکت نفت خزر اقدام به ساخت اسکله‌ای بعنوان بندر پشتیبانی در نکاء کرده است، که بعنوان عمیق‌ترین بندر به لحاظ عمق در دریای شمال به شمار می‌رود.بعد از ساخت سکوی ایران- خزر (سال ۷۵ - ۷٤) یک چاه در شمال خلیج گرگان حفر شد؛ اما این چاه در آب کم‌عمق حفر شد و حفاری در آب‌های عمیق صورت نگرفت. بنابراین، در عملیات حفاری بسیار باید مدارا کرد. وی با اشاره به تکنولوژی استفاده شده در ساخت سکوی امیرکبیر گفت: این سکو از نوع نسل چهارمی است که در جهان نسل پنجم این سکوها نیز وجود دارد و نیازی به لنگراندازی ندارد و استقرار آنها با استفاده از تثبیت دینامیکی انجام می‌شود.

کمالیان با بیان اینکه «برای سکوی امیرکبیر استفاده از روش تثبیت دینامیکی میسر نبود»، توضیح داد: چرا که نیروگاه آن به ۳ برابر و هزینه‌ها افزایش می‌یافت و

مسأله مهم دیگر که نباید از آن چشم پوشید این است که تنها نباید به مسأله خرید تجهیزات توجه کرد، بلکه باید برای پشتیبانی تجهیزات نیز اهمیت ویژه‌ای قائل شد. زمانی که چاه به نفت برسد باید ابزار لازم برای آزمایش طولانی مدت فراهم شود تا بتوان تصمیم‌گیری‌های اساسی روی میدان انجام داد»، تأکید کرد: باید یک فروند کشتی فراورشی مخزنی FPSO (Floting production storage offloud) ساخته شود تا به جای اینکه نفت فرآورش شده از چاه سوزانده شود، به این شناور منتقل شود.این شناور نقش واحدهای بهره‌برداری جنوب را انجام می‌دهد و توسط یک تلمبه نفت موجود در شناور به یک تانکر منتقل و سرانجام به خشکی انتقال خواهد یافت، اما باید به نکته توجه داشت که تا زمانی که اقتصادی بودن میدان مشخص نشود؛ باید سرمایه‌گذاری‌ها به حداقل باشد.کمالیان افزود ": روش ساخت سکوی امیرکبیر کاملاً ایرانی است؛ چرا که در دنیا، شناور در حوض خشک ساخته می‌شود. این در حالی است که در ایران امکان ساخت در حوض خشک فراهم نبود."

لازم به تذکر است که ایران در حوزه خزر فقط دو سکو دارد که شامل سکوی نیمه‌شناور امیرکبیر بوده که مختص آب عمیق است و قابلیت حفاری تا عمق ۱۰۰۰ متر از سطح آب را دارد و دیگری سکوی جک‌آپ الیما متعلق به بنیاد مستضعفان که برای اعماق کم تا حدود ۶۰ و ۷۰ متر می‌تواند حفاری کند که در ۱۵ سال گذشته در اجاره شرکت های نفتی ترکمنستان بوده است چون ایران عملیات بهره برداری بر روی ذخایر خود در خزر نداشته است.

در وضعیت سنجی شماره آینده (۳۹۵) به قرارداد۲۰ ساله با روسیه و ربط آن با گمانه واگذاری میدان نفتی چالوس به روسیه را مورد بررسی قرار می دهم و ضمن معرفی ساختار چالوس به اظهار نظرهای مقامات نفتی ایران و ادعای نشریه اویل‌پرایس که در دو تاریخ انتشار یافته است و ربط آن با قراردادهای ایران و روسیه خواهم پرداخت.

****

وضعیت سنجی ۳۹۵

" تاریخ انتشار : ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

لزوم جراحی نظام ولایت فقیه از بدن ایران و یا "جراحی اقتصادی

قرار بود دراین شماره وضعیت سنجی، بخش پنجم مبحث قراردادهای پنهان روسیه با ایران را پی بگیرم و قرارداد ۲۰ ساله با روسیه و ربط آن با گمانه واگذاری میدان نفتی چالوس به روسیه را مورد بررسی قرار دهم . اما قصد دولت رئیسی (این جنایتکار تاریخی)در "جراحی اقتصادی " و وضعیت متلاطم بازار و نگرانی عمیق مردم از تورم بوجود آمده و از آینده که منجر به اعتراضات گسترده شد ، نیاز به بررسی داشت و از اینرو اولویت یافت .در دو شماره به بررسی این مساله و در شماره های آینده مساله قرارداد های پنهان نظام ولایت فقیه و روسیه را پی خواهم گرفت.

"جراحی اقتصادی" از دید نظام ولایت فقیه و توسط دولت سیزدهم چه معنایی د ارد و قصد نظام از اجرای آن چیست؟

در حال حاضر دولت سیزدهم اعلام شروع مراحل اولیه یک "جراحی اقتصادی " را کرده است و تاکید دارد سایر دولتها جرات دست یازیدن به این جراحی را نیافتند و حال این دولت "شجاع" این جرات را یافته و مجری این جراحی سخت خواهد بود.

در پی افزایش قیمت آرد و نان احمد وحیدی " وزیر " کشور دولت سیزدهم در ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱اطلاع داد:"در طرح اصلاح یارانه ها ،قیمت مرغ و تخم مرغ و لبنیات و روغن می تواند تغییر پیدا کند و هیچ کالای دیگری حق افزایش قیمت ندارد."

این "وزیر" البته درکی از اقتصاد و مکانیزم بازار ندارد و نمی داند که افزایش قیمت این ٤ قلم کالا منجر به افزایش قیمت و سرازیر شدن به بیش از ٣٦ کالای دیگر نیز خواهد شد و حتی به بخش خدمات نیز سرایت می کند. من باب نمونه با وجود اینکه دولت ادعا کرده بود افزایش قیمت این ٤ قلم دارو تاثیری بر روی سایر کالا ها نمی گذارد شرکت ایران دارو تا ۱۲۷ درصد گران کرد !و یایکی از مهمترین کالاهای اساسی نهادههای دامی است. موضوعی که می‌تواند بسیار روی قیمت تمام‌شده مرغ مؤثر باشد. ارسلان قاسمی مسؤل کمیسیون کشاورزی اتاق تعاون اما می‌گوید هم اکنون وزارت‌خانه از تأمین نهاده به اندازه کافی ناتوان است و خیلی از تولیدکننده‌ها ناگزیر از تهیه از بازار آزاد هستند.

همچنین در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ احمدی، رئیس اتحادیه مرغ و ماهی فروشان گرگان در گفتگو با خبرنگار بازار، گفت:"ظرف یک هفته گذشته، فروش مرغ و تخم مرغ به یک سوم کاهش یافته، افزود: وضعیت بازار مرغ به خاطر گرانی مرغ و تخم مرغ در یک هفته گذشته بسیار راکد است، الان مردم از جگر مرغ و سنگدان دل و حتی پوست مرغ برای آبگوشت استفاده می کنند.سرانه ای که اکنون برای مصرف مردم در نظر گرفتند، [معادل] ۲ عدد مرغ است که جوابگوی نیاز خانواده نیست .بعید می دانم، با وجود تخصیص یارانه به خانواده ها، باز هم مردم تمایلی به خرید مرغ داشته باشند، چراکه پیش از این، دهک های کم درآمد توان خرید مرغ ۳۰ هزار تومانی را نداشتند، چه رسد به خرید مرغ ۶۰ هزار تومانی.اگر اوضاع به همین صورت ادامه یابد، بسیاری از واحدهای پروتئینی خُرد، ناگزیر به تعطیلی خواهند شد، حتی برخی واحدهای تولیدی کوچک هم به دلیل افزایش قیمت نهاده ها تعطیل می شوند.این طرح برای مصرف کننده و فروشنده، بخصوص آن کسب و کارهایی که ملک اجاره ای دارند، صرف اقتصادی ندارد، چراکه با توجه به کاهش تقاضا و افزایش اجاره و دستمزد، قادر به ادامهٔ فعالیت نخواهند بود."

برای اینکه متوجه شویم که چرا دولت سیزدهم به یکباره به فکر "جراحی اقتصادی " افتاده است ، بهتر است به تعریف یارانه و روند وضع آن در ایران و نیز روندچند نرخی شدن ارز در ایران و تبعاتش بپردازیم.

یارانه پنهان و آشکار چیست ؟

در بسیاری از کشورها به اسم کمک به طبقات ضعیف جامعه ، به فرمهای پنهان و آشکار به کالاها و مردم از طرف دولت سوبسید و یا یارانه تعلق می گیرد. به‌طور کل می‌توان یارانه های اعطایی به مردم را در ۲ دسته پنهان و آشکار تقسیم بندی کرد. یارانه پنهان آن دست از یارانه‌ها را شامل می‌شود که به کالاهایی مانند آب، برق، بنزین،و برخی اقلام غذایی و یا به صنعت و کشاورزی و برخی دیگر کالاهای اساسی تعلق می‌گیرد. میزان یارانه پرداختی به صورت پنهان معمولا بسیار بیشتر از یارانه نقدی و آشکار است. در واقع یارانه‌های پنهان در سایه مشکلات بودجه ای، بودجه عمرانی و زیربنایی جایگاه مهمی در ساختار بودجه‌های سالیانه و همچنین در پیشبرد برنامه‌های توسعه دارد. واقعیت این است که یارانه‌های پنهان سهم این بخش از بودجه عمرانی را تقلیل می دهد. به‌علاوه، برای بخش تولید نیز آسیب زا است. رقم هنگفتی که از خلال مصرف انرژی و غیره به عنوان یارانه پرداخت می شود باید به تولید اختصاص یابد. اما پدیده یارانه‌های پنهان تولید را به نفع مصرف تضعیف می‌کند. برای مثال، هر ساله بخش قابل توجهی از بودجه کشور به پرداخت یارانه انرژی و کالاها و خدمات اساسی اختصاص می یابد که بیشتر بیانگر مصرف است تا تولید. یارانه در یک اقتصاد موفق و ملی و ضابطه

مند و در خدمت تولید قرار گیرد .من باب نمونه در بسیاری از کشورها، منجمله آلمان تولیدکنندگان چه در بخش صنعت و چه در بخش کشاورزی از انواع مختلف یارانه برای داشتن توان رقابت با محصولات مشابه خارجی برخوردار می‌شوند. یارانه به معنای واقعی کلمه می‌تواند در خدمت اقتصاد و مردم جامعه باشد.اما امر اختصاص دادن این یارانه ها به تولید، زمانی قابل تحقق است که شکل و شیوه توزیع آن منطقی و درست باشد و در یک نظام اقتصادی حقوند و منظم و غیر استبدادی و غیر رانت خوار توزیع شود.

(به این امر باز می گردیم که آیا دولتهای نظام ولایت فقیه خصوصا دولت سیزدهم قادر است یارانه ها را در تولید بکار گیرد یا خیر ؟و ایا این نظام و بالتبع دولت توانایی و شرایط اینکار را دارند یا خیر؟)

ناگفته نیست که اغلب دولتها مایلند که از پرداخت یارانه پنهان و آشکار بخصوص در بخش مصرف خلاصی یابند. از دید نگارنده چنانچه اقتصادی ملی و مستقل باشد و مردم در امور خود مشارکت کنند و عدالت به نحوی اجرا گردد که مردم از امکانات همه گانه بدون تبعیض بطور نسبتا مساوی بهره مند شود یعنی امر توزیع امکانات و در آمد عادلانه انجام گیرد ،نیازی به پرداخت یارانه نیست . اغلب دولتها با اتخاذ سیاستهای غلط و تقسیم نا عادلانه درآمد باعث شکل گیری رانت خواری و شکاف طبقاتی در جامعه می شوند و آنگاه که طبقات کم در آمد بفکر اعتراض می افتند دولت آنرا خطری برای خود حس کرده و به پرداخت یارانه روی می آورد.

<u>موضوع یارانه‌ها از حساسیت زیادی برخوردار بوده و به شرایطی مانند وضعیت تولید، اشتغال و بیکاری، نرخ رشد اقتصادی شفافیت مالی طبقات و دهک های درآمدی، نظام مالیاتی کارآمد و غیره وابسته است.</u>

اما نحوه پرداخت یارانه و نیز میزان آن نیز در موثر بودن یا نبودن آن بسیار نقش دارد. همه مردم هم البته به شکل یکسان از آن بهره‌مند نمی‌شوند. برای مثال فردی که د ارای خانه بزرگ دارد و برق و آب بیشتری مصرف می کند بالتبع بهره بیشتری از یارانه های آب و برق نیز خواهد داشت. یا افرادی که فاقد خودرو هستند از یارانه بنزین بهره ای نمی‌برند. این مساله به نوعی بیانگر توزیع ناعادلانه ثروت ملی در جامعه است. در ایران دهک اول که پایین‌ترین هزینه را دارد از ۵.۰۶ درصد و دهک دهم از ۱۴.۸۲ درصد یارانه انرژی بهره مند هستند.

در ایران از سال ۱۳۸۹در دولت احمدی نژاد، پرداخت یارانه نقدی به اسم یارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی در دستور کار قرار گرفت و سالانه حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان بابت آن پرداخت شده است که مجموع آن طی این سال‌ها به حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

آیا پرداخت نقدی یارانه ها (پنهان و آشکار) راه حل درستی است؟

حذف یارانه‌های پنهان و آشکار کردن آنها با فرض ثبات سایر شرایط،و نیز شرایط قید شده فوق میتواند آثار مثبت رفاهی بیشتری نسبت به پرداخت همان میزان یارانه از طریق کنترل قیمت داشته باشد.

بنابر این، می‌توان در حالت ایده آل، انتظار ۲ پیامد را داشت: هم تولیدکنندگان در فضای رقابتی‌تری فعالیت کنند و هم مصرف کننده‌های نیازمند یارانه نیز در چگونگی مصرف یارانه خود اختیار بیشتری خواهند داشت. در حالت فوق می‌توان انتظار رونق تولید را داشت. اما واقعیت این است که چنین پیامد مثبتی فقط در صورتی که سایر شرایط اقتصادی فراهم باشد رخ خواهد داد و اگر شرایط اقتصادی مناسب نباشد (مثل زمان رکود اقتصادی) تورم شدید می تواند به سرعت نقش یارانه های نقدی در افزایش قدرت خرید یارانه‌بگیران را از بین ببرد. البته این کار نیازمند فراهم بودن شرایط لازم به‌ویژه زیرساخت‌های فنی و قانونی است. به‌علاوه، شیوه کار نیز بسیار مهم است. برای مثال حتی اگر دولت از طریق پرداخت یارانه‌های پنهان بتواند قیمت کالاهای اساسی را کنترل کند، پایین نگه داشتن این قیمت ها از یک سو، می‌تواند مصرف کالاها را افزایش داده و بدین ترتیب میزان یارانه پرداختی نیز افزایش پیدا کند و از سوی دیگر همان تفاوت های بین دهک های درآمدی نیز تکرار خواهد شد.این موضوع هم به معنای وارد آمدن فشاری دائمی و فزآینده بر بودجه دولت است، که در نهایت دولت را از نظر مالی با عدم توان پرداخت مواجه می‌کند و هم توزیع ناعادلانه یارانه‌ها را در پی خواهد داشت. اما مهمتر اینکه آیا اقتصاد فعلی متکی به رانت ایران همه آن شرایط را دارا است؟ و سلطه مافیا اصولا جایی برای رقابت آزاد تولید کنندگان بجا گذاشته و سیستم بانکی واقعا در خدمت تولید کنندگان است ؟و توزیع در آمد و امکانات بین مردم عادلانه است تا مردم نیاز به یارانه نداشته باشند؟ خیر.

ایرادات نظام فعلی پرداخت یارانه

از اعلام رسمی آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها در ایران، نزدیک ۱۱ سال می‌گذرد. شیوه اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در دولت احمدی نژاد از ابتدا غلط بودو شدیدا مغایر با ارتقای عدالت اجتماعی بوده است. اعطای یارانه برابر به آحاد جامعه باعث شد که نیازمندان واقعی تحت پوشش واقعی قرار نگیرند. ایجاد تورم، عدم تخصیص منابع و مشکلاتی از این قبیل از مهمترین پیامدهای این شیوه پرداخت بود که دامن اقتصاد کشور را گرفته است. اما از طرفی وضعیت توزیع نابرابر امکانات و در آمدها و سلطه مافیا و انواع تبعیضات نسبت به قشر

عظیمی از مردم ایران،باعث بنیه ضعیف این قشر گردیده است.لذا راه حل در این نیست که با وعده اختصاص یارانه به تولید(چون این نظام مسبوق به سابقه است اطمینانی به عمل به وعده وی در نزد آحاد ملت نیست) یارانه این قشر قطع شود.

روند نظام ارزی چند نرخی در ایران

در ایران دولت تعیین کننده نرخ ارز است و نرخ آنرا بازار آزاد تعیین نمی کند.سال ۱۳۶۵ یکی از آشفته‌ترین سال‌های دوران جنگ از حیث مدیریت اقتصاد بود. در این سال به علت کاهش قیمت نفت و کاهش چشمگیر صادرات نفت، درآمدهای ارزی به شدت کاهش یافت. نرخ تورم شدیدا افزایش یافت و بیکاری نیز روند افزایشی خود را کماکان طی کرد. از اینرو شاهد بکار گیری سیاست‌های ارزی ای شدیم که به سمت چند نرخی شدن ارز خارجی پیش رفت. نظام چند نرخی باعث ایجاد مصرف کاذب ارز جهت استفاده از تفاوت قیمت نرخ ارز اسمی و واقعی گردید و رانت اقتصادی اینگونه شکل گرفت. یعنی افراد و یا نهادهایی که به ارز با نرخ پایین‌تر دسترسی داشتند آن را جایگزین ریال در معاملات نمودند تا از این تفاوت نرخ منتفع گردند. نتیجه ان نیز محرز بود :گام نهادن در مسیر دلاری شدن اقتصاد ! در واقع به نظر می رسد مبارزه با رانت حاصل از چند نرخی بودن ارز راهی جز یکسان‌سازی نرخ ارز ندارد که البته با توجه به افزایش قیمت کالاهای بهرمند از نرخ رسمی تورم بوجود می آورد. (البته خواننده محترم می داند که ریشه فساد و رانت در ابعاد بزرگتر در ماهیت مافیایی نظام ولایت فقیه و ناتوانی و بی کفایتی و فاسد بودن مسئولان آن قراردارد.) با اقدامات انجام شده از سال ۶۸، در فروردین ۷۲ در دوره دولت رفسنجانی برای اولین بار ارز در اقتصاد ایران تک نرخی شد که هفت ماه تداوم یافت و به تورمی ٤٩ درصدی منجر شد. بار دیگر بانک مرکزی در سال ۱۳۸۱، به منظور اصلاح نظام اداری کشور اقدام به اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز کرد و به نظام ارزی شناور مدیریت شده روی آورد. اما در عمل چون این نوع تغییرات مجزا از سایر تغییرات ساختاری انجام گرفت، فقط نوسانات نرخ دلار آمریکا در یک محدوده، کنترل شد، و همه ساله بر قیمت دلار افزوده شد.در سال ۸۹ به دلیل تورم زاید الوصف و رشد نقدینگی باز هم فاصله بین نرخ ارز دولتی و ارز آزاد ایجاد شد و باز هم ارز دونرخی و در نتیجه همان رانت و فساد شکل گرفت.

دولت قبل (دولت روحانی) چه اقدامی کرده بود که نیاز به حذف ارز ترجیحی شد.

در دولت قبل زمانی که قیمت ارز به یکباره گران شد ،دولت از سال ۹۷ برای ۲۷ قلم کالا، ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی در نظر گرفت که چون پیشنهاد جهانگیری معاون اول "ریاست جمهوری "بود به ارز جهانگیری معروف شد. قرار بود این ارز ارزان ٤٢٠٠ تومانی را در اختیار تجار قرار دهند تا کالا وارد کنند تا به اصطلاح این کالاهای اساسی ارزان بدست مصرف کننده و تولید کننده برسد. اما از همان ابتدا سوء مدیریت و ماهیت نظام فاسد و رانت خوار ولایت فقیه ، زمینه رانت بزرگی را برای عده ای خاص ایجاد کردو حتی بنام کسب مجوز وارد کردن دارو لاستیک وارد کردند .در این بین اغلب " آقازادهها" واسطه شدند و جنس‌ها را با ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی وارد کرده ولی آنها را احتکار کرده و حتی به بهانه کمبود عرضه ، برخی از کالا ها را بیش از قیمت ارز آزاد به مردم فروختند . در واقع از سال ۹۷ که بحث ارز ٤٢٠٠ تومانی شروع شد ، شامل ۲۵ قلم کالا بود اما به تدریج گرفتاری‌های ناشی از تحریم ، دسترسی دولت به منابع ارزی را محدود کرد. ضمن آنکه شکست سیاست اختصاص ارز ترجیحی برای همه روشن شده بود. ، لیست اقلام دریافت‌کننده دلار جهانگیری آب رفت و۱۸ قلم کالا حذف شد و در حال حاضر ۷ قلم کالا باقی مانده‌است. و تنها به گندم، دانه‌های روغنی، روغن خام، جو، ذرت دامی، کنجاله سویا، دارو و تجهیزات پزشکی اختصاص یافت. مجموع هزینه‌های دولت روحانی برای پرداخت یارانه آشکار و پنهان در سال ۹۸ برابر ۹۰۰ هزار میلیارد تومان شد. این رقم تقریبا ۲ و نیم برابر بودجه سالانه کشور است. در واقع ، از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا پایان سال ۱۴۰۰ بیش از ۹۰۰ هزار میلیارد تومان رانت از مابه‌التفاوت ارز ۴۲۰۰ تومانی و نرخ دلار در بازار آزاد بوده که به جیب عده‌ای واردکننده بزرگ و دلالان رفته است.سازمان برنامه و بودجه در گزارشی ارقام یارانه پرداختی در کشور شامل آشکار و پنهان را محاسبه و اعلام کرده است: طبق این گزارش از ۹۰۰ هزار میلیارد تومان رقم کل یارانه ها حدود ٦٠٠ هزار میلیارد تومان به حوزه انرژی و نفت و مشتقات آن اختصاص دارد که ۲۱۵ هزارمیلیارد تومان آن متعلق به بنزین است.

دولت روحانی با توجه به اینکه با کاهش فاحش در آمدهای حاصل از فروش ثروتهای ملی (نفت و گاز) روبرو بود توان هزینه‌ها و تبعات پرداخت عمومی یارانه نقدی را نداشت و دربودجه مکلف به غربالگری یارانه‌بگیران شده بود، ولی نه تنها این اقدام صورت نگرفت، بلکه دولت در سال ۱۳۹۸ به دنبال افزایش قیمت بنزین و مشاهده عکس العمل اعتراضی شدید مردم و کشتاری که از مردم توسط نظام حاکم صورت گرفت یارانه نقدی دیگری تحت عنوان یارانه معیشتی اضافه کرد که سالانه حداقل ۳۰ هزار میلیارد تومان هم بابت آن می‌پردازد که مجموع یارانه نقدی پرداختی در هر ماه را به ۷۰ هزار میلیارد تومان رساند.

«شمس‌الدین حسینی» وزیر اسبق اقتصاد (که از منتقدان سیاستهای دولت روحانی است)در مصاحبه با ایرانا در ۱۸اردیبهشت ۱٤۰۰ در زمینه عملکرد دولت روحانی معتقد است: دولت قبل در بازار آزاد ارز ۲۵ هزار تومانی خرید و به واردکننده ۴۲۰۰ تومان داد، یعنی به ازای هر یک دلار ۲۱ هزار تومان پول چاپ کرد که تأثیر مستقیم بر افزایش نقدینگی و تورم داشت. اگر به جای حراج منابع ارزی کشور به نرخ ۴۲۰۰ تومان و هدررفت آن، این منابع در بازار آزاد فروخته می‌شد و در قالب یارانه مستقیم بین اقشار کم‌درآمد و متوسط توزیع می‌شد، به هر نفر مجموعا ۲۰ میلیون تومان رسیده بود. بنابراین اگر دولت به جای تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات چند قلم کالای اساسی، درآمد فروش این منابع ارزی در بازار آزاد را به صورت نقدی به ۶۰ میلیون نفر از دهک‌های کم‌درآمد و متوسط جامعه پرداخت می‌کرد در این ۴ سال مجموعاً به هر یک از این افراد بیش از ۲۰ میلیون تومان یارانه رسیده بود که یارانه ماهانه هریک از آنها در این ۴ سال به هر نفر نزدیک به ۴۲۰ هزار تومان می‌شد. و سؤال اینجاست که این مبالغ به دست چه کسانی رسیده است؟ البته تنها یک واردکننده به اندازه کل مردم ایران یارانه گرفته است. مسئولیت‌پذیری مناسبی هم در این زمینه وجود نداشته و نظام ارزی حاکم بر کشور، خود عامل اصلی افزایش نقدینگی و تورم است. در سال گذشته در بودجه ۱۴۰۰ به هنگام تصویب، دولت وقت خواستار درج ۸ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی شد. بر اساس اعلام معاون اول رئیس‌جمهور، قرار بود ۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی پرداخت شود؛ اما بنا به دلایلی ۱۵.۶ میلیارد دلار پرداخت شده است."

<u>نگارنده نیز معتقد است که تخصیص ارز ارزان ٤۲۰۰ تومانی و در اختیار عده ای محدود قراردادن توسط دولت روحانی ٤ضرر عمده در برداشت:</u>

۱-متاسفانه همانگونه که در بالا اشاره شد خود این تخصیص ارز ٤۲۰۰ تومانی بدل به رانت بزرگی شد و امضاهای طلایی برای رانت شکل گرفت و ارز ارزان در اختیار عده ای سود جو و مافیای واردات قرار گرفت که سودهای میلیاردی به جیب زدند.در واقع نحوه عملکرد از ابتدا اشتباه بود که برای تامین کالا برای ۸۰ میلیون جمعیت به چند صد واردکننده ارز ارزان اختصاص داده شود. علاوه بر ایجاد رانت و فساد نظارتی هم روی تجار و صلاحیت آنها و نیز کیفیت تخصیص دلارها و کیفیت کالاهای وارداتی و نیز عدم احتکار آنها وجود نداشت. لذا سوی مدیریت به شکل گیری رانت دامن زد.

۲- ارز ارزان پرداخت شد، کالا اما همچنان در حال گران شدن بود و است. مهدی طغیانی عضو کمیسیون برنامه‌بودجه البته بدرستی می‌گوید: «مثلاً ارز ۴۲۰۰ تومانی به نهاده‌های دامی اختصاص می‌دهیم، ولی مرغ با قیمت بالا و تقریبا با

قیمت آزاد به دست مردم می‌رسد! نمی‌شود هم ارز ارزان داد هم مردم کالای گران بخرند.»

۳- یارانه های دولت عملاً به گروه هدف یعنی اقشار ضعیف جامعه داده نشد.

٤- ارز ۴۲۰۰ دارای آثار تورمی شدیدی بود . دولت روحانی بخاطر محدودیت منابع ارزی بواسطه تحریمها ، از تأمین تعهدات خود نا توان شد و به خرید دلار گران‌قیمت از سامانه نیما روی آورد و سپس آن را با سوبسید در اختیار واردکنندگان قرار می‌داد! به این ترتیب برای جبران کسر بودجه ایجادشده ناگزیر از چاپ پول و افزایش تورم بود که زندگی را بر مردم سخت کرده است و آقای همتی رئیس بانک مرکزی وقت نیز مجبور به اقرار شد که دولت به بانک مرکزی فشار وارد می کرده که اسکناس چاپ کند. جالب اینجاست که روحانی مرتب مساله استقراض داخلی از بانک مرکزی و چاپ اسکناس را انکار می کرد !

٥- توجه به یارانه به بخش تولید بسیار کمتر از اختصاص یارانه به بخش مصرف بوده است.

پاس دادن تصمیم حذف ارز تدریجی بین مجلس نظام و دولت سیزدهم

همگان می دانند و خصوصا دولت سیزدهم با توجه به اعتراضات آشکار مردم به تورم سرسام آور و گرانی قیمتهای ناشی از حذف یارانه کالاهای اساسی ، می داند که قشر متوسط و ضعیف جامعه خصوصا تصمیم به حذف ارز تدریجی را کار دولت سیزدهم قلمداد می کند ،و اینجاست که نه مجلس و نه دولت حاضر به پذیرش مسئولیت این اقدام نیستند.

از طرفی محمدرضا پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نظام در گفتگو با خبرنگار مهر در ۲۰ اردیبهشت ۱٤۰۱، در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه قانون درباره حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی چه می‌گوید، اظهار داشت: مجلس در جریان بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ به دولت اختیار داد یارانه ارزی را به جای واردات، به مصرف کننده نهایی اختصاص دهد.وی با اشاره به اینکه مجلس در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ درباره کالاهای اساسی دو اختیار به دولت داد، متذکر شد: مجلس از یکسو به دولت اختیار داد مسیر سنوات گذشته اختصاص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی را ادامه دهد و از سوی دیگر این اختیار به دولت داده شد که سیاست خود در این زمینه را تغییر دهد.رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: بنابراین در بودجه ۱۴۰۱ موضوعی تحت عنوان حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی وجود ندارد. طبق مصوبه مجلس، دولت اختیار دارد ارز ترجیحی را همچنان و مانند حالت قبل به کالاهای اساسی تخصیص دهد و یا آنکه می‌تواند ارز را به انتهای زنجیره که مصرف کننده نهایی است، اختصاص دهد.

و از طرف دیگر طرفداران دولت سیزدهم این تصمیم را به مجلس نسبت می دهند تا از میزان شر این تصمیم برای دولت کم کنند:

بنا به گزارش خبر انلاین ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ مدعی شده است: مجلس انقلابی یازدهم حذف ارز ترجیحی را تصویب کرده و نباید این موضوع را به گردن دولت بیاندازیم. این موضوع در دولت قبل هم مطرح شد اما دولت قبلی برای اینکه در دیدگاه‌ها خوب باشد اقدامی انجام نداد اما دولت سیزدهم به میدان آمده و سینه خود را برای رفع مشکلات کشور سپر کرده است و اینکه نماینده‌ای بخواهد سر دولت داد بزند، نادرست است.

گفنتی است در اسفندماه گذشته ذوالنوری در مخالفت با حذف ارزترجیحی در جلسه علنی مجلس خطاب به قالیباف گفته بود:" چون نظر و اراده و اصرار شما حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی است، دیروز نزدیک به چهار ساعت از وقت مجلس را با غیرعلنی کردن گرفتید. آقای دکتر به شعور نمایندگان احترام بگذارید و اجازه دهید با شنیدن استدلال نمایندگان موافق و مخالف خودشان تصمیم بگیرند نه با صحبتهای جهت دار، خلاف قانون آیین نامه و القائی جنابعالی."

ذالنوری همچنین دی ماه ۱۴۰۰ در یک تذکر علنی درباره همین موضوع گفته بود: قطعا کنترل و تقویت نظارت بر بازار زحمت کمتری از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی خواهد داشت. و به یکباره موافق حذف ارز ترجیحی شده است !

ادعای دولت سیزدهم که مساله را بهتر از دولت روحانی اداره می کند.

دولت سیزدهم دلایل حذف ارز ترجیحی را برای کالاهای اساسی در نمونه آرد به این شکل بیان می کند.:

"با توجه به قیمت گندم، و میزان استحصال آرد از هر کیلو گندم، قیمت تمام شده هر کیلو آرد ۱۷ هزار تومان می‌شود، یعنی قیمت یک کیسه ۸۵۰،۰۰۰ تومان برای دولت آب می‌خورد. همین آرد به نانوا، کیسه‌ای تنها ۳۸۰۰۰ تومان فروخته می‌شود، این یعنی دولت به ازای هر کیلو ۱۶۲۴۰ تومان یارانه می‌پردازد. اما همین آرد به کشورهای اطراف یعنی ترکیه، پاکستان،عراق، افغانستان و... به طور گسترده قاچاق می‌شود.

طبق آمارهای رسمی، ۳۵۰ هزار تن آرد فقط در سال ۱۴۰۰ به طور قاچاق از کشور خارج می‌شود. باتوجه به آنچه بیان شد کافی است یک حساب و کتاب ساده داشته باشیم، ۳۵۰هزار تن را در ۱۶۲۴۰تومن یارانه به ازای هر کیلو آرد ضرب کنیم، خواهیم دید رقمی شگفت انگیز از بودجه کشور چگونه به یغما برده می‌شود. ۵۶۸۴ میلیارد تومان!!هر کیلو آرد دولتی برای شرکت‌های ماکارانی ۲۷۰۰ تومان بود، یعنی کیسه‌ای ۱۳۵ هزار تومان. این یعنی دولت به ازای هر کیلو آرد ۱۴۳۰۰ تومان یارانه میدهد. جالب است بدانید به علت ارزان بودن قیمت تمام شده برای شرکت‌های تولید ماکارانی در کشور، ایران به ۵ قاره جهان ماکارانی صادر می‌کند! و این درحالی است که دولت سالیانه ۴۸۶۱ میلیارد تومان آرد یارانه‌ای به این شرکت ها می‌دهد! این فقط دو نمونه از خروارها سرمایه‌ای است که در کشور به علتِ شیوه تخصیص یارانه در حال نابودی است و فشار ناشی از این خطای فاحش را سالهاست مردم می‌پردازند. حال اگر همین موارد را به یارانه پرداختی به شرکت‌های بیسکوئیت‌سازی کیک و کلوچه و شیرنی تعمیم دهیم رقمی بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد تومان! را به ما نشان می‌دهد.(۱) یعنی سالانه ما این مقدار از سرمایه کشور فقط بخاطر یارانه آرد از دست می‌دهیم.

البته اگر این اعداد را به میزان هدر رفت وضایعات آرد ونان که چیزی حدود ۲ میلیون تن است(۲) اضافه کنیم خواهید دید که چه میزان از سرمایه کشور که در واقع پشتوانه امنیت غذایی کشوراست، چگونه نابود می‌شود. به این مثالهای می‌توانید، روغن، بنزین، گاز و... را هم اضافه کنید."

اکنون دولت سیزدهم ادعا دارد قصد دارد با حذف اختصاص ارز ترجیحی به واردکنندگان، معادل ریالی یا کالایی آن را به‌صورت اعتباری به گروه‌های هدف (اقشار آسیب‌پذیر) پرداخت خواهد کرد.

آیا تصمیم دولت سیزدهم در بالا بردن قیمت کالاهای اساسی درست بوده است و در ادعا های خود در کمک به طبقات آسیب پذیر صادق است؟

ابتدا بایستی یاد آور شد که هیچ عملی بدون هدف انجام نمی گیرد. لذا بهتر است ابتدا از هدف دولت سیزدهم در باره حذف ارز ترجیحی صحبت کنیم. این دولت ادعا دارد که برای کمک به اقشار آسیب پذیر قصد دارد اختصاص ارز ترجیحی به وارد کنندگان را به اقشار آسیب پذیر اختصاص دهد. اگر این دولت در ادعای خود صادق است پس چه لزومی به نظامی کردن محیط زندگی مردم بود و گسیل مامور گارد ویژه و ماموران سرکوب و نیروهای انتظامی و لباس شخصی به تظاهرات مردم و به خون الودن تظاهرات مردم ؟! حقوق سیاسی (حق بیان و تظاهرات) از حقوق اجتماعی که جدا و منفک نیست ! چگونه می توان باور کرد

نظامی و یا دولتی بفکر اقشار آسیب پذیر است ولی اعتراض همان مردم آسیب پذیر و محروم را با شدت به خونین ترین شکل خشونت پایمال می کند. تظاهرات و جنبشهای اخیر و کشته شدن عزیزانی از مردم توسط ماموران سرکوب بهترین شاهد بر این دو رویی نظام و دولت حاکم است و مردم ایران حق دارند این دولت را در ادعای خود صادق نبینند.

البته بسیاری از طرفداران دولت حاکم در مصاحبه های اظهار کرده اند که هدف اصلی دولت سیستم از این امر جبران کسری بودجه است. اگر این هدف اصلی است ، سوال اساسی این است چرا دولت برای جبران کسری بودجه از افزایش هزینه های جاری دولت که اکنون صد در صد افزایش یافته است ،جلوگیری بعمل نمی آورد. و یا برای جبران کسری بودجه چرا بودجه نهادهای غیر مسئول و تبلیغاتی طرفدار نظام اعم از سازمان تبلیغات اسلامی و انواع نهادهای حوزه های علمیه و نهاد های نظامی چند گانه غیر مسئول که کارشان در بهره مندی از رانت است و رسالت خود را در سرکوب مردم می دانند ،و...را قطع نمی کند؟

چرا این دولت در جلوگیری از رانت خواری برنامه ای ندارد و خود از زمینه سازان سیستم رانتی است؟چرا جراحی را در بعد سیاسی شروع نمیکند و مقامات غیر مسئول را حذف نمی کند؟

چرایی را البته نگارنده واقف است ولی همواره باید ادعا ها را با واقعیت ها روبرو کرد تا دروغ آن آشکار شود. جالب این است که آقای رئیسی (این جنایتکار تاریخی)در مصاحبه ای ادعا کرد :" تا زنده ام نخواهم گذاشت که مردم طعم گرانی را بچشند و آسب ببینند " فردی که احکام صادره توسط وی و همراهانش به قیمت جان بیش از ٤٠٠٠ نفر از جوانان این مرز و بوم تمام شده است و زنده ماندن این ٤٠٠٠ نفر را بخاطر تبعیت از لوازم قدرت ارزشمند نمی دانست، تا چه حد خود محور است که به ارزشمند بودن جان خود توجه دارد و جان بقیه را بی ارزش دانسته و توقع دارد مردم نیز ادعای وی را قبول کنند !

هم اکنون قیمتهای کالا ها سرسام آور شده و مردم بخاطر اعتراض به این گرانی و تورم سرسام آور به خیابانها آمده اند و در آنجا هم با سرکوب مواجه شده اند و عزیزان آنها را بشهادت رساندند، چگونه به قسم این جنایتکار تاریخی بتوانند اعتماد کنند که تا زنده است نخواهد گذاشت مردم از گرانی آسیب ببینند ؟ ایا ایشان معنای فارسی این کلمه را نمی داند؟

از طرفی دولت سیزدهم باز برای کنترل قیمت به مساله بکار گیری روش تعزیرات اشاره می کند. این دولت و مشاوران اقتصادی وی از قبیل محسن رضایی نمی دانند که زندگی بر مردمی که قیمت های کالاهای اساسی زندگیشان بالا رفته است طاقت فرسا می شود و در اصل هم هر روز تجربه میکنند که آنچه که رژیم بنا بر قانون

هدفمندی از مردم می گیرد بیشتر از آن چیزی است که بدانها تحت عنوان یارانه صدقه ای می پردازد.

پس در واقع این نظام و دولت یک جامعه فقیر را فقیر تر می کند .آن بخشی را هم که در بودجه خرج می کند ،قد رت خریدی ایجاد می کند که خود آن هم بنوبه خود تورم را افزایش میدهد. اینهمه عامل ایجاد تورم در یک اقتصاد مثل اقتصاد مصرف محور ایران یک ماده منفجره است که زندگی همگان را تهدید می کند.مردم دارای شعورند و بدرستی درک می کنند که دولتهای این نظام خصوصا دولت سیزدهم که در بی سوادی مسئولان و وزرایش بی مانند است ،از لحاظ اجرایی فلج است .چون اگر فلج نبود به فکر بکار گیری تعزیرات برای کنترل قیمت نمی افتاد. شیوه تعزیرات برای کنترل قیمتها و مبارزه با گرانی نه در ایران و نه هیچ کشور دیگری به نتیجه نرسیده است. چرا ؟

۱-چون وقتی قدرت خرید بخشی از جامعه که به ثروت باد آورده رسیده و به دستگاه رانت خوار وصل است ، و این قدرت خرید بیش از آن است که اقتصاد می تواند عرضه کند (چون تولید داخلی را که نابود کرده اند)قیمتها بالا می رود.

۲- چون وقتی در طرف تولید هزینه های تولید بالا می رود همین امر باز باعث می شود که قیمتها بالا روند.

۳-از آنجا که اقتصاد ایران مصرف محور است ،یعنی تکیه اش به واردات است و این واردات که از خارج وارد می شود با توجه به درآمد ارزی که ایران دارد وبا توجه به نرخ ارز که بالا رفته و با توجه به آنچه در داخل باید مهیا کرد تا واردات قابل مصرف بشود باز منجر به افزایش قیمتها می شود.

پس مشاهده می کنیم که وقتی از سه طرف قیمت کالاها افزایش می یابند، چگونه با تعزیرات و داغ و درفش می توان قیمتها را کنترل کرد؟



هدف اصلی این دولت در عجله برای حذف ارز تدریجی چیست ؟

از دید اینجانب این تعجیل جدا از نیاز به تامین کسری بودجه و کسب در آمد از جیب مردم بخاطر افزایش هزینه های جاری اما ربط مستقیمی هم دارد به نیاز نظام ولایت فقیه در تامین مخارج نظامی سپاه قدس در سوریه. اگر خوانندگان محترم توجه کنند بعد از حمله روسیه به اوکراین و مواجه شدن با مقاومت دلیرانه مردم اوکراین وموفق نشدن از نقطه نظر نظامی و شکست در بسیاری از اهداف استراتژیک نظامی خود در اوکراین و از دست دادن بیش از ۲۰ هزار نفر از نفرات ارتش خود (بنا بر گزارش ها)، با کمبود نیرو مواجه شد و بسیاری از نیروهای مستقر روسیه در سوریه را به جبهه اوکراین فراخواند و به بشار اسد این دیکتاتور سوریه نیز فهماند که بعلت نیاز به نیروهایش در اوکراین نمی تواند آنها را در سوریه بکار گیرد.و همچنین بعلت وخیم شدن اوضاع مالی روسیه و سقوط روبل و بخاطر تحریم های مالی اعمال شده علیه روسیه و نیز درمعرض تحریم نفتی قرار گرفتن روسیه از طرف اتحادیه اروپا و امریکا ،روسیه دیگر کمتر توان متعهد شدن برای بار مالی جنگ در سوریه را دارد. لذا روسیه تامین مالی را به نظام ولایت فقیه پاس داده است و اینجاست که شاهد سفر شتاب زده بشار اسد به ایران و دیدار دو دیکتاتور می شویم. و از دید نگارنده بی دلیل نیست که بشار اسد در تهران اعلام کرد: «طی سالیان مقاومت و مقابله با تجاوزات غرب و تکفیری‌ها، ایران تنها کشوری بود که از ابتدا در کنار ما ایستاده است. "

همین امر باعث شد که کلیه نظام بفکر تامین پول بیشتر برای خرج در سوریه افتاده است و به یکباره آقای رئیسی (این جنایتکار تاریخی) را مامور آزاد سازی قیمتها و تامین پول از جیب مردم ایران کرده است. بدون اینکه به کاستن از بودجه نهاد

های پشتیبان نظام اقدام کند.و بی دلیل نیست که همگان بسیج شده اند تا به جراحی اقتصادی بر پیکر نحیف قشر آسیب زده بپردازند. بگذریم که بکار گیری اصطلاح "جراحی اقتصادی " برای آزاد سازی قیمت ٤ کالا بسیار مبالغه آمیز است و در نظامهای دیگر وقتی از جراحی اقتصادی نام برده می شود که تغییرات ساختاری را انجام می دهند.

پس از دید نگارنده تعجیل این دولت در آزاد سازی قیمت کالاهای اساسی و بکار گیری روش سرکوب در مقابل معترضان علاوه بر تامین کسری بودجه ربط مستقیم دارد با نیاز مالی در ادامه جنگ در کشور های منطقه منجمله سوریه.

در شماره آینده خاطر نشان خوانندگان عزیز می نمایم که معضلات و بحرانهایی که نظام ولایت فقیه به جامعه ایران تحمیل کرده است ،همه دارای راه حل هستند و نبایستی از براه اندازی یک نظام حقوند که دارای راه حل مناسب با حقوق مردم ایران باشد نا امید شد. به شرطی که در بستر و زمینه خاصی رخ دهد. و راه حل خط فکری خود را و لوازم آنچه در واقع تغییر ساختاری و جراحی بزرگ اقتصادی است را با خوانندگان محترم در میان می گذارم.

در واقع امر جراحی بزرگی که لازم است کندن این غده چرکین بنام استبداد ولایت فقیه از بدن ایران است که هم ضرورت دارد و هم فوریت.

****

وضعیت سنجی ۳۹۶

جمعه, ۱۳ خرداد ۱٤۰۱

آیا بحرانهای اقتصادی ایران راه حل منطبق برحقوق مردم دارند؟

در وضعیت سنجی شماره قبل (۳۹۵) به بررسی مساله رایانه ها در نظام ولایت فقیه و نیز ارزهای چند نرخی و علل بوجود آمدن آنها و نیزبه ناکارمدی وعدم توان علمی و نیزنیاز نظام ولایت فقیه به ایجاد بحرانهای متعدد پرداختیم و به عواقب افزایش قیمتها و دلایل اصلی این نظام در آزاد سازی قیمت کالاهای اساسی همانا جبران کسری بودجه و افزایش بار تعهدات مالی به سوریه در پی اجتناب روسیه از پرداخت هزینه جنگ درآن کشور پرداختیم.

در این شماره به این امر می پردازیم که آیا بحرانهای اقتصادی متعددی که نظام فاسد و استبدادی ولایت فقیه ایجاد میکند راه حل دارند؟

مقدمتا یاد آور شوم که آقای عبدالناصر همتی رئیس سابق بانک مرکزی در دوران حکومت روحانی بعنوان کسی که از چند و چون کار بانک مرکزی مطلع است در توییتی اظهار کرده است:" قراربودبا تزریق ۳۰۰ میلیون دلارارز قیمت دلار به ۱۵ برسد ، از ۲۳،۲۰۰ به ۳۰.۲۰۰ رسید. قراربود استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول خط قرمز باشد،رشد پایه پولی به ٪۳۱.۴ رسید وچاپ پول در ۱۴۰۰رکورد زد. "

پس مشخص میشود که دولت سیزدهم :

۱- هم به چاپ اسکناس مبادرت ورزیده همانا استقراض داخلی کهش دیدا تورم زا است و بقول اقای همتی حتی در سال۱٤۰۰ در این زمینه رکورد زده است .

۲- از طرفی قیمت ارز بشدت افزایش یافته و نرخ دلار از ۳۳ هزار تومان در۱۳ خرداد ۱٤۰۱ عبورکرد.

۳-هم زمینه سازفروش غیر متعارف نفت و گاز است تا آمارآن برای مردم روشن و شفاف و مبین نباشد.

می دانیم که امریکا در این فاصله بر روی مجازات کشورهایی که نفت و گاز تحریم شده ایران را خریدار هستند چشم بسته و دولت به اقرار مسئولینش به فروش نفت مبادرت ورزیده (هرچند همان با تخفیف هایی و باجهایی از جیب مردم صورت گرفته است). کیهان در ۸ خرداد ۱٤۰۱در زمینه فروش نفت نوشته است : کیهان: «ایران از طرق مختلف مشغول فروش نفت خود است، با استفاده از سیستمی که رسانه‌های غربی به آن لقب ناوگان_اشباح داده‌اند. درآمد حاصل از این فروش نیز با روش‌هایی خاص وارد کشور می‌شود.» به اقرار کیهان ناوگان اشباح در ایران همه کاره است که باعث شده مردم نیز تاثیر این پولهای شبه مانند را در زندگی روزمره خود نمی بینند!

٤-هم خبری از اراده برای ادامه مذاکرات با امریکا در مورد برجام یافت نمی شود. و شورای حکام نیز در صدد صدور قطعنامه در محکومیت نظام بعلت رعایت نکردن ضوابط آژانس بین المللی انرژی است که بر اساس تحلیل درست دکتر مهران مصطفوی این خطر را بدنبال دارد که محکومیت ایران راه به صدور قطعنامه و اعمال تحریمهای جدید از طرف سازمان ملل یابد. که باز عواقب تحرمیهای سنگین سازمان ملل بر دوش ملت ایران خواهد بود.عدم اراده برای پایان دادن به تحریمها در صحبت اقای خامنه ای در دیدار رئیس‌جمهور تاجیکستان محرز است: "با وجود تحریم‌ها ایران پیشرفت‌های خوبی در زمینه‌های مختلف داشته و اگر تحریم‌ها نبود، این پیشرفت‌ها به دست نمی‌آمد؛ زیرا تحریم‌ها باعث شد تا به نیرو و ظرفیت‌های داخلی خود اتکا کنیم. "

بگذریم که این اتکا به نیروها وظرفیت های داخلی در هیچ جا خود را نشان نداده است امری است که تنهاغاصب حاکمیت ملی (ولی فقیه مطلقه)در ذهنیت بسته و بریده از واقعیات جامعه تنها بصورت ذهنی تصور می کند. رهبری این نظام هنوز نمی داند که دولت سیزدهم آزاد کردن قیمت کالاهای اساسی را هم وجود تحریم و کسری بودجه عنوان می نماید درعمل بعلت هیمن تحریمها به چاپ اسکناس بدون پشتوانه و تورم زا روی آورده است. که از عواقب این تورم هولناک هزاران آسیب اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی واقتصادی برای ملت است.و دولت درواقع تفاوت ارزش پول ملی است که بعنوان یارانه آنهم با تظاهربه دادن صدقه به ملت می دهد. که در اصل حاصل ناکار آمدی خود دولت است ودر صدد حذف آن نیز می باشد .

مشاهده این نا کارآمدی و فساد و استبداد نهفته و نهادینه شده در نظام حاکم و افزوده شدن روز بروز بر بحرانها و معضلات بخشی زا جامعه را در باره اینکه آیا معضلات کشور دارای راه حل واقعی هستند دچار تردید نموده است. بر همه گروهای سیاسی و نیز روشنفکران جامعه است که با مکردم خود روراست باشند و تمام توان علمی خود را بکار برند و چشم انداز گذار از این نظام وحست و فشاد و سرکوب را برای مردم بگشایند.و در حد بضاعت فکری خود ارائه طریق نمایند. و خصوصا مشخص و واضح نمایند که راه حلهای در راستای احقاق حقوق ملت نمی تواند در بستر نظامی فاسد و مستبد جاری شوند و میدان عمل بیابند.

راه حلهای معضلات در چه بستری ؟

از دید نگارنده همه معضلات و بحرانهای ساخته شده توسط نظام ولایت فقیه دارای راه حل اساسی است منتهی همچون بذری که تا کنون بعلت کاشت در زمین شور و بی آب و لم یزرع نتوانسته است به بار بنشیند ، و تنها زمانی به بار می نشیند که

لوازم و شرایط رشد آن بذر مهیا باشد نیازمند به بستر حاصلخیز و پر آب و محیط زیست سالم است. وگرنه به میزان نا مساعد بودن زمینه و شرایط ببار نمینشیند و یا گیاهی نا متعادل و بی ثمر ببار خواهد آمد. لذا در هر چهار بعد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی بایستی تحولی ساختاری رخ دهد تا شرایط متناسب با رشدو اجرای عدالت برای ایران و ایرانی شود.همین امر که مردم ایران شاهد بدتر شدن شرایط خود می شوند و به کار آیی دولت و نیت خیر آن شک دارند و بی اعتناد شده اند ، خود بهترین و صادق ترین گواه بر این است که خانه از پای بست ویران است. و با اصلاح کنج دیوار نمی شود بستر و زمینه تحقق آزادی و استقلال ورشد و عدالت اجتماعی را فراهم آورد.

برای اینکه معضل تورم و گرانی حل گردد ودارای یک اقتصاد تولید محور شوند مردم ایران از شر بحرانهایی که این نظام بطور روزمره می سازد، رها گردند راه حل دراین است که اقتصاد تولید محور و تدابیر سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که یک مجموعه را پدید می‌آورند، خودانگیختگی یا استقلال و آزادی انسان اصل قرار گیرد. می‌دانیم که در جامعه‌ها، میزان خلاقیت و باروری انسان را به اندازه خودانگیختگی آنها می‌سنجند. در ایران امروز خود انگیختگی بخاطر استبداد ضد رشد و ضد حقوق در حال میل کردن به صفر است. لذا برای اینکه خود انگیختگی در همه وجوه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بطور یک مجموعه در انسانها رشد و نمو کند . توجه داشته باشیم که هر پدیده اقتصادی وجه سیاسی و وجه فرهنگی و وجه اجتماعی نیز دارد و به همان ترتیب هر پدیده سیاسی وجوه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی نیز دارد و هر پدیده یک مجموعه است که هر یک از این وجوه را برخواهم شمرد :

راه حل معضلات اقتصادی از دید حقوندی اقتصاد

***راه حل اول در این است که** نیروهای محرکه، همچون دانش و فن و سرمایه و کارمایه و مواد اولیه و...در حد مطلوب تولید شوند و به توان روز افزون اقتصاد ملی بیفزایند. امکان تولید این نیروهای محرکه در وهمه اول با رفع موانع و مخربهای نیروهای محرکه ممکن می گردد که در زیر بدانها در هر ٤ وجه (اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی) اشاره می کنم. لذا نیازمند تدبیر وتهیه و تدوین راه حلهای دقیقی بر ای جلوگیری از تخریب نیروهای محرکه خواهیم بود. در صدر انها راه حل عدم تخریب منزلت انسانی است چرا که انسان مهمترین نیروی محرکه جوامع است .

در حقیقت، چون انسان فرهنگ ساز است و او است که نیروی محرکه می‌سازد، وقتی خود رهبری کننده می‌شود و رشدش در استقلال و آزادی هدف می‌گردد، توانایی فرهنگی لازم را برای تولید سایر نیروهای محرکه بدست می‌آورد. به جهان

امروز خود نگاهی افکنیم که چگونه ، هم تولید نیروهای محرکه به حداقل رسیده است و هم تخریب آنها به حداکثر میل کرده است. به خیل انسانهای پناهنده و آواره در دنیا نظر افکنیم که در وطن خود زمینه و بستر رشد و یا حداقلهای زندگی برای آنها مهیا نبوده است.

❋ راه حل در این است که کشور از شر مافیا و رانتخواری و اقتصاد زیر زمینی غیر شفاف نجات یابد و دولت برنامه مدون مشخص و مبتنی بر ضوابط برای مبارزه با فساد و رانتخواری داشته باشد .و نهادهای ناظر نیز به مسئولیت خود درست عمل نمایند. چرا که یکی از مهمترین عوامل مخرب نیروهای محرکه رانت تبعیض گرا در هر ٤ بعد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است.استاندار وقت آذربایجان غربی در دوران حکومت دکتر محمد مصدق نقل می کند که دکتر مصدق زمانی که وی را به ماموریت استانداری گمارد به وی گفت دو وظیفه اصلی داری یکی جلوگیری از دزدی و تبعیض و دیگری پرکردن سیلوها از غلات.وی اظهار می دارد پرسیدم سایر وظایف را بر شمارید . دکتر مصدق پاسخ داد، اگر موفق به جلوگیری از دزدی شوید بسیاری از نیروها آزاد می شوند که خود سازنده اند. نگران نباشید شما فقط مواظب دزدی و سیر نگاهداشتن شکم مردم باشید. با برچیده شدن دزدی بسیاری از رفتار زشت از جامعه رخت برچیده می شود و نیروهای سازنده آزاد می شوند.

وچه پر معنی و سنجیده است این سخنان دکتر مصدق معلم استقلال کشور که به آزاد شدن نیروهای محرکه بر اثر مبارزه با دزدی و رانت خواری توجه اساسی داشته است.

❋راه حل در این است که ترکیب مخرب کنونی بودجه که عبارت است از حراج و فروش ثروتهای ملی بعلاوه استقراض داخلی و خارجی و بعلاوه کسری بودجه ، بطور ساختاری تغییر یابد وبه بودجه ای بدل شود که کسری ان میل به صفر کند . خود بودجه در اجزایش برداشت از تولید ملی باشد. واندازه و میزان بودجه نسبت مستقیم به ظرفیت اقتصاد ملی داشته باشد. از بر شماری درآمدهای غیر شفاف و غیرقابل تحقق اجتناب ورزد. و این مستلزم برنامه ریزی دقیق اقتصاد ملی برای برداشت از تولید داخلی است. بودجه ای که در آمدهایش عادلانه وبدرستی و هدفمند و در خدمت عمران و آبادانی کشورتخصیص یابد و نه باج به گروههای قدرت باشد. وهدف آن بودجه دخل و خرج امور مردم ایران باشد و نه یاری مالی رساندن به گروههای نظامی و شبه نظامی در کشورهای دیگر برای ایجاد تکیه گاه خارجی برای نظام حاکم و تخصیص بودجه ملی به جنگ در چند کشور منطقه ! بودجه ای متناسب با تولید محور شدن اقتصاد خواهد بود که خود با اجزایش به مصرف محور شدن اقتصاد دامن نزند (در بخش تراز بازرگانی بدان می پردازم)و سهمی از بودجه بطور واقعی به سرمایه گذاری در داخل کشور اختصاص بهینه یابد.

❋راه حل در این است که ترکیب اعتبارات بانکی بسود اعتبارات قابل تبدیل به سرمایه تغییر یابد و نظام بانکی بجای محل زد و بند مافیا و ابزاری برای ایجاد فاصله طبقاتی و نیروی محرکه سرمایه را در اختیار رایگان مافیا قرار دادن ، محل تامین اعتبار برای تولید کنندگان واقعی گردد و دخل و خرج این بانکها برای مردم شفاف بوده و از سوداگری و بنگاه داری اجتناب ورزند.در حال حاضر بانکها بدل شده اند به بهشت دزدان قهار حاکم بر کشورکه از مجرای بانکها دولتس و خصوصی سرمایه های ملی را بالا میکشند و بخش بزرگی از آن را از کشور خارج و در اقتصاد های مسلط بکار می اندازند و وطنمان ایران را از آن محروم می گردانند.

❋راه حل در این است که بهره از وامها برای سرمایه‌گذاری در تولید حذف گردند تا تولید کننده بدون کمترین دغدغه بازپرداخت سود بر کمیت و کیفیت تولید بیفزاید و بهره زمانی تعلق گیرد که وامها ی اتخاذی ماهیت بازرگانی دارند و بکار مصرف می‌آیند . تا بنیان تولید ضربه خورده ایران بتواند نفس تازه کند و استوار گشته رشد نماید.همراه با قطع رابطه نظام بانکی با "بازار غیر رسمی پول "نیز بایستی قطع گردد.

❋راه حل در این است که بانک مرکزی مستقل گردد و بتواند در از زیر یوغ دولتها بدر آید و تابع اوامر و نواهی گروههای قدرت نگردد و به وظایف اصلی خود همانا ، ثبات سطح عمومی قیمت‌ها ، کنترل تورم، ثبات و سلامت شبکه بانکی، حمایت از رشد اقتصادی و اشتغال و در آخر حفظ ارزش واقعی پول ملی بپردازد.بعبارت دیگر یکی ازمهم‌ترین برداشتی که از استقلال بانک مرکزی می‌شود، این است که بانک مرکزی سیاست‌های پولی را بدون دخالت دولت یا مجلس تعیین کند یا سیاست پولی را پیش از اینکه دولت کسری‌های مالی را معین کند، تعیین نماید. اگر بانک مرکزی سیاست پولی را پس از اینکه دولت سیاست مالی را مشخص کرد، تعیین کند، تنها می‌تواند در مورد سطح پولی کردن کسری‌های مالی دولت تصمیم‌گیری کند. بنابراین موقعیت بانک مرکزی از دولت مستقل نیست واعمال فشار گروهای قدرت روی آن تاثیر می گذارد. همانگونه که اقای همتی هم اقرار کرد که بانک مرکزی در دولت روحانی بدل به دستگاه چاپ اسکناس شده بود و در دوره دولت سیزدهم نیز در امر چاپ اسکناس در سال ۱۴۰۰رکورد زده است! اکنون آمار نشان می دهد که بیش ازهشتاد درصد از ارز حاصل از درآمدهای نفتی کشور در اختیار دولت قرار دارد. و دولت است که بر آن مدیریت می‌کند. استقلال بانک مرکزی، به‌مفهومی که در حوزه سیاست‌های پولی از آن سراغ داریم، برای بانک مرکزی ایران صدق نمی کند.؛ چراکه بیش از هشتاد درصد ارز در اختیار دولت است و دولت تعیین‌کننده اصلی نرخ ارز ها

است. استقلال بانک مرکزی زمانی صدق می کند که منابع بانک مرکزی را دولت تأمین ننماید.

❋راه حل در این است که تراز بازرگانی و ترکیب واردات به سود واردات سرمایه ای تغییر یابد نه واردات مصرفی . واردات و صادرات کشور نیز تابع رشد اقتصادی تولید محور گردند.تا نیروهای محرکه ایران(انسانها و سرمایه و فن و دانش و...) توانا به فعال شدن گردند. آنگاه است می توان از جراحی بزرگ اقتصادی نام برد.

❋راه حل در این است که رابطه دولت با جامعه ملی تغییر اساسی یابد و جامعه وابسته به دولت جای خود را به دولت وابسته به جامعه دهد یعنی درست عکس حالت کنونی . در حال حاضر چشم ملت به حقوق دریافتی از دولت است که از فروش ثروتهای ملی تامین شده و متعلق به خود ملت است ولی چند و چون آن بی دخالت مردم توسط دولت تعیین مشود و دولت گویی صاحب مطلق این ثروتها است با منت حقوق کارکنان دولت را میدهد. در صورتی که وقتی دولت تابع ملت است به مالیاهای دریافتی از ملت وابسته است و نه فروش ثروتهای ملی آنهم بی حساب و کتاب. و مردم دولت را تابع خود می بینند و می خواهند لذا نظارت بهتری بر دخل و خرج مالیاتی که پرداخته اند خواهند بود. و در انتخاب و تقویت صحیح نظارهای غیر فاسد و مستقل نظارتی خواهد کوشید. آنوقت می توان از تغییر اساسی و راه حل معضل وابستگی اقتصادی نام برد.میدانیم که در حال حاضر، اقتصاد کشور وابسته به بودجه دولت و بودجه دولت وابسته به اقتصاد مسلطی است که از ایران نفت و گاز و مواد خام و فرآورده‌های نفتی می‌خرد و به ایران کالاها و خدمات می‌فروشد . کارمردم ایران نیز مصرف کردن شده است و در این مصرف کردن، نابرابری از حد و اندازه گذر کرده است. و البته در مصرف گرایی نیزسر آمد شده ایم !

- مصرف گاز طبیعی و نفتخام در ایران ٦ برابر متوسط جهانی است
- سرانه مصرف آب در ایران ٣ برابر متوسط جهانی است
- براساس آمار منتشر شده توسط بانک جهانی، متوسط مصرف جهانی برق در دنیا برای مشترکین خانگی ۹۰۰ کیلووات ساعت در سال است؛ این در حالیست که مشترکین ایرانی در بخش خانگی سالانه ۲۹۰۰ کیلووات ساعت برق مصرف می‌کنند و این رقم دست کم بیش از ۳ برابر میانگین جهانی است.

❋ راه **❋راه حل در این است که** سرمایه های کشور صرف عمران طبیعت بگردند و از بیابان گشتن ایران در پی مصرف محور شدن کشور جلوگیری بعمل آید. هرگاه بر طبق ضوابط برشمرده فوق ،اقتصاد ملی ایران تولید محور شد، طبیعت

خود بدل به بستر مولد برای این اقتصاد می گردد لذا بایستی با حفظ و رعایت حقوق ان انرا زنده نگاه داشت و ازاینرو کاستن از هر گونه آلودگی محیط زیست و سبز کردن ایران هدف والا و اساسی می گرددو جراحی بزرگ این تغییر اساسی است.

❋ راه حل در این است که مصرف منابع موجود در طبیعت وطن ما (بخصوص در کشور ما نفت و گاز و سایر معادن و شیلات) بدل به بهره برداری علمی از این منابع به قصد ممکن کردن بهره برداری از تمامی آنها برای تمامی نسلها گردد . چرا که این منابع حاصل میلیونها سال کار طبیعت است و متعلق به یک نسل نیست که خوشحال باشیم تا ۳۰ سال دیگر که منابع به اتمام میرسند ما زنده ایم **!** و از پیشخور کردن منابع و متعین کردن زندگی نسلهای آینده به جد دست برداریم **!**و حقوق طبیعت را محترم دانسته با تخریب از زایندگی آن نکاهیم.تا خود طبیعت بستر مولدی گردد که از ویژه گیههای بی حصر ان برخورداررگردیم . آنگونه که ناسا گزارش داده است ایران تا سال ۲۰۳۰ به حدی با بی آبی مواجه می شود که بسیاری از بخشهای آن قابل سکنی نخواهد بود و بایستی مردم ایران وطن را ترک گویند. فرصت کم است و احیای طبیعت جزو مسئولیت همگانی و جمعی و فردی ماست.

❋ راه حل در این است که مدار زیر که مختصه اقتصاد ایران است: یعنی در آمد نفت به درآمد اصلی دولت بدل شده که در مصرف بکار گرفته می شود و همین مصرف گرایی ناچار خود منجر به صدور ثروتهای ملی (نفت و گاز)و سایر سرمایه ها نیز در راستای واردت کالا ها و خدمات بکار گرفته می شوند. بطور اساسی تغییر یابد و در اقتصاد تولید محور از ثروتهای ملی برای سرمایه گذارهای سازنده و سرمایه ای استفاده شود و سایر سرمایه ها در خدمت تامین متعارف نیازهای همه نسلهای و تولید ابتکار و خلق علمی قرار گیرند.

❋راه حل در این است که رشد اقتصادی در سراسر کشور از راه توزیع سرمایه و امکانها و نیز توزیع برابر درآمدها هم آهنگ گردد. یادآور می‌شود که در دوران ریاست جمهوری آقای بنی صدر، در شهرها و روستاها، سطح درآمد خانوارها از سطح هزینه آنها بالاتر شد. با کودتا علیه وی مانع از این امر مهم گشتند که برنامه خود را به اجرا بگذارد وبا ایجاد قطب‌های رشد در مناطق مختلف کشور ایران رشدی شتاب‌گیری گیرد.

❋راه حل در این است که در اذهان جمهمر مردم ایران اقتصاد تولید محور اصل باشد نه اقتصاد مصرف محور .اقتصاد تولید نیز محور خود تابع محوری نگردد که سرمایه و به حداکثر رسیدن سود آن‌است و تولید و خدمات تابع نیازهای انسان حقوقمند در جریان رشد و آبادانی طبیعت بگردند.آنگاه است که شاهد این امر خواهیم بود که بخاطر میل کردن فرآورده‌ها و خدمات ویرانگر به صفر، استعدادها و سرمایه‌های بسیار بیشتری آزاد می‌شوند که می‌توانند، همراه با دیگر نیروهای

محرکه بکار افتند و آهنگ رشد واقعی اقتصادی و تقسیم عادلانه امکانات را برای همه استانهای کشور و اقوام ایرانی اقتصادی را پرشتاب کنند.

❋راه حل در این است که بجای صدور نفت و گاز و دیگر مواد خام و نیمه ساخته به خارج از کشور این مواد و نیروهای محرکه در اقتصاد داخلی بکار گرفته شوند تا بجای ایجاد اشتغال در سایر کشورها در داخل کشور ایجاد اشتغال نمایند وبا بکار افتادن نیروهای محرکه، امکان کار بازهم بیشتری برای نیروی جوان کشور پدید می‌آید.

و...

در شماره آینده راه حلهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی که زمینه ایجاد اقتصادی تولید محور را فراهم می سازند تا در خدمت رفاه و حقوق مردم باشد را بررسی و ارائه خواهم داد.

****

وضعیت سنجی ۳۹۷

تاریخ انتشار : ۲۷ خرداد ۱۴۰۱

آیا بحرانهای اقتصادی ایران راه حلی منطبق برگفتمان حقوندی دارند؟(بخش ۲)

در وضعیت سنجی قبل (۳۹۶) به طرح این مسئله پرداختم که معضلات ایران بر خلاف القایی که رژیم می کند، راه حل دارند و این راه حلها نیز نه در خدمت قدرت بلکه در راستای احقاق حقوق مردم هستند . منتهی این امر، در بستر نظامی حقوند و دمکرات که منتخب واقعی ملت باشد و تمکین به حقوق مردم، اصل اول آن باشد، ممکن است و نه در بستر وجود و حضور و مدیریت نظا م ولایت فقیه که نظامی

وابسته و مستبد است و مافیای مالی و نظامی بر همه ارکانش سلطه گسترانیده است. همچنین تاکید کردم برای داشتن یک اقتصاد حقوند که در آن درآمد ها و امکانات عادلانه توزیع شوند و آحاد ملت در رفاه نسبی قرار گیرند و اقتصاد بجای مصرف محور بودن، تولید محور شود، نیازمند ساختارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هماهنگ و همسو و هم محتوا با ساخت اقتصادی تولید محور است.

همچنین تاکید کردم که هر پدیده خود یک مجموعه است. مثلا یک پدیده اقتصادی تنها یک بعد اقتصادی ندارد بلکه همزمان بعد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز دارد.

بعنوان نمونه مسئله تولید محور کردن اقتصاد ایران، تنها راه حل اقتصادی ندارد بلکه باید بصورت مجموعه بدان نگاه کرد و برای تولید محور کردن اقتصاد ایران، علاوه بر راه حل های اقتصادی، راه حلهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نیز باید تدبیر کرد و اندیشید. در شماره قبل راه حلهای اقتصادی تولید محور کردن اقتصاد ایران را ارائه دادم و در این شماره به راه حلهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آن خواهم پرداخت.

راه حل ها در وجه سیاسی:

❋ مهمترین تغییر اساسی در وجه سیاسی در صورتی انجام می گیرد که دولت تابع ملت شود. یعنی انحلال ولایت مطلقه فقیه بایستی توام شد با استقرار ولایت جمهور مردم و برخورداری شهروندان ایرانی از حقوق پنجگانه خود (حقوق انسانی و حقوق شهروندی وحقوق ملی و حقوق طبیعت و محیط زیست ایرانیان و حقوق جامعه ملی بعنوان عضوی از جامعه جهانی).

تجربه نشان داده است که باور به اینکه "نظام ولایت مطلقه فقیه" اصلاح پذیر است خام اندیشی است. اوضاع سیاسی -اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی کشور را نظام ولایت فقیه تا بدان حد تخریب کرده و میزان بکار گیری خشونت و نادانی و بی کفایتی در هر بعدی تا بدان حد افزایش یافته است که حتی چندین نفر از اصلاح طلبان حکومتی نیز اخیرا امید خود را به اصلاح پذیری نظام از دست داده و اعلام کرده اند که دیگر برای نجات این نظام کاری نمی کنند. بگذریم که هدف واقعی اصلاح طلبان حکومتی در نجات این نظام ،حفظ موقعیت خود در قدرت و یا امید به راه یافتن به بازی قدرت بود که با یکدست شدن این نظام برخی از آنها این امید را اخیرا از دست داد ه اند وگرنه اکثریت اصلاح طلبان حکومتی و مدعیان رهبری هنوز اوجب واجباتشان حفظ نظام است.

❋ راه حل سیاسی در این است که دولت(به مثابه مجموع سه قوه) در ماهیت خود متحول شود و از استبداد علیه مردم و سرکوب مردم و غصب حاکمیت ملی

دست بردارد و آنرا به ملت باز گرداند و بطریق اولی، مردم با تکیه بر توانایی خود حاکمیت غصب شده خود را باز پس گیرندو جمهور مردم ایران مسئولیت اجرای حاکمیت ملی را به عهده بگیرند.

* راه حل سیاسی در این است که حکومت مورد نظر مردم از طرف همه آحاد ملت، در یک انتخابات واقعا آزاد انتخاب شود و مقام با اختیار و با مسئولیت و غیر موروثی را برای زمان محدود انتخاب کنند. وجود مقامی همچون "ولی فقیه مطلقه " که هم پر اختیار است و هم بی مسئولیت و نیز مقامی مادام العمر را به جامعه ما نحمیل کرده است و مقامی است فرا قانونی که می تواند حکم حکومتی صادر کند، تضاد کامل با همه مظاهر یک نظام دموکراتیک و حقوند دارد و نمی تواند منتخب ملت باشد چرا که هیچ ملتی در آزادی و در حین برخورداری از استقلال، چنین مقامی را بر خلاف حقوق خود انتحاب نمی کند .

* راه حل سیاسی در این است که نمایندگان دست نشانده فعلی که قدرت حاکم را بر خلاف حقوق ملی نمایندگی می کنند، جای خود را به نمایندگان و منتخبان واقعی مردم بسپارند و در قبال اختیارات تفویض شده، در مقابل مردم مسئولیت واقعی بعهده بگیرند. چنین نمایندگانی نسبت به دینی که مردم بدانها دارند حساسند و مصوبات آنها در هر چهار بعد سیاسی - اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی نمی تواند بر خلاف حقوق پنجگانه باشد وگرنه بطور خودکار نمایندگی خود را از دست می دهند.

این نمایندگان و حکومت، فعال مایشاء نیستند بلکه یک مردمسالاری، زمانی به بهترین نحو شکل می گیرد که مشارکت مردم روز افزون افزایش یابد و شوراهای واقعی محل عمل پیداکنند و دموکراسی از پایین به بالا در جریان باشد و بطور مرتب زمینه و فضا، برای فعال شدن جامعه مدنی در مشارکت و تصمیم گیری در امور خود و تصدی کارها افزون گردد.

* راه حل سیاسی در این است که خشونت در عرصه سیاسی کاملا بی محل گردد و این با حقوند شدن جامعه ممکن است. هرگاه قواعد خشونت‌زدایی به اجرا درآیند، در بعدهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و در رابطه با طبیعت نیز خشونت بی‌محل می‌شود.

* راه حل سیاسی در این است که مجموعه قوه های موجود در چار چوب دولت، بی نیاز از بکار گیری نیروهای سرکوبگر علیه ولی نعمتان خود یعنی ملت ایران شود و بالعکس تابع ملت و خواست ملت و قانون اساسی بدون تبعیضی شود که بر مبنای حقوق ملت و نه نیازهای قدرت تدوین شده باشد. آنگاه می توان از یک

جمهوری واقعی سخن به میان آورد و می توان از جراحی سیاسی و تبعات اقتصادی صحبت به میان آورد.

* راه حل سیاسی در این است که تمامی نهاد ها و بنیاد ها در خدمت حقوق مردم باشد و نظام، هیچ تکیه گاه داخلی و خارجی، جز ملت نداشته باشد. در حال حاضر سپاه پاسدران و شعباتش و نیز سازمان بسیج، نقش یک حزب وا حد مسلح و ستون فقرات نگهدارنده رژیم ولایت مطلقه فقیه و وسیله سلطه مافیاها بر دولت و اقتصاد را ایفا می کند. در یک نظام حقوند، این نیروهای مسلح پاسدار قدرت سیاسی -مالی بایستی بی‌محل گردند. یک نظام دموکراتیک و مردم سالار تابع ملت، نیازی به نیروهای مسلح پاسدار قدرت ندارد چرا که محور اداره کشور را حقوق تشکیل میدهد و نه قدرت. در چنین نظام حقوندی، ارتش حافظ مرزهای کشور است و نیروهای انتظامی در فراهم کردن امنیت و نظم داخلی تابع حقوق ملتند و نه رو در روی مردم و مطیع قدرت. پس در یک نظام حقوند افراد نیروهای مسلح همگی از بند قدرت آزاد هستند و قوای مسلح وظیفه طبیعی خود را که دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور درصورت تهدید نظامی است، باز می‌یابند.

* راه حل سیاسی در این است که همگی آحاد ملت با هر مرام و عقیده و نظر سیاسی، حق دارند حزبهای سیاسی خود را پدید آورند. هرگاه حزبها خود را بیانگر حقوق گروه‌بندیهای اجتماعی و نه قدرت گروه بندیهای اجتماعی بدانند و در عمل آن را به ملت اثبات کنند و محل عمل خویش را جامعه مدنی بشناسند و بکنند و با قد رت ها ی داخلی و خارجی وارد زد و بند و بده و بستان نشوند و تنها دل در گرو خدمت به حقوق مردم و فراهم کردن زمینه تحقق آن حقوق ببندند، آنگاه ملت ایران می‌تواند امیدوار باشد که توانا خواهد شد، مردمسالاری در خور خود را بر پا کند.

* راه حل سیاسی در این است دو دستگاه بزرگ اداری و نظامی از زیر یوغ کارگزار قدرت استبدادی بودن رها شوند. در این صورت استعداد ها برای ابتکار و خلاقیت در جهت تحقق حقوق مردم بکار گرفته می شود. دستگاه اداری از حالت کنونی انگلی خود که کمترین کار مفید را انجام می دهد و بار عظیم مالی بر دوش ملت است، خارج می شود و اندازه آن با نیاز جامعه تطابق می یابد. دستگاه اداری که بر اساس توانایی و نیاز واقعی جامعه شکل می گیرد ، نقش راهبردی و اصلی خویش را که در جهت رشد همگون کشور و کاستن از بار تخریبی است باز می یابد.

* راه حل سیاسی در این است که روابط شخصی قدرت که در حال حاضر به هزار فامیل معروف است و تارعنکبوتهای روابط قدرت را بوجود آورده‌اند و آنچنان در هم تنیده اند که هیچ یک از ابعاد و بنیادهای سیاسی – اقتصادی- فرهنگی

و اجتماعی کشور از شر سلطه مخرب و مکنده و رانتخوار آنها رها نیست، بی‌محل شوند و در معرض انحلال قرار گیرند.

* راه حل سیاسی در این است که...

راه حلها در بعد فرهنگی

*راه حل فرهنگی در این است که مهمترین بنیاد کشور همانا بنیاد آموزش و پرورش، تغییر ماهوی واساسی نماید. آموزش و پرورش بایستی محل پرورش

انساهای سالم از نظر روانی

انسانهای خوشبخت و شاد که قادر به اداره امور خود هستند

انسانهای خلاق و مبتکر از نظر علمی

انسانهای مسئول از نظر میل به ساخت محیط زندگی حقوند و بعهده گرفتن وظایف در خور ساخت این زندگی

انسانهای توانا از نظر تکیه به توانایی خود برای حل معضلات و مشکلات پیش رو

انسانهای رشد یاب از لحاظ تمایل به سازندگی خود و دیگران و محیط زندگی

انسانهای آینده نگر از لحاظ ملحوظ دانستن ویژه گی ها و نیازهای پیش رو برای خود و نسلهای آینده

انساهای بیدار و هوشیار از نظر داشتن چشم انداز رشد

انسانهای هنرمند از لحاظ توانایی ممکن کردن آرمانها و اهداف و هر انچه قدرت، غیر ممکن و دست نایافتنی می داند

و... گردد

در حال حاضر دستگاه آموزش و پرورش، تولید انسانهای مطیع و غیر مبتکر و ناتوان از اداره امور خود و تابع اوامر و نواهی قدرت را لازم می داند و در واقع ماهیت این دستگاه آشکار می سازد که این بنیاد برای آن ایجاد شده است که برای دولت کارمند تربیت کند و «فارغ‌التحصیل»ها را از دسترس جامعه و حقوق آن خارج کرده و به خدمت قدرت مسلط و قشرهای بیگانه شده با جامعه خود در آورد. نگاه نظام کنونی به نیروهای کار در هر شغلی که باشند، نگاهی است که با خدمت به حقوق مردم بیگانه است .

علاوه بر آن نظام کنونی نیروهای کار را در راه یگانه شدن و هم منفعت شدن قشرهای مسلط و گروه بندی های قدرت داخل کشور و قشرهای مسلط و گروه بندیهای قدرت درکشورهای مسلط پرورش می دهد. بعنوان نمونه شاهدیم که پس از انقلاب با مصادره اموال و کارخانجات افرادی همچون حبیب لاجوردی و محمدتقی برخوردار و تصرف موسسه «هاروارد» که نام آن به « دانشگاه امام صادق» تغییر پیدا کرد، مدیریت این به اصطلاح دانشگاه به محمدرضا مهدوی کنی سپرده شد و هم اکنون نیز این دانشگاه هزینه‌های خود را از سرمایه‌گذاری‌های هلدینگ جامعة الامام الصادق و بودجه سالانه کشور و مجموعه کارخانجات نساجی جامعه، کارخانه داروسازی حیان، پاساژ نور و میلاد نور در تهران، کمک‌های دولتی و تعدادی از بازاری‌های تهران تأمین می‌کند. پس از ملاقات مسئولین، استادان و دانشجویان دانشگاه با آقای خامنه ای در سال ۱۳۸۴ و تأکید وی بر این که وظیفه این دانشگاه تولید علم است، اهداف دانشگاه تغییر محسوسی کرد، تا جایی که شعار «تربیت اسلامی و مرجعیت علمی» به عنوان شعار دانشگاه انتخاب شد. در واقع این دانشگاه "متخصصین" تابع نظام را پرورش می دهد و حاصل مدیریت این نوع "متخصصین" دست پرورده نظام که در دولت سیزدهم هم دارای پستهای کلیدی شده اند، مسئول وضعیت کنونی کشور می باشد مسلما منافع این قشر و خانواده های وابسته بدانها در ایجاد و ابقای وضعیت اقتصادی وابسته و مصرف محور است و این منافع با منافع گروه بندیهای قدرت در کشورهای مسلط که ایران را بازار واردات کشورهای خود کرده و چوب حراج زدن به ثروتهای ملی ما را حق خود می دانند، گره خورده است. وطن ما ایران بخاطر اتخاذ همین سیاستهای خانمانسوز از طرف چنین "عالمانی !" توسط کشورهای مسلط مکیده شده است. وضعیت ادامه تحریم نیز به نفع گروهبندیهای قدرت داخلی و خارجی است. خوانندگان عزیز توجه بفرمایند که این دانشگاه که کارش تولید نیروهای کار و طبقه زبده حافظ نظام ولایت فقیه است، هر ساله مبالغ هنگفت و میلیاردی از اموال عومی، همانا از بودجه سالانه کشور ارتزاق می کند! به اسامی چند نفر از این دست پرودگان نظام و پستهایی که در دولت سیزدهم بعهده گرفته اند، توجه بفرمایید.

۰احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد: کارشناسی و کارشناسی ارشد پیوسته، رشته اقتصاد از دانشگاه امام صادق

۰علی باقر کنی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه: فارغ‌التحصیل رشته معارف اسلامی و اقتصاد از دانشگاه امام صادق است.

۰داوود منظور، رئیس سازمان امور مالیاتی: کارشناسی ارشد اقتصاد و معارف اسلامی از دانشگاه امام صادق است.

۰حجت عبدالملکی، وزیر کار(که اخیرا استعفا داد): کارشناس ارشد معارف اسلامی و اقتصاد از دانشگاه امام صادق

•محمد حسینی، معاون رئیس جمهور در امور مجلس: در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق فارغ‌التحصیل شد.

•میثم لطیفی، رئیس سازمان اداری و امور استخدامی کشور: ریاست دانشکده مدیریت دانشگاه امام صادق

•مجید عشقی، رئیس سازمان بورس: فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد پیوسته در دانشگاه امام صادق

•پیمان جبلی، که با حکم خامنه ای رئیس صدا و سیما شد (وی در سالهای ۸۸ و ۸۹ مسئولیت رسانه‌ای شورای عالی امنیت ملی را بر عهده داشت): کارشناس ارشد در رشته معارف اسلامی و تبلیغ و مدرک دکترا در رشته فرهنگ و ارتباطات، از دانشگاه امام صادق

•وحید یامین پور، معاون وزیر ورزش: فارغ‌التحصیل دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی از دانشگاه امام صادق است.

•غلامحسن اسماعیلی، رئیس دفتر رئیس جمهور: در مقاطعی ریاست دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق را نیز در کارنامه خود دارد.

•علی صالح‌آبادی، رئیس کل بانک مرکزی: کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت مالی از دانشگاه امام صادق

دستگاه اداری و بنیاد اقتصادی کشورکه توسط این به اصطلاح "نخبگان" اداره می شود، در حال حاضر زمینه های جریان صدور نیروهای محرکه (از انسانهای تحصیلکرده تا سرمایه و...) به خارج از ایران را در واقع ساماندهی می کند. در دولتهای قبلی نظام ولایت فقیه نیز دست پرودگان نظام، متصدی فرار سرمایه های علمی و مالی از کشور بودند. به آمار حتی رسمی هم اگر نظر افکنیم می بینیم که :

بررسی‌های همشهری در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ ازداده‌های رسمی بانک مرکزی نشان می‌دهد، تراز حساب سرمایه در ۲۵سال گذشته به منفی ۱۷۵میلیارد دلار رسیده است. عدد مزبور می‌تواند بیانگر این باشد که بخشی از سرمایه از اقتصاد ایران خارج شده است.

تجارت‌نیوز در ۲۲ دیماه ۹۹، با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، «تصویر اقتصاد ایران و چشم‌انداز آن در آستانه تصویب لایحه بودجه ۱۴۰۰» اعلام کرده است که طبق آمارهای وزارت اقتصاد، از سال ۸۹ تا ۹۸ کل سرمایه خارجی جذب شده توسط کشور تنها ۲۱ میلیارد دلار بوده در حالی که در این مدت خروج سرمایه از کشور بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی و صندوق بین‌المللی

پول ۱۲۳/۴ میلیارد دلار بوده؛ خالص حساب سرمایه از سال ۸۹ تا ۹۸ جز سال ۹۳، منفی گزارش شده است.اختلاف بیش از ۱۰۲ میلیارد دلاری سرمایه جذب شده به کشور و سرمایه خارج شده از آن علاوه بر بحران اقتصادی، منعکس‌کننده بی‌ثباتی‌های سیاسی و شدت یافتن تنش‌های بین‌المللی است.

بر پایه تحلیل آمار دریافتی از اداره گذرنامه در بازه زمانی سال ۸۰ تا مرداد ۹۹ که وب‌سایت خبرآنلاین منتشر کرده، ۳۷/۲ درصد از «دارندگان مدال در المپیادهای دانش‌آموزی»، ۲۵/۵ درصد از «مشمولان بنیاد نخبگان» و ۱۵/۴ درصد از افراد «حائز رتبه‌های یک تا هزار» آزمون سراسری «کشور را ترک کرده» و مقیم خارج از ایران شده‌اند.

چنانچه شرایط فرهنگی –سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در راستای احقاق حقو ق مردم و آزادی های سیاسی و فرهنگی و امنیت کاری و قضایی برای آحاد مردم مهیا باشد و نیز تبعیضهای متعدد اجتماعی در جامعه وجود نداشته باشد، دلیلی بر این نوع مهاجرت ها وجود ندارد چرا که در یک نظام و جامعه حقوند، هر شهروندی در موطن خود از بیشترین و مناسبترین فضای فکر و اندیشه برخوردار است و وطن بعلت فراهم آوردن امکانات لازم و مانوس انسان، خود حاصلخیز ترین محل عمل اندیشه و دست انسان و منتفع شدن از حاصل هنر اندیشه انسان است. از اینرو روند مهاجرتی که مبنای آن نبود امکانات و امنیت و وجود تبعیض است، بایستی تغییر یابد تا حضور شهروندان مسئول وطن را مطمئن ترین و بارورترین زمینه برای باروری اندیشه و خلاقیت ایرانیان بسازد.

*راه حل فرهنگی در این است که رشد علمی و فنی خاص یک اقلیت کوچک نباشد و همه امکانات در اختیار اغنیا و وابستگان به نظام نباشد. نزول سطح دانش و فن در جامعه و رواج گرفتن خرافات، موجبات انحطاط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را فراهم می آورد.

*راه حل فرهنگی در این است که بنیاد های آموزش و پرورشی کشور در خدمت استعدادهای گوناگون انسانها باشد. وطن ما ایران بایستی استقلال فرهنگی خود را از راه محل جولان ابتکار علمی و فکری دادن به ایرانیان باز یابد. آنگاه است که شاهد این امر خواهیم شد که شکل و نضج گیری فرهنگ استقلال و آزادی، خود از پر ثمرترین نتایج یک نظام و جامعه حقوند و نیز اقتصاد تولید محور خواهد بود.

*راه حل فرهنگی در این است که دین ها و مرامها از تعرض قدرتها و گروه بندیهای قدرت رهایی یابند و جای آنها در ذهن و دل انسانها باشد. جامعه خود مواظب باشد تا قدرت حاکم، دینها و مرام های افرادجامعه را مورد تعرض و

بازیچه و دستاویز اجرای قدرت خود بنام دینها و مرامها نگرداند و خود جامعه حافظ مرامها و ادیان و آزادی عمل بدانها توسط شهروندان بداند.

*راه حل فرهنگی در این است که بیان استقلال و آزادی، اندیشه راهنمای ایرانیان حقوند گردد. چرا که انسانهای آزاد، فرهنگ ساز خواهند بود. انسانهای مستقل در اندیشه و عمل، تابع قدرت فرموده ها نخواهند شد و آزادی و استقلال و قوه رهبری خود را در خدمت قدرت قرار نخواهند داد.

*راه حل فرهنگی در این است که فرهنگ استقلال و آزادی الگوی فردی و جمعی قرار گیرد. زیرا چنین انسانهای با فرهنگی عرصه زندگی فردی و جمعی را عرصه زندگی بر اساس سنجش تدبیر علمی و نه قضا و قدر می نمایند.

*راه حل فرهنگی در این است که انسانهای با فرهنگ روشهای بکار گرفته در زندگی را روش تجربی انتخاب کنند. از اینرو برای تجربه واقعی و نه دستکاری شده توسط قدرت با آمارها و نتایج تقلبی اهمیت قائل خواهند بود.

*راه حل فرهنگی در این است که خشونتهای ضد فرهنگ از قبیل بیان ناسزا و تهمت و دورویی و تخریب نظر و عقیده و فکر و ترور اخلاقی افراد از ادبیات کشور رخت بربندد و جای خود را به ایجاد محور اخلاق انسانی، همانا صداقت و راستگویی و تشویق و برکشیدن دیگری و کمک به تصحیح منش خطاکار در پندار و گفتار و کردار ببخشد و سازندگی در ذهنیت و فضای رشد و داشتن نظر و تولید نظر و اصل جبران بجای تنبیه محور روابط فرهنگی قرار گیرد.

راه حلها در بعد اجتماعی

*راه حل اجتماعی در این است که سلسله مراتب هرمی شکل جامعه که بر محور قدرت پدید آمده‌است، بی‌محل گردد و تبعیض‌های اجتماعی ازحمله تبعیض مالی و جنسی و نژادی و قومی و موقعیتی و خاستگاهی و ... همگی بی‌نقش گردند. چرا که این با تبعیض‌زدایی و از میان برخاستن مرزهای طبقاتی است که استعدادها آزاد و فعال می‌شوند.

*راه حل اجتماعی در این است که بجای تبعیض و خشونتهای اجتماعی، مشترکات مردم ایران که حقوق پنجگانه آنها است، مبنای همه تعاملات اجتماعی گردد و روابط فرد با فرد و فرد با جمع و روابط خانودگی و اداری و آموزشی و ... همه بر مبنای حقوق برابر شکل گیرد و نه بر اساس تبعیض‌هایی که قدرت آنها را ایجاد می کند.

*راه حل اجتماعی در این است که تعریف و ساخت "کار" دچار تغییر اساسی و بنیادی گردد. بدین صورت که کار اصلی هر فردی و نیز کار اصلی جامعه، رهبری فردی و جمعی وطن و امورات کشور شود. در همه جوامعی که تحت استبداد قرار دارند و نیز ساخت زیر سلطه دارد، ساخت کار ساده است و تنوع ندارد چرا که کار ها به تولید کالا ی مادی تنرل می یابد و یا خدمات به خدمات بنیادهای قدرت و نه خدمت به رشد و اعتلای انسان. در واقع نیاز قدرت به انسانهای بدون ابتکار و خلاقیت و نو آوری و نیز انسانهای بی تفاوت و بی مسئول، از ماهیت کار می کاهد و واژه کار را که سازندگی را به ذهن متبادر می کند، به ضد کار تبدیل می کند. در نظامهای استبدادی و ضد حقوق، اکثریت جامعه مجاز نیستند که در امور شخصی و عمومی به ابتکار و ابداع و خلق دست بزنند و هر نوع ابتکاری جرم محسوب می شود و نتیجه آن زندان و سرکوب است. تنها اقلیتی کوچک مجاز به بکار گیری ابتکارند که آنهم چون در محدوده نیاز قدرت است سریع به جزمیت فکری بدل می شود و تا تاریخ مصرف آن نیز تمام شد، فرد مبتکر نیز مغضوب قدرت قرار می گیرد و حذف می شود. پس راه حل اجتماعی در این است که کار معنای واقعی خود را که همانا سازندگی و ابتکار و اختراع و کشف و دانش آموختن و آگاهی را دامن زدن و مبادله اطلاعات و دانش و رهبری امور فردی و جمعی است، بیابد و همگان امکان داشته باشند کار پر محتوا را انتخاب کنند. این معنای کار مسلما بایستی از محیط خانواد ه شروع و ارج گزاری شود و در محیط مدرسه و دانشگاه مدارج رشد آن آموزش داده شود. چنانچه ماهیت کار در بعد اجتماعی تغییر یابد می توان شاهد تغییرات بزرگ در بعد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی شد و اقتصاد تولید محور نیز یافت.

*راه حل اجتماعی در این است که هنر و هنرمند ارزش بایسته را در اذهان اجتماع بیابند و خود هنرمندان نیز هنر را نه تقلید از یک نرم خاص بلکه بمثابه گشودن فراخناهای جدید و امکانهای نو بر روی خود و جامعه و جهان بدانند و پیشتاز جسارت و شجاعت ارائه طرح های نو و خلاق برای تغییرات اساسی و بنیادی در اذهان ملت گردند و با هنر پیشتاز خود با جزمهای ذهنی و فکرهای جمعی جباری که نظامهای سلطه گر و زیر سلطه می آفرینند مبارزه و آنها را بی اثر نمایند.

*راه حل اجتماعی در این است که جامعه وظیفه خود بداند زمینه های آسیبها و نابسامانیهای اجتماعی اعم از اعتیاد و فحشا و دزدی و جرم و... را روز بروز کمتر و کمتر کند. جامعه باید بداند که نابسامانهای اجتماعی حاصل تبعیض ها و نادانی و جهل و نیازهای بر آورد ه نشده و تلنبار شده است. هر نیازی بایستی به وقت خود و با ابزار و روشهای درخور انسان و منزلت وی رفع گردد و پاسخ شایسته بیابد. در نظر بگیریم مسئله موانع موجود در راه پیوند و یا ازدواج جوانان

را که اغلب فرهنگی و اقتصادی است. توقعات بیجا و زیاده طلبی ها و چشم و هم چشمی ها و مادیت گرایی و زیاده طلبی و حرص و طمع و فخر فروشی و تعاریف غلط نقش زنان و مردان در خانواده و زمینه سازی برای تبدیل محیط خانوادگی به زندان آزادی های فردی ... بخشی از جنبه های فرهنگی این موانع را تشکیل می دهد که با تغییر اصل راهنمای قدرت به آزادی واستقلال، می توان به مبارزه با ضدفرهنگها برخاست و با جانشین کردن اخلاق و معنویت بجای بسیاری از معیارهایی که نماد مادی دارند و نیز تعریف صحیح مطابق با حقوق، برای نقش زنان و مردان در خانواد ه و خانواده را چشم انداز گسترش استعداد ها و امکانات و محل رشدو اعتلای اخلاقی و علمی و فرهنگی دانستن، می توان از میزان عناصر ضد فرهنگ در جامعه کاست.

و نیز چنانچه گرانی و تورم و فقر و نداشتن مهارت اداره زندگی که بخشی از موانع اقتصادی و پیوند دو فرد است، به همت مردم و دولت حقوند رفع گردد، پیوند دو فرد را که چشم انداز گسترش امکانات زوج را فراهم می آورد، ممکن می شود. اینگونه جامعه خود نیز از تجمیع استعدادها و ایجاد محیط آرامش و امنیت خانواد گی بهره می برد.

+++

حال که اینجانب برخی از راه حلهای حقوند شدن جامعه را در چهار بعد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در راستای تولید محور شدن اقتصاد ارائه داد ه ام، بر خوانندگان گرامی است که روش تجربی را بکار گرفته و پیش خود حساب کنند که آیا یک تغییر در بعد اقتصادی همانند تولید محور کردن اقتصاد، بدون این تغییرات در سه جنبه دیگر همانا جنبه های سیاسی – اجتماعی و فرهنگی ممکن است؟

آیا می توان فرهنگی مطابق با ابتکار و خلاقیت و علم جویی و رسیمت یافتن رهبری فردی و جمعی و ...داشت ولی تحت سلطه نظامی با ماهیت نظام ولایت مطلقه فقیه زیست ؟!

لزوم این تغییرات اساسی در هر چهار بعد سیاسی – فرهنگی – اجتماعی و اقتصادی آیا به شما ملت فهیم ایران این پیام را نمی دهد که براستی فردا دیر است و هم امروز باید دست بکار شد ؟

و تا همه هستی ما در اثر تخریب نظام جاکم منهدم نشده، نبایستی حاکمیت را به جمهور مردم برگرداند؟

حال که محرز شد مسائل ایران راه حل دارد و این راه حلها اگر می خواهیم در خدمت احقاق حقوق مردم باشد، در نظام ولایت فقیه قابل اجرا نیست.

بر ما ایرانیان است که وجدانهای علمی و تاریخی و اخلاقی فردی و جمعی خود را تقویت کنیم و مسئولیت خود را بیاد آوریم تا همه آحاد ملت نسبت به لزوم هر چه سریعتر و بی بازگشت این تغییرات اساسی وجدانی همگانی یابند.

همینجا جای دارد یادی کنم از استاد فرهیخته و مبتکر و خلاق خود آقای ابوالحسن بنی صدر که واژه و مختصات "اقتصاد تولید محور" ابتکار ایشان بوده و کلیه راه حلها نیز استنباط از راه حلهایی است که ایشان همواره برای معضلات کشور می سنجیدند.منتهی با مسایل روز تطبیق داده شده اند. از اینرو بر خود واجب می‌دانم که در کسوت شاگردی از زحمات و درس آن استاد صدیق که همواره زمزمه محبتی بی شائبه بود قدردانی کنم .اندیشه خلاق وی همچون بعثتی دائمی چراغ راه همه جویندگان حق و دانش خواهد بود.

نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار

چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم

****

وضعیت سنجی ۳۹۸

تاریخ انتشار : ۱۳ تیر ۱۴۰۱

ضربه پذیرترشدن صنعت نفت و گاز ایران در نظام ولایت فقیه (بخش۱)



دو هموطن عزیز با ارسال نامه به اینجانب، به طرح سوالهای مهمی در زمینه صنعت نفت و گاز ایران پرداخته اند که در ذیل عین نامه ها را (و با کسب اجازه ای که از این عزیزان کرده ام عین نام نویسندگان) را نقل می کنم و سعی می کنم در دو وضعیت سنجی به سوالهای این عزیزان پاسخ گویم.

با سلام به شما خانم ژاله وفای عزیز،

اینجانب کیان تقوی مقالات شما را در اینترنت بدنبال ۲۵ شماره ای که در باره مشکلات آموزش و پرورش ایران نوشتید با علاقه دنبال می کنم به ویزه تحلیهای رسا و خوبتان در مورد بودجه را و از آنجا که دبیر هستم محتوای آنها را نیز به شاگردان خود می آموزم.

در زمینه ای می خواستم با شما درد دل کنم و نیز در این رابطه طرح چند سوال کنم. متاسفانه ما ملت مصرف زده ای هستیم. من خود شاهدم که اغلب خانواده ها فرهنگ استفاده ازسیستمهای گرمایشی خصوصا گازی را نمی دانیم. در این زمینه فرهنگ سازی نیز از طرف دولت و نهاد های اجتماعی بسیار کم شده است چرا که مثلا با لباسی آستین کوتاه در خانه می گردیم ولی شوفاژ ها را روی آخرین درجه روشن می گذاریم. حتی اگر بایستی قیمت سرسام آور گاز را بپردازیم، این رفتار غلط را تغییر نمی دهیم. من سعی وافر کردم که به دانش آموزانم اهمیت کم مصرف کردن انرژی و عدم اسراف آن را بیاموزم. بعلت شغلم میدانم که تغییرات فرهنگی دیر به نتیجه میرسند اما اگر نا امید نشویم عاقبت به نتیجه می رسند. به همین دلیل پیگیر بودن ما معلمان و دبیران شاهدید که اعتراضات صنف ما نیز ار نفس نمی افتد و به امید تغییرات اساسی آن اعتراضات را با جدیت ادامه می دهیم.

سه سوال دارم از حضورتان

۱-آیا دولتهای مختلف در ایران توانسته اند برنامه ای را برای کم کردن مصرف نفت و گاز در ایران پیاده کنند؟ شنیده ام مصرف گاز در ایران چند برابر میانگین جهانی است .

۲- آیا مصرف داخلی گاز ایران، محلی برای صادرات گاز گذاشته و یا خواهد گذاشت ؟

۳- آیا با توجه به فشاری که تحریم نفت بر ایران وارد کرده است، بهره برداری از نفت دریای خزر و یا گاز پارس جنوبی برای ایران بصرفه است برای صادرات ؟

موید باشید-کیان تقوی

خانواده هموطنی نیز سوالهای خود را با اینجانب به شرح ذیل مطرح کرده اند.

خانم وفای گرامی

با درود فراوان به شما بانوی گرامی، بنده و اعضای خانواده از خوانندگان همیشگی مقالات و وضعیت سنجی های شما در تارنمای انقلاب اسلامی در هجرت هستیم. وضعیت سنجی های قرادادها با روسیه بنظرمان بسیار جالب و مهم آمدند چرا که به زوایایی اشاره کردید که از چشم مردم پنهان می مانند. راه حل هایی که در چهار بعد اجتماعی نیز ارائه دادید مایه امیدواری است که ملت ایران می تواند بعد از سرنگونی حاکمیت زر و زور، ایران را در آبادی بسازد و مشکلات کشور راه حل دارند. اما پس از مطالعه آنها اجازه بفرمایید چند سوال را که برای اینجانب و همسرم و پسر دانشجویمان پیش آمده را با شما مطرح سازم.

۱- با توجه به وضعیت جهانی نفت و احتمال تحریم نفت و گاز روسیه آیا ایران توانا است که با ارائه نفت و گاز خود، بازار را در دست بگیرد و آیا حاکمیت اصلا تدابیری در این زمینه سنجیده است؟ البته از بس این نظام بی کفایت است بعید به نظر میرسد که تدابیری سنجیده باشد.

۲- اما از آنجا که اخباری که در این زمینه منتشر می شوند ضد و نقیضند، اشخاصی که مسئله را بطور مداوم دنبال نمی کنند اما علاقمند به دانستن سرنوشت کشور هستند همانند امثال من، از این اخبار ضد و نقیض سردرگم می شوند لذا از شما خانم ژاله وفا خواهش می کنم در این زمینه سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی و

نیز در رابطه به آنچه که در وضعیت سنجی ها در زمینه سیاست روسیه گفتید برای ما مردم مشخص کنید که آیا در بلبشوی بازار نفت و گاز ایران آینده ای دارد؟

۳- اصولا وضعیت واقعی صادرات خصوصا گاز ایران در چه وضعیتی است؟ آیا ایران امکان این را دارد که به اروپا گاز ارسال نماید؟ و آیا کشورهای رقیب، بازار ایران را خراب می کنند یا خیر؟

٤- اگر دولت سیزدهم پول نفت خود را توانسته است وصول کند پس چرا قیمت کالاهای اساسی را برای جبران کسر بودجه بالابرد با اذن به اینکه مردم دست به شورش میزنند .

ارادتمندان

خانواده شیدایی

با درود به هموطنان عزیزی که سوالهای بسیار مهمی را مطرح کرده اند.

اینجانب البته در دنباله وضعیت سنجی هایی که در رابطه با قراداد های پنهان ایران و روسیه نوشته بودم، قصد پرداختن به برخی از این مسائل را داشتم. اما شما عزیزان در مقابل، سوالهای مشخص طرح کرده اید و از آنجا که موضوع روز است و می تواند سوالات بسیاری از هموطنان نیز باشد، در دو شماره به سوالهای شما عزیرا پاسخ می د هم. چرا که بررسی نسبتا دقیق مسئله نیازمند توضیح است.

برای روشن تر شدن مسئله اینجانب ناچارم در پاسخ دادن به سوالهای شما ترتیب آنها را جابجا و برخی را با هم ادغام کنم. ابتدا به سوالهای مخصوص مصرف زدگی اقتصاد ایران و نیز مسئله گاز که از جمله سوالهای دو پرسشگر گرامی هستند می پردازم. چون مساله نفت آمار جداگانه ای دارد.

ابتدا به پاسخ به سوال ۲ و ۳ آقای کیان تقوی گرامی دبیر دلسوز می پردازم:

سوال ۳- آیا با توجه به فشاری که تحریم بر ایران وارد کرده است، بهره برداری از نفت دریای خزر و یا گاز پارس جنوبی برای ایران بصرفه است برای صادرات ؟

پاسخ : اینجانب همواره مخالف فروش نفت بصورت خام به قصد درآمدزایی برای دولت بوده و خواهم بود. چرا که این ماده ذیقیمت از آن نسل ما تنها نیست و ساخت ترکیبات نفت در طبیعت میلیونها سال زمان برده است و زمانی خواهد رسید که بشریت به حماقت خود پی خواهد برد که در مصرف نفت و گاز همه زمانی و همه

مکانی نگاه نکرده چرا که افق دید قدرتمدار آن تصمیم گیرنده و ملتها و اقتصادهای مصرف زده، کوتاه است و به نتایج وخیم آن توجه نمی کنند و زمانی که امیدوارم چندان دور نباشد سطح خود آگاهی بشر بجایی می رسد که متوجه خواهد شد که چه ماده ذیقیمتی را با چه سرعتی صرفا برای تامین انرژی سوخت به هدر داده و در کنارش نیز آلودگی شدیدی در جهان نیز ایجاد کرده است. از دید اینجانب از نفت می توان بسیاری مواد با ارزش افزوده در پتروشیمی ها تولید کرد که آنها را نیز بایستی به اندازه ای مصرف کرد که حق طبیعت و محیط زیست را بجای آورد و اندازه استفاده از آنها بحدی باشد که به محیط زیست همه جانداران منجمله بشر در دراز مدت برای زیست همه انسانها صدمه نزند. اما در میادین مشترکی که حق مشاع ایران نیز برسمیت شناخته نمی شود مثل پارس جنوبی، نمی توان براحتی گذاشت که کشوری مثل قطر، ثروتهای ملی ایران را استخراج کند و ایران توانا به استخراج نفت و گاز نباشد. لذا چنانچه قرار باشد سرمایه گذاریهایی در صنعت نفت و گاز صورت گیرد مسلما به صرفه تر است که در میادین مشترک این سرمایه گذاریها انجام گیرد تا من باب نمونه در میادین نفت و گاز ایران در دریای خزر که هنوز ایران بهره برداری را شروع نکرده و بهره برداری نیز بعلت وجود میادن نفت در قعر دریاآسخت تر و پرهزینه تر است.

سوال ۲ -آیا دولتهای مختلف در ایران توانسته اند برنامه ای برای کم کردن مصرف نفت و گاز در ایران پیاده کنند؟

و بخشی ازسوال ۳ خانواده شیدایی : اصولا وضعیت واقعی صادرات خصوصا گاز ایران در چه وضعیتی است ؟

جهت روشن شدن میزان شدت مصرف انرژی در ایران بهتر است مقایسه ای بدست دهیم.

ابتدا تذکر دهم که بر این امر واقفم که هیچگاه نمی شود موقعیت دوکشور را دقیق با یکدیگر مقایسه کرد خصوصا که نمی توان یک کشور مثل آلمان را که جزء توانا ترین کشورهای صنعتی است با وضعیت ایران فعلی که زیر یوغ یک نظام استبدادی است مقایسه کرد. اما هدف از این مقایسه این است که دو کشور با جمعیت برابر و وسعت های نابرابر،(آلمان یک پنجم ایران مساحت دارد) چرا در دو وضعیت کاملا متفاوت اقتصادی قرار دارند. از دید اینجانب مردم ایران نیز چنانچه اهداف انقلاب خود را یعنی کسب آزادی و استقلال و حقوند شدن را با جدیت تمام برای رشد و توسعه پی بگیرند، آنهم مطابق حقوق خود، هیچ از سایر کشورها کم ندارند و چه بسا از نعمات فراوان تری هم برخوردارند.

سرانه مصرف انرژی‌های پاک در آلمان ۲۲۱ برابر ایران است. در صورتی که آلمان از کمبود انرژی خورشیدی رنج می برد و ایران به وفور از این نعمت

برخوردار است ولی دولتهای نظام ولایت فقیه با "صرفه" تر می دانند که انرژی فسیلی مصرف کنند ولی روی انرژی های تجدید پذیر و پاک سرمایه گذاری کافی نکنند. آلمان به اندازه یک پنجم کل مصرف انرژی ایران، تنها انرژی‌های تجدیدپذیر تولید می‌کند. حتی سرانه مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر ترکیه ۴۵ برابر ایران است.

در مقام مقایسه، آلمان با اقتصادی ۲۰ برابر بزرگتر از اقتصاد ایران (بانک جهانی در سال ۲۰۲۱بر اساس نرخ جاری دلار، تولید ناخالص داخلی آلمان برای سال ۲۰۲۰ آلمان را ۳.۸ هزار میلیارد دلار و ایران را ۱۹۱ میلیارد دلار برآورد کرده است) کمی بیش از ایران مصرف انرژی دارد. ایران به‌طور میانگین سالانه حدود ۲۵۰ میلیارد مترمکعب گاز در کشور مصرف می‌کند.

این مصرف در کشور آلمان بطور متوسط از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۲۲ بطور میانگین در حد ۹۰/۵ میلیارد متر مکعب است. در نظر باید داشت که آلمان کشوری ۸۳ میلیونی است که هم منازل و هم صنایع بزرگ آن به گاز وابسته هستند و سطح صادرات آلمان در سال ۲۰۲۱ از دوران پیش از کرونا هم فراتر رفت و صادرکنندگان آلمانی توانستند با وجود کمبود مواد اولیه و اختلال‌هایی که در زنجیره تأمین جهانی به وجود آمده بود، میزان صادرات کشور خود را به ۱۳۷۶ میلیارد یورو برسانند.

برای نمونه آمارهای بین‌المللی، از جمله آژانس بین‌المللی انرژی یا شرکت «بی‌پی» نشان می‌دهد که سرانه مصرف انرژی در ایران دو برابر متوسط جهانی است. سرانه مصرف انرژی ایران در سال گذشته ۱۴۳ گیگاژول بوده، در حالی که متوسط مصرف سرانه انرژی جهان ۷۱.۴ گیگاژول بوده است.

میزان تولید و مصرف گاز طبیعی در ایران / مصرف سالانه گاز طبیعی ایران ۹ میلیارد مترمکعب افزایش می‌یابد.

مطابق آماری که مجید چگنی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در سومین روز از بیست و ششمین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی («فلزات آنلاین»، در ۲۶,۰۲,۱۴۰۱) ارائه کرده است: "به‌طور میانگین سالانه حدود ۲۵۰ میلیارد مترمکعب گاز در کشور مصرف می‌شود، مجموع گاز تحویلی به شبکه در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۶۹ میلیارد مترمکعب بود که ۱۲۲ میلیارد مترمکعب در بخش خانگی و تجاری و ۷۱ میلیارد مترمکعب در بخش نیروگاهی مصرف شد. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده، مقدار کل گاز تزریقی به شبکه امسال روزانه ۴۵ میلیون مترمکعب افزایش می‌یابد و به حدود ۲۷۸ میلیارد متر مکعب می‌رسد. این مقدار در سال گذشته یعنی سال ۱۴۰۰ برابر با ۲۶۹ میلیارد مترمکعب بود که این افزایش تولید از فاز ۱۴ و فاز ۱۱ پارس جنوبی خواهد بود."

مجموعه متفاوتی که درآمدهای نفت و گاز ایران با اقتصاد های مسلط و با اقتصاد ایرانی می دهد:

واقعیت مصرف محور شدن اقتصاد ایران که بعلت بی کفایتی دولتها و نداشتن برنامه ای مطابق با حقوق پنجگانه انسان و طبیعت رخ داده است، باعث شده که در وطن ما ایران، مجموعهٔ اقتصاد نفت با اقتصادهای مسلط صنعتی، و مجموعه درآمدهای نفتی با کل مصرف نفت در ایران، هر کدام نوعی مجموعهٔ متفاوت در دو محل متفاوت، بدهند.

اولین مجموعه را نفت و گاز در کشورهای صنعتی مسلط می دهد که در آنجا یک پویایی تولید ایجاد می کند. یعنی نفت و گاز صادراتی به این کشورها مولد می شوند و در تولید بکار می افتند و لذا ایجاد اشتغال نیز می کند و اقتصاد آنها را براه می اندازد.

مجموعهٔ دوم که نفت و گاز و درآمدهایش، در درون اقتصاد زیر سلطهٔ کشور ما می دهد این است که آن درآمدها یک پویایی از مصرف ایجاد می کنند و صرف واردات می شود. این پویایی تمامی خطوط اساسی سیاست اقتصادی ما و در نتیجه سیاست نفتی ما را تعیین می کند. در واقع امر چه در دوران پهلوی و چه در دوران نظام ولایت فقیه، آن نفتی که از چاه های ما بیرون کشیده می شود، در اقتصادهای مسلط تبدیل می شود به مادهٔ مولد برای ایجاد اشتغال و کار و کارآیی اقتصاد و درآمدش در درون کشور ما برعکس، اقتصاد ما را دچار تجزیه می کند و نه تنها اقتصاد را براه نمی اندازد، بلکه مثل یک دستگاه مکنده ای می شود و محصولات آنها را به درون کشورما وارد می کند و ضربه به اشتغال و ابتکار می زند چرا که تولید داخلی را از کار می اندازد، علاوه بر سرمایه های ملی که نفت و گاز هستند، سایر سرمایه های ملی دیگر را- بخصوص نیروهای محرکه ای که استعداد های درخشان علمی و فنی ما هستند و همچنین حاصل کار مردم- روزبروز بیشتر و در ابعاد گسترده تری می مکد و بطرف اقتصاد کشورهای مسلط سوق می دهد.

لذا معتقدم ایران با داشتن نعمتی همانند تابش خورشید و با توجه به اینکه میزان تابش خورشیدی در ایران ۲۰۰۰ kWh/m۲/yr یکی از بزرگترین مقادیر در جهان است که برای نمونه بیش از دو برار میزان تابش متوسط خورشیدی سالانه در آلمان است و امکان استفاده از انرژی بادی در بسیاری از نقاط ایران (اطلس آن را آلمانیها برای ایران تهیه کرده اند) که از انرژی های پاک هستند، نبایستی نه در داخل و نه به قصد صادرات نفت را بعنوان ماده خام بفروشد.هم بعلت با ارزش بودن نفت و هم بخاطر میزان آلودگی و دی اکسید کربنی که ایجاد می کند.

از اینرو مخالف هر گونه استخراج نفت بدین مقصود هستم. دولت حقوندی در آینده ایران لازم است که با پایه گذاری کردن یک اقتصاد تولید محور و حقوند(با رعایت حقوق چهارگانه انسان و حق طبیعت)، اقتصاد ایران را از تک محصولی نفت رها سازد و ارزش این ماده را بداند و بودجه دولت ها در آینده به در آمد نفت وابسته نباشد. لذا از دید اینجانب بهره برداری از منابع نفتی خصوصا آنهایی که با سایر کشورها نیز مشترک نیست و متعلق به نسلهای آینده نیز هست، نبایستی اکنون و با عجله به قصد درآمد زایی آنهم برای نظامی مافیایی صورت گیرد. یاد آور شوم که آقای زنگنه وزیر نفت دوران خاتمی و روحانی مسابقه در استخراج نفت و فروش آن گذاشته بود و قصد داشت میزان استخراج نفت را که نام آنرا هم به غلط (تولید نفت **!**) گذاشته بود به بیش از ۸ میلیون بشکه در روز برساند تا برای نظام ولایت فقیه در آمد کسب کند**!**

یکی از دلایل کودتا علیه دولت آقای ابوالحسن بنی صدر، منتخب واقعی ملت ایران، سعی در قطع وابستگی ایران به نفت بود.

از ابتدای انقلاب نیز بجز در دوران ریاست جمهوری آقای بنی صدر، کمتر دولتی بفکر تقویت بنیاد تولید واقعی در ایران و قطع وابستگی بودجه به نفت بوده است. در دوران آقای بنی صدر برنامه مهمی اجرا شد که خدمتی مهم به جامعه ایران بود و این خدمت از طرف نظام ولایت فقیه سانسور شده و می شود و اینگونه بود که: در آخرین سال دوره محمد رضا پهلوی(که مسابقه فروش نفت خام گذاشته بود) ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت استخراج می شد که ۷۰۰ هزار بشکه آن برای مصرف داخلی با جمعیت ۳٤ میلیونی بود و ۵ میلیون بشکه نفت هم صادر می شد اما در دوران ریاست جمهوری آقای بنی صدر با توجه به وجود گروگانگیری و توقیف ذخایر ارزی ایران و نیز جنگی که بر ساختار تولیدی ایران صدمه زده بود، ایشان به کمک آقای مهندس معین فر صادرات نفت را تا حد یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه کاهش دادند اما با استفاده از پتانسیل انقلاب قیمت نفت از ۱۳ دلار برای هر بشکه در زمان شاه به ۳۴ دلار برای هر بشکه در بازار رسمی و در بازار آزاد (فروش به ژاپن) به بشکه ای ۴۰ دلار افزایش دادند. با این سیاست آقای بنی صدر ۳ کار مهم انجام داد:

۱- هم به عمر ذخایر چاههای نفتی ایران افزود

۲- هم حق ایران را با فروش نفت به قیمت واقعی نفت از کشورهای مصرف کننده گرفت

۳- هم ترکیب بودجه را به بودجه ای تولید محور تغییر داد (به ویژه گیهای بودجه دوران وی ارجاع می دهم .

ملت ایران باید بدون حب و بغض در این مساله تامل کند که کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ علیه حکومت ملی دکتر مصدق و نیز کودتای ۳۰ خرداد ۶۰ علیه حکومت آقای بنی صدر تنها بعلت این رخ داد که برنامه های این دو حکومت تولید محور بودند و برنامه اقتصادی تولید محور این دو حکومت که در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نیز تکیه بر توانایی مردم و نیروهای محرکه ایران از قبیل ابتکار و خلاقیت و توانایی مردم داشت تنها می توانند در نظامهای حقوقمند به ثمر نشیند و از اینرو نظامهای استبدادی که مصرف محورند به ضرس قاطع روی به کودتا علیه این نوع حکومتها می آورند. همانطور که نظام استبدادی پهلوی و نظام ولایت فقیه علیه این دو حکومت منتخب واقعی مردم به کودتا دست زدند .

در حال حاضر بیش از ۹۷ درصد انرژی مصرفی ایران شامل گاز و محصولات نفتی است. (این رقم شامل برق هم می‌شود، چون ۹۰ درصد برق ایران در واقع از سوخت‌های فسیلی تولید می‌شود)

در زمانی که قانون برنامه ۵ ساله ششم "توسعه" در کشور جاری شد، میانگین بازدهی عنوان شده برای واحدهای نیروگاهی کشور ۳۷,٦ درصد به ثبت رسیده بود. این یعنی از هر ۱۰۰ واحد انرژی وارد شده به نیروگاه به منظور تولید برق ٦۲,٤ واحد تلف شده و تنها ۳۷,٦ واحد انرژی زمینه تولید برق را فراهم می‌کند. میانگین جهانی بازده واحدهای نیروگاهی دنیا بر اساس اطلاعات مستند وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا معادل ۵۲ درصد برای سوخت گاز طبیعی است و در برخی کشورها ٦۰ درصد متوسط راندمان است به خاطر تکنولوژی خوب توربینهای گازی. بدین ترتیب، بیش از یک سوم سوخت تحویلی به نیروگاه‌های برق ایران به خاطر راندمان پایین آنها به هدر می‌رود. از طرفی نیز آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که ۱۲ تا ۱۳ درصد برق تولیدی کشور در مرحله انتقال و توزیع به هدر می‌رود.

در نظام ولایت فقیه برنامه های "توسعه" نیز تنها برای ثبت بروی کاغذ اند و در عمل هیچگاه آن برنامه ها دنبال و عملی نمی شوند. بعنوان نمونه با توجه به بازه ثبت شده در ابتدای اجرای برنامه ششم توسعه، در ابتدای سال ۱٤۰۰ با در نظر گرفتن تکلیف این برنامه بازدهی واحدهای نیروگاه حرارتی وزارت نیرو، بخش خصوصی و صنایع بزرگ باید به ٤۵,٦ درصد رسیده بود و در انتهای سال ۱٤۰۰ با پایان عمر برنامه ششم توسعه این رقم باید به ٤۷,٦ درصد نزدیک می‌شد.با علم به تکلیف وزارت نیرو بر اساس آخرین آمار ارائه شده از صنعت برق در آمار شهریورماه آب و برق وزارت نیرو، بازده واحدهای نیروگاهی کشور تنها به ۳۹ درصد رسیده است. به عبارت دیگر از ابتدای اجرای قانون برنامه ۵ ساله ششم تا ابتدای سال ۱٤۰۰ تنها شاهد رشد ۱,٤ درصدی بازدهی در مدت ٤ سال بودیم!

یعنی اگر دولتها به جدیت برنامه ای در زمینه صرفه جویی در مصرف و هدر دادن انرژی داشتند و اگر فقط همین دو مشکل حل می شد، در مصرف گاز بخش نیروگاهی سالانه ۳۳ میلیارد متر مکعب صرفه‌جویی می شد.

از طرفی، نظام ولایت فقیه سالانه ۱۸ میلیارد متر مکعب گازی که همراه با نفت از میادین نفتی استخراج می‌شود را به خاطر نبود تجهیزات جمع‌آوری آن در مشعل‌ها سوزانده و به هدر می‌دهد. برای جلوگیری از مشعل سوزی گازها، تنها نیاز به ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. بدین ترتیب در همین دو بخش نیروگاهی و مشعل‌سوزی گازها اگر مشکلات حل شود، سالانه از اتلاف ۵۱ میلیارد متر مکعب گاز جلوگیری می‌شود که برابر نیمی از گاز مصرفی خانوارهای ایران است.

ملاحظه می شود که این نظام حاضر به خرج این مبالغ در جنگهای منطقه است ولی در سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز نیست.

همین انجام نشدن تکالیف قانونی برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور در بخش ارتقای بازدهی نیروگاه‌های کشور سبب ایجاد ضرر و زیان گسترده‌ای در حوزه انرژی را مهیا کرده و همین مسئله سبب شد تا از سال ۱۳۹۸ شاهد قطعی برق متمادی باشیم و با ناترازی تولید و مصرف گاز طبیعی مواجه شویم.

بر همین اساس، میزان مصرف گاز طبیعی از سال ۱۳۹۸ تا انتهای ۷ ماهه سال ۱۴۰۰ بیانگر افزایش قابل توجه مصرف است. به این ترتیب که در سال ۱۳۹۸، میزان گاز مصرفی معادل ۶۱ میلیارد متر مکعب در سال برآورد شد. این آمار در سال ۱۳۹۹ به ۶۶ میلیارد متر مکعب رسید و در نهایت در ۷ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰ مصرف گاز طبیعی واحدهای نیروگاهی با رشدی قابل توجه از ۵۰,۶ میلیارد متر مکعب گذر کرد.

مجموع گاز هدر رفته ناشی از سرپیچی انجام تکالیف برنامه ششم توسعه اقتصادی در حوزه ارتقای بازده واحدهای نیروگاهی در ۳ سال گذشته به رقمی معادل ۸,۵۶ میلیارد متر مکعب برآورد می‌شود.

مجموعه متفاوتی که درآمدهای نفت و گاز ایران با اقتصاد های مسلط و با اقتصاد ایرانی می دهد:

واقعیت مصرف محور شدن اقتصاد ایران که بعلت بی کفایتی دولتها و نداشتن برنامه ای مطابق با حقوق پنجگانه انسان و طبیعت رخ داده است ،باعث شده که در وطن ما ایران، مجموعهٔ اقتصاد نفت با اقتصادهای مسلط صنعتی، و مجموعه درآمدهای نفتی با کل مصرف نفت در ایران، هر کدام نوعی مجموعهٔ متفاوت در دو محل متفاوت، بدهند.

اولین مجموعه را نفت و گاز در کشورهای صنعتی مسلط می دهد که در آنجا یک پویایی تولید ایجاد می کند. یعنی نفت و گاز صداراتی به این کشورها مولد می شوند و در تولید بکار می افتند و لذا ایجاد اشتغال نیزمی کند و اقتصاد آنها را براه می اندازد.

مجموعهٔ دوم که نفت و و گاز و درآمدهایش، در درون اقتصاد زیر سلطهٔ کشور ما می دهد این است که آن درآمدها یک پویایی از مصرف ایجاد می کنند و صرف واردات می شود. این پویایی تمامی خطوط های اساسی سیاست اقتصادی ما و در نتیجه سیاست نفتی ما را تعیین می کند. در واقع امر چه در دوران پهلوی و چه در دوران نظام ولایت فقیه، آن نفتی که از چاه های ما بیرون کشیده می شود، در اقتصادهای مسلط تبدیل می شود به مادهٔ مولد برای ایجاد اشتغال و کار و کارآیی اقتصاد و درآمدش در درون کشور ما برعکس، اقتصاد ما را دچار تجزیه می کند و نه تنها اقتصاد را براه نمی اندازد، بلکه مثل یک دستگاه مکنده ای می شود محصولات آنها را به درون کشورما وارد می کند و ضربه به اشتغال و ابتکارمی زند چرا که تولید داخلی را از کار می اندازد ،علاوه بر سرمایه های ملی که نفت و گاز هستند، سایر سرمایه های ملی دیگر را- بخصوص نیروهای محرکه ای که استعداد های درخشان علمی و فنی ما هستند و همچنین حاصل کار مردم- روزبروز بیشتر و در ابعاد گسترده تری می مکد و بطرف اقتصاد کشورهای مسلط سوق می دهد.

لذا معتقدم ایران با داشتن نعمتی همانند تابش خورشید و با توجه به اینکه میزان تابش خورشیدی در ایران ۲۰۰۰ kWh/m۲/yr یکی از بزرگترین مقادیر درجهان است که برای نمونه بیش از دو برار میزان تابش متوسط خورشیدی سالانه در آلمان است و امکان استفاده از انرژی بادی در بسیاری از نقاط ایران (اطلس آن را آلمانیها برای ایران تهیه کرده اند) که از انرژی های پاک هستند ،نبایستی نه در داخل و نه به قصد صادرات نفت را بعنوان ماده خام بفروشد.هم بعلت با ارزش بودن نفت و هم بخازر میزان آلودگی و دی اکسید کربنی که ایجاد می کند.

از اینرو مخالف هر گونه استخراج نفت بدین مقصود هستم.دولت حقوندی در آینده ایران لازم است که با پایه گذاری کردن یک اقتصاد تولید محورو حقوند (با رعایت حقوق چهارگانه انسان و حق طبیعت)،اقتصاد ایران را از تک محصولی نفت رها سازد و ارزش این ماده را بداند و بودجه دولت ها در آینده به در آمد نفت وابسته نباشد. لذا از دید اینجانب بهره برداری از منابع نفتی خصوصا آنهایی که با سایر کشورها نیز مشترک نیست و متعلق به نسلهای آینده نیز هست ، نبایستی اکنون و با عجله به قصد درآمد زایی آنهم برای نظامی مافیایی صورت گیرد. یاد آور شوم که آقای زنگنه وزیر نفت دوران خاتمی و روحانی مسابقه در استخراج نفت و

فروش آن گذاشته بود و قصد داشت میزان استخراج نفت را که نام آنرا هم به غلط (تولید نفت !) گذاشته بود به بیش از ۸ میلیون بشکه در روز برساند تا برای نظام ولایت فقیه در آمد کسب کند !

یکی از دلایل کودتا علیه دولت آقای ابوالحسن بنی صدر منتخب واقعی ملت ایران سعی در قطع وابستگی ایران به نفت بود.

از ابتدای انقلاب نیز بجز در دوران ریاست جمهوری آقای بنی صدر ، کمتر دولتی بفکر تقویت بنیاد تولید واقعی در ایران و قطع وابستگی بودجه به نفت بوده است .در دوران آقای بنی صدر برنامه مهمی اجرا شد که خدمتی مهم به جامعه ایران بود و این خدمت از طرف نظام ولایت فقیه سانسور شده ومی شود واینگونه بود که : در آخرین سال دوره محمد رضا پهلوی (که مسابقه فروش نفت خام را گذاشته بود) ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت استخراج می شد که ۷۰۰ هزار بشکه آن برای مصرف داخلی با جمعیت ۳٤ میلیونی بود و ۵ میلیون بشکه نفت هم صادر می شد . اما در دوران ریاست جمهوری آقای بنی صدر با توجه به وجود گروگانگیری و توقیف ذخایر ارزی ایران و نیز جنگی که بر ساختار تولیدی ایران صدمه زده بود ایشان به کمک آقای مهندس معین فر صادرات نفت را تا حد یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه کاهش دادند اما با استفاده از پتانسیل انقلاب قیمت نفت از ۱۳ دلار برای هر بشکه درزمان شاه به ۳۴ دلار برای هر بشکه در بازار رسمی ودر بازار آزاد (فروش به ژاپن) به بشکه ای ۴۰ دلار افزایش دادند. با این سیاست آقای بنی صدر ۳ کار مهم انجام داد

۱- هم به عمر چاههای نفتی ایران افزود

۲-هم حق ایران را با فروش نفت به قیمت واقعی نفت از کشورهای مصرف کننده گرفت.

۳-هم ترکیب بودجه را به بودجه ای تولید محور تغییر داد (به ویژه گیهای بودجه دوران وی ارجاع می دهم)

ملت ایران باید بدون حب و بغض در این مساله تامل کند که کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ علیه حکومت ملی دکتر مصدق و نیزکودتایی ۳۰ خرداد ۶۰ علیه حکومت آقای بنی صدر تنها بعلت این رخ داد که برنامه های این دو حکومت تولید محور بودند و برنامه اقتصادی تولید محور این دو حکومت که در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نیز تکیه بر توانایی مردم و نیروهای محرکه ایران از قبیل ابتکار و خلاقیت و توانایی مردم داشت ،تنها می توانند در نظامهای حقوقمند به ثمر نشیند و از اینرو نظامهای استبدادی که مصرف محورند به ضرس قاطع روی به کودتا

علیه این نوع حکومتها می آورند. همانطور که نظام استبدادی پهلوی و نظام ولایت فقیه علیه این دو حکومت منتخب واقعی مردم به کودتا دست زدند .

در حال حاضر بیش از ۹۷ درصد انرژی مصرفی ایران شامل گاز و محصولات نفتی است. (این رقم شامل برق هم می‌شود، چون ۹۰ درصد برق ایران در واقع از سوخت‌های فسیلی تولید می‌شود).

در زمانی که قانون برنامه ۵ ساله ششم "توسعه" در کشور جاری شد، میانگین بازدهی عنوان شده برای واحدهای نیروگاهی کشور ۳۷,٦ درصد به ثبت رسیده بود. این یعنی از هر ۱۰۰ واحد انرژی وارد شده به نیروگاه به منظور تولید برق ٦۲,٤ واحد تلف شده و تنها ۳۷,٦ واحد انرژی زمینه تولید برق را فراهم می‌کند. میانگین جهانی بازده واحدهای نیروگاهی دنیا بر اساس اطلاعات مستند وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا معادل ۵۲ درصد برای سوخت گاز طبیعی است.و در برخی کشورها ٦۰ درصد متوسط راندمان است به خاطر تکنولوژی خوب توربینهای گازی. بدین ترتیب، بیش از یک سوم سوخت تحویلی به نیروگاه‌های برق ایران به خاطر راندمان پایین آنها به هدر می‌رود.از طرفی نیز آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که ۱۲ تا ۱۳ درصد برق تولیدی کشور در مرحله انتقال و توزیع به هدر می‌رود.

در نظام ولایت فقیه برنامه های "توسعه" نیز تنها برای ثبت بروی کاغذ اند و در عمل هیچگاه آن برنامه ها دنبال و عملی نمی شوند.بعنوان نمونه با توجه به بازه ثبت شده در ابتدای اجرای برنامه ششم توسعه، در ابتدای سال۱٤۰۰ با در نظر گرفتن تکلیف این برنامه بازدهی واحدهای نیروگاه حرارتی وزارت نیرو، بخش خصوصی و صنایع بزرگ باید به ٤٥,٦ درصد رسیده بود و در انتهای سال ۱٤۰۰ با پایان عمر برنامه ششم توسعه این رقم باید به ٤۷,٦ درصد نزدیک می‌شد.با علم به تکلیف وزارت نیرو بر اساس آخرین آمار ارائه شده از صنعت برق در آمار شهریورماه آب و برق وزارت نیرو، بازده واحدهای نیروگاهی کشور تنها به ۳۹ درصد رسیده است. به عبارت دیگر از ابتدای اجرای قانون برنامه ۵ ساله ششم تا ابتدای سال ۱٤۰۰ تنها شاهد رشد ۱,٤ درصدی بازدهی در مدت ٤ سال بودیم!

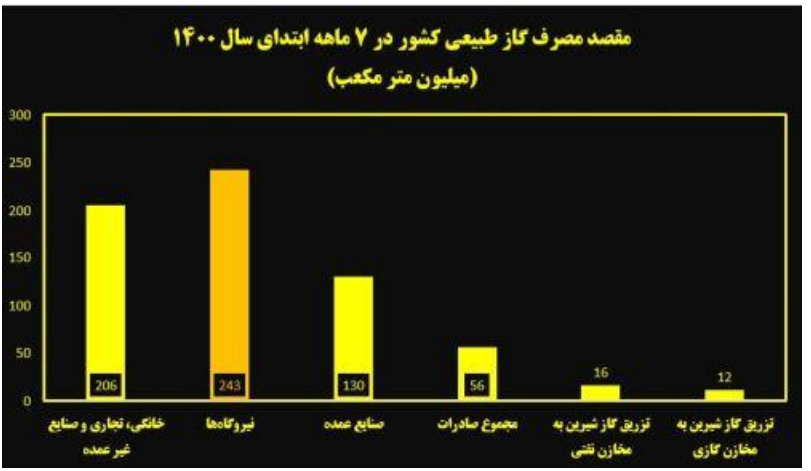
یعنی اگر دولتها به جدیت برنامه ای در زمینه صرفه جویی در مصرف و هدر دادن انرژی داشتند و اگر فقط همین دو مشکل حل می شد، در مصرف گاز بخش نیروگاهی سالانه ۳۳ میلیارد متر مکعب صرفه‌جویی می‌شود.

از طرفی، نظام ولایت فقیه سالانه ۱۸ میلیارد متر مکعب گازی که همراه با نفت از میادین نفتی استخراج می‌شود را به خاطر نبود تجهیزات جمع‌آوری آن در مشعل‌ها سوزانده و به هدر می‌دهد. برای جلوگیری از مشعل سوزی گازها، تنها نیاز به ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. بدین ترتیب در همین دو بخش نیروگاهی

و مشعل‌سوزی گازها اگر مشکلات حل شود، سالانه از اتلاف ۵۱ میلیارد متر مکعب گاز جلوگیری می‌شود که برابر نیمی از گاز مصرفی خانوارهای ایران است.

ملاحظه می شود که این نظام حاضر به خرج این مبالغ در جنگهای منطقه هست ولی در سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز نیست.

همین انجام نشدن تکالیف قانونی برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور در بخش ارتقای بازدهی نیروگاه‌های کشور سبب ایجاد ضرر و زیان گسترده‌ای در حوزه انرژی را مهیا کرده و همین مساله سبب شد تا از سال ۱۳۹۸ شاهد قطعی برق متمادی باشیم و با ناترازی تولید و مصرف گاز طبیعی مواجه شویم.



آنچه که مهم است این است که از نظامی که خود بحران ساز است نمی توان انتظار حل بحران داشت. لذا فرهنگ سازی بعهده جامعه مدنی است. مصرف گرای در همه زمینه ها را در اذهان بی ارزش کردن و همچون این دبیر محترم آقای تقوی گرامی به دانش آموزان فرهنگ تولید را یاد دادن و ازخانواده با این فرهنگ سازی شروع کردن و والدین الگوی تولید محوری (تولید فکر و دنش ، اخلاق و معنویت ، کالا و بکار گیری لوازم آن یعنی مراقبت از حقوق خود و دیگران و طبیعت ...) گشتن و مبارزه با انواع مصرف محوری (تقلید در فکر و عقیده ، قبول بی دیل هر نظر ی و هر تهمتی ، قبول هرامری و چون و چرا نکردن ،چشم و هم چشمی در مصرف کالا های غیر ضروری ، اسراف در همه چیز منجمله در مصرف انرژی ، معتاد داشتن کالاهای لوکس و یا لباسهای با برند بودن و...)شدن ، باعث

می شود که جامعه ای خلاق و رشد یاب و حقوند و درخور خود را با فکر و اندیشه و دستان خود بسازیم.

ایران که دارنده دومین ذخایر گاز جهان است، خود بدل به وارد کننده گاز شده است!

ایران بعد از روسیه، دومین ذخایر گاز جهان را دارد. روسیه با دارا بودن ۲۶ درصد از ذخایر گازی جهان مقام اول، ایران با دارا بودن ۱۶ درصد مقام دوم و قطر با ۱۴ درصد مقام سوم را داراست. اما با این وجود ایران از واردکنندگان گاز در جهان به شمار می رود.

ایران به منظور تأمین بخشی از گاز طبیعی مورد نیاز مناطق شمالی و شمال شرق کشور، در سال‌های گذشته ایران به خصوص در فصول سرد سال، روزانه ۲۳ تا ۳۰ میلیون مترمکعب در روز از ترکمنستان وارد کرده است و بدین ترتیب، تقریبا هر سال کمتر از ۵ درصد از نیاز خود را از این طریق تأمین کرده است. طی ۱۵ سال گذشته به طور متوسط ۱۵.۳ میلیون متر مکعب گاز طبیعی از کشور ترکمنستان وارد ایران شده است. همان طور که در نمودار ذیل هویدا است، از سال ۱۳۹۵ به بعد میزان واردات گاز طبیعی از این کشور از ایران با شیب تندی کاهش پیدا کرده است به طوری که در دو سال اخیر، میزان واردات از این کشور قطع شده است.



شایان ذکر است که واردات گاز از ترکمنستان از دو طریق صورت می‌گیرد:

– نخستین خط لوله گاز وارداتی ۲۰۰ کیلومتری کردبچه- کردکوی در سال ۱۳۷۶ به بهره‌برداری رسید و از این خط، قابلیت واردات سالانه ۶ تا ۸ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی وجود دارد.

– دومین خط لوله گاز وارداتی خط لوله دولت آباد-سرخس–خانگیران به طول ۳۰ کیلومتر می‌باشد که ظرفیت سالانه آن ۱۲ میلیارد متر مکعب است.

مجموع ذخایر گازی ایران و قطر در منطقه پارس جنوبی این دو کشور بزرگ‌ترین کریدور انرژی در منطقه خلیج فارس به شمار می‌آیند. به گزارش روابط عمومی شرکت نفت و گاز پارس، کل میزان تولید گاز از میدان مشترک پارس جنوبی از بدو بهره‌برداری تا پایان سال ۹۹ به رقم یک‌هزار و ۸۶۷ میلیارد مترمکعب رسیده است.

سهم ذخایر هیدروکربونی ایران از میدان مشترک گازی پارس جنوبی ۱۴ تریلیون مترمکعب گاز و ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی در مساحتی به وسعت ۳ هزار و ۷۰۰ کیلومتر مربع تخمین زده شده است. اما قطر بیشترین بهره برداری گاز و نفت را از این میدان مشترک کرده است . قطر در سایه سرمایه‌گذاری و سیاست بین‌المللی فعال خود توانسته است طی چند دهه گذشته بیش از ایران از این میدان گاز تولید کند.

پیشبینی های استخراج نفت وگازکه صرفا بر روی کاغذ ثبت شده اند و با واقعیت فاصله بسیار دارد.

نظام ولایت فقیه براساس ششمین برنامه پنجساله "توسعه "ششم که یکسال نیز از آن می گذرد ،قراربوده که، روزانه ٤,٥ میلیون بشکه نفت تولید کرده و با سرمایه‌گذاری در برخی میادین انرژی، به‌ویژه میدان مشترک پارس جنوبی، تولید گاز خود را نیز به ۱,۳ میلیارد مترمکعب در روز برساند. ایران در حال حاضر روزانه ۱ میلیارد متر مکعب گاز تولید می‌کند که ۷۰ درصد آن از میدان پارس جنوبی است و مصرف زیاد داخلی باعث کم شدن حجم گاز صادراتی شده است. ایران قرار بود در پایان برنامه ششم ، سهم خود را در بازار منطقه‌ای و بین‌المللی

گاز افزایش دهد و میزان صادرات از ۸ میلیارد مترمکعب در سال ۱۳۹٤ به ٦۸ میلیارد مترمکعب در پایان سال ۱۳۹۹ برساند. ولی در سال ۱٤۰۱ تنها ۱۷ میلیارد متر مکعب گاز صادر می کند !

دلایل اصلی و واقعی عدم صدور صادرات گاز ایران و عملکرد خط لوله ها.

جمهوری اسلامی ایران در ۲۲ سال گذشته با کشورهای مختلفی همچون هند، پاکستان، چین، امارات، عراق، ترکیه، عمان، کویت، بحرین، لهستان، گرجستان، ایتالیا، آذربایجان و اتحادیه اروپا مشغول گفت‌وگو برای صادرات گاز بوده است که بسیاری از آن‌ها به قرارداد اجرایی یا یادداشت تفاهم منجر شد اما به غیر از ترکیه، عراق، ارمنستان و آذربایجان در سایر موارد ناکام مانده؛ به‌گونه‌ای که سهم ایران در بازار جهانی گاز همچنان عشری از عشار است!

باید توجه داشت که نظام ولایت فقیه همواره بی کفایتی ها و سیاستهای غلط و تنش زای خود را در منطقه و جهان را در پست بهانه تحریم پنهان می نماید اما تحریم یا اعمال آن دلیل موجهی برای این ناکامی بزرگ ارزیابی نمی‌شود. زیرا اغلب مذاکرات با کشورهای یادشده، پیش از تحریم‌ها آغاز شد و اگر قراردادی هم در فروش گاز اجرایی شده، تحریم های آمریکا، آن‌ها را متوقف نکرده است. تداوم صادرات ناچیز گاز ایران به ترکیه، عراق، ارمنستان و آذربایجان از آن جمله‌اند. ۱۷ میلیارد مترمکعب صادرات سالانه گاز ایران با تحریمها متوقف نشده است.پس دلایل را بایستی جای دیگر جستجوکرد. نگارنده دلایل را بترتیب درجه اهمیت خودنقل می کنم:

۱-مصرف بیش از حد داخلی(۵۲ ۲میلیارد مترمکعب مصرف داخلی در مقابل۱۷ میلیارد مترمکعب صادرات !)

۲- جهت‌گیری سیاسی (بی کفایتی و سیاستهای تنش زا و خشونت برانگیز و انگیزه رانت خواری و سود جستن از تحریم ها توسط دسته بندی های قدرتمدار و مافیایی درون نظام ولایت فقیه که بر تفاهم با جهان بر مبنای حقوق ملی می چربد.)

۳ نفوذ یا خرابکاری رقبای کشور در صادرات گاز (بویژه نقش روسیه و رفتار نظام ولایت فقیه در قبال روسیه که بعنوان یک زیر سلطه مطیع ایفای نقش حفظ منابع روسیه را بعهده گرفته است در شماره آینده به تفصیل به ان می پردازم)

٤-فقدان دانش متصدیان تصمیم گیر در حوزه انرژی و فقدان تجربه روزآمد مجریان

٥- بکارگیری سرمایه ها ی کشور (همچون سرمایه موجود در صندوق توسعه)در پرداخت هزینه های جاری و جنگهایی که نظام حاکم ایران را در آنها درگیر کرده است بجای سرمیاه گذاری در صنایع مهم همچون صنعت نفت و گاز به نحوی که سالیان سال است که از نیاز بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار به سرمایه گذاری در این حوزه نام برده می شود .

در ذیل نمونه هایی از این ناکامی ها را ذکر می نمایم:

در سال‌های گذشته چندین قرارداد صادرات گاز ایران به پاکستان، عمان و هند و همچنین «پروژه صلح» امضا شد، ولی دهلی نو در سال ۲۰۱۱ با فشار باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا از این پروژه کنارکشید. آمریکا در مقابل به هند کمک کرد تا با توسعه و استفاده از صنایع و انرژی هسته‌ای برق تولید کند. ترامپ نیز قراردادی ۲۰ ساله برای صادرات «ال.ان.جی» به هند را امضا کرد. عربستان سعودی و برخی ازکشورها نیز توانستند سهم خود را در بازارهند تضمین کنند.

ایران برای صادرات گاز به پاکستان وعمان نیز خط لوله مورد نیاز را احداث کرد، ولی پاکستان به بهانه تحریم‌ها و کمبود منابع مالی سهم خود از پروژه را به اتمام نرساند. بنابراین با توجه به سرمایه‌گذاری دیگر کشورها در زمینه زیرساخت‌های انرژی پاکستان و برنامه این کشور برای واردات «ال.ان.جی» از قطر و جمهوری آذربایجان، ایران شانس زیاد برای فروش گاز به پاکستانی‌ها ندارد.

بحث صادرات گاز ایران به اروپا در ده پانزده سال گذشته مطرح شده و قراردادی نیز برای صادرات این کالا به اتریش از طریق ترکیه به امضا رسید که به دلیل تحریم‌ها و مسائل سیاسی و تکنیکی اجرایی نشد. درحال حاضر امنیت عمان در بخش گاز طوری است که بود یا نبود گاز ایران نقش مهمی ندارد ومی‌تواند از دیگر کشورها نیز این کالا را بخرد.

تا قبل از حمله روسیه به اوکراین قرار بود احداث خط لوله «نورد استریم-۲» برای صادرات گاز روسیه به آلمان و شمال اروپا آغاز شود. واشنگتن در دوره دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا مخالف سرسخت این پروژه بود علاوه

بر موارد فوق، شرکت «گاز پروم» روسیه به عنوان یکی از رقبای اصلی ایران، نقش بسیار فعالی درتامین انرژی اروپا ایفا می‌کرد و این کشور هرگز حاضر نمی‌شود که نقش مونوپولی خود در بازار گازطبیعی اروپا را از دست بدهد.مگر اینکه از طرف اروپا تحریم شود .از سوی دیگر، آمارها نشان می‌دهد که مصرف گاز طبیعی در اروپا کاهش یافته و دانمارک و نروژ به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر رفته‌اند. سهم سوخت‌های فسیلی در سبد کشورهای اروپایی کمتر شده است. همانند کوشش آلمان که قصد دارد در تهیه ارژی مستقل شود و بر انرژی های تجدید پذیر تکیه کند. برخی از کشورهای اروپایی نیز به خرید گاز مایع از امریکا و قطر روی آورده اند.

تا قبل از حمله روسیه به اوکراین قرار بود احداث خط لوله «نورد استریم-۲» برای صادرات گاز روسیه به آلمان و شمال اروپا آغاز شود. واشنگتن در دوره دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا مخالف سرسخت این پروژه بود.

با توجه به جنگ اوکراین بازار خاکستری که قبلا به شکل انحصاری در اختیار ایران بود و معمولا ایران بود که فرآورده‌ها و نفت خام را در بازار خاکستری می فروخت الان یک رقیب جدی به اسم روسیه دارد. به مساله رقابت روسیه با ایران و بدر بردن فر صتها از دست ایران در بخش دوم که به مساله صادرات نفت است می پردازم عدم تحقق سهم صادرات تعیین شده و عدم سرمایه گذاری در فاز ۱۱ پارس جنوبی مجلس نظام بعلت عدم پیشروی مطابق برنامه ششم "توسعه"یک سال را به دوره اجرای برنامه ششم افزود. طبق این برنامه قرار بود سهم ایران در بازار صادرات گاز از ۱ درصد در سال ۱۳۹٤ به ٦ درصد در پایان برنامه ششم برسدکه این هدف نیز محقق نشد.در واقع امر صادرات گاز در ایران به دلایل گوناگونی از جمله عدم سرمایه گذاری کافی در سال های اخیر و تحریم های بین المللی، و نیز وزرای ناتوان و بی کفایت ، و نیز تعریف نشدن جایگاه انرژی در دیپلماسی ، بسیار پایین تر از جد انتظار است.

قطر اکنون بزرگترین صادر کننده گاز طبیعی مایع یا LNG در جهان است. این درحالی است که ایران سال ها با صادرات گاز طبیعی مایع که تاسیسات خاصی را لازم دارد، فاصله دارد.

شرکت نفت قطر، در همکاری با اکسان موبیل، کونوکو فیلیپس، شل، توتال و سایر شرکت‌ها، در مجموع ۷۵ میلیون تن ال‌ان‌جی در سال تولید می‌کند. این تولید توسط یک ناوگان از ۷۸ کشتی با ظرفیت کل ۱۵ میلیون متر مکعب، به بازار جهانی منتقل می‌شود. ژاپن و هند و کره جنوبی از بزرگترین مصرف‌کنندگان ال‌ان‌جی هستند.

لازم به یاد آوری است که کشور ما حدود ۲۸ میدان مشترك هیدروکربني با هفت کشور همسایه دارد . اما در اغلب میادین مشترک که مورد بهره‌برداري قرارگرفته است از رقبا عقب هستیم .اما وضعیت ما در میادین مشترك با قطر از همه بدتر است. در لایه گازي پارس‌جنوبي، کشور قطر حدود ۱۱ سال از ما زودتر آغاز به بهره‌برداري نموده است و هم کنون نیز بسیار بیشتر از ایران تولید مي‌نماید اما عدم پیگیری حقوقی مساله لایه نفتی ایران در پارس جنوبی باعث شده که مطابق اطلاعی که آقای دکتر غلامحسین حسنتاش در وبلاگ خود داده اند:"در سمت قطر، لایه نفتي پارس‌جنوبي که بنام میدان نفتي الشاهین شناخته مي‌شود ،قطري‌ها مرز شمالي در نقشه این میدان را در حاشیه مرز میان دو کشور ببریده اند. در صورتي‌که مطالعات نشان میدهد که این میدان در آبهاي ایران ادامه دارد و توسعه میدان نیز در دستور کار شرکت نفت و گاز پارس و پیمانکار آن شرکت پتروایران بوده است که هنوز به تولید نرسیده است. با این حساب بدیهي است که هر میزان تولید بیشتر کشور رقیب در میادین مشترك، ما را براي همیشه از سهم خود محروم مي‌نماید."

لازم به یاد آوری است که در مورد میزان برداشت از میادین مشترک هیدروکربنی در حال حاضر قاعده خاص بین المللی وجود ندارد و سرعت برداشت هر کدام تعیین کننده است. مطابق گزارش معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت اعلام کرد(ایمنا ٤ تیر ١٤٠١): توسعه فاز ۱۱ طرح توسعه میدان گازی پارس‌جنوبی در حال انجام است و تولید اولیه از این فاز طبق پیش‌بینی در سال ۱۴۰۱ محقق می‌شود. همچنین پیشرفت فیزیکی طرح توسعه فاز ۱۱ پارس‌جنوبی در انتهای سال ۱۴۰۰ بیش از ۳۴ درصد است."

بدین سان می توان حدس زد که تاخیر درپیشرفت فیزیکی فاز ۱۱ پارس جنوبی که تازه در ١٤٠٠ ٣٤ درصد رشد داشته است چندین میلیارد دلار ضرر به ایران وارد می سازد.

مسئله مهمتر اینکه؛برخی از کارشناسان میادن و مخزن معتقدند میدان پارس جنوبی که ۷۰درصد گاز طبیعی ایران را تامین می‌کند در چند سال آینده به «نقطه پیک « یا به اصطلاح «شبنم» خواهد رسید و پس از این مرحله، افت فشار باعث خواهد شد که میزان تولید در این میدان عظیم کاهش یابد. هرچند در برخی فازها این افت فشار از هم اکنون شروع شده وتکنولوژی شرکت‌های ایرانی متاسفانه جوابگوی رفع این مشکل نیست.

گاز را به دو طریق می توان صادر کرد

یا از طریق خط لوله

و یا گاز طبیعی مایع یا LNG که صادر کنندگان آن نیازمند لوله های انتقال گاز و کشورهای ترانزیت وابسته نیستند و از طریق کشتی های ترابری گاز طبیعی مایع

(LNG carrier) را به کشورهای مقصد در ۵ قاره جهان از طریق دریا انتقال می دهند.

سوال ۲:مصرف داخلی گاز ایران محلی برای صادرات گاز ایران گذاشته است؟

پاسخ :چنانچه به آمار رسمی گمرک ایران، را مبنا قرار دهیم (خبرگزاری فارس، در ٦ اسفند ١٤٠٠) در ١١ ماه نخست سال ١٤٠٠ میزان صادرات گاز طبیعی ایران بیش از ٤,٨ میلیارد دلار بوده است. و به گزارش مجید چگنی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در خبرگزاری مهر۲۵,۰۲,۱۴۰۱ : از مجموع گاز تحویلی به شبکه در سال ۱۴۰۰ که حدود ۲۶۹ میلیارد مترمکعب بوده است ،مجموع صادرات گاز ایران به کشورهای همسایه هم ۱۷ میلیارد مترمکعب بود که نسبت به سال ۹۹ حدود ۲ درصد افزایش داشته است.طبق این آمار متوجه می شویم که میزان صادرات گاز ایران نسبت به مصرف داخلی تا چه اندازه نازل است.به ویژه که :

<u>میزان گازی که همراه با نفت از میادین نفتی استخراج می‌شود ودر مشعل‌ها سوزانده و به هدر می‌رود در ایران حتی ۱میلیارد مترمکعب بیشتر از صادرات گاز است.</u>

صادرات گاز ایران ترکیه و عراق و ارمنستان صادرات گاز ایران تاکنون به کشورهای ترکیه، عراق، ارمنستان، آذربایجان و نخجوان انجام شده است. قرارداد با این کشورها گاهی در قالب قراردادهای درازمدت، گاهی در قالب قراردادهای کوتاه‌مدت سوآپ و بعضاً در قالب تهاتر برق و گاز امضا شده است.

بنا بر آماری که مجید چگنی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران داده است (۲۵,۰۲,۱۴۰۱خبرگزاری مهر) :"صادرات گاز طبیعی پارسال ۱۷ میلیارد مترمکعب در سال ۱۴۰۰ بوده است ،از این مقدار در سال ۱۴۰۰ به طور میانگین روزانه ۲۰ میلیون مترمکعب گاز به عراق صادر شده است (سالانه نزدیک به ۱۱ میلیارد متر مکعب) و اکنون نیز روزانه حدود ۳۵ میلیون مترمکعب صادر می‌شود، این مقدار صادرات به کشور ترکیه نیز پارسال حدود ۹ میلیارد متر مکعب بود. تعهد قرارداد صادرات گاز ایران به ترکیه ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال و کف آن ۸.۵ میلیارد مترمکعب است اما سال گذشته بیش از ۹ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه صادر کردیم.

ترکیه طی سال‌های اخیر مهم‌ترین و بزرگترین خریدار گاز طبیعی ایران بوده، اماقرارداد فعلی طرفین در سال ۲۰۲٦ پایان می‌یابد و مذاکرات برای تمدید آن نیز

به نتیجه نرسیده است. دلیل آن نیز این است که سیاست تنوع‌بخشی در منابع انرژی توسط ترکیه موثر بوده و اکتشاف گاز در آگوست سال گذشته در دریای سیاه نیز باعث شده تا این کشور در معادلات انرژی، دست برتر داشته باشد.

از این رو، ایران برای انعقاد قرارداد جدید، باید شروط ترکیه را تامین کند و با قیمت کمتری گاز به این کشوربفروشد و شرایط برای صادرات مجدد این کالا توسط تُرک‌ها را نیز فراهم سازد. ترکیه می‌تواند با خرید گازاز روسیه و آذربایجان و همچنین با توجه به سرمایه‌گذاری بسیار زیادی که در بخش «ال.ان.جی» انجام داده و با تکیه بر منابع دریای سیاه و پتانسیل بالای آن در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر، خود را از گاز وارداتی ایران کاملا بی‌نیاز کند که این خود زنگ خطر دیگری برای آینده صادرات گاز طبیعی این کشور دربازار منطقه است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ترکیه در ٦ اسفند ماه ١٤٠٠ایران در سال گذشته سهمی ۱۶ درصدی در گاز مصرفی ترکیه داشته است. ترکیه اما از روسیه بیشتر گاز می خرد و واردات گاز از روسیه را حدود ۴۳ درصد افزایش داده است.ایالات متحده نیز پارسال صادرات گاز مایع به ترکیه را ۵۶ درصد افزایش داده و به بالای ۴.۷ میلیارد متر مکعب رسانده است.

وضعیت صادرات گاز به ارمنستان

تهران و ایروان سال ۲۰۰۴ میلادی (۱۳۸۳) قرارداد تهاتر گاز و برق را برای مدت ۲۰ سال امضا کردند که بر اساس آن، گاز صادراتی ایران به مصرف نیروگاه‌های تولید برق در ارمنستان می‌رسد. بخش اول خط لوله گاز صادراتی ایران به ارمنستان در روز دوشنبه ۱۹ مارس ۲۰۰۷ میلادی (۲۸ اسفند ۱۳۸۵) با حضور محمود احمدی‌نژاد و روبرت کوچاریان روسای جمهور دو کشور انجام شد.ارمنستان از اواسط سال ۲۰۰۹ واردات گاز از ایران را آغاز کرد.

در سال ۲۰۱۸ ارمنستان ۵۶۷ میلیون متر مکعب گاز ایران وارد کرد و ۱,۸۳۹ میلیارد کیلووات ساعت برق به ایران صادر کرد اما بعد از اعمال تحریم های بین المللی و آمریکایی اعمال شده علیه ایران همکاری های دو جانبه را محدود کرد .

پاسخ به بخش دوم سوال ۳ - آیا ایران امکان ایران را دارد که به اروپا گاز ارسال نماید؟ و آیا کشورهای رقیب بازار ایران را خراب می کند یا خیر؟

ضعف دیپلماسی نظام ولایت فقیه که منجر به تحریم شده است امکانات صدور گاز را از ایران گرفته است.

در غرب ایران، بازار کشور های اروپایی قرار دارد که از جمله به گاز روسیه و جمهوری آذربایجان حداقل تاکنون متکی بوده اند . حمله روسیه به اوکراین و اشغال این کشورباعث شده است تا اروپایی ها به فکر جایگزین های دیگری برای گاز و متنوع کردن منابع گازی خود باشند.ایران یکی از گزینه های صادرات گاز به اروپا می توانست قرار گیرد.

در شرق ایران نیز، بازار بزرگ کشورهای آسیایی قرار دارد. چین و هند با رشد خیره کننده اقتصادی و کشور پر جمعیت پاکستان، به منابع جدید انرژی نیاز دارند.

با این همه، ایران تاکنون هنوز نیز نتوانسته است گاز خود را حتی از طریق خط لوله به پاکستان صادر کنند و مذاکرات برای صادرات گاز ایران به پاکستان و هند بیش از دو دهه پیش آغاز شد اما در سال های اخیر هند از شرکت در این مذاکرات منصرف شد.

روابط خارجی ایران با کشور های دیگر بر سر برنامه اتمی اش و عدم اطمینان درباره مسیر خط لوله انتقال گاز از طریق پاکستان، از جمله دلایلی بود که باعث شد هند به واردات گاز از ایران در آینده نزدیک چندان خوش بین نباشد.

راهکارهایی که ایران بایستی در پیش گیرد.

۱- ایران بایستی بتواند بجای باج دادن به این قدرت و آن قدرت ، دیپلماسی مسالمت آمیز و تنش زا و حقوندی را با تکیه بر حقوق ملی (در واقع حقوق پنجگانه انسان و شهروندی و ملی و طبیعت و نیز حقوق ملی ایران در سطح جهانی) اتخاذ نماید. تا شر تحریم از سر ایران رخت برکند و بتواند در بازارهای بین‌المللی عنصری فعال و تعیین‌کننده باشد که هم با صادرات گاز درآمدزایی ارزی کند و هم با ایجاد وابستگی‌های متقابل نفوذ خود درکشورهای منطقه را افزایش دهد .البته میزان صادرات گاز را اندازه ظرفیت اقتصاد ملی بایستی تعیین کند و نه نیاز سیاسی یک دولت به در آمد انهم برای پرداخت هزینه های جاری.

این امر با استبداد حاکم و در چارچوب نظام ولایت فقیه میسر نیست وگرنه بجای بکار بردن ایران در ابتدای این راهکار از نظام ولایت فقیه نام می بردم.

۲- ایران بایستی بتواند با تکنولوژی بهتر در نیروگاه های خود و نیز صنایع موجود و همچنین در بخش خانگی میزان مصرف گاز داخلی خود را بشدت کم کند تا بتواند بر میزان صادرات خود بیفزاید.

۳- ایران بایستی برای افزایش تولید انرژی پاک برای مصرف داخلی خصوصا سرمایه گذاری عظیم کند چرا که امکانات فراوانی و بستر مناسبی را در این زمینه نیز دارد.

٤- ایران شاید بتواند پروژه‌های «ال.ان.جی» که به علت تحریم‌ها در دوران احمدی نژاد متوقف شدند، را دوباره راه‌اندازی کند. این طرح به گفته کارشناسان به ٦ تا ١٠ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد تاشاید با تبدیل گاز طبیعی به «ال.ان.جی» بتواند در بازار خارجی نقشی ایفا کند. در حال حاضر، آمریکا،قطر، استرالیا و روسیه در زمینه «ال.ان.جی» سرمایه‌گذاری عظیمی انجام داده‌اند و ایران برای رقابت بااین کشورها راه سختی در پیش دارد.

٥- ایران شدیدا نیازمند تکنولوژی های به روز است تا بتواند از سوزاندن سالانه ١٨ میلیارد متر مکعب گازی که همراه با نفت از میادین نفتی استخراج می‌شود را به خاطر عدم تجهیزات لازم به هدر ندهد.

در وضعیت سنجی شماره آینده به بقیه سوالها پاسخ خواهم داد.

****

وضعیت سنجی ٣٩٩

تاریخ انتشار : ٢٤ تیر ١٤٠١

ضربه پذیرترشدن صنعت نفت و گاز ایران و نتایج مخرب وابستگی نظام به روسیه (بخش٢)

ژاله وفا :در وضعیت سنجی شماره قبل (٣٩٨)، نامه دو هموطن گرامی که سوالات بسیار مهمی در رابطه با وضعیت صنعت و نفت و گاز کشور و نیز صادرات آن مطرح کرده بودند را نقل کردم و آن وضعیت سنجی را به مساله گاز اختصاص دادم و نیز توضیح دادم که اینجانب همواره مخالف فروش نفت بصورت خام به قصد درآمد زایی برای دولت بوده و خواهم بود چرا که این ماده ذیقیمت،

تنها ازآن نسل ما نیست و ساخت ترکیبات نفت در طبیعت میلیونها سال زمان برده است و زمانی خواهد رسید که بشریت به اشتباه خود پی خواهد برد که در مصرف نفت و گاز همه زمانی و همه مکانی نگاه نکرده است چرا که افق دید قدرتمداران تصمیم گیرنده و بخشی از مردم و اقتصاد های مصرف زده، کوتاه است و به نتایج وخیم آن توجه نمی کنند و زمانی که امیدوارم چندان دور و دیر نباشد سطح خود آگاهی بشر بجایی می رسد که متوجه خواهد شد که چه ماده ذیقیمتی را با چه سرعتی صرفا برای تامین انرژی سوخت به هدر داده و در کنارش نیز آلودگی شدیدی در جهان ایجاد کرده است.

از دید اینجانب، از نفت می توان بسیاری مواد با ارزش افزوده در پتروشیمی ها تولید کرد که آنها را نیز بایستی به اندازه ای مصرف کرد که حق طبیعت و محیط زیست را بجای آورد و اندازه استفاده از آنها بحدی باشد که به محیط زیست همه جانداران منجمله بشر در دراز مدت صدمه نزند. لذا در این شماره وضعیت سنجی که به امر نفت و میزان فروش و صادرات آن می پردازم به هیچ وجه موافق افرایش صادرات آن بعنوان ماده سوخت نیستم. بلکه اظهارات و ادعاهای مسولان نظام ولایت فقیه را با توجه به اخبار، راستی آزمایی می کنم.

در ذیل بخش سوالات خانواده محترم شیدایی را در مورد نفت نقل می کنم و به پاسخ بدانها می پردازم

سوال ۱- با توجه به وضعیت جهانی نفت و احتمال تحریم نفت و گاز روسیه آیا ایران توانا است که با ارائه نفت و گاز خود، بازار را در دست بگیرد و آیا حاکمیت اصلا تدابیری در این زمینه سنجیده است؟ البته از بس این نظام بی کفایت است بعید به نظر میرسد که تدابیری سنجیده باشد.

آیا در بلبشوی بازار نفت و گاز، ایران آینده ای دارد؟

سوال ۲- از آنجا که اخباری که در این زمینه منتشر می شوند ضد و نقیض هستند، اشخاصی که مسئله را بطور مداوم دنبال نمی کنند اما علاقمند به دانستن سرنوشت کشور هستند همانند امثال من، از این اخبار ضد و نقیض سردرگم می شوند. لذا از شما خانم ژاله وفاخواهش می کنم در این زمینه سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی و نیز در رابطه به آنچه که در وضعیت سنجی ها در زمینه سیاست روسیه گفتید برای ما مردم مشخص کنید که آیا در بلبشوی بازار نفت و گاز ایران آینده ای دارد؟

سوال ۳- اصولا وضعیت واقعی صادرات خصوصا گاز ایران در چه وضعیتی است؟ آیا ایران امکان این را دارد که به اروپا گاز ارسال نماید؟ و آیا کشورهای

رقیب، بازار ایران را خراب می کنند یا خیر؟ (این سوال را در وضعیت سنجی شماره قبل پاسخ گفتم)

سوال ٤- اگر دولت سیزدهم پول نفت خود را توانسته است وصول کند پس چرا قیمت کالاهای اساسی را برای جبران کسر بودجه بالابرد با اذن به اینکه مردم دست به شورش می زنند .

نخست به پاسخ به سوال های ۱ و ۲ می پردازم :برای پاسخ گویی به این ۲ سوال بایستی ابتدا وضع موجود را بررسی کرد و به آمار رسمی منتشر شده استناد کرد.

ایران چهارمین ذخایر بزرگ نفتی دنیا را در اختیار دارد و مقامات نظام ولایت فقیه سعی دارند با وجود تحریمها در سایه آسان گیری دولت بایدن(نسبت به دولت ترامپ و نیز بعلت سهولت مسئله مذاکرات هسته ای) در عدم جریمه علنی کشورهایی که خواهان خرید نفت ایران هستند، میزان فروش و صادرات نفت را بالا ببرند.

اما واقعیت امر این است که آمار فروش نفت ایران به طور کلی محرمانه است، در نتیجه ما هیچ آماری از فروش نفت ایران نه در داخل کشور و نه در منابع خارجی نداریم. برخی گمانه‌زنی‌ها می‌شود که صحت هیچ یک از آنها را نمی‌توان به طور کامل تایید یا تکذیب کرد.

بر این امر با ذکر مثالی، مجیدرضا حریری رییس اتاق بازرگانی ایران و چین در سایت الف، ۵ مهر ۱۴۰۰، اعتراف می کند آنچه که در گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی تهران منتشر کرده بر اساس آمار گمرک چین است. چین تنها کشوری است که به طور رسمی اعلام کرده که ما تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا را نمی‌پذیریم. این کشور به نشانه نپذیرفتن این تحریم‌ها بخشی از نفتی که از ایران می‌خرد را به طور رسمی در آمار منتشره خود اعلام می‌کند. اما میزان فروش ما در دنیا قطعا بیشتر از این ارقام است و قطعا یکی از مقاصد عمده آن می‌تواند چین باشد. ما راه‌هایی برای دور زدن تحریم داریم که خریداران باید رد و اثر خرید نفت از ایران را پاک کنند.

حریری همچنین تصریح کرد: شواهد نشان می‌دهد که ما میزان نفت بیشتری از ارقامی که از آن صحبت می‌شود به دنیا می‌فروشیم. برای مثال در سال گذشته، ما به طور کلی، ۳۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی و در همین زمان ۴۲ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم. اگر فرض را بر این بگذاریم که همه ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به کشور بازگشته که می‌دانیم اینطور نبوده است، ۱۲ میلیارد دلار مابه التفاوت از کجا آمده که ما توانستیم به وسیله آن واردات انجام دهیم؟ قطعا با فروش

نفت توانستیم این کار را انجام دهیم. بنابراین حاصل جمع درآمدهای ارزی کشور نشان می‌دهد که ایران از آنچه رسما اعلام می‌شود نفت بیشتری فروخته است چرا که واردات بیشتری نسبت درآمدهای ارزی اعلام شده داشته‌ایم. قطعا راههای غیررسمی در سه سال اخیر برای فروش نفت طراحی شده است."

امر محرمانه بودن آمار فروش و صادرات نفت ایران را مقامات وزارت نفت نیز بارها تایید کرده اند. به عنوان نمونه، سایت تسنیم در ۹ اردیبشهت ماه ۱۴۰۱ از قول جواد اوجی، "وزیر" نفت نظام نوشت :" اوجی به‌تازگی اعلام کرده وزارت نفت ایران هرگز شیوه‌ها و مقاصد صادرات نفت خود را فاش نمی‌کند."

با این وجود وزارت نفت هر از گاهی برای اینکه نشان دهد تحریم نفت زیاد موثر نبوده و دولت توانسته است نفت خود را بفروش رساند، آماری از فروش نفت توسط مقامات مسئول انتشار داده است. نگارنده سعی می کنم با ذکر آنها، مشخص نمایم دولت سیزدهم در آمد کافی از فروش نفت دارد و یا خیر؟و اگر آری پس چه نیاز بود به بهانه تامین کسری بودجه از طریق افزایش قیمت کالاهای اساسی اقدام کند که رئیسی (این جنایتکار تاریخی) نیز تازه اعلام کند سال آینده کالاهای دیگری گران خواهد شد!

فروش نفت درسال ۱۴۰۰ و مقایسه صادرات نفت در دولت دوازدهم و سیزدهم

نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، میزان درآمدهای نفتی (نفت خام، فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی، مایعات و میعانات گازی) را برای ۳ ماه نخست سال ۱۳۹۹ حدود ۸ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار اعلام می‌کند. به عبارتی، به طور میانگین، هر ماه حدود ۲میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار درآمد نفتی عاید کشور شده است. این رقم علاوه بر نفت و پتروشیمی، شامل درآمد ارزی حاصل از فروش گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی نیز می‌شود.

در سال ۹۹ و در دولت دوازدهم، میزان تولید نفت طبق صورت مالی شرکت‌های نفتی، ۱,۹۱۲ میلیون بشکه در روز بوده است که از این مقدار ۱,۶۰۶ میلیون بشکه در پالایشگاه‌ها مصرف شده است و تنها رقمی معادل ۳۰۶ هزار بشکه صادرات نفت خام ایران بوده است.

صادرات میعانات گازی ایران نیز بین ۲۰ تا ٦۰ هزار بشکه در روز بوده است. درمجموع صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در سال ۹۹ حدود ۳۵۰ هزاربشکه در روز بوده است.

طبق گزارش برنامه‌ریزی تلفیقی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، میزان مصرف نفت در پالایشگاه‌های داخلی در سال ۱٤۰۰، ۱,۷۱٥ میلیون بشکه در روز بوده است که این رقم در دو ماه گذشته تغییری نکرده است.

در نتیجه، حاصل تفریق میزان مصرف داخلی نفت از میزان تولید، برابر است با رقم صادرات نفت ایران در سال ۱٤۰۱. بدین ترتیب صادرات نفت ایران در سال ۱٤۰۱ حدود ۸٥۰ هزار بشکه در روز بوده است.

البته آمار اوپک، یک آمار برآوردی از میزان تولید نفت ایران است که همواره اعدادی کوچکتر یا مساوی تولید واقعی نفت ایران را عنوان می‌کند. به بیان دیگر رقم صادرات نفت ایران بیش از ۸٥۰ هزار بشکه در روز است.

به گفته جواد اوجی وزیر نفت، میزان صادرات میعانات گازی ایران در طول دولت سیزدهم حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. بدین ترتیب مجموع صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران به بیش از یک میلیون بشکه در روز می‌رسد.

صادرات نفت ایران

به گزارش خبرگزاری فارس در اول خرداد ۱٤۰۱ طبق آمار رسمی اوپک، میزان تولید نفت ایران در ماه آوریل (فروردین و اردیبهشت‌ماه) ۲,٥٦٤ میلیون بشکه در روز بوده است و نسبت به سه ماه نخست سال ۲۰۲۲ به میزان ۳٦ هزار بشکه در روز افزایش داشته است.

نشریه ایران نوشته است: درحالی که برخی از رسانه‌های بین‌المللی از فشار مصرف‌کنندگان نفت خام بر امریکا مبنی بر لغو یا تعدیل تحریم‌های نفتی ایران گزارش می‌دهند، بررسی داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهدکه با وجود اعمال شدیدترین تحریم‌های نفتی و بانکی علیه ایران هم فروش نفت و هم وصول درآمدهای نفتی در دو ماه نخست امسال نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، به طوری که فروش نفت (نفت خام، فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی، مایعات و میعانات گازی) در فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۱ حدود ۴۰درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل بوده است و وصول درآمدها نیز ۶۰ درصد افزایش داشته است. در این رابطه جواد اوجی، وزیر نفت نیز بارها اعلام کرده است که «میزان فروش نفت کشور

در دولت سیزدهم حدود ۴۰درصد رشد داشته است. به عبارتی، میزان فروش نفت در این دولت ۴۰ درصد بالاتر از خردادماه ۱۴۰۰است.»

محسن خجسته مهر، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران نیز عنوان می‌کند که «این افزایش ۴۰درصدی در ماه‌های اخیر حفظ شده است.» علی فروزنده، مدیرکل روابط عمومی وزارت نفت نیز بیان می‌کند که «وصول درآمدهای ارزی در فروردین و اردیبهشت‌ماه امسال (۱۴۰۱) بیش از ۶۰ درصد بیشتر ازمدت مشابه پارسال بوده است.» ارقامی که داده‌های بانک مرکزی نیز آن را تأیید می‌کند.

اما جالب توجه آمار متناقضی است که مسوولان نظام در زمینه درآمد حاصل از فروش نفت انتشار می دهند: در حالی که اوجی وزیر نفت نیز پیشتر از افزایش ۵۰ درصدی صادرات نفت و وصول ۱۰۰ درصدی درآمدهای نفتی خبر داده بود، در ۲۰ تیرماه ۱۴۰۱ دیوان محاسبات کل کشور اعلام کرد که وصول درآمدهای نفتی در دو ماهه اول امسال کمتر از ۱۵ درصد بوده است. جواد اوجی وزیر نفت در برنامه صف اول درباره شیوه وصول درآمدهای نفتی ایران می‌گوید: تمامی درآمدهای نفتی در تاریخ مشخص آن وصول شده است. ۸۰ درصد از درآمدهای نفتی را به صورت نقدی دریافت کرده‌ایم و مابقی نیز با دارو و کالاهای اساسی تهاتر شده است. ما بازارهایی جدید و مشتریان جدیدی را برای فروش نفت ایران شناسایی کرده‌ایم.

خبرگزاری رسمی دولت جمهوری اسلامی، ایرنا، روز دوشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۱از قول وزارت نفت نوشت که ایران در دوره اخیر وارد بازارهایی شده که قبلا «تصور حضور» در آنها را هم نداشته است. بدیهی است با توجه به امکان سوءاستفاده دشمنان نمی‌توانیم هیچ یک از تلاش‌های صورت گرفته و در حال انجام را به صورت عمومی بیان کنیم. اما افزایش پایدار ۴۰ درصدی صادرات نفت از ماه‌های گذشته تاکنون و کاهش چشمگیر محموله‌های میعانات گازی روی آب و تسویه بسیاری از تعهدات دولت قبل، به خوبی مؤید فعالیت جهادگونه پرسنل خدوم صنعت نفت در عمل به تکالیف خود است.»

مصطفی نخعی سخنگوی انرژی مجلس نظام در گفت‌وگو با«ایران» درباره تحقق بودجه نفتی ۱۴۰۱ اذعان می‌کند: «فکر می‌کنم این اتفاق براحتی در سال جاری می‌افتد و اگر همین شرایط فروش و ارزآوری نفتی را داشته باشیم، بخش نفتی بودجه ۱۴۰۱ محقق می‌شود. با توجه به دیپلماسی فعال انرژی طی ماه‌های اخیر، اگر بتوانیم نقش فعال‌تری را در بازار نفت ایفا کنیم و بازارهای متنوع‌تری را به دست بیاوریم، حتی بیش از ارقام آمده دربودجه محقق خواهد شد.»

در مجموع سه آمار کلی ولی متفاوت از میزان نفت ذخیره شده ایران در خشکی و نفتکش ها وجود دارد.

خبرگزاری رویترز روز دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ اعلام کرد همایون فلک شاهی از شرکت اطلاعات کالا، کپلر، به این خبرگزاری گفته است پارسال همین زمان ایران ۴۱میلیون بشکه نفت بی‌مشتری ذخیره شده در نفتکش‌ها داشت، اما طی ماه‌های گذشته انتقال ذخایر نفت از خشکی به نفتکش‌ها را به شدت افزایش داده و به ۷۸ میلیون بشکه رسانده است.

خبرگزاری بلومبرگ چند هفته پیش میزان ذخایر نفتی ایران در کشتی‌ها را ۶۹ میلیون بشکه گزارش کرده بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد ایران به پروسه انتقال نفت از تاسیسات ذخایر نفت خام در خشکی به نفتکش‌های لنگر انداخته در خلیج فارس شتاب بخشیده است. بر اساس ارزیابی بلومبرگ ذخایر نفت بی‌مشتری ایران در دریا و خشکی تا ماه گذشته حدود ۱۲۳ میلیون بشکه بوده است.

اما ارزیابی شرکت فکت گلوبال انرژی نشان می‌دهد این رقم حدود ۲۰۰ میلیون بشکه است که ۳۰ میلیون بشکه آن در تاسیسات خشکی چین ذخیره شده است.

طبق گفته‌ی تحلیلگران کپلر، این رقم، دوسوم کل ذخایر جهانی نفت خام و میعانات گازی در منابع شناور است.

دو منبع به خبرگزاری رویترز گفته‌اند هشت میلیون بشکه نفت ایران نیز در نزدیکی آب‌های سنگاپور است تا به محض لغو تحریم‌ها شروع به مشتری‌یابی و فروش محموله کند.وجود ذخایر عظیم نفت در انبارهای خشکی و تانکرها این امکان را به ایران می‌دهد که صادرات روزانه نفت خود را طی شش ماه، حدود یک میلیون بشکه افزایش دهد.

کورمک مک گاری، کارشناس امنیتی در Control Risks در لندن گفت: «حدود ۸ درصد از بزرگ‌ترین نفتکش‌های جهان اکنون درگیر قاچاق نفت تحریم‌شده هستند که عمدتاً شامل تولیدات ایران و ونزوئلا است. ترفند این کار این است که نفتکش دوم ممکن است کاملاً پایبند [به تحریم ها] به نظر برسد و تاجر یا مصرف کننده فریب بخورد و فکر کند محموله‌ای غیرتحریمی را خریداری کرده است.»

افت ۷۵ درصدی صادرات نفت ایران به چین

در عین حال معاونت بررسی‌های اتاق بازرگانی تهران ۲۷ اردیبهشت۱۴۰۱ گزارشی پژوهشی منتشر کرد که در آن میزان صادرات نفت ایران به چین نزدیک به صفر است. فقط در آخرین ماه ۲۰۲۱ و اولین ماه ۲۰۲۲ میلادی نفت اندکی سهم خود را در سبد صادراتی ایران به کشور آسیای شرقی افزایش داده اند

از ابتدای سال ۲۰۲۱ سهم نفت در سبد صادراتی ایران به چین افت چشمگیری داشت. چنان‌که در ماه مارس ۲۰۲۲ میلادی صادرات نفت نسبت به یک ماه قبل ۷۵درصد تنزل داشت. به نظر می‌رسد روسیه باز هم در این واقعه نقش اول را ایفا می‌کند.

روسیه با تخفیف قیمت نفت به چین و هند و امارات و نیز بدر آوردن بازار فولاد از دست ایران، رقیب ایران در این کشورها گشته است.

مقدمتا توضیح دهم که در میان مدت، جمهوری خلق چین قصد دارد خود را از وابستگی به مصرف ذغال سنگ، که نخستین منبع سوخت آن بوده، نجات دهد. و درازمدت، الزام امنیت سوختی داشتن راه های دیگر ، واردات سوخت را رای چین ایجاب می کند.
واما چین سه چهارم مصرف نفت و ۴۰ درصد گاز مورد نیاز خود را وارد می کند و تا حدی زیاد وابسته به راه های دریایی ای است که آمریکایی ها و متحدانش آنها را کنترل می کنند.(رویترز ۱۹ مارس ۲۰۲۱ مقاله جان کمپ، «برنامه پنج ساله چین بر امنیت انرژی تمرکز دارد)

رویترز، جمعه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱در گزارشی نوشت که تخفیف‌های روسیه برای فروش نفت موجب شده تا فروش نفت ایران به چین به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد و تقریبا ۴۰ میلیون بشکه نفت ایران روی دریا، بدون مشتری و بلاتکلیف بماند.

در همین راستا، یک تاجر چینی درباره بهای نفت روسیه به چین گفت، مسکو نفت خود را با ۹ دلار تخفیف به پکن می‌فروشد. در این بازار، اگر ایران بخواهد نظر چینی‌ها را جلب کند باید تخفیفی ۱۲ تا ۱۵ دلاری در نظر بگیرد.در حالی که فنشینال تایمز ٤ مه ۲۰۲۰ اعلام کرد:"پالایشگاه های مستقل چینی در ماه آوریل تخفیفی ۳۵ دلاری درهر بشکه نفت روسیه نسبت به قیمت نفت برنت، که بیش از ۱۰۰ دلار بود می گرفتند."

یک تاجر اروپایی در این‌باره به این خبرگزاری گفت: «شما همچنان می‌توانید نفت روسیه را به‌صورت قانونی و با تخفیف بخرید. در حالی که خرید نفت ایران موضوع تحریم‌ها است. در چنین شرایطی، طبیعی است که خریداران گزینه کم‌دردسرتر را انتخاب می‌کنند.»

جواد اوجی، وزیر نفت ایران پیشتر در رابطه با اقدامات روسیه برای تصاحب بازار نفت ایران ادعا کرد که «روسیه تخفیف‌هایی برای خریداران نفت در نظر گرفته، اما با توجه به تحریم‌هایی که از طرف غربی‌ها علیه این کشور اعمال شده است، پیدا کردن مشتری برای روس‌ها زمان می‌برد.»

حمید حسینی، رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت ایران هم به رویترز گفت روسیه می‌تواند تقریبا نیمی از نفت صادراتی خود را به آسیای جنوب شرقی به‌ویژه چین بفروشد و «این تهدید بزرگی برای صادرات نفت خام ایران است.»

اطلاعات شرکت‌های تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد صادرات نفت ایران به چین، پیش از بحران اوکراین روزانه به ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسید که تخمین زده می‌شود در آوریل به سطح ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار بشکه در روز سقوط کرده باشد.

رویترز اعلام کرده که ایران در سه ماه گذشته، روزانه بیش از نیم میلیون بشکه نفت به چین داده است. اگراین روند در کل سال ادامه پیدا کند، ایران سالانه ۳۰ هزار میلیارد تومان به چین تخفیف می‌دهد تا این کشور مشتری نفتی ایران باقی بماند.

داده‌ها همچنین نشان می‌دهند که امارات و هند، دو مشتری همیشگی نفت و فرآورده‌های نفتی ایران در دوران پیش از تحریم‌ها نیز به صورت گسترده از روسیه نفت و مازوت خریداری می‌کنند.

رویترز همچنین می‌گوید که نفت و محصولات پالایشی روسیه به بازارهای دیگر و به‌ویژه هند و امارات متحده عربی سرازیر شده است. واردات نفت کوره (مازوت) روسیه در مرکز ذخیره‌سازی فجیره امارات قراراست به حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد که حدود ۱۲۵درصد بیشتر از سطح ماه آوریل است. لازم به ذکر است که امارات در شرایطی واردات نفت کوره از روسیه را افزایش داده که در گذشته محموله‌های نفت کوره ایران به بندر فجیره، یکی از شریان‌های مهم صادرات فرآورده ایران چه در زمان تحریم و چه در دوران قبل ازتحریم، صادر می‌شده است. اماراتی‌ها تا پیش از توافق برجام در سال ۲۰۱۶، در اوج تحریم‌های نفتی اوباما علیه ایران نیز به خرید نفت کوره از ایران ادامه می‌دادند و این روند تا سال‌های اخیر نیز ادامه پیدا کرد. اماراتی‌ها پس از خروج ترامپ از توافق برجام نیز به خرید مازوت از ایران ادامه دادند، اما این رقم به

تدریج در سال‌های اخیر کاهش پیدا کرد و در حالی که گفته می‌شد ایران در گذشته میلیاردها لیتر نفت کوره به فجیره می‌فرستاده این رقم کاهش یافته است.

پس در پاسخ به این سوال ۱ و ۲- با توجه به وضعیت جهانی نفت و احتمال تحریم نفت و گاز روسیه آیا ایران توانا است که با ارائه نفت و گاز خود، بازار را در دست بگیرد و آیا حاکمیت اصلا تدابیری در این زمینه سنجیده است؟

ملاحظه می شود این امر که روسیه بتواند بازار مشتری های همیشگی ایران در بازار نفت را از دست ایران بدر برد و نظام ولایت فقیه را ناچار به تخفیف های بیشتر از جیب مردم نماید و نیز وابستگی بوجه به نفت را نکاهد و نیز به مساله بحران هسته ای که مسبب تحریمها شده است پایان ندهد (که نخواهد داد چرا که هیچ نظام بحران سازی خود بحران را از بین نمی برد چرا که اگر بدان بحران نیاز نداشت عیر ممکن بود ان بحران را باسازد و انرا ادامه دهد) نمی توان گفت که نظام حاکم تمهید و تدبیر ی سنجیده است که بازار نفت و گاز را بدست بگیرد. از دید اینجانب همین امر پنهان نگاهداشتن میزان فروش نفت و گاز و پنهان نگاه داشتن قیمت و در آمد حاصله از آن را نظام حاکم و گروههای قدرت سخت خوش می آید. بدینسان میزان بکار گیری در امدی که حاصل حراج ثروت ملی است بدست خود نظم حاکم است و این وضعیت را ادامه خواهد داد.

پس نه تنها تمهیدی و تدبیری را نظام نسنجیده بلکه بلکه بر عکس بی تدبیری و خیانت به حقوق ملی است .

دروغگویی به مر دم، خروج ۱۰ میلیارد سرمایه از کشورتنها در عرض ۹ ماه همراه با عدم جذب سرمایه بعلت نا امنی سیاسی -قضایی و نیز گران کردن کالاهای اساسی روش اتخاذی نظام ولایت فقیه علیه مردم ایران

اکنون که خیانت به حقوق ملی توسط نظام ولایت فقیه محرز شد و لاف زدنهای مقامات وزارت نفت و سایر مقامات مسوول نظام را در تحقق در آمدهای نفتی با وجود تحریمها ملاحظه کردیم سوال شماره ٤ محل پیدا می کند :

سوال ٤- اگر دولت سیزدهم پول نفت خود را توانسته است وصول کند پس چرا قیمت کالاهای اساسی را برای جبران کسر بودجه بالابرد با اذن به اینکه مردم دست به شورش میزنند؟

پاسخ : این سوال دو پاسخ می تواند داشته باشد:

۱- یا مقامات نظام ولایت فقیه در مورد میزان صادرات نفت لاف می زنند و امر تخفیف قیمت نفت به مشتری ها واقعیت دارد، پس هم از کیسه خلیفه بخشیده و ثروتهای ملی را از دو راه هدر می دهد. و هم با اتخاذ سیاستهای موافق با روسیه زمینه وابستگی هر چه بیشتر ایران را فراهم می آورد.

۲- و یا در آمد حاصل از نفت و میعانات گازی با توجه به رشد قیمت نفت به اندازه کافی است ولی میزان هزینه های رانت خواران نظام بحدی اوج گرفته (منجمله هزینه های جنگ در سوریه و در قبال کم شدن حضور روسیه یخاطر در گیری ارتش روسیه در اوکراین) که از جیب مردم ایران با گران کردن کالاهای اساسی این هزینه های سر سام آور را می پردازد.و گذشته از آن خود را برای درگیر کردن پای ایران در جنگی دیگر نیز آماده می سازد.

و البته نباید از نظر دور داشت که سرمایه های ملی ایران را گروههای قدرت مافیایی حاکم بر ایران و هزار فامیلشان از ایران خارج می سازند. می دانیم که مقامات نظام ولایت فقیه همواره مدعی هستند که تحریم عامل اصلی کاهش سرمایه‌گذاری در کشور است اما برعکس این ادعا، عوامل داخلی از تحریم مهمتر و اساسی تر هستند. چرا که بدترین سطح از خروج سرمایه در دو دهه اخیر مربوط به سال ۱۳۹۶ و در دوران پسابرجام بر می‌گردد که حدود ۲۰ میلیارد دلار سرمایه در یک سال از کشور خارج شده است. و مطابق آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی خالص حساب سرمایه کشور در دهه ۹۰ با نزول ۹۳ میلیارد دلاری روبرو بوده است. در گزارش بهمن ماه سال ۱۴۰۰ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز آمده بود که بجز حوزه نفت و گاز در مابقی حوزه‌ها وضعیت امنیت سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۰ نسبت به زمستان ۹۹ بدتر شده اما در سایر حوزه‌ها و به خصوص خدمات که حدود ۵۰ درصد از شاغلان اقتصاد کشور را در اختیار دارد، وضعیت بدتری در بهار امسال وجود داشته است. آمارهای بانک مرکزی دریکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ از خروج بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور در ۹ ماهه سال ۱۴۰۰ خبر می‌دهد. نظام ولایت فقیه نه تنها نتوانسته سرمایه خارجی جذب کند بلکه سرمایه‌های داخلی هم از کشور خارج می‌شوند.

علاوه برآن این مهم را نباید از یاد برد که دولت سیزدهم از فشار تورم بر زندگی مردم ابایی ندارد چرا که از افزایش تورم سود می برد .بدین دلیل ساده که با کاهش ارزش پول ملی دولت خودش را به اصطلاح از شر بدهی ها خلاص می کند. چرا که با کم شدن ارزش پول ملی ارزش بدهی های دولت نیز از لحاظ ارزش پولی کاهش می یابد ! و مسلما این وضعیت باعث کاهش قدرت خرید و فشار کمر شکن بر طبقات ضعیف جامعه و نابودی قشر متوسط جامعه می گردد.

وضعیت صنعت نفت و گاز کشور را سعی کردم بطور خلاصه در ۲ وضعیت سنجی بر شمارم و توضیح دهم که تنها استبداد و سوء مدیریت، طمع رانتخوارن و حرص مافیای نظامی-مالی حاکم بر کشور و نیز نادانی و وابستگی مسئولان نظام ولایت فقیه است که این معضلات را برای ایران فراهم آورده است. بدینسان جیب شما مردم بطور روز افزون خالی و صرف الزامات قدرت مافیای حاکم می شود و حال و آینده ایران تیره و تار می گردد.

شما ملت فهیم ایران نبایستی نگران باشید که برای این معضلات در نظامی مردم سالار و حقوند راه حل وجود ندارد و تنها شما مردم ایران هستید که قادرید با برپایی جنبشی همگانی اراده خود را به حیات ملی نشان دهید و با عزمی راسخ به این چپاول و ویرانی پایان بخشید و بدیلی در خط استقلال و ازادی و با برنامه را انتخاب کنیدو یا بوجود آورید.

ژاله وفا: وضعیت سنجی ۳۹۸ ضربه پذیرترشدن صنعت نفت و گاز ایران در نظام ولایت فقیه (بخش۱)

https://enghelabe-eslami.com/index.php/component/content/article/-۳۷khabar/tahlil/-۱-۸-٤۷٥۹٥=Itemid?html.۰

****

وضعیت سنجی ۴۰۰

تاریخ انتشار : ۲۵/۰۶/۱۴۰۱

نتایج مخرب قراردادن ایران در تعادل ضعف و ۱۵نمونه ازعداوت و کج دهنی روسیه به ایران

در شماره قبلی وضعیت سنجی (۳۹۹) به ۳سوال اساسی خواننده ای محترم

-۱توجه به وضعیت جهانی نفت و احتمال تحریم نفت و گاز روسیه آیا ایران توانا است که با ارائه نفت و گاز خود، بازار را در دست بگیرد و آیا حاکمیت تدابیری در این زمینه سنجیده است؟

-۲آیا در بلبشوی بازار نفت و گاز، ایران آینده ای دارد؟

-۳اگر دولت سیزدهم پول نفت خود را توانسته است وصول کند پس چرا قیمت کالاهای اساسی را برای جبران کسر بودجه بالابرد با اذن به اینکه مردم دست به شورش میزنند؟

پاسخ گفتم . در این شماره اما بعلت وخیم بودن سیاست مخرب در تعادل ضعف نگاه داشتن ایران توسط نظام ولایت فقیه وضعیت سنجی را به بررسی این امر اختصاص می دهم که:

در نظر نگرفتن حقوق ملی و تمایل کورکورانه به روسیه می تواند چه ضررهایی متوجه ایران کند ؟

اصولا هرنظام استبدادی که بر ملت خود تکیه ندارد و بخاطر اعمال استبداد و روش سرکوب،پشتیبانی داخلی را ازدست می دهد- همانند نظام ولایت فقیه -الزاما نیازمند تکیه بر قدرتهای خارجی برای حفظ استیلای داخلی و ادامه حیات خود است. در درون نظام ولایت فقیه، هستند گروه های قدرتی که نفع خود را در ادامه تحریمها و نیز وابستگی و سرسپردگی به دولت روسیه می بینند. من باب نمونه خامنه ای کسی همچون ولایتی را مشاور امور خارجی خود کرده است که استراتژی "نگاه به شرق" را این گونه توضیح می دهد:"جمهوری اسلامی باید از ظرفیت اقتصادی چین و توان سیاسی روسیه استفاده کند تابتواند با نفوذ غرب مقابله کند. رابطه با کشورهایی مانند هند که هم نفت ما را می خرند و هم در ایران سرمایه گزاری می کنند و هم کشورهایی مانند ونزوئلا که در مقابل آمریکا ایستاده اند و هم سوریه که در منطقه با ما همکاری می کند می توانند تکیه هایی از شرق باشند و استفاده از وتوی روسیه در شورای امنیت سازمان ملل علیه قطعنامه ای که فعالیت ما را در یمن محکوم می کرد نمونه ای از استفاده از این توان است".

عقل قدرتمداری چون ولایتی و رهبرش فراموش می کنند که هیچ تکیه گاهی مستحکم تر از ملت نیست و کشوری که بر مبنای حقوق ملی خود و احترام مقابل

به حقوق سایر ملتها عمل می کند در وضعیت ضعف قرار نمی گیرد که بایستی جلب حمایت قدرتهای خارجی را سرلوحه سیاستهای خارجی خود قرار دهد. چرا که همواره در اتخاذ هر سیاستی حقوق ملی مردم خود و نیز عدم تجاوز به حقوق ملی کشوری که با آن رابطه بر قرار می نماید را رعایت می کند. یه زبان دیگر هم اجازه نمی دهد که وطن و ملت خود توسط قدرتهای خارجی چپاول شوند و هم نگاه چپاول گرانه به کشور و ملتی دیگر ندارد و روشهای مسالمت آمیز و خشونت زدا را در سیاست خارجی بکار می گیرد و از رابطه سلطه- زیر سلطه بیرون می آید. یعنی نه زور بکار می برد و نه زور می شنوند بلکه تکیه اش تنها بر حقوق است که نزد ملتها یکسان است.

اما قدرتمدارانی نا آشنا با حقوق ملی و در قبال قدرتهای خارجی زور شنو و زیر سلطه، همچون ولایتی و رهبرش خامنه ای، به جز"تعادل ضعف " توان تصور روابط خالی از دور و خشونت زدا و رل تدارند که بر پایه درس بزرگ سعدی که بیانگر قدمت اصل موازنه عدمی و فرهنگ مدارا و صلح در وطن کهن شکل گرفته همانا

آرامش دوگیتی تصویر این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

این قدرتمداران حاکم بر ایران ،موازنه عدمی به معنای در نظر گرفتن حقوق ملی را نمی توانند بکار برند و همواره کشور را در موازنه مثبت و تعادل ضعف نگاه می دارند که البته این تعادل هم ایستا نمی ماند و به نفع سلطه گر با قدرت بیشتر خاتمه می یابد و حیات ملی ما را به خطر می اندازد.

آقای بنی صدر در کتاب استقلال خود بیش از ٤٨ کاربرد استقلال و خروج از رابطه سلطه – زیر سلطه و بکار گیری اصل موازنه عدمی را با دقت بسیار تدوین کرده و برشمرده اند و اصل موازنه عدمی را در ابعاد مختلف بسط داده و تکمیل کرده اند که می تواند راهنمای عمل هر فرد و هر ایرانی برای اداره زندگی فردی و جمعی و در سطح ملی باشد.

نتایج مخرب درتعادل ضعف نگاه داشتن ایران توسط نظام ولایت فقیه و ١٥ نمونه از کج دهنی روسیه به ایران و دلیل اینکه افکار عمومی ایران نسبت به سیاستهای روسیه در قبال ایران بدبین است:

-١برخلاف تصور ولایتی دولت استبدادی بشار اسد نه تنها تکیه گاهی برای مردم ایران نیست، بلکه حفظ دولت استبدادی لسار اسد است که توان ایران را بخاطر درگیرکردن چند ساله ایران در جنگ سوریه روز بروز کاهش داده و چاه ویلی شده که هزینه های هنگفتی را ار مردم ایران می بلعد.

-۲دولت هند نیز با استناد به خبرهای فوق از خرید نفت از ایران اجتناب ورزیده و به خرید نفت از روسیه روی آورده است خصوصا که نباید فراموش کرد که دولت هند بعلت پایبندی به سیاست امریکا در تحریم ایران در زمینه بلوکه کردن بهای ۷ درصد نفتی که از ایران می خرید بر ایران فشار وارد می آورد که آنرا با برنج هندی تهاتر نماید! این سیاست را تکیه گاه محسوب کردن ناشی از درس نگرفتن از تجربه است که ناشی از چشم بستن بر روی واقعیات و دگم ذهنی آقای ولایتی مشاور امور خارجی خامنه ای است!

-۳از دید آقای ولایتی وتوی روسیه در شورای امنیت سازمان ملل علیه قطعنامه ای که فعالیت ما را در یمن محکوم می کرد یکی از تکیه گاه ها است ولی از یاد می برد که روسیه نه تنها از حق وتوی خود در شورای امنیت سازمان ملل استفاده نکرد تا مانع تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شود بلکه خود نیز به آن رأی داد! سخنان محمد جواد ظریف "وزیر" سابق امور خارجه نظام ولایت فقیه را یادمان نرفته است که اقرار کرد :«روس‌ها با توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵ به شدت مخالف بودند. روس‌ها از امضای توافق هسته‌ای غافلگیر شده بودند و فکر نمی‌کردند برجام به مرحله توافق برسد. سفر سردار سلیمانی به روسیه به اراده مسکو شکل گرفت نه به اراده ما«.

-٤روس ها، حداقل دو دهه برای تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر تعلل ورزیدند.

-٥روس ها در جنگ تحمیلی ۸ ساله رژیم بعث عراق علیه ایران، با تحویل پیشرفته‌ترین سلاح‌های خود به صدام از وی حمایت کرده و نسبت به ایران خصومت ورزیدند.

-٦روسیه در سال ۱۳۸۹ به دستور شخص "دیمیتری مدودف" رئیس‌جمهور وقت روسیه از ورود ۱۲ نفر از مهندسان و مقامات هسته‌ای ایران به روسیه و عبور آنها از خاک این کشور جلوگیری به عمل آورد و همان زمان نیز خبرگزاری روسی نووستی اعلام کرد که این اقدام رئیس‌جمهور روسیه در چارچوب اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ و تحریم ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل صورت گرفته است.

-۷همچنین باز بدستور "دیمیتری مدودف" رئیس‌جمهور وقت روسیه از حضور ایران در طرح‌های استخراج اورانیوم روسیه ممانعت بعمل آمد و انتقال سلاح‌های سنگین از جمله هواپیماهای جنگی، تانک، خودروهای زرهی، کشتی‌های نظامی و انواع موشک‌ها را به ایران ممنوع نمود.

-۸قرارداد "اس ۳۰۰" که در سال ۱۳۸٤ با روسیه امضاء شده، سرنوشت مضحکی بخود گرفت . روسیه در سال ۲۰۱۰ به بهانه تحریم های وضع شده مرتبط با برنامه هسته ای ایران، قرارداد را به طور یکجانبه لغو کرد. در پی این اقدام، ایران ضمن شکایت از روسیه به مجامع بین المللی، درخواست غرامت ٤ میلیارد دلاری کرد.

رئیس شرکت تسلیحاتی «آلماز- آنتی» اعلام کرده سامانه های «اس «۳۰۰که قرار بود به ایران تحویل داده شود و دولت روسیه از تحویل آن ها خودداری کرده، اکنون به طور کامل اوراق شده و از بین رفته است. خبرگزاری »ریانووستی» روسیه نیز ضمن انتشار این خبر به نقل از «ولادیسلاو منشیکوف «در سال ۱۳۹۲ نوشت: «تجهیزاتی که قرار بود به ایران تحویل داده شود، دیگر وجود ندارد. ما آن را به طور کامل اوراق کردیم. برخی از اجزای آن هم که قابل استفاده بود، در تجهیزات دیگر مورد استفاده قرار گرفته است. برخی دیگر هم نابود شده است«.

-۹میدان‌داری روسیه در مذاکرات احیای برجام ودیدار مستقل نمایندگان روسیه و آمریکا پیش از توقف موقت مذاکرات خصوصا دیدار اولیانف که به تنهایی با رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران که ۲۹ دسامبر ۲۰۲۱ (هشتم دی ۱۴۰۰)، در آخرین روز از مرحله اول دور هشتم مذاکرات وین، دو بار با یکدیگر رایزنی کرده‌اند. این در حالی که مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا باید از طریق انریکه مورا، هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام انجام شود و تصویر مذاکره اولیانف با رابرت مالی ؛ در اذهان یاد آور تصویر ناخوشایند سفیران روسیه و بریتانیا از سران متفقین در دوران جنگ جهانی دوم در محل سفارت شوروی سابق در تهران گردید که در مورد سرنوشت ایران بدون حضور مقامی ایرانی به تصمیم گیری نشسته بودند.

-۱۰وادار کردن مقامات نظامی نظام ولایت فقیه به صف بستن تحقیر آمیز و خفت در سفارت روسیه برای دست دادن با سفیر این کشور در روز ملی روسیه، که در هیچ کشوری سابقه نداشته است.

-۱۱دفاع خامنه ای در ملاقات با پوتین از حمله و تجاوز روسیه به اوکراین و کشتن هزاران نفر شهروندان غیر نظامی و نقض تمایمت ارضی اوکراین و تلویحا دفاع از امر تجاوز آنهم زیر پوشش جنگ پیشگیرانه و زمینه سازی توسط حسین شریعتمداری نماینده خامنه ای در کیهان با جمله : در صورت پیروزی آمریکا در اوکراین، ایران یکی از اهداف بعدی خواهد بود و از این رو ایران ، مقابله روسیه با آمریکا و ناتو در اوکراین را بخشی از امنیت خود می‌داند!" هر دو به معنای این است که بعید نیست پوتین برای مبارزه با انزوای خود در جنگ بر علیه اوکراین پای ایران را به جنگ در درون اوکراین کشاند و به بهانه " تامین امنیت " نظام (و نه مردم ایران) که شریعتمداری به نمایندگی از خامنه ای از پوتین اینچنین ذلت بار دریوزگی می کند و بهره برداری از نفت و گاز ایران برای تامین مخارج روسیه در جنگ اوکراین ، بار دیگر با نظام ولایت فقیه به دید زیر سلطه رفتار کرده و موفق به اظهار چنین موضع گیری های خفت باری نیز از طرف خامنه ای شده است.

-۱۲حال که دیوان کیفری بین المللی در لاهه اوکراین را «صحنه جرم» توصیف و تحقیقات مقدماتی درباره وقوع جنایت جنگی توسط روسیه در اوکراین را شروع کرده است ،یک مقام نظامی – قضایی روسی الکساندر باستریکین، پیشنهاد کرده »دادگاه بین المللی» با حضور کشورهایی همچون ایران، سوریه برای محاکمه شماری از اعضای نیروهای مسلح اوکراین تشکیل شود !و بدین ترتیب با آدرس عوضی دادن وانمود می کند که دو قوه قضائیه وابسته به قدرت دولت روسیه و نظام ولایت فقیه که در کشتارو سرکوب شهروندان کشورهای خود ید طولای دست دارند ، صلاحیت قضاوت علیه شهروندان کشور مورد تجاوز واقع شده اوکراین را دارا می باشند!

-۱۳روسیه اجازه افزایش ناوگان دریایی ایران در خزر را نمی‌دهدو کشتی متعلق به ناوگان ایران باید از دریای سیاه وارد خزر شود و باید از ولگا-دن عبور کنند چراکه سطح آب خزر ۲۸ متر و سطح آب دریای سیاه پایین‌تر است. اما روس‌ها خطی را در این مسیر راه‌اندازی کردند و با ۷ دریچه احداث شده توانستند سطح آب این مسیر را هم تراز دریای خزر کنند که این مسیر به طور انحصار در اختیار روسیه است.از اینرو بر فرض اگر ایران بخواهد چند فروند کشتی خریداری و وارد خزر کند باید از روس‌ها اجازه بگیرد تا از کانال ولگا-دن عبور کند. از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که افزایش ناوگان ایرانی در دریای خزر درآمدهای روسیه را تحت تاثیر قرارمی‌دهد و هر چند روس‌ها در ظاهر هیچ مخالفتی با افزایش ناوگان ایرانی ندارند اما در عمل اجازه کار به کشتی‌های ایرانی را نمی‌دهند به طوری که صاحب بار از قبل باید حمل بار با کشتی ایرانی را اعلام کرده باشند و به تایید مقامات محلی روسیه برسد تا اجازه ورود کشتی و تخلیه بار داشته باشند واین در حالی است که دریای خزر بین ایران و روسیه در قراردادهای معتبر ۱۹۲۱(بنا بر فصل ۱۱) و ۱۹٤۰مشاع بوده و هر دو حق کشتیرانی یکسان و برابر تخت لوای پرچم خود داشته اند.

-۱٤گول زدن آشکار و چند باره همکاری با نظام ولایت فقیه در توسعه صنعت نفت و گاز ایران. آنهم تنها با امضای تفاهمنامه که هیچ ضمانت اجرایی ندارد . تا بحال دولتهای نظام ولایت فقیه با گاز پروم انواع تفاهمنامه برای توسعه میادین نوشته اند .همانند تفاهم نامه گلشن و یا فردوسی و یا فرزاد و یا چشمه خوش اما واقعیت این است که هیچ کدام به قرارداد منهتی نشده و جنبه اجرایی بخود نگرفته است که حال انتظار از موفقیت تفاهمنامه جدیدی داشته باشیم که حتی مسئولان گاز پروم در امضای آن حضور فیزیکی در تهران نداشته و از طریق وبینار ناظر بوده اند ! بگذریم که روسها فاقد دانش فنی مستقل ال ان جی هستند و پروژه های ال ان جی روسیه در یامال و ساخالین -۲ تنها پروژه فعال ال ان جی در روسیه با کمک شرکت انگلیسی / هلندی شل و میتسویی ژاپن و پروژه ساخالین -۱ توسط اکسون موبیل ساخته شده و تامین مالی گردیده و تا قبل از تجاوز روسیه به اوکراین ،روسیه

تنها ۳,٦ درصد از بازار ال ان جی جهان را در دست داشته است و حال که تامین گنندگان سرمایه این پروژ ه ها یکی بعد از دیگری از روسیه خارج شده اند و پای خود را از این پروژه ها کنار کشیده اند و روسیه در جنگ خود نیازمند سرمایه است ، شرکت دولتی گاز پروم وعده سرمایه گذاری به ایران داده و" وزیر " نفت دولت سیزدهم هیایو برپا گرده است !

-۱۵اظهارات ذلت بار امیر عبدالهیان "وزیر" خارجه نظام ولایت فقیه در حمایت از "منافع روسیه در توافق برجام" که علنا بدون هیچ گونه شرمی با "عالیجناب" خطاب کردن پوتین قاتل مردم اوکراین ،می گوید:

"اگر قرار است همه طرف ها به برجام برگردند پس باید به گونه ای عمل شود که روسیه هم منافع خودش را ببرد".

آیا این جمله نشان وابستگی و ذلت نظامی نیست که بویی از موازنه عدمی و حقوق ملی و وطن دوستی و عرق ملی نبرده است و دل در گرو منافع قدرتی متجاوز را دارد؟

این گفته "وزیر " امور خارجه نظام ولایت فقیه را که ذلت از آن می بارد را با اظهارات ۲ شاخص استقلال ایران دکتر مصدق و دکتر بنی صدر مقایسه کنیم:

اظهارات دکتر مصدق در دادگاه لاهه : آقای رئیس و آقایان قضات نباید از آقایان این حقیقت را پنهان کنم که در نزد ما ایرانیان, تشویش جلوگیری از هرگونه عملی که در حکم مداخله در صلاحیت ملی باشد شدید تر از سایر ملل است و علت هم این است که ما ملل شرق سالیان دراز مزه ی تلخ موسسات اختصاصی و استثنایی را که صرفا به منظور تامین منافع بیگانگان بوجود آمده بود چشیده و به چشم خود دیده ایم که کشور ما میدان رقابت سیاست های استعماری بوده و ضمنا پی برده ایم که متاسفانه علی رغم آنهمه امید و آرزو , جامعه ملل و سازمان ملل متحد نتوانسته اند به این وضع اسفناک که شرکت سابق نفت ایران و انگلیس در پنجاه سال اخیر مظهر برجسته آن بود خاتمه دهند.ملت ایران که از این وضع به ستوه آمده بود در یک جنبش با ملی ساختن صنایع نفت و قبول اصل پرداخت غرامت یکباره به سلطه بیگانگان خاتمه داد" .

پاسخ دکتر بنی صدر به سفیر روسیه (به نقل از مصاحبه عبیدالله مهدی، فعال سیاسی افغانستانی در فرانسه با ابوالحسن بنی صدر در ۳۰ بهمن ۱۳۹۸:(

سئوال : جناب بنی صدر، اگر برگردیم به سالهای ۵۹ و ۶۰، شما با نماینده های شوروی در رابطه با تجاوز به افغانستان، دیدارهایی داشتید و آنها از شما تقاضای حمایت کرده بودند. پاسخ شما چه بود؟

ابوالحسن بنی صدر: نماینده ها، یعنی سفیر، مرتب می آمد. آدم به اصطلاح کم حرفی هم نبود. سه شرط برمن گذاشت، اگر من سه شرط را عمل بکنم، قدرت شوروی پشت من، مثل کوه، خواهد ایستاد. گفتم خوب بفرمائید شرطهایتان چیست؟ گفت:

یکی اینکه حمایت از مقاومت افغانستان را رها کنید.

شرط دومش این بود که یک پیمان امنیت متقابل در خلیج فارس با روسها ببندیم (بین ایران و شوروی).

سه اینکه، چون آنوقت من توضیح میدادم که رژیم شوروی ناپایدار است و نومانکلاتورا و طبقه جدید در روسیه را بحث میکردم، میگفت اینها را متوقف کنید.

گفتم اولی. آقای سفیر، شما چکمه را آوردید گذاشتید اینجا گردن من، بعد می گویید لب باز نکن، تا من تو را خفه کنم. افغانستان گلوی من است. نه، نمی توانم. آن شرط را نمی پذیرم.

اما در آنچه به خلیج فارس مربوط می شود، به شما چه مربوط است امنیت آنجا؟ شما شمال ایران هستید. یعنی چه با شما؟ با شما پیمان ببندیم، بقیه هم می آیند با امریکایها پیمان می بندند، آنجا بجای امنیت، منطقه جنگ می شود.

راجع به اینکه رژیم شما در انحطاط و در معرض سقوط است، خوب من نگویم؛ مرد حسابی واقعیت را که نمی شود کتمان کرد! شما تا حالا در هرجا می گفتید که زحمتکشان قیام مسلحانه کردند و شما حمایت کردید. اولین جای [افغانستان] است که شما قشون بردید. پس ضعیف شدید! مرام دیگر کشش ندارد، خوب این حضور نظامی شما اینرا می گوید. بنابراین شما بعنوان هم قدرت، در معرض سقوط هستید، هم مرامتان دیگر آن کشش را ندارد. علاوه براین، خود اینکه انقلاب در ایران با موفقیت انجام گرفت، و مردم افغانستان با موفقیت در برابر شما ایستادند، یعنی اینکه دو تا قدرت دوران انبساطشان بپایان رسیده است. اگر نه می توانستید راحت سرکوب کنید، اما نتوانستید.

حال تصورکنید خامنه ای و نظامش تا چه درجه سقوط کرده اند که مردم ایران را از دست داده و می خواهند به چنین قدرتی تکیه کنند!

و در این بین مردم عزیز ایران ملاحظه کنیدکه حقوق چه کسانی پایمال و ملعبه بی درایتی و وابستگی می شود؟ شما مردم ایران

زنهار که نبایستی هیچگاه این قاعده قدرت را از یاد برد که در رابطه سلطه / زیر سلطه ،حتی وابستگان زیر سلطه خود زمینه مکیده شدن شیره کشور را برای سلطه گر فراهم می آورند.

و اینگونه است که آن بخش از سرسپردگان و گروه های قدرت وابسته به روسیه در نظام ولایت فقیه بر خلاف اصل موازنه عدمی، موازنه مثبت را پیشه کرده و ایران را بدل به یکی از سپر بلاهای روسیه کرده اند.

جالب اینکه با اینهمه

آموزش دادن دور زدن برای تحریمها توسط نظام ولایت فقیه به روسها

به گزارش ایلنا، روزنامه کویتی الجریده در تاریخ ٤ آوریل ۲۰۲۲ نوشت، یک منبع آگاه دولتی در ایران فاش کرده که تهران هیئتی شامل ۲۵ کارشناس ایرانی از وزارت صمت و متخصصان در زمینه مکانیزم‌های دور زدن تحریم‌های غربی را برای ارائه مشاوره به همتایان روس خود، به روسیه اعزام کرده است.

بنا به گفته این منبع آگاه، مسکو خواستار دریافت اطلاعات فنی و دقیقی از تجربه ایرانی‌ها در دور زدن تحریم‌ها و زندگی با تحریم‌ها طی چهل سال شده است.

به نوشته این روزنامه و به نقل از این منبع آگاه که خواسته نامش فاش نشود، بررسی‌های اولیه‌ای که این هیئت پیش از سفر به روسیه انجام داده است، نشان می‌دهد که تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه بزرگتر از تحریم‌های اعمال شده علیه ایران است اما دور زدن این تحریم‌ها آسان‌تر است؛ چراکه در درجه اول این تحریم‌ها بین‌المللی نیست و علاوه بر آن، بیش از ۱۲۵ کشور جهان به تحریم ها علیه روسیه پایبند نیستند.

سه منبع همچنین به رویترز گفته‌اند که ایران و روسیه در هفته‌های اخیربرای گفت‌وگو درباره نحوه تجارت نفت تحت تحریم‌ها از نزدیک با یکدیگر در تماس بوده‌اند. یک منبع گفته است که طرف روسی می‌خواهد بداند ایران چگونه حمل‌ونقل، تجارت و مسائل بانکی را مدیریت می‌کند وهمچنین دو طرف درباره ایجاد شرکت‌ها، بانک‌ها و صندوق‌های مشترک بحث کرده‌اند.

رویه وابستگان قدرت طلب:

الف-هم در امر پیشرفت مذاکرات هسته ای سنگ اندازی می کنند و زمینه دخالتهای روسیه را فراهم و بدانها هیچ اعتراضی نمی کنند. چنانچه در ماه مارچ سال ۲۰۲۲، هنگامی که مذاکرات برجام به مراحلی رسیده بود که احتمال حل مسئله می رفت وحتی امکان افزایش صادرات نفت ایران میرفت روسیه به یکباره خواستارضمانت کتبی غرب شد تا به تداوم همکاری روسیه با ایران در نتیجه اعمال تحریم های

آمریکا علیه روسیه آسیبی نرسد. در واقع این درخواست روسیه از امریکا ربط مستقیمی با مسئله برجام نداشت ولی مذاکرات را به تقویق انداخت و در واقع نوعی "گروگان گیری" روسیه علیه ایران بود.

ب- هم نمی دانند که قدرتهایی که تکیه گاه خود فرض می کنند، عقد اخوت با این سرسپردگان نبسته اند و قدرتها ناچار از حفظ منافع خود و ترجیح آن بر حفظ وابستگان سیاسی خود هستند و اگر اینگونه نبود، دیگررابطه سلطه و زیر سلطه نام نداشت! در اخبار فوق مشخص کردیم که پوتین منافع کشور خود را اصل و بر حقوق ملی ایرانیان مقدم می داند لذا برای جایگزین کردن نفت روسیه به جای میزان محدود صادرات نفت ایران تلاش می کند. خود این امر نشان میدهد که مسکو حال که با تجاوز به خاک اوکراین دچار مشکل گردیده ابایی ندارد که بحران اوکراین را با مسئله مذاکرات برجام گره زند تا در این میان برای خود از این نمد کلاهی داشته باشد.

ج- در واقع شواهد حاکی از آن است که روسیه در برنامه ریزی و محاسبات خود بر آن بوده که حال که با تحریمهای غرب در پی تجاوز به اوکراین مواجه شده است، پای کشورهای دیگر را نیز وارد بحران کرده و در آسیب پذیری خود شریک کند و یا یافتن متحدانی از حجم فشارها بر خود بکاهد. در ۲۳ تیر ماه ۱۴۰۱ نیز «میخائیل بوگدانوف» فرستاده ویژه رئیس جمهور روسیه در امور غرب آسیا و آفریقا و معاون وزیر خارجه این کشور در سخنانی اعلام کرد: "ما تهران را به عنوان یک شریک قابل اعتماد و کشوری هم فکر در بستر تغییرات جهانی مرتبط با تشکیل یک جهان چند قطبی و تلاش جمعی همه جانبه غرب برای مقاومت در برابر این روند (به ویژه با توجه به فشارهای خارجی) می‌بینیم." اما تلاش روسیه برای جلب مشتری های با سابقه نفت ایران همچون امارات و هند و چین نشان می دهد این کشور خسارات ناشی از پیامدهای این جنگ را بر "بازار نیمه‌جان ایران" آوار کرده است و در واقع در پس حرفهای پر طمطراق سیاستمداران روسی، یک اصل پنهان است و آن، به ایران به دید یک " بازار " و سپر بلا نگاه کردن است.

در صورتی که حقوق ملی ایجاب می کند که دولتی مردمی در ایران بر سر کار باشد که در سیاستهای خارجی با تکیه بر اصل موازنه عدمی که ریشه در تاریخ کهن وطن دارد و در ایران بالیده و بکار رفته است همچون دولت دکتر مصدق که با ملی کردن صنعت نفت مخالفت با حراج ثروتهای ملی بدست طرفدارن دوقدرت آنزمان(روسیه توسط رسوفیلها و انگلستان توسط انگلوفیلها) به مخالفت برخاست، ایران را از شر توازن بین روسوفیلها و امریکا فیلهای کنونی نجات داده و در سیاستهای داخلی و خارجی خود از مدار سطه/زیر سلطه بیرون آمده و تنها بر حقوق ملی مردم ایران و حقوق ملی ما بعنوان عضوی از جامعه جهانی تکیه کند.

****

وضعیت سنجی ۴۰۱
تاریخ انتشار : مرداد ۱۴۰۱

پویایی ها و ویژه گیهای روابط سلطه- زیر سلطه در مثال ایران و روسیه(۱)

در وضعیت سنجی شماره قبل (۴۰۰) به بررسی این امر پرداختیم که در نظر نگرفتن حقوق ملی و تمایل کورکورانه به روسیه می تواند چه ضررهایی را متوجه ایران کند و نتایج مخرب درتعادل ضعف نگاه داشتن ایران توسط نظام ولایت فقیه و ۱۵ نمونه از کج دهنی روسیه به ایران و دلیل اینکه افکار عمومی ایران نسبت به سیاستهای روسیه در قبال ایران بدبین است را بر شمردیم

در این شماره به پویایی های سامانه مسلط- زیر سلطه می پردازم.

در ایران هرچند در بطن جامعه سیاست موازنه منفی و اصل استقلال از قدرتها محبوبیت دیرینه دارد اما از دوره قاجار نیاز دولتها به تکیه گاه خارجی و وابستگی به قدرتهای خارجی ،باعث گردید که من باب نمونه ، قاجارها از سیاست موازنه مثبت دو جانبه پیروی کنند وعصر آنها، عصراعطای امتیازها به دو طرف نام گرفت. رژیم پهلوی مدعی شد از اصل موازنه مثبت یک طرفه پیروی می‌کند و بهانه اش این بود که چون کشور از سوی کمونیسم بین‌المللی تهدید می‌شود، سرنوشت خود را با سرنوشت غرب به رهبری امریکا گره می‌زند.

با آن‌که شعار انقلاب ایران، «نه شرقی و نه غربی» بود که ترجمان موازنه عدمی یا منفی و بمعنای استقلال از دو طرف است، اینک، رژیم ولایت مطلقه فقیه، ایران را به دوران قاجار و باج دادن به دو طرف باز گردانده است و ایران را گرفتار وابستگی نظامی و سیاسی و اقتصادی دیرپائی از سوئی به روسیه و از سوی دیگر به غرب می‌کند.

ایران،به یمن انقلاب،ازانزوا در منطقه و دنیای مسلمان بیرون آمد و موقعیت خویش را به عنوان قلبی که خون زندگی بخش استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی را می تواند در منطقه به جریان بیندازد باز یافت . اما رژیم ولایت فقیه به میزان اعمال استبداد و دوری از پایگاه مردمی و بخاطر دویدن به دنبال سرابی که ایجاد «کمربند سبز» است،آن موقعیت را از دست ایران بدربرد و عامل برانگیخته شدن خصومت با ایران شد و ابایی نیز ندارد که بخاطر باج دادنهای بزرگ به قدرتها پای ایران را نه تنها به چند جنگ منطقه ای بلکه به جنگ در کنار روسیه در درون اوکراین واقع در اروپا نیز بکشاند.اکنون رژیم ولایت فقیه تک محور است و به مردم تکیه ندارد از اینرو باید با قدرت های خارجی نوعی از روابط را برقرار کند که یک پایهٔ خارجی هم پیدا کند و از آن پایهٔ خارجی در ایجاد جو ترس و وحشت در داخل استفاده کند تا بتواند حکومت کند. اکنون نیز در "نگاه به شرق " طبق تحلیلی که ولایتی مشاور روابط خارجی خامنه ای می کند و در وضعیت سنجی قبل نظر وی را نقل و نقد کردیم ،روسیه را به عنوان یک قدرت منطقه ای و تکیه گاه در مقابله با غرب می بیند و البته که رابطه با روسیه رابا توجه به شواهد بسیار که در چندین وضعیت سنجی بر شمردم نظام ولایت فقیه ایران تمایلی به ابراز وابستگی به روسیه ندارد، از اینرو تلاش می کند که رابطه با روسیه را نوعی «وابستگی متقابل» در صحنه بین الملل تعریف کند.

حتی اگر روابط بین نظام ولایت فقیه و روسیه رابطه سلطه - زیر سلطه با تمام ویژه گیهایش نباشد،در حالت فعلی یک وابستگی متقابل غیرمتوازن است که اگر به همین منوال ادامه یابد (که بصورت خزنده در حال پیشروی است)بدل به موقعیت زیر سلطه و بسیار ضعیف ایران خواهد شد. در این وابستگی غیر متوازن «رشوه» و »باج»و « فرصت» نقش اساسی را ایفا می کنند.نظام ولایت فقیه رشوه می دهد که روسیه فلان قطعنامه شورای امنیت را وتوکند!

حالا اگر نگاهی داشته باشیم به سیاست نظام ولایت فقیه در مواجهه با حمله روسیه به اوکراین ؛یا کشتار مسلمانان چچن؛ (و یا گزارش توموایا اوبوکاتا گزارشگر ویژه سازمان ملل در اگوست ۲۰۲۲در باره این امر که چین مسلمانان اویغور را به بردگی گرفته است و بی تفاوتی و عدم موضعگیری نظام ولایت فقیه و چشم پوشی بر جنایات روسیه در چچن و چین نسبت به مردم اویغور) مشاهده می کنیم که نظام حاکم بارها ناگزیر شده با بعضی از سیاستهای کلان یا خرد روسیه در صحنه بین الملل همراهی کند و این همراهی، «رشوه سیاسی» است که ایران برای دسترسی به خدمات روسیه می دهد چون به روسیه نیاز دارد.و جالب اینکه روسیه مرتب از ارایه "خدمات " سر باز می زند که در وضعیت سنجی قبلی ۱۵ نمونه آنرا برشمردیم و این وابستگی نامتوازن که در آن ایران را در موقعیت زیر سلطه و تعادل ضعف قرار می هد ، بر هم زننده استقلال ایران است و چون استقلال و آزادی دو اصل تفکیک ناپذیرند ، آزادی ایرانیان نیز بخطر جدی می اندازد. به این

معنا که اگر نظام ولایت فقیه استقلال را که توانایی گرفتن تصمیم در باره وطن و حال و آینده آن است همراه با آزادی که به معنای توانایی در انتخاب نوع تصمیم در باره وطن و محتوای زندگی مردم ایران است را به خطر می اندازد. فرض کنیم نظام ولایت فقیه بعلت نیازش به تکیه گاهی چون روسیه واقعا وارد جنگ با اوکراین و اعزام نیرو و تجهیزات شود ، آنگاه است که مردم ایران استقلال و آزادی خود را به نسبت بیشتری همچون از دست دادن استقلال و آزادی خود بعلت حضور نظام ولایت فقیه در جنگ سوریه و دفاع از دیکتاتوری همچون بشار اسد از استقلال و آزادی تهی خواهند شد.ایرانیان شاهدند که به میزانی که مبالغ هنگفتی از بودجه و ثروت ملی ایران صرف هزینه های جنگ در سوریه می شود زندگی آنها دچار کمبود می گردد .
از طرفی می دانیم که هستند عناصری وابسته به نظام و یا کسانی که درکی از گستردگی و ژرفای معنای استقلال ندارند و نظام ولایت فقیه را بعلت زبان تهدید و ناسزایی که من باب مثال نسبت به آمریکا دارد ، مستقل ازقدرت امریکا می دانند. و مساله استقلال را به ظواهری چند بسنده می کنند.و یا نوع رفتار نظام ولایت فقیه را بده و بستان متوازن جلوه می دهند.و یا شگفت تر از همه گمان می کنند که به محض تمایل نظام ولایت فقیه به چین و یا روسیه ، نسبت به قدرتی همانند آمریکا مستقل عمل می کند!

در صورتی که اینچنین نیست و

یک رابطه مسلط -زیر سلطه را بایستی از مولفه ها و پویایی های آن باز شناخت .

فرد و نظام وابسته در امر وابستگی است که حیاتش را ادامه می دهد ، چنین فرد و یا نظامی نمی تواند حیاتی در عین حال مستقل نسبت به سایر قدرتها از خود بروز دهد. توضیح آنکه اشکال انسان معتاد به یک ماده مخدر ، وابستگیش به آن ماده مخدر نیست .بلکه با آن ماده مخدر امر وابستگی را روزانه تمرین می کند . چنین فردی نمی تواند ادعا کند این اعتیاد بر وجوه دیگر زندگیش تاثیری نداشته و وی در سایر تصمیم گیریهایش مستقل است و اعتیاد وی تاثیری بر سایر جنبه های زندگی وی نگذاشته است. چنین فردی مسلما در سایر امور زندگی نیز نمی تواند رهبری زندگی خود را خود بدست بگیرد. از اینرو متاسفانه شاهد از هم فروپاشی خانواده فرد معتاد، از دست دادن شغل ، از دست دادن سلامت جسمی و بعضا روانی فرد ،و بهم ریختن روابط اجتماعی فرد معتاد می شویم و البته دامنه تخریب ذهنیت وابستگی و روشهای مرتبط با آن به زعم اینجانب بسیار وسیع ترو ژرف تر از اعتیاد به مواد مخدر است.

این قاعده را نباید از یاد برد که استبداد، بدون وابستگی نمی شود و نمی تواند در بیرون، روابط قوا برقرار نکند، و اگر با بیرون، روابط قوا برقرار کرد، در درون نمی تواند دولت استبدادی نباشد و بالعکس .

حال ممکن است این سوال پیش بیاید که من باب نمونه دولت آمریکا با بیرون از خود ارتباط دارد و دولت اش هم استبدادی نیست.اما سیر تحول سرمایه داری نشان داده که سرمایه داری ، قطعاً استبداد فراگیر است(خوانندگان محترم را ارجاع میدهم به کتاب تاریخ مختصر نئولیبرالیسم نوشته David Harvey ناشر Zürich Rotpunktverl.“۲۰۰۷ :که بفارسی توسط نشر دات و ترجمه توانای آقای عبدالله زاده منتشر شده است ومملو است از فکت های جالب و تاریخی از استبداد سرمایه داری)و با دولت ها در غرب، همانجوری که می بینیم، مرتب آزادی هاست که محدود می شوند. و در حال حاضر می بینیم که جریان های راست افراطی، قوت می گیرند. اینها همه نتیجهٔ روابط سلطه گر، زیر سلطه هستند که جامعه ها با هم دارند .

درسال ۱۳۹۹افتخار این را داشتم که در تلویزیون سپیده استقلال و آزادی ۱۹ مصاحبه با آقای ابوالحسن بنی صدر انجام دهم در شرح کتاب استقلال به قلم ایشان و بررسی تعاریف مختلف استقلال و کارکردهای استقلال درتمامی مراحل زندگی روزمره انسانها . چه درسطح فردی و چه جمعی، و چه در سیاست و اقتصاد و فرهنگ و امور اجتماعی و چه در سطح ملی و یا جهانی . ایشان در این سلسله مصاحبه ها به تفصیل به کارکردهای استقلال پرداختند. بخش ٦ آن مصاحبه در ٢٦ آذرماه ۱۳۹۹را به بررسی این تعریف از استقلال اختصاص دادند که "استقلال رهایی از سامانه سلطه- زیر سلطه" است که بی ربط با موضوع وضعیت سنجی این شماره نیست . جای دارد که اهم جملات ایشان را در این زمینه هم اکنون نقل کنم:

-آقای ابوالحسن بنی صدر :الان آقای خامنه ای می گوید، ما در منطقه اقتدار داریم و اینها می گویند شما از اقتدار چشم بپوشید. از دید او، استقلال، اقتدار در منطقه، نه مسلط نه زیر سلطه نیست. در همین حال که ایشان این فرمایش را می فرماید، اصلاً خود کشور و سیاست اش، اقتصادش، فرهنگ اش، و دین اش، موضوع کار و بحث قدرت های خارجی است، و این، همه روزه است!

-الان سیاست آقای خامنه ای این است که نتیجهٔ انتخابات آمریکا معین بشود(نگارنده :این مصاحبه قبل ازانتخابات امریکا که منجر روی کار آمدن بایدن شد ،انجام گرفته بود). یعنی اینکه این تعریف استقلال به قدرت تناقض اش آشکار است. پس این، استقلال نیست، وقتی یک کشور، موضوعِ مداوم تصمیم گیری در بیرون کشور است - .از گروگانگیری سفارت امریکا در تهران(تا کنون)، ایران موضوع تصمیم گیری قدرت های خارجی است. گروگانگیری، بعد جنگ هشت ساله، بعد

ماجرای اتمی، و بعد هم جنگ های ده گانه که الان ایران را گرفتارش کرده اند. پس اینها به ما می گویند که تعریف استقلال به قدرت، دروغ است.

-چهل سال است که مشغلهٔ قدرت های خارجی، تصمیم گیری راجع به سرنوشت ماست .خوب، چرا ما خودمان را از استقلال محروم کرده ایم؟ چون توی ذهن ما رفته که ما با گروگانگیری توی دهن امریکا زدیم! الان هم اقتدار ما را در منطقه، ببین. خوب، وقتی این تعریف را کردی توی ذهن خودت؛ و از استقلال، این را فهمیدی، در عمل و در واقع، این تعریف را پوشش کرده ای برای این واقعیت که در میزان وابستگی به آنجا رسیده ای که روزمره، موضوع تصمیم گیری شده ای، و این تصمیم را هم قدرت های خارجی می گیرند.

-حالا اگر ما بخواهیم استقلال را بدست بیاوریم، باید یک کار دیگر بکنیم ... .
-استقلال یعنی اینکه شما از روابط قوا با قدرت های بیگانه رها بشوی. آزادی هم این است که شما قدرت را بی محل کنی.

دکتر محمد مصدق نیز زمانی که حزب توده تظاهراتی تحت حمایت ارتش روس برای اینکه روسیه بتواند نفت شمال را ببرد ترتیب داده بود و آقای احسان طبری در مجلس گفت:" چون نفت جنوب به انگلستان داده شد، برای اینکه توازن برقرار شود نفت شمال را هم به روس ها بدهیم"!

در جواب گفت :"بفرمایید که یک دستمان را انگلیس قطع کرده، برای اینکه توازن قوا برقرار شود ، یک دست دیگرمان را هم خودمان قطع کنیم و به روس ها تقدیم کرده و بشویم بی دست؟! نه ما این دست را نگه می داریم و آن دست قطع شده را هم از انگلیس ها پس می گیریم و می شویم دارای دو دست"!.
در اول انقلاب وطن ما قرار بود نه شرقی، نه غربی باشد(به معنای غیر وابسته به قدرتهای شرق و غرب نه به معنای نداشتن روابط مبتنی بر حقوق دو طرف با شرق و غرب)، حال سیاست نظام ولایت فقیه علنا شده ،هم شرقی، و هم غربی!

مولفه ها و پویایی های شفاف رابطه مسلط - زیر سلطه

با توجه به این پویایی ها است که متوجه می شویم که نظام ولایت فقیه حاکم بر وطن ما تا چه اندازه کشور را در موقعیت زیر سلطه قرار داده است. رابطه سلطه - زیر سلطه حاصل ایجاد رابطه قوا بین دو طرف است و نیز نتیجه

تبعیض به ضرر یک طرف و بالتبع به نفع طرف دیگر. در یک رابطه حقوند که دو طرف حقوق یکدیگر را مبنای رابطه قرار می دهند ، چون هدف ایجاد تبعیض نیست (چرا که حقوق برابرند و لذا با تبعیض همخوانی ندارند)ممکن نیست رابطه قوا بوجود آید.

پس
۱-محور رابطه مسلط -زیرسلطه، قدرت است.

۲-از اینرو در هر رابطه قوایی حتما پای تبعیض و بالا دست و فرودست در میان است.
۳-زیر سلطه ها در موقعیت ضعف و سلطه گرها در موقعیت قوی و مسلط قرار دارند .
هر سامانه مسلط-زیر سلطه ای به پویایی های خود شناسایی می شود.و از طریق همان پویایی ها می توان به دو امر پی برد:

الف-موقعیت کشور و وطن ما در چه مرحله قرار دارد

ب -سرانجام و فرجام رابطه مسلط-زیر سلطه را به شکل قابل ملاحظه ای پیشاپیش دانست.
گفتیم که رابطه سلطه - زیر سلطه حاصل ایجاد رابطه قوا بین دو طرف است و نیز نتیجه تبعیض به ضرر یک طرف و بالتبع به نفع طرف دیگر.

از اینرو در رابطه دو کشور یکی زیر سلطه و دیگری مسلط ، بایستی نیروهای محرکه جامعه زیر سلطه ، اعم از نیروهای محرکه انسانی همانند قشر تحصیلکرده و جوانان کشور و نیروهای متخصص، و نیزسایر نیروهای محرکه همانند سرمایه ، ثروتهای ملی(نفت و گاز و معادن و خاک و آب و طلا و وسائل عتیقه و باستانی و...) بطورمشهودی غالبا یک طرفه بسوی کشور و یا کشورها و قدرتهای مسلط جریان یابد.

این جریان نیروهای محرکه از جامعه زیرسلطه به جامعه مسلط، اثرات نایکسانی در این دو جامعه پدید می‌آورند .

۱- در کشور زیر سلطه من باب نمونه کشورما، نفت و گاز بعنوان ماده سوخت به

کشورهای مسلط فروخته می شود ، آنهم نه به قیمت و ارزش واقعی نفت و گاز.چرا که قیمت این حاملان انرژی را قدرتهای مسلط در دنیا با انواع ترفندهای سیاسی و براه اندازی جنگ واعمال نفوذ بر روی دولتهای دست نشانده ، تعیین می کنند .
۲- و همین نفت و گاز بعنوان ماده سوخت در اقتصاد کشورهای مسلط بدل به نیروی محرکه اشتغال زا می شود و در تولید کالا بکار گرفته می شود و باز به کشور ما به شکل واردات کالا باز می گردد . جالب توجه اینکه این واردات تا زمانی که کشور بدان نیازمند است و کشور مسلط از این نیازمندی آگاه است نیز به قیمت بسیار گزاف به کشور زیر سلطه فروخته می شود. من باب نمونه روزنامه شرق در مرداد ماه ۱۴۰۱ نوشت که کنفدراسیون حمل و نقل و لجستیک به شرق خبر داد که ایران در حال انعقاد قرارداد با روسیه برای احداث راه‌آهن گرمسار_اینچه‌برون است. پروژه‌ای که روسیه قبلا برای آن قرارداد ۱.۲ میلیارد دلاری بسته و به بهانه تحریم آن را رها کرد.

لاجوردی، کارشناس ریلی به خبرگزاری مهرنیز گفته است که شرکت زیمنس آلمان برای برقی کردن هرکیلومتر راه‌آهن تهران_مشهد ۲۵۰ هزار دلار قیمت داده بود و با قیمت زیمنس آلمان بهای تمام شده راه‌آهن گرمسار اینچه‌برون ۱۲۵ میلیون دلار و حدود یک دهم قیمت روسیه می‌شود ! روسیه برای این قرارداد و برخلاف مقررات ایران گفته بود ۸۰ درصد پرسنل را از روسیه می‌آورد و هیچ تضمین بانکی هم نداده بود که همه این قانون‌شکنی‌های روسیه در دولت گذشته پذیرفته شد و در دولت فعلی هم ظاهرا روال به همان صورت است.

از اینرو یکبار بجای بکار گیری نیروهای محرکه مثل نفت وگاز در کشور خود و ایجاد اشتغال و بکار انداختن سامانه تولید درونی،نیروی محرکه خود را به ثمن بخس به حراج می گذاریم و یکبار هم اقتصاد خود را به مصرف زدگی کالاهای کشورهای مسلط خو می دهیم یعنی به بیان روشنتر نظام زیرسلطه چون در ازای نیروهای محرکه‌ای که صادر می‌کند، کالاها و خدمات وارد می‌کند،و از طرفی نیروهای محرکه‌ای هم که صادر نمی‌شوند، پس آنها را به خدمت اقتصاد مسلط درمی‌آورد .
جالب اینکه این رابطه را کشور زیر سلطه با صدور نیروهای محرکه و بازکردن دروازه‌های کشور بر روی اقتصاد مسلط، برقرار می‌کند و این کار را از راه بکار بردن درآمد حاصل از صدور نیروهای محرکه، انجام می‌دهد. پول نفت را صرف خرید کالا از کشور های مسلط می کند. و بدینسان تحصیلکرده ها و نیروهای ماهر کارگری کشور بیکار و لذا به دنبال کار و رفاه نسبی جذب کشورهای مسلط می شوند و وطن ما از همه نوع نیروهای محرکه خود تهی می گردد. و پیشروی اقتصاد مسلط را در اقتصاد خود آسان می‌کند.

پس ملاحظه می کنیم که پویایی‌های دو اقتصاد مسلط و زیر سلطه یکدیگر را ایجاب می‌کنند.

در نتیجه، بند از بند اقتصاد زیرسلطه گسسته می شود. جامعه مصرف زده در امر تولید و اشتغال سازماندهی خود را از دست می دهد.از اینرو روز بروز رابطه خود را با واقعیات اقتصادی از دست می دهد. طرفه این که این رابطه را با صدور نیروهای محرکه و بازکردن دروازه‌های کشور بر روی اقتصاد مسلط، برقرار می‌کند و این کار را از راه بکار بردن درآمد حاصل از صدور و فروش نیروهای محرکه، انجام می‌دهد.اینگونه است که پویایی‌های دو اقتصاد مسلط و زیر سلطه یکدیگر را ایجاب می‌کنند.
نتیجه محتوم آن این است که جامعه‌ای که نیروهای محرکه را از دست می‌دهد، رشد نمی‌کند زیرا نیروهای محرکه را از دست می‌دهد.

اما در نظام اجتماعی که نیروهای محرکه را جذب می‌کند (نظام مسلط)، هم انسان رشد نسبی می‌کند و هم قدرت بزرگ می‌شود .

در واقع قدرتهای مسلط نیز فرجام خوبی ندارند و روزی شدت تمرکز قدرت خود اسباب افول و سپس فروپاشی آنها را فراهم می آورد و انحطاط زمانی گریبانگیرنظام می‌شود که بزرگ شدن قدرت که با تخریب نیروهای محرکه همراه است ،از رشد انسان پیشی و بیشی می‌گیرد

.
در زیربا ارائه فهرستی از پویایی‌ها و توضیح هر کدام سعی می کنیم درک روشنی از استقلال بمعنای رهایی از رابطه مسلط – زیرسلطه ممکن گردد و دریابیم چرا استقلال از آزادی جدایی‌ناپذیر است.

پویایی‌هایی که نماد و بیانگر رابطه مسلط – زیرسلطه هستند:

-۱پویایی صدور نیروهای محرکه از جامعه زیر سلطه و پویایی ورود نیروهای محرکه به جامعه مسلط .

شایان توجه است که صدور نیروهای محرکه از جامعه زیر سلطه همزاد و همراه است با پویایی ورود این نیروها به جامعه مسلط. این دو پویایی یکدیگر را ایجاب می‌کنند زیرا جریان صدور این نیروها از کشور زیرسلطه، همان جریان ورود این نیروها به جامعه مسلط است. یکی نیروهای محرکه را از دست می‌دهد و دیگری

آنها را بدست می‌آورد. اما نظام اجتماعی که نیروهای محرکه خود را از دست می‌دهد،گویی شیره جانش مکیده می شود ،در هر چهار بعد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و نیز طبیعت خود، به موجودی می‌ماند که نیروی حیاتی خود را از دست می‌دهد.و اگر مقاومت نکند واز این رابطه خارج نشود نیز خواهد مرد .

پویایی جریان یک طرفه نیروهای محرکه در جامعه زیر سلطه چگونه عملکردی دارد؟
پویایی جریان یک طرفه نیروهای محرکه بطرف جامعه مسلط در جامعه زیر سلطه اینگونه خود را بروز می دهد:

الف :کشور زیرسلطه نیروهای محرکه حیات را از دست می‌دهد و همزمان نیروهای ویرانگر حیات ملی(کالاها و خدمات و سرمایه برای ایجاد سرپل‌های پیشروی اقتصاد مسلط در اقتصاد زیرسلطه) بدان وارد می‌شود؛ (همان کالا ها و خدماتی که در کشور مسلط رشد ایجاد می کرد ،در کشور زیر سلطه بعنوان مخرب عمل می کند

ب:در اقتصاد زیرسلطه، دیگر نه تولید که مصرف محور می‌شود؛و نظام بانکی کشوربجای اینکه در خدمت اعطای اعتبار برای تولید و صادرات باشد ، بدل به اعتبار به بازرگانی (واردات) و یا درخدمت خروج سرمایه از کشور قرار می گیرد. به بودجه های سالانه در نظام پهلوی و ولایت مطلقه فقیه وبه ساختار اقتصاد نظری بی افکنیم آیا جز حراج ثروتهای ملی و نیز واردات بی رویه مشاهده می کنیم؟

ج :برمحور مصرف، ساختار نظام اجتماعی دگرگون می‌شود؛

فرهنگ تولید اعم از تولید فکر، تولید کالا ، ابتکار ، خلاقیت ، راه حل یابی ،تنوع و رشد و... جای خود را به مصرف فکر ، مصرف کالا ،روحیه انقیاد و تنبلی و اعتیاد به آماده خوری و پیش خور کردن آینده و هر آنچه به نسلهای بعدی تعلق دارد و... می دهد. در حال حاضر حتی منابع صندوقهای بازنشستگی کشور مصرف و حیف و میل شده ونسل بعدی بایستی جبران این کمبود را بنماید .
د :پول و نظام پولی کشور تحت سلطه پول و نظام پولی سلطه‌گر در می‌آید؛ من باب نمونه معاملات بایستی همگی به دلار انجام گیرند و...

به سلطه دلار در جهان که نظر بی افکنیم متوجه وابستگی نظام پولی نه تنها کشور خود می شویم بلکه بسیاری از کشورها این سلطه دلار را حس کرده اند. از زمانی

که در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ وقتی که تقاضاهای کشورها برای تبدیل دلارهایشان به طلا افزایش یافت، نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، آخرین گام را در راستای سلطه‌ی دلار بر اقتصاد دیگر کشورها برداشت؛ و قابلیت تبدیل دلار به طلا را از میان برد، در واقع خط بطلانی بر توافق «برتون وودز «کشید ، دیگر قیمت دلار به شکل شناور تعیین می‌شود وآمریکایی ها بدون پشتوانه مالی و فریب دیگر کشورها دلار چاپ می کند و دارایی های دیگر کشورها را می خرندو خود بدل به بزرگترین صادر کننده تورم با دلار شده است .

در سال ۱۹۷۱، اندکی پس از این تغییرات بود که وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت : »دلار، واحد پول ما ولی مشکل شماست.» این نظام پولی که تا امروز هم ادامه دارد، امتیازهای بسیاری برای ایالات متحده و مصایب فراوانی برای دیگر کشورها به همراه آورده است .این سیستم جدید که کاملاً به‌نفع دلار (که حالا دیگر پشتوانه ندارد) عمل کرد واین تغییر و تحولات، مزایای اقتصادی و سیاسی گوناگونی برای آمریکا به همراه داشت که اغلب با نام «امتیاز گزاف دلار» از آن یاد می‌شود.

به امرنقشی که دلار درحفظ موقعیت جهانی ایالات متحده امریکا ایفا می کند به بهترین نحو «میشل براند»، روزنامه‌نگار مستقل و «رمی هره‌را»، محقق اقتصادی، در مقاله‌ی خود با نام «امپریالیسم دلار» پرداخته‌اند. برای نمونه در سال ۱۹۷۹ بود که ایالات متحده برای رهایی از تورم توأم با رکود، نرخ بهره را به بیش از ۲۰ درصد افزایش داد و چون بدهی کشورهای بدهکار بر حسب دلار بود، بار بدهی آنها بسیار سنگین‌تر شد؛ بدهی‌ای که اینک تنها با وام‌ستانی بیشتر قابل پرداخت بود. در سال ۱۹۹۷ هم، افزایش کمتر از یک درصدی نرخ بهره در آمریکا، باعث شد تا سرمایه‌ی فراوانی ازآسیای جنوب شرقی خارج و به سوی آمریکا سرازیر شود؛ مسئله‌ای که یکی از عوامل اصلی بحران اقتصادی آسیای جنوب شرقی در آن سال دانسته می‌شود.

ه :اقلیت صاحب‌امتیاز در جامعه زیر سلطه بطور روزافزون از جامعه بیگانه و با صاحب‌امتیازان جامعه مسلط یگانه می‌شود و زمینه عمل آنها را در جامعه فراهم می آورد. (مافیای نظامی – مالی حاکم بر ایران ،و دلالان تحریم هم زمینه ساز مکیده شدن شیره جان و حیات ملی توسط قدرتهای مسلط می شوند و هم محور سیاست داخلی و خارجی وطن ما ایران شده امریکا و روسیه و چین. ونقش حقوق در تنظیم رابطه‌ها بطور روزافزون کم‌تر و نقش قدرت بیشتر می‌شود . بنابراین، عرصه استقلال و آزادی شهروندان محدود می‌شود. واقعیت‌های بالا و واقعیتهای دیگری که پویایی‌های دیگر هستند، وضعیتی را بوجودآورده‌اند که ایران امروز دارد.

در شماره آینده به این امر که پویایی جریان نیروهای محرکه در جامعه مسلط چگونه عمل می کند خواهم پرداخت.

ژاله وفا :وضعیت سنجی ۴۰۰- نتایج مخرب قراردادن ایران در تعادل ضعف و ۱۵نمونه ازعداوت و کج دهنی روسیه به ایران

****

وضعیت سنجی ۴۰۲

تاریخ انتشار : ۲۵/۰۶/۱۴۰۱

پویایی ها و ویژه گیهای روابط سلطه – زیر سلطه در مثال ایران و امریکا و روسیه(۲)

در وضعیت سنجی شماره قبل)۴۰۱ (به چند ویژه گی نظام سلطه/ زیر سلطه و پویایی های آن پرداختم و با ذکر مثال شرح داد ه شد که رابطه سلطه – زیر سلطه، حاصل ایجاد رابطه قوا بین دو طرف است و نیز نتیجه تبعیض به ضرر یک طرف و بالتبع به نفع طرف دیگر است. در یک رابطه حقوند که دو طرف حقوق یکدیگر را مبنای رابطه قرار می دهند، چون هدف ایجاد تبعیض نیست (چرا که حقوق برابرند و لذا با تبعیض همخوانی ندارند) ممکن نیست رابطه قوا بوجود آید. پس

۱-محور رابطه مسلط -زیرسلطه، قدرت است

۲-از اینرو در هر رابطه قوایی حتما پای تبعیض و بالا دست و فرودست در میان است

۳ -زیر سلطه ها در موقعیت ضعف و سلطه گرها در موقعیت قوت و سلطه قرار دارند

۴-پویایی صدور یک طرفه نیروهای محرکه از جامعه زیر سلطه و ورود یک طرفه نیروهای محرکه به جامعه مسلط.

و نیز شرح دادیم که این پویایی در نظامی که در موقعیت زیر سلطه قرار دارد چگونه زمینه تخریب همه جانبه را بوجود می آورد و در این شماره عملکرد این پویایی را در نظام مسلط بررسی می کنیم و به برشماری سایر پویایی های نظام سلط-زیر سلطه می پردازیم.

پویایی جریان نیروهای محرکه در جامعه مسلط چگونه عمل می کند:

نظام اجتماعی ای که نیروهای محرکه را از کشورهای زیر سلطه وارد می‌کند و در موقع و موضع مسلط است، گرفتار پویایی‌های دیگری می‌شود که ابتدا قدرت افزا است ولی سرانجام مرگ‌آور می‌شوند.

فرق جامعه مسلط با جامعه زیر سلطه در این است که

۱ -جامعه زیر سلطه نیروی محرکه از دست میدهد لذا مرتب کمبود نیروی محرکه دارد و جامعه مسلط نیروهای محرکه خود را دارد و نیروهای محرکه نظام زیرسلطه را نیز وارد می‌کند. پس مازاد نیروی محرکه دارد.

مجموعه ای از تحصیل کردگان کشورهای زیر سلطه که با پول و توان آن ملتها به سنین جوانی رسیده اند، بعضا حتی بعد از طی مدارج تحصیلات عالی راهی کشورهای مسلط میشوند و درست مانند میوه ای رسیده نصیب کشورهای مسلط می شوند و جامعه خود از آن نیروهای محرکه انسانی تهی می شود.

در نمودار ذیل، نمودار مهاجرت دانشجویان ایرانی به ترکیه، کانادا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، استرالیا و بریتانیا را از سال‌های۲۰۰۳ تا۲۰۱۸ میلادی را می‌توان ملاحظه کرد که مهاجرت ایرانی‌ها به ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ رشد چشمگیری را تجربه کرده است.

بر سر مواد خامی همچون نفت و گاز و مواد معدنی (طلا و مس و اورانیوم و آهن و ذغال سنگ و ...) و حتی آب و چوب و خاک کشورهای زیر سلطه هم همین بلا می آید.

۲ -محل عمل و زمان نیروهای محرکه متعین است ؛

در واقع امر تاجایی که نظام اجتماعی جوامع مسلط بتواند نیروهای محرکه را در خود فعال کند، این نیروها، بکار می‌افتند؛

۳-اما کار بر این منوال نمی ماند و به نقطه ای می رسد که یا باید نظام اجتماعی بطور مداوم، باز و تحول‌پذیر بگردد و یا مازاد نیروهای محرکه حذف شوند؛

۴ -همانطور که در ابتدا توضیح دادیم، از آنجا که محور رابطه مسلط -زیرسلطه، قدرت است و قدرت از قانون تمرکز و برخود افزودن پیروی می‌کند، نظامهای

اجتماعی در رابطه، نمی‌توانند بیشتر از حدی که قدرت تعیین می‌کند، باز و تحول‌پذیر شوند. بنابراین، نیروهای محرکه مازاد حذف می‌شوند. در نتیجه،

۵-دولتها و صاحب‌امتیازان، ساختارهای داخلی و منطقه‌ای و جهانی پیدا می‌کنند و در این ساختارها می‌توانند عمل کنند و می‌کنند و

۶-استقلال و آزادی جمعی و فردی در جامعه‌های مسلط نیز بتدریج، محدودتر می‌شوند.

بنگریم به جامعه روسیه زمانی که نیروهای محرکه بلوک شرق را جذب می کرد و چون نمی توانست باز و تحول پذیر شود به مثابه قدرت جهانی از بین رفت . امروز امریکا بطور خاص و جامعه‌های غرب بطور عام که ویژگی‌هایی را یافته‌اند که فرآورده پویایی‌های فوق هستند. اینگونه است که هیچیک از دو نظام مسلط و زیر سلطه، مستقل و آزاد نیستند و نمی‌توانند بطور کامل باز و تحول‌پذیر باشند و یا بگردند. برای اینکه نقش پویایی‌ها را در دو نظام اجتماعی، یکی مسلط و دیگری زیرسلطه، روشن تر دریابیم، نقش پویایی‌های دیگر را، بیشتر، در دو نظام اجتماعی امریکا و ایران بررسی می کنیم.

پویایی تلاشی و پویایی ادغام

جامعه‌ای که نیروهای محرکه را از دست می‌دهد، گرفتار تلاشی عمومی می‌شود و جامعه‌ای که این نیروها را دریافت می‌کند، تضادهای خود را تا حدی تخفیف می‌دهد. تا زمانی که مدار بسته صدور نیروهای محرکه از جامعه زیرسلطه به جامعه مسلط برجا است، تضادها در جامعه مسلط خفیف می‌مانند و مهار می‌شوند.

این پویایی تلاشی در جامعه ما خود را:

در بعد اجتماعی: تلاشی نظام اجتماعی نشان می دهد که سبب تخلیه روستاها و پرشدن شهرها و انتقال جمعیت از شهرهای کوچک به کلان شهرها گشته است. محور شدن مصرف در پیدایش جامعه شهری با بافت از هم گسیخته، این تلاشی خود را در پاره شدن پیوندهای قشرهای مختلف جامعه و ایجاد محدوده‌های سیاسی و اجتماعی – اقتصادی – فرهنگی بسته به روی یکدیگر نشان می دهد.

در بعد فرهنگی :تلاشی فرهنگی هم از طریق این امر که مصرف گرایی جانشین تولید می شود خود را نشان می دهد و نیز فرهنگ جامعه از زایش باز می ماند و تقلید کردن و انقیاد نسبت به فرهنگ جامعه مسلط را پیشه می نماید. در فسلفه و دانش و فن و حتی مد، جامعه مقلد می شود و معمولا جامعه ای که قوه ابتکار خود را در سطح وسیعی از دست می دهد، دچار نازایی فرهنگی می گردد و به حای توجه به عناصر فرهنگی جامعه مسلط بیشتر عناصر ضد فرهنگ آن جامعه که با

روحیه تقلیدی بیشتر همسنخ است را تقلید می کند. به یکباره می بینیم کشور ما در مصرف لوزام آرایشی رتبه اول را بدست می آورد و نیز به یکباره عمل جراحی زیبایی در بین مردان و زنان بدل به ارزش می شود و یا ملاحظه می شود که روابط خیل عظیمی از دختران و پسران از هر گونه ارزش انسانی و کرامت انسانی و عشق و دوستی و معنویت تهی گشته و به یکدیگر به دیده شئ جنسی نگاه می کنند و... خانواده‌ها نیز از این تلاشی مصون نمی‌مانند وآموزش و پرورش نیز البته نقش مهمی در آماده صدورکردن استعدادها و مقلد بار آوردن آنها برعهده می‌گیرد!

در بعد اقتصادی : مثال وابستگی ایران به نیروگاه اتمی بوشهر که ساخت روسها است گویا است. چرا که هم مدت زمان ساخت آن غیر متعارف بود چرا که۲ ۱سال روسها ساخت آنرا به تعویق انداختند و هم قیمت آن گزاف بود از ۰۰۸ میلیون دلار قید شده در قرارداد اولیه بصورت رسمی ۱ میلیون و ۰۰ ۲هزار دلار به صورت رسمی هزینه به پای مردم ایران نوشت و خبرگزاری فارس در تاریخ ۹ شهریور ۰ ۱۴۰ اذعان کرد : با توجه به گزارش‌های غیر رسمی موجود، ساخت نیروگاه ۰۰۰۱ مگاواتی اتمی مانند نیروگاه بوشهر نزدیک به ۴ میلیارد دلار هزینه در بر داشته است!" و هم وابستگی ایران به تامین سوخت آن توسط روسیه یک نوع اجبار و تحمیل است.

در بعد اقتصادی در رابطه سلطه- زیر سلطه نه تنها نهاد های اقتصادی، بلکه سازمان اداری و نظامی دولت و نیز نظام از هم گسسته جامعه شهری، بر محور صدور نیروهای محرکه و واردات کالا و خدمات و «سرمایه» بطور مداوم، انسجام از دست می‌دهد. نگارند ه در تحلیلهایی که هر ساله از بودجه های دولتها در نظام ولایت فقیه انتشار می دهم خاطر نشان خوانندگان گرامی و هموطنان عزیزم می کنم که بودجه و سرمایه گذاریها به فعالیتهای مساعد توسعه اقتصاد مسلط در اقتصاد ایران و "رانت برها " و اقتصاد مسلط هستند.

واقعیت را اگر بخواهیم بگوییم تمامی بودجه در خدمت " رانت بر ها "و اقتصاد مسلط است.

آقای ابوالحسن بنی صدر در جلد دوم کتاب رشد در صفحه ۱۳۱ به خوبی این را توضیح داد ه اند:

"با صدور نفت و گازو منابع دیگر، ایرانیان نیروی محرکه و زمینه کار را از دست می دهند و با وارد کردن کالاها و خدمات، اقتصاد ملی را متلاشی می کنند. در این مدار بسته، ایرانیان محکومند«نیروی انسانی ساده» بمانند و ایران یکی از اردوگاههای«لشکر بیکاران»بگردد و بماند. «نیروهای ماهر» ما بسوی اقتصاد مسلط روانه میشوند. نه تنها همه ساله، سیل درس خوانده های ایران به جامعه های

برخوردار از اقتصاد مسلط روان است، بلکه رژیم حاکم خود در کشورهای خارجی برای «نیروی کار ماهر» بازاریابی می کند!

در حقیقت، نظام اجتماعی باید نیمه بسته بماند تا استبدادیان، دستیار سلطه گران، با صدور و تخریب نیروهای محرکه برجا بمانند. به صدور و تخریب شهروندان جوان ایران تقدم می بخشد زیرا اینان نیروی محرک هایی هستند که نیروهای محرکه دیگر را نیز یا ایجاد می کنند (برای مثال دانش و

فن) و یا به کار می گیرند (نفت و گازو مواد معدنی و" .(...

پس ملاحظه می کنیم که قدرتی که بطور روزافزون رابطه‌ها را تنظیم می‌کند، عامل تلاشی دائمی می‌شود.

پویایی متلاشی شدن اقتصاد و فرهنگ و روابط اجتماعی جامعه زیرسلطه، بخاطر صدور نیروهای محرکه و واردکردن نیروهای محرکه متلاشی کننده، همان پویایی جذب نیروهای محرکه و ادغام آنها (فعال کردنشان) درجامعه مسلط است.

آن هادر سطح داخلی نیست که نظام اجتماعی – اقتصادی من باب نمونه امریکا، نیروهای محرکه را جذب می‌کند بلکه در سطح جهان این‌کار را انجام می‌دهد .در مورد نقش و سلطه دلار بعنوان ارز محوری در تجارت جهانی درجذب سرمایه های سایر کشورها در وضعیت سنجی قبل شرح دادم. بدان اضافه میکنم که

مرکزیت دلار به عنوان ارز ذخیره ی جهانی این امتیاز را به اقتصاد آمریکا ارزانی می کند. آمریکا ضمن داشتن کسری تراز پرداخت‌های عظیم، می‌تواند هزینه و سرمایه مصرفی را فراتر از تولید داخلی تأمین کند و به سرمایه‌گذاری‌هایی دست زند که بسیار بیشتر از اندوخته‌های داخلی آن است، زیرا سایر کشورها داراییهای خود را به دلار افزایش می دهند. آمریکا به لحاظ سرانه تولید ناخالص داخلی مقام دهم را در جهان دارد. این قبیل وابستگی ها به بازار امریکا بعنوان بازار مسلط، خود را در بحرانهای مالی و اثرات دهشتناک آن بر اقتصادهای سایر کشورها نمایان می سازد. بحران مالی ۲۰۰۷–۲۰۰۸ که به بحران مالی جهانی مشهور است، تهدیدی برای فروپاشی موسسات مالی بزرگ بود که توسط نجات بانک‌ها توسط دولت‌های ملی از آن جلوگیری شد، اما بازارهای سهام در سراسر جهان کاهش پیدا کردند و منجر به بیکاری طولانی و وسیع در سطح جهانی و رکودی طولانی در فعالیت‌های اقتصادی گردید که رکود جهانی سالهای ۲۰۱۲–۲۰۰۸ نام گرفت.

●در سطح نظام اجتماعی – اقتصادی امریکا، نیروهای محرکه در حدی که روابط قوا امکان می‌دهد، جذب و فعال می‌شوند. جامعه امریکایی از مهاجران پدید آمده‌است و تا این زمان، همچنان مهاجر می‌پذیرد. الا اینکه حالا دیگر دروازه‌های

خود را تنها به روی استعدادها بازمی‌کند. سرمایه‌ها و کارمایه و مواد گوناگون همچنان می‌توانند وارد امریکا شوند؛

طبق اعلام وزارت خزانه داری آمریکا، ماه ژوئن۲۰۲۱، سرمایه گذاران خارجی ۱۲.۸۳۵ میلیارد دلار اوراق قرضه منتشرشده توسط شرکت های آمریکایی را خریداری کرده اند. جریان ورودی سرمایه های خارجی به بازارهای مالی آمریکا افزایش یافته است.

به تفکیک کشورهای مختلف، ژاپن بزرگ ترین خریدار اوراق قرضه آمریکا با یک تریلیون و ۲۷۷ میلیارد دلار بوده که این رقم نسبت به ماه قبل ۱۱ میلیارد دلار بیشتر شده است. در طرف دیگر اما روند نزولی دارایی های چین ادامه یافته و میزان اوراق قرضه در اختیار این کشور با ۱۷ میلیارد دلار کاهش نسبت به ماه قبل به یک تریلیون و ۶۱ میلیارد دلار رسیده است. کرده اند.

●مازادها را در نظام‌های اجتماعی – اقتصادی دیگر بکار می‌اندازد؛

●ماوراءملی‌ها بعلت جهانی شدن روابط مسلط – زیرسلطه پدید آمده‌اند و کار آنها مهار نیروهای محرکه در مقیاس جهان و در مقیاس زمان است (از پیش متعین کردن آینده و پیشخورکردن آنها و بستن فضای زیست نسلهای آینده)؛

به گزارش یک گروه بین المللی از متفکران و متخصصان محیط زیست موسوم به شبکه ردپای جهانی، دهم مرداد امسال(۱۴۰۱)روز بیش برداشت از کره زمین (Earth overshoot day)بود. در این روز میزان مصرف منابع طبیعی زمیندر طی یک سال، بیش از ظرفیت زمین برای بازسازی و احیای منابع در همان سال است. به عبارت دقیق تر، بشر تا این تاریخ، سهمی را که می بایست در طی یکسال از منابع طبیعی کره زمین دریافت نماید پیش برداشت کرده است و در بقیه ی ماههای سال بیش از ظرفیت اکولوژیک زمین اضافه برداشت دارد!

مطابق بررسی های این موسسه، بشر با روند فعلی مصرف و برای رفع نیازهای خود به ۱/۷ سیاره زمین نیاز دارد! پس سال به سال منابع بیشتری را پیشخور می کند.

●بطور روزافزون، بخشی از نیروهای محرکه را از جریان خارج کند. این‌کار را با ایجاد دیوان‌سالاری و قشون‌سالاری بزرگ و نیز خنثی‌کردن نیروهای محرکه، از راه بکار انداختن آنها در بیرون نظام (بازار فرآورده‌های مشتق) بورس و ...)که، در سال ۲۰۱۸، ده برابر کل تولید ناخالص جهان، سرمایه در آن فعال بوده‌است). به خاطر این تمرکز است که ۵۰درصد فقیر جامعه، امکان محدودی برای شرکت در زندگی اقتصادی جامعه دارد. افراد این بخش از جامعه، بخصوص توان ایجاد بنگاه کارفرمایی و مدیریت آن را ندارند.

چند نمونه :بر اساس اطلاعات موسسه مالی بین المللی (II) در سال ۲۰۲۱بدهی جهانی سه برابر بیشتر از تولید ناخالص داخلی جهان بوده است!در امریکا که،در سال

۲۰۱۰،سهم ده درصد که بالاترین دهک را تشکیل می دهند،از۷۰درصدکل مالکیتهای خصوصی بیشتر شد. دراروپا و هندو چین و روسیه،به میزانی کمتر،بر سهم ثروتمندترینها افزوده شده است.در این کشورهاسطح تمرکز داشته های منقول و غیر منقول،داردبه سطح تمرکز درامریکا نزدیک می شود (در روسیه،سطح تمرکز دارد از امریکا نیز بالاتر میرود. در این باره نیزنگاه کنید به تحلیل Ibrahim WARDEتحت عنوان شکار الیگارش ها در لوموند دیپلماتیک سپتامبر ۲۰۲۲ و نیز دی تسایت انلاین مصاحبه با خانم کاترین بلتون تحت عنوان "شبکه ای از سوپر ثروتمندان وجود دارد که مانند شاخکهای کرملین عمل می کند" که ترجمه آن از آلمانی به فارسی در سایت انقلاب اسلامی در هجرت در بخش دیدگاهها درج شده است.

نیروی محرکه‌ای که افزایش جمعیت و علم و فن در حال رشد سریع است، با تنظیم رابطه‌ها با قدرت که مانع از باز و تحول‌پذیر شدن نظام اجتماعی – اقتصادی می‌شود، بطور روزافزون ناسازگار می‌شوند و قدرت سلطه‌گر را گرفتار انحطاط می‌کنند.

در شماره آینده ضمن بدست دادن معانی استقلال، به بررسی اصل حاکم بر سیاست خارجی، در یک نظام حقوند که محور سیاست خارجی، حقوق پنجگانه (انسان و شهروند و حقوق ملی و حقوق طبیعت و حقوق ملی به مثابه عضوی از جامعه جهانی (است، می پردازم.

****

وضعیت سنجی ۴۰۳

تاریخ انتشار : ۰۱ مهر ۱۴۰۱

گشودن فضای زندگی و جنبش در سراسر ایران،فضل هنرمندی زنان ایران است



روزهاست که جنبش مردمی ایران به داد خواهی از شهادت مهسا امینی با پیشتازی زنان کشور وسعت و شور بی نظیری یافته است.

و شمار شهرهای درگیر اعتراضات تا شامگاه چهارشنبه، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، بر اساس ویدئوها و تصاویر و خبرهایی که در چند روز گذشته در رسانه‌ها و همچنین شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، به دست‌کم ۸۳ شهر رسیده است و همه استانهای ایران از شمال غربی تا جنوب شرقی را در بر گرفته است:

جنبشی که همواره بسان آتشی زیر خاکستر، منتظر جرقه ای برای شعله ور شدن بوده است.

وضعیت میهن ما نشان داده است که تحول اکثریت بزرگ جامعه در گرو تحول زنان جامعه است. زیرا زنان به محض وجدان یافتن بر حقوق خود و وجدان بر ستمگرانه بودن تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و سرباز زدن از تمکین به آنها، بدل به نیروی محرکه‌ای می‌شوند که تغییر بنیادی را ناگزیر می‌کنند.

حق این است که استقلال و آزادی هرجامعه‌ای با استقلال و آزادی زن آغاز می‌گیرد.

از انقلاب به این سو که زنان در آن نقش بسزایی داشتند، زنان جامعه ایران بر این واقعیت وجدان یافته اند که تبعیض‌ها و نابرابریها، نه خدا و نه دین فرموده که فرآورده نظام اجتماعی قدرت محور هستند بنابراین، از تن دادن به آنها سرباز می‌زنند همچون حجاب تحمیلی و بطور مداوم در کار مبارزه برضد تبعیض‌ها و نابرابری‌ها هستند. فضل هنرمندی زنان ایران، گشودن فضای زندگی و جنبش در سراسر ایران است. در حقیقت، میزان فرهنگ‌زایی هر جامعه را استقلال و آزادی زن معین می‌کند. چرا که استقلال و آزادی به او امکان می‌دهد فضای اندیشه و عمل جامعه را بطور مداوم باز نگاهدارد. به یمن این فضای باز، خودانگیختگی فردی و جمعی افزایش می‌یابد و رشد فرهنگی میسر می‌شود. آقای بنی صدر که یادش گرامی باد و هرگز امید به جنبش مردم را از دست نداد ،پیشتازی زنان ایران را به عینه می دید و تحلیل می کرد، بدرستی در مصاحبه ای که با ایشان داشتم خاطر نشان ساختند :"چرا زنان مهمترین نیروی محرکه تغییر هستند و ایشان تشریح کردند که در نظامهای استبدادی چون موقعیت اجتماعی زنان، موقعیت زیرسلطه است و رابطه با آنها، عمده توسط زور و فساد – که از یکدیگر جدایی‌ناپذیر هستند – تنظیم می‌شود، نظامهای اجتماعی که، در آنها، زنان این موقعیت را دارند، تا وقتی زنان به حقوق خویش وجدان نیابند و برآن نشوند حقوند بزیند، برجا می‌مانند. از اینرو محروم شدن زنان از استقلال و آزادی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، زنان و مردان را از خلق فرهنگ ناتوان می‌کند و خلاء را «ضد فرهنگ» یا مجموعه آسیبهای اجتماعی (از خرافه‌ها و غیر عقلانی‌ها تا رابطه‌های قوای پدید آورنده انواع جنایتها و جرم‌ها و فسادها) پر می‌کنند. از اینرو از ابتدای انقلاب گفتم آزادی هر جامعه‌ای با آزادی زن شروع می‌شود و رژیم فاسد ولایت فقیه بجای نشر این نظر اینجانب ، دروغی فاحش را به اینجانب نسبت داد."

شعار" زن ، زندگی ، آزادی" اکنون بهترین نشان از این فرهنگ زایی ایرانی و رو به حیات و زندگی بودن جنبش اخیر است.

تاریخ معاصر ایران، تا کنون نه این وسعت از مشارکت زنان در مبارزه را به خود دیده است و نه این شدت سرکوب جنبش را. مردم ایران در هر جنبش اعتراضی بر کولبار تجربیات ذیقیمت خود می افزایند و هر جنبشی یک چند ویژه گی بارز از خود نشان می دهد.

جنبش چند روز اخیر نیز چند ویژه گی بارز دارد:

۱- شجاعت بی نظیر زنان (از جوان تا میانسال و سالمند) که در جلو ماموران سرکوب نظام حجاب اجباری خود را برداشته و به زور رژیم حاکم "نه" گفتند و یا روسری های خود را اتش زدند.در یکی از فیلمها زن شجاع ایرانی در میان ۷

نیروی ویژه نظام بر روی سکویی بدون روسری نشسته و دستان خود را با علامت پیروزی بالا می برد و آن ماموران به وی تعرضی نمی کنند.

۲- با اظهار نظر پدر مهسا (ژینا) امینی در اینکه مهسا ایرانی بود و متعلق به همه ایران و نه تنها کردستان و دادخواهی همه اقوام ایرانی از مظلومیت یک زن کرد، و شعار(کردستان چشم و چراغ ایران) بهانه از دست گروههای تجزیه طلب که بر طبل تفرقه می نوازند گرفته شد و همبستگی همه ۷ قوم ایران برای حفظ ایران جلوه سازنده خود را نمایان ساخت.

۳- همه گیر بودن این جنبش به نحوی که سراسر جامعه ایرانی بپا خاسته است ازلاهیجان و لنگرود و لرستان گرفته تا قشم و قم و قرچک، اقشار مختلف مردم با همه تنوع و گوناگونیهای قومی و مذهبی و باور و تمایل سیاسی در این جنبش شرکت فعال نموده اند و در مقابل ظلم نظام فاسد ولایت فقیه محکم و متحد ایستاده اند. شعارهای حساب شده مردم، نشان داد که خواسته های عمومی از مطالبه گری های صفنی فراتر رفته و برمبنای مطالبه حقوق همگانی شکل گرفته و کاملا سیاسی گردیده و نظام را نشانه رفته است و متعلق به آزادی همه مردم ایران است:

زن ،زندگی، آزادی

این آخرین پیام است، هدف خود نظام است

مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر

مجتبی بمیری، رهبری را نبینی

استقلال- آزادی ،تنها ره رهایی

آزادی، آزادی، آزادی، بگو آزادی

۴-سرکوب گری گشت ارشاد در رفتار با مهسا و زنان ایران باعث شد همه ایران بسیج شوند تا پرونده چنین گشت سرکوب گری را ببندد و دیگر جرات نخواهند کرد به زن ایرانی تعرض کنند .

۵- این جنبش آنچنان سراسری است که حتی جنبش دانشجویی که مدتها بود در فترت بود بپا خاست و نیرو و توان و همدلی خود را به نمایش گذاشت .

۶- نظام ولایت فقیه همچون گذشته از جنایت دست برنداشته و به کشتن ادامه داده (اخبار دریافتی حاکی از شهید شدن بیش از ۵۰ نفر است) ولی شجاعت مردم در خلع سلاح کردن نیروهای نظام بدون بکار بردن خشونت و نیز فراخوان نیروهایی که بروی مردم اسلحه نگشودند به صف ملت، باعث شده جای جای، بین نیروهای سرکوب نیز اختلاف و درگیری رخ دهد. در دو فیلم کاملا مشهود است و متاسفانه

مشهود نیست در کدام شهرها هستند. چون بسیاری از آنها که وجدان خود را کاملا تخدیر نکرده اند حاضر به بکار بردن خشونت علیه ملت خود نیستند. من باب نمونه در شهرستان همدان نیروهای انتظامی به مردم پیوستند.

۷- و هر روز جلوه تازه ای از این جنبش رخ می نماید.



و زنهار آفتهایی که همگی جنبش مردم را تهدید می کند و بایستی بدان توجه ویژه مبذول داریم:

نظام ولایت فقیه از هیچ ترفندی درنسبت دادن دروغ و اعمال خشونت و تخریب اماکن عمومی فرو گذار نیست. وزارت اطلاعات به تلفنهای مردم اس ام اس ارسال کرده است که: "به آگاهی میرساند با توجه به بهره برداری جریانات ضد انقلاب در حوادث اخیر، هرگونه حضور و همراهی درتجمعات غیر قانونی طبق قانون مجازات اسلامی موجب تعقیب قضایی خواهد گردید. ستاد خبری وزارت اطلاعات" و یا در یک سناریوی نخ نما شده نظام قصد دارد بخشی ازمذهبیان را در مقابل مردم قرار دهند و نوشته :"تجمع اعتراض حوزویان به جسارت به تحریم قران و شریعت اسلام در مدرسه فیضیه برگزار می شود." در صورتی که مردم با هوش و متمدن ایران هیچ مرام و دینی را مورد تعرض قرار نداده و نیز حتی مسلمانان بسیاری در این جنبش با تکیه بر ارزشهایی که باور دارند حربه" دین علیه دین" را از دست نظام خارج کرده اند.

دوری گزیدن از اعمال هر نوع خشونتی کار بایسته ای است که تا کنون مردم در جنبش نشان دا ده اند و با روشهای خشونت زدا، خشونت را بی اثر کرده اند. اما

برای آن دسته از افراد که خواسته یا نا خواسته مردم را دعوت به بکار گیری خشونت می کنند، توضیح دهیم که؛

همانگونه که مردم ایران می دانند، زور و فساد حاکم را زور و فساد از میان بر نمی‌دارد (من باب نمونه اختلاس مسئولان نظام را با اختلاس از سوی مردم نمی توان جبران کرد) چرا که از جنس یکدیگرند. بکار گیری روشهای خشونت گرایانه در مبارزه راهبر جامعه به رهایی از خشونت و دیدن روی آزادی و استقلال نخواهد شد. کسی که زور بر ضد زور بکار می‌برد، درجا، خودش از زور پر می‌شود و برفرض موفقیت، زور برجا و فردی که آلت فعل زور شده تغییر می‌کند و از جنس زور گویان می گردد. ولی انسان آزاده مبتکر است، خشونت گر را با ابتکار خود پشیمان و یا خلع سلاح می نماید. از این‌رو، وجدان به حقوق و ایستادن بر حقوق خویش راه‌کار ادامه حیات ملی است. این ایستادگی است که می‌گوید زنان استقلال و آزادی را بازمی‌یابند و به یمن آن، ایرانیان راه رشد در استقلال و آزادی، بر میزان عدالت اجتماعی را در پیش می‌گیرند.

ایرانیان خارج از کشور پژواک صدای حق طلبانه هموطنان داخل کشورند و پیوند و یکپارچگی با آنان را اعلام می دارند و افکار عمومی جهان را متوجه جنبش سراسری ایران علیه ظلم و فساد می نمایند و آزادگی و تهور و شجاعت و عزم ملی و کنشگری و میل به برپایی ایرانی آزاد و مستقل و رو به رشد و مامن همه ایرانیان را به جهانیان می شناسانند و از ایفای نقش قیم مآبی سرباز می زنند.

باشد که جنبش سراسری مردم ایران همگانی تر و کنشگر تر و بی خشونت تر و موفق و پایا تر گردد.

****

وضعیت سنجی ۴۰۴

تاریخ انتشار : ۰۸ مهر ۱۴۰۱

وضعیت سنجی ۴۰۴ - جنبش همگانی و لزوم بدیلی از جنس خود مردم



هر جنبش ملی که سراسری می شود و وجدانی همگانی آنرا هدایت می کند، نیازمند بدیلی شفاف است که چشم انداز آینده را برای همه شرکت کنندگان در جنبش روشن کند.
ابهام، زبان قدرت و شفافیت، زبان آزادی است. لذا نظام جانشین و آینده هر چه شفاف تر به تصویر درآید، از سوء استفاده قدرتمداران و ناشناخته ها که مبهم میگویند و می نویسند و رفتارمی کنند، جلوگیری به عمل خواهد آمد.

بارها در بین شعارها و نوشته ها در دفاع از جنبش مردمی می شنویم : رهبر منم، رهبر تویی.
این جمله از یک لحاظ صحیح است و آن زمانی است که منظور، شرکت دادن همه شهروندان در رهبری جامعه باشد.

توضیح آنکه انقلاب به مثابه روش، جانشین کردن تغییر از «بالا»، با تغییر از «پایین» است.
همگی می دانیم که سالیان متمادی، شعاراصلاح طلبان حکومتی؛ " فشار از پایین، چانه زنی در بالا " بود و نیز انقلاب را امری مذموم و خشونت بار تعریف می کردند. فکر جمعی جباری که به جامعه القا می کرد که مردم توانایی تغییر را ندارند و تغییر در «بالا»، با چانه زنی و معامله صورت می گیرد و نقش مردم را تنها

به عامل فشار فرو می کاست و مسلما در توزیع قدرت، چانه زنی بین چانه زنان انجام می گرفت و رانت قدرت بین چانه زنان تقسیم می شد. اصلاح طلبان حکومتی هیچگاه حق رهبری همگانی مردم را برسمیت نشناختند و از انقلاب مردمی که درآن تغییر از «پایین» جامعه رخ دهد وحشت داشتند چون دیگر چانه زنی در «بالا» و تقاضای رانت قدرت بی معنی می شد و در همان حال که انقلاب مردمی ۵۷ را که حاصل جنبش همگانی مردم بود، دو دستی تقدیم نظام ولایت فقیه کرده و ملک طلق نظام می دانستند، مردم را از داشته مهم خود یعنی انقلاب محروم می داشتند و از انقلاب آینده مردم را می هراساندند و از مردم تنها برای نگاه داشتن خود در بطن قدرت به مثابه ابزار ایجاد فشار سوء استفاده می کردند. اکنون شاهدند که آنهمه القائات برای نگاه داشتن نظام بی اثر شده و تمامی ایران به انقلاب برخاسته است. در حالی که با ریزش نیروهای وفادار به نظام ولایت فقیه مواجهیم و حتی «جمعی از طلاب و مدرسین حوزه‌های علمیه قم، مشهد و تهران» در شبکه‌های اجتماعی در بیانیه ای که در ۸ مهر ماه ۱۴۰۱ منتشر کرده اند, از حکومت جمهوری اسلامی خواسته‌اند که به کشتار مردم معترض در خیابان‌ها پایان دهد و تاکید کرده اند: "به‌عنوان کسانی که عمر خود را در راه تحصیل علوم دینی صرف کرده‌ایم، قاطعانه و با اطلاع کامل عرض می کنیم که در این حکومت موسوم به اسلامی، هیچ یک از صاحب منصبان تأثیرگذار و افراد دارای تریبون مجتهد نیستند و تحصیلات حوزوی درخوری ندارند: نفر اول حکومت، یعنی آقای علی خامنه‌ای، به هیچ وجه مجتهد محسوب نمی‌شود، تا چه رسد به مرجع تقلید.»، شاهد هستیم که تمامیت خواهان و نیز برخی از اصلاح طلبان حکومتی در کلاب هاوس اظهار می دارند که برای آرام کردن مردم کافی است چند رانت خوار و معاون وزیر را دستگیر کنند و به زندان بیافکنند تا صداها آرام بگیرد و در مقابل تحمیل حجاب به زنان ایران نیز موضع نگرفته اند. زیرا بنا بر اذعان و اعتراف مهمی که از سوی سردبیر سابق کیهان(مهدی نصیری) پخش شده است: "بحث حجاب اجباری برای حاکمیت اصلا بحث اسلام نیست، بحث سیاسی است. چرا که حاکمیت در برابر دزدی‌های کلان مسئولین با عطوفت برخورد می‌کند اما در برابر نوع پوشش جوانها خشن برخورد می‌کند، چرا که حجاب اجباری، خواست اقلیت حامی حاکمیت است و حاکمیت نمی‌خواهد حمایت هسته‌ی سخت اقلیتی را از دست بدهد "!

در همه جامعه های زیر سلطه، همه قدرتمدارنی که در «بالا» قرار داشته و دارند برای «پایین» جامعه نقشی برای رشد خود حتی تنظیم و سامان دادن زندگی و وقت خود باقی نگذاشته اند.

از اینرو شاهد بند از بند گسسته شدن جامعه ها هستیم، شاهد مهاجرت میلیونی

مردم از وطن مألوف خود به قصد رفتن به جایی که در آن از ابتدایی ترین حقوق خود محروم نباشند هستیم، شاهد نابرابریهای روز افزون و تبعیضات ضد حقوق هستیم.
»بالا»نشینان، همان قشرهای مسلط، بریده و گسسته از جامعه ای هستند که در آن مردمان از حقوق خود به ویژه حق رهبری محرومند. «بالا» نشینان مدیریت فراگیر را «حق خود» می‌پندارند. در واقع امر هر مدیریتی از «بالا» جز خرابی ببار نمی آورد. چرا که این انحصار قوه رهبری، در "بالا" نشینان باعث می شود که قشرهای «پایین» بایستی قوه رهبری خود را تابع قوه رهبری «بالا» در آورند .یعنی خود را ناتوان فرض کنند یعنی بطور مدام به تحقیر داشته ها و توانایی ها و استعداد های خود بپردازند. زیرا جز با روش تحقیر غیرممکن است کسی قوه رهبری خود را منفعل کند. این، آن تخریبی است که مدیریت از «بالا» بدون مشارکت «پایین» ببار می آورد.

برای درک این مهم به جنبش کنونی نظر افکنیم. حتی در یک نمونه حجاب اجباری، دو اصل استقلال یعنی حق انتخاب پوشش و آزادی یعنی حق انتخاب نوع پوشش، سالیان متمادی است که از زنان ایران سلب شده است. چرا که اقلیت کوچکی زورمدار »بالا»نشین، حق خود دانسته اند برای نیمی از جمعیت ایران تعیین تکلیف کنند و آنها را از حق رهبری خود محروم نگاه دارند. روزی که همه زنان ایران شجاعت بدست گرفتن استقلال رای و آزادی خود را بکار برند و همه زنانی که خواهان انتخاب آزاد نوع پوشش خود هستند و از حجاب اجباری دلزده اند، یکپارچه در مدارس و دانشگاها و خیابانها و محیط کار و خانواده و ادارات و... از این اجبار سر باز زنند، و با ممارست، دو اصل استقلال و آزادی خود را خود بدست گرفته و قوه رهبری خود را بدست بگیرند، زمانی خواهد رسید که این بکار گیری حق رهبری آنچنان بدیهی خواهد شد که با نگاه به گذشته، خود زنان باور نمی کنند چرا سالیان متمادی خود را از این حق محروم کرده بودند. هر استبداد فراگیری زمانی استقرار می‌جوید که قوه‌های رهبری شهروندان، بطور کامل، به تسخیر «بالا» در آیند و اکثریت بزرگ گرفتار عقده خود ناتوان‌انگاری و یأس از بازیافتن منزلت انسان حقوقمند بگردد.

و به میزانی که مردم از تابعیت از اوامر «بالا»نشینان سر باز می زنند، »پایین»، از تحقیر خود رها می شود و به توانایی خود در اداره امور خویش باور می آورد و چنانچه «پایین»، در یابد که اگر به حقوق خود عمل کند، و تغییر قدرت را با جانشین کردن حقوق در رابطه ها اعمال کند، در جا «بالا» بی نقش می شود و موقعیت خود را از دست می دهد.

از این‌رو، بهمان نسبت که تابعیت کم‌تر می‌شود، «پایین»، رهاتر از تحقیر و عقده خود ناتوان انگاری و یأس، در اداره امور خویش، بیشتر سهم پیدا می‌کند . زیرا اگر تغییر جانشین قدرت کردن حقوق در تنظیم رابطه‌ها انجام بشود، از آنجا که شهروندان می‌توانند به حقوق خود عمل کنند، «بالا» بی‌نقش می‌شود و تغییر از «بالا» با بکار بردن زور بی‌محل می‌گردد. بدین‌قرار، عمل به حقوق هم قدرت و هم «بالا»را بی‌محل می‌کند.

و چون هر تغییری از «بالا» یعنی بکار بردن قدرت بر علیه حقوق شهروندان، در فوق تاکید کردیم که مدیریت از «بالا» جز تخریب و ویرانی ببار نمی آورد. پس به میزانی که هر ایرانی به این امر باور بیابد که رهبر اوست و حق رهبری درونی اوست، جامعه ایران از قدرت به مثابه زور متمرکز بر علیه همه رها می گردد و همه شهروندان ایرانی حقوق را تنظیم کننده رابطه‌های خود خواهند کرد . این گونه است که جمهوری حقوند یا حقوقمند شکل می گیرد و محقق می شود. انقلاب وقتی رخ می دهد که ملتی از نقش قدرت در تنظیم رابطه‌ها بکاهد و بر نقش حقوق در تنظیم رابطه‌ها بیافزاید.

اما شعار رهبر منم، رهبر تویی. چنانچه این من و شماها مسئولیت ارائه برنامه مدون و راه حل منطبق با حقوند بودن انسان و شهروند ایرانی و حقوق ملی و حقوق طبیعت و حقوق جامعه ملی به مثابه عضوی از جامعه جهانی را نداشته باشد، منجر به هرج و مرج خواهد شد.

انقلاب امری است مستمر و در میهن ما ایران به خاطر موقعیت ژئوپلیتیکی که داشته است در قرن معاصر پر شمار بوده است.جنبشهای مردم رشته بهم پیوسته ای است که دارای روشها و اهداف یکسان بوده است: خواست استقلال و آزادی و رشد بر پایه عدالت. مردم خواستار استقلال کشور نه به معنی انزوا و عدم مراوده و ارتباط با سایرکشورها بلکه به معنای مخالفت با زیر سلطه کردن وطن خود و دخالت قدرتهای خارجی در امور کشور بودند و خواستار این بودند که حاکمیت، توسط جمهور مردم بدون دخالت هر قدرت خارجی خواست مشترک مردم ایران در همه جنبشها و انقلابهایش بوده است. از آنجا که نه دولتهای مرکزی و نه قدرتهای خارجی و نه آن بخش از اپوزیسون وابسته، تغییر از «پایین» را تاب نمی آورند، ملت ایران در جنبشهای خود بر تحقق اصول آزادی برای همگان و استقلال خود و وطن خود و نیز رشدی که بر پایه عدالتی همه گیر باشد را دنبال

می کردند. زنهار که رها کردن تجربه و اهداف نسلهای قبلی جنبش کنونی را پا نگرفته ابتر خواهد کرد.

نسل امروز اگر بخواهد خویشتن را مسئول تغییرکردن و تغییر دادن بداند، بناچار، باید اصولی را به عمل درآورد که این تغییرکردن و تغییر دادن را میسر می‌کنند. تجربه بهار عربی نشان داد که جنبشهایی که برای آینده کشور خود و نظامی که قصد دارند جانشین کنند بدیل مجهز به برنامه ندارند، موفق نشده ابتر می شوند. به عنوان نمونه آقای البرادعی در مصر ادعای جانشینی دولت مبارک را داشت ولی حتی در مقابل اخوان المسلمین برنامه ای نداشت که بتواند نظر موافق ملت مصر را جلب کند. لذا السیسی کودتا کرد و دولتی بمراتب خشن تر از دولت مبارک برسر کار آورد.
بر همه شرکت کنندگان در جنبش است که هم از خود تصویری روشن از چشم انداز آینده مطلوب و مقبول را خواستار باشند و هم از هر گروه سیاسی برنامه مدون برای اداره آینده ایران بر مبنای رعایت حقوق مردم را طلب کنند. جانشینی قدرت، ساده ترین امر است. بسیاری از مدعیان امروز در اپوزیسیون فاقد برنامه اند و تنها به قصد جانشینی راس قدرت وارد میدان دفاع از جنبش برآمده اند آنهم با سوابقی پرخشونت و وابسته به قدرتهای خارجی.
مفتخرم که بگویم به جمعی تعلق دارم که از سال ۱۳۶۰ با نظام استبدادی حاکم به مبارزه برخاسته وفادار به اصول استقلال و آزادی و حقوق ملت، تجربه نسل انقلاب را پی گرفته است و مبارزه را امری مستمر و پایدار دانسته لذا به آینده وبا همیاری آقای بنی صدر اولین منتخب ملت ایران، به موقع به نیاز جامعه و جنبش به این چشم انداز نیز فکر کرده است و

۱- هم قانون اساسی مفصل بر مبنای حقوق پنجگانه را تهیه و تدوین کرده است که در آن تغییر تنها از «پایین» (مشارکت جامعه مدنی در اداره امور خویش ممکن است .(۱)

۲- کتاب حقوق پنجگانه (حقوق انسان، حقوق شهروندی، حقوق جامعه ملی، حقوق طبیعت، و حقوق جامعه ملی به مثابه عضوی از جامعه جهانی)(۲)
۳- هم برنامه عمل برای اداره اقتصادی تولید محور را ارائه کرده است
٤- و هم ساختار حقوقی اداره دوران گذار برای انتقال حاکمیت را ارائه داده است تا جنبش همگانی مردم ایران در فراز و نشیبهای پیش رو بی برنامه و بی بدیل نماند و زور پرستان نتوانند آنرا بی برنامه و بی چشم انداز و "شورشی موقت" و بی آینده تعریف نمایند.

و این سه بخش مهم برنامه را بموقع در معرض قضاوت و نقد جامعه قرار داده است.
انتخاب گر مردم ایرانند و شرکت کنندگان در جنبش هر چه بیشتر در پی نقد و نظر و تعمق در محتوای برنامه های ارائه شده باشند، زودتر جنبش را به سامان می رسانند.

طرح از مانا نیستانی

(۱) کتاب قانون اساسی بر اساس حقوق پنجگانه
(۲)
https://banisadr.org/index.php?option=com_content&view=article&id=۱۰۹۹:۲۰۱۹-۰۵-۱۵-۲۱-۲۷-۲٤&catid=۹&Itemid=۱٤۱
(۲)کتاب حقوق پنجگانه
(۳)
https://banisadr.org/index.php?option=com_content&view=article&id=۹۸۳:۲۰۱۸-۰۸-۱۵-۱۸-۱۲-۳۸&catid=۹&Itemid=۱٤۱
(٤) برنامه ای برای عمل سیاسی مداوم
(٥)
https://banisadr.org/index.php?option=com_content&view=article&id=۲۱:۲۰۱۳-۰۳-۰۳-۰۷-۲۱-٤۷&catid=۹&Itemid=۱٤۱
(٤)ساختار حقوقی دوران گذاربرای انتقال حاکمیت به مردم ایران
https://banisadr.org/index.php?option=com_content&view=article&id=۱۰۹۹:۲۰۱۹-۰۵-۱۵-۲۱-۲۷-۲٤&catid=۹&Itemid=۱٤۱

****

وضعیت سنجی ۴۰۵
تاریخ انتشار : ۱۵/۰۷/۱۴۰۱

بنی صدر:"انقلاب هدیه نسل جوان به ایران کهن است".



۱۷مهرماه۱۴۰۱سالگرد برحمت ایزدی پیوستن آقای ابوالحسن بنی صدر نخستین ریاست جمهوری منتخب آزاد تاریخ مردم ایران است.فردا هموطنان گرامی از اقصی نقاط جهان در پاریس برای بزرگداشت وی درآرامستان وی جمع می شوند.

در این روزها که شاهد برپایی جنبش همگانی و به تعبیر مردم در خیابان خاضر،انقلاب مردمی هستیم،جنبش و انقلابی که از دید وی بهترین راه رهایی از زور و استبداد است ، به عینه چهره شاد و خندان و پر امید وی را بر آسمان وطن پهناورایران و نگاه ستایش آمیز وی به نسل بپا خاسته ایران را می بینم.

بنی صدر که شاد ترین و زیباترین خاطره زندگی خود را اینگونه تعریف کرده است.(*۱):

شیرین ترین خاطره، روز ورود به ایران بود .تا چشم کار میکرد دریایی عظیم از انسان ،جوان ،شاد پر از اعتماد و پر از امید. اصلا در قیافه ای آدم تردید و شکی نمی دید. همه آینده را صاف و روشن و شفاف می دیدند. توی این دریا غرق شدم و به اصطلاح عارفان از خود بی خود شدم و با جمع خود شدم.در بهشت زهرا هم خودرویی که ما برده بود گم کردیم و در میان مردم عده ای جوان شناختند و آنها مار ا سوار کردند و با اتوموبیل خود آوردند شهر. زیباترین و شادترین روز زندگی من بوده به لحاظ اینکه ایران را آزاد دیدم ،جوان دیدم ،پر از شادی و امید و اعتماد دیدم .

بی شک هم اکنون نیز روح پر فتوت وی شاهد همین امید و اعتماد و شادی جوانان و مردم ایران است که به جنبش برخاسته اند.

مردی همیشه مبارز که در نهضت ملی ایران، در نوجوانی و آغاز جوانی شرکت داشت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، او را برآن داشت، درباره قوت و ضعف آن جنبش، مطالعه کند و راه کاربجوید و بنا بریادداشت‌های زندانش در اسفند ۱۳۴۱، (۱۶ سال قبل از انقلاب ۵۷) ، بحثی با دانشجویان هم بند درون زندان شاهی ،در باره انقلاب را به همسرش اینگونه گزارش کرده است.(*۲):

“انقلاب هدیه نسل جوان به ایران کهن است .”

وی در توضیح آن انقلاب به دانشجویان هم بندش می گوید:”آیا واقعا زد و خورد توأم با خون ریزی انقلاب است؟ آیا انقلاب مفهومی دیگری ندارد؟ چرا، اما گمان می‌کنم از آنجا که غالب انقلابها توأم با خونریزی بوده‌اند، ما تا کلمه انقلاب را می‌شنویم، فورا به یاد خون و جنگ انقلابیون با نیروهای قهریه می‌افتیم. فی‌المثل از انقلاب فرانسه، روسیه، مصر، چین و ... حرف می‌زنیم. اما ازآنچه در هند روی داد و انقلاب به مفهوم واقعی کلمه بود، بعنوان انقلاب هند، یاد نمی‌کنیم. در هند، چه کردند ؟هیچ، استعمار را برداشتند و یک حکومت کاملا مجهز ملی را، بجای آن، نهادند و این حکومت، تمام روابط کهنه را که جامعه را بی‌حرکت نموده بود، بر هم زده و می‌زند و بجای آن، روابط نوئی برقرار می‌کند و این‌است انقلاب، انقلاب واقعی.“

یکی دیگر از دانشجویان گفت که انقلاب می‌شود اما نسل بعد این کار را می‌کند و دیگری گفت، آقای بنی‌صدر هم همین را می‌گوید. معترض اولی می‌گوید: خیر، آقای بنی‌صدر می‌گوید نسل حاضر انقلاب خواهد کرد و از من تصدیق خواست و من تکرار کردم: « انقلاب هدیه نسل جوان به ایران کهن است و آنها خواستند تا برایشان توضیح بدهم و این توضیح سه ساعتی طول کشید. نخست لازم بود که توضیح دهم و تعریف کنم نسل جوان یعنی چه و بیان کنم چگونه ما براثر معلومات تازه که دریافت داشته‌ایم، در یک امتیاز شریکیم و از جامعه کهنه ممتازیم. این وجه

امتیاز است که ما را در یک گروه متشکل می‌سازد و این گروه است که انقلاب را تحمیل می‌کند. گفتم که اگر سلطه استبدادی پدر و مادر بر یکدیگر و بر فرزندان، در سلول سازنده جامعه (خانواده) شکسته و می‌شکند، این انقلاب بسیار مهمی است که نسل جوان تحمیل می‌کند. آیا انقلاب دگرگونی روابط نیست؟ آیا ما تنها می‌خواهیم خون بریزیم و خونمان را بریزند؟ و دیگر، کاری نمی‌ماند که انجام دهیم؟ بی‌گمان خیر. انقلاب یعنی ایجاد حرکت در جامعه اسیر سلطه‌ها، در خانواده، در گروه، در طایفه، در طبقه، در حکومت، سلطه از بالا وجود دارد و نسل جوان، یکی پس از دیگری این سلطه‌های تاریخی و بسیار قدیمی را دارد از میان می‌برد و این‌است انقلاب واقعی."

انقلابی که بنی صدر در سال ۱۳۴۱ با وضعیت ایران،- ایران در محاط دو ابر قدرت-، سازگار یافت، جنبشی همگانی از نوع جنبش مردم هند و بی‌نیاز به خشونت بود و شانزده سال پس از آن، جنبش همگانی ایرانیان، همان جنبشی که در زندان توصیف و تحلیل کرده بود، گل را بر گلوله پیروز کرد.

دفاع بنی صدر از حقوق مردم و احزاب و سازمانها تا آخرین روزهای کودتای ۱۳۶۰علیه وی

بنی صدر درانقلاب ایران شرکت جست ومورد وثوق قاطبه ملت ایران قرار گرفت وبدینسان نخستین ریاست جمهوری منتخب آزاد تاریخ مردم ایران گردید. وی دربرنامه های عملی و سیاست گذاریها و عملکرد دوران ریاست جمهوری همواره به دفاع از آرمان مردم و اهداف استقلال و آزادی و رشد بر پایه عدالت اجتماعی پرداخت و درست به همین خاطراستبدادیون با خیانت به رای مردم ایران علیه وی در خرداد ۱۳۶۰کودتا کردند . برای نسل درانقلاب کنونی که بایستی هم خادمان واقعی خود را بشناسد و هم عوامل کودتا و خیانت به رای نسلهای قبل از خود نمونه ای از دفاع از حقوق ملت توسط آقای بنی صدر را ، حتی در روز های پایان کودتای آقای خمینی و یارانش علیه وی،به نقل از سخنرانی آقای علی امیر حسینی که رابط وقت آقای بنی صدررئیس جمهور و آقای خمینی بوده اند ، و در جلسه یادبود و بزرگداشت زنده یاد ابوالحسن بنی صدر در لندن در ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲ نقل کردند ، را می آورم.(۳*):

"بر کمتر کسی پوشیده بود که از نخستین روز انتخاب آقای بنی صدر به ریاست جمهوری ایران، حزب جمهوریاسلامی کمر به حذف و برکناری ایشان بسته بود اما کمتر دانسته است که تا پیش از حوادث خرداد ماه ۱۳۶۰ و توفیق در کودتا،

این حزب حداقل در دو توطئه پیشبن عزل ایشان ناکام مانده بود.انحصار طلبان به کمین نشسته، نگران از پایان عزتمند جنگ، به شتاب توطئه بر توطئه افزودند و چنین شد که به خرداد ۱۳۶۰، زمنجنیق فلک سنگ فتنه می بارید، و می رفت تا که در مذبح قدرت سرها بریده بینی، بی جرم وبی جنایت.

خرداد باردار فاجعه بود، تحریک و تعدی و تعرض تمامیت خواهان شتابی برون از حد یافته بود و هر دم از باغ توطئه تشنگان قدرت بلا منازع بری می رسید.

روز ۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۰، بدنبال حوادثی که در همدان اتفاق افتاد و در پی تعطیل و توقیف روزنامه های انقلاب اسلامی، میزان، خبرنامه جبهه ملی ایران و ... حامل پیامی از آقای بنی صدر که آن زمان به کار فرماندهی جنگ و دفاع از کشور در کرمانشاه بودند به نزد آقای خمینی شدم.

پیامی که ایشان را در راستای پایبندی به عهود انقلاب، به دخالت و جلوگیری و رفع این ناروایی ها می خواند وهشدار می داد که اگرعمل به وظیفه نشود، خود آقای بنی صدر مجبور به اقدام و داوری بردن نزد مردم خواهند شد.

به جماران رفته و پیام آقای بنی صدر را خدمت ایشان عرضه داشتم، با شنیدن این پیام، آقای خمینی چهره درهم کشیدند و با عتاب اظهار داشتند که "ول کنید این حرفها را، خوب گوش کنید که چه می گویم، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد به ایشان منتقل کنید و جواب بیاورید"، پاسخ دادم که از پی این تکلیف شاق شاید برنیایم،لطفاً یا مرقوم فرمایید و یا اجازه دهید تا یادداشت کنم که کلمه ای کم و زیاد نشود.از آنجایی که کاغذ همراه نداشتم، ایشان نامه ای را از زیر تشک خود درآوردند و پاکت آن نامه را مرحمت کردند تا مورد استفاده قرار گیرد. گفتند بنویسید "این حرفها را دور بریزید، من به شما علاقه دارم، این کشور نیز پس از من کسی را ندارد، دوست دارم که شما خود را حفظ کنید و ذخیره بمانید و در مناصب خود باقی باشید بشرط آنکه:

۱- کاری به کار قوه قضایه نداشته باشید، مسئولین این قوه را من نصب کردم و شما از روز اول گفته اید که اینها در مناصبشان غیر قانونی هستند. چه کار به کار زندانها دارید که دائم می گویید شکنجه و چه و چه می کنند.

۲- به کار مجلس هم کاری نداشته باشید، مجلس هرچه را که تصویب کرد بی چون و چرا بپذیرید. من گفتم که این مجلس بهترین مجلس دنیاست و شما همه جا می گویید که این مجلس، مجلسی قلابی است.

۳- از گروهکها تبری بجوئید و اعلام قطع ارتباط کنید.

۴- چه کار به کار کمیته ها و پاسداران دارید."

سپس خطاب به اینجانب گفتند که به ایشان بگویید که "در صورت قبول این شروط، من دوست دارم که شما حفظ شوید".عرض کردم که علیرغم اینکه رئیس جمهور هماهنگ کننده سه قوه و مسئول اجرای قانون اساسی است اگربتوان که شروط اول و دوم را موجه دانست، چطور می توان گفت که فرمانده کل قوا کاری به کار کمیته ها و پاسداران نداشته باشند ؟

در جواب فرمودند که شرط چهارم را حذف کنید.

معروض افتاد که آقای بنی صدر دارای ارتباطی خاص با هیچ گروهی نیستند، چطور به آقای رجایی و سران حزب جمهوری اسلامی تکلیف نمی فرمایید که ارتباطات مرتب و ملاقاتهای هفتگی خود را با سران حزب توده قطع کنند؟ پاسخ دادند که به آنها هم تذکر می دهم، شما پیام من را به آقای بنی صدر برسانید و جواب بیاورید.به دفتر ریاست جمهوری بازگشتم و به آقای بنی صدر در کرمانشاه تلفن زدم و پیام آقای خمینی را تلفنی خواندم. پس از استماع ایشان گفتند کاغذ و قلم بردارید و جواب من را یادداشت کنید به جماران برگردید وپاسخ مرا تقدیم دارید.

گفتند و نوشتم که :

"همراهی من با شما از روزی که با شما همراه شدم، به این علت بود که شما را مرد عقیده و عمل می دانستم. من متصدی ریاست جمهوری شدم تا در جهت عقیده ام خدمت گذار مردم و کشور گردم و تمام توانم را در جهت دفاع از ارزشها بگذارم. اما معلوم می شود که اشتباه کرده ام، شما مرد عقیده و عمل نمی خواهید و بدنبال آلت هستید، عنوان ریاست جمهوری برای من شأنی نیست که بخاطر آن از ارزشها و عقایدم بگذرم اگر قادر به خدمت نباشم هیچ دلبستگی به این عناوین ندارم. اگر به دنبال آلت هستید، آلت فراوان است از من چنین انتظاری نداشته باشید. شاه سرنگون نشد تا بساطی بدتر از آن جانشین شود."

بلافاصله به جماران بازگشتم و جواب آقای بنی صدر را برای ایشان خواندم. آقای خمینی سخت برآشفت وپاسخ دادند که "به ایشان بگویید که این حرفها جواب پیام من نشد، من هنوز هم می گویم دوست دارم که حفظ شوید و ذخیره آینده بمانید. ضمناً به ایشان بگویید که شما من را نشناخته اید، اگر من راهی را بروم، تا به آخرمی روم. به جای این حرفها، پاسخ من را نسبت به این شروط بگویید".

این پیام را هم تلفنی برای آقای بنی صدر خواندم، پاسخ دادند که بنویسید:

"دردناک است که از من توقع دارید تا به آلت خودکامگی بدل شوم، در مورد شما سخت در اشتباه بودم. اصل برحفظ قدرت به هر قیمت نیست، اگر پایبندی بر اصول و پایداری بر عقیده و میثاق ما با مردم نبود، هیچکس خطرنمی کرد تا مستبدی برود و استبدادی مخوف تر جای آنرا بگیرد. از من انتظار عدول از عقیده و

شکستن پیمان با این مردم را نداشته باشید. همانطور که عرض شد اگر بدنبال آلت هستید، من آلت بشو نیستم. آلت فروان است".

سپس فرمودند که مجدداً به جماران برگرد و پاسخ من را خدمت ایشان برسان، اما بلافاصله تغییر رای دادند وگفتند که شما به جماران نروید اگر این پیام را شما برسانید، چون از من قطع امید خواهند کرد، خطر آنست که آنجا بازداشت شوید، با آقای پسندیده(برادر آقای خمینی) تماس بگیرید تا قبول زحمت کرده و به تهران بیایند تا پاسخ من را ایشان نزد برادر برند.

حاصل رسیدن این پاسخ توسط آقای پسندیده عزل آقای بنی صدر از فرماندهی کل قوا در شامگاه ۲۰ خردادماه ۱۳۶۰ بود، عزلی که راه گشای تکمیل طرح کودتا علیه منتخب راستین ملت شد.

درود و صد درود برآن دولت منصور، بر آن شیر بی پروای عرصه پیکار و آن مرزبان آزادی و عزت ایران، که عطای تصرف و تصدی بلامنازع کشور را به لقای ایستادگی براصول و وفای به عهد بخشید.از سر عنوان گذشت و در اوج قله ایثار نماد و نمونه آزادگی و حق جویی و شرف شد."

کوشش بنی صدر درشناساسی و تدوین عواملی که بایستی هم در دولت استبدادی هم در سطح جهان وهم در جامعه مدنی پدید آیند تا انقلابها رخ دهند :

بنی صدر در دوران هجرتش نیز با افشای جنایات و بحرانهای ساخت نظام ولایت مطلقه فقیه به دفاع از حقوق ملت وبسط اندیشه راهنمای استقلال و آزادی انقلاب مردم ایران و ارائه راه حل برای این بحرانها پرداخت واز بعد از انقلاب نیز بیش از ۷۰جلد کتاب را در تدوین نظام مند اندیشه راهنمای انقلاب ایران و راه حلهایی مسائل ایران نگاشت. وی در سال ۱۳۹۶ کتاب انقلاب را که از دید نگارنده یکی از ارزشمندترین کتب انتشار یافته در زمینه عوامل موجد انقلابها در سطح جهان است را نگاشت و پی گیری انقلاب ایران را توسط نسل آینده نوید داد :

کتاب انقلاب وی به امور مهم ذیل می پردازد:

۱. شناسائی پویائی‌های رابطه مسلط – زیر سلطه

۲. عواملی که در دولت یا دربنیادی که قدرت درآن متمرکز و بزرگ می‌شود، پدید می‌آیند و آن را برانگیزنده انقلاب مردم بر ضد خود می‌کند.

۳. عواملی که در جامعه مدنی پدید می‌آیند و این جامعه را به جنبش بر می‌انگیزند.

۴. نقد انقلاب ایران با محک الگوی انقلاب.

۵. عوامل مساعد با انقلاب، در جامعه ایرانیان و نارسائی‌هاشان.

۶. حاصل سخن در دو فصل:

فصل اول: ویژگی‌های مشترک دولت‌های تک‌پایه در لحظه انقلاب.

فصل دوم: درس‌های تجربه‌ای که انقلاب ایران است.

از جمله این درس که انقلاب فرآورده پیدایش عاملها و تعامل‌آنها با یکدیگر است. غیر ممکن است که اراده یک شخص و یا یک گروه پدیدش آورد. در عوض، بازسازی استبداد، می‌تواند کار یک گروه باشد. گروهی که قدرت می‌جوید و به خود نقش ضد انقلاب می‌دهد. زیرا انقلاب رهائی اکثریت بزرگ از سلطه اقلیت کوچک و بازسازی استبداد، بازسازی سلطه اقلیت بر این اکثریت است. باوجوداین، وقتی عامل‌ها به تمامه شناسائی نشوند و چندی و چونی عامل‌ها و نوع فعل و انفعال آنها دانسته نگردد، محقق نمی‌تواند از وقوع انقلاب، پیشاپیش، آگاه شود و نیز نمی‌تواند جهت‌یابی آن‌را تشخیص دهد و چرائی جهت‌یابی‌های نایکسان این «انقلاب»ها را اندریابد.

عاملها هستند که با قوت و ضعف‌هاشان و در رابطه با یکدیگر می‌گویند چرا یک انقلاب به ساقط کردن دولت بمثابه محل تمرکز و بزرگ شدن قدرت، موفق می‌شود و یا نمی‌شود. بدون یافتن عامل‌ها و بر فرض که پاره‌ای از آنها یافته گردند، بدون شناسائی قوت‌ها و ضعف‌های آنها و چند و چون رابطه‌هایشان، واقعیت آن‌سان که هست شناخته نمی‌شود. در مقام علت و دلیل یابی، پژوهشگر، ناگزیر،جای خالی را با علت و دلیل ساخته ذهن خود پر می‌کند. از این‌رو است که مطالعه‌ها نتوانستند راهنمای جنبش‌ها بگردند.

هرگاه غفلت نباشد، هم گوناگونی انقلاب‌ها و هم نایکسانی سمت‌یابی آنها و هم تأمل در هریک از انقلاب‌ها مبرهن می‌کنند که انقلاب فرزندان خود را نمی‌خورد و دوران وحشت و خشونت و نیز جنگ و بازسازی دولت جبار و سمت‌یابی تحول از آن پس، جبری نیستند. انقلاب ایران دقیق‌تر و شفاف‌تر این درس را می‌آموزد که جبر انقلاب تقلای قدرتمدارها برای انداختن تقصیر خود بر دوش انقلاب است. وگرنه، هرگاه انقلاب به راه خود برود، از راه خشونت‌زدائی نظام اجتماعی باز و تحول‌پذیر می‌شود، شهروندان ازحقوق خویش برخوردار و نه قدرت که انسان است که رشد می‌کند و طبیعت است که آبادان می‌گردد.

بنی صدر در مصاحبه با آقای گلزار در تلویزیون سپیده استقلال و آزادی (در ۲۱ بهمن ۱۴۰۰)خطاب به نسل امروز می گوید (۴*):

یکی از ۱۴جرم من، طرفداری از حقوق بشر بود. طرفداری ازحقوق بشر شد جرم! (اشاره آقای بنی صدر به۴۱جرمی که مجلس کودتای نظام ولایت فقیه در حین اجرای کودتا علیه وی برای برشمردمنجمله در نطق خامنه ای مجلس اول نظام و محمدی گیلانی دژخیم استبداد جدید نیز آقای بنی صدر را به ۳ باراعدام محکوم کرد ۵*) کسی هم نگفت آقا، مجرم اول، آقای خمینی است که در حضور دنیا گفته ما حقوق بشر را مستقر می کنیم. حال اینکه خوب این جامعه خودش می باید به این حقوق عمل می کرد تا مستقر می شد. بلاخره ایشان تعهد سپرده بود. حالا بگوید چه؟ ایشان تعهد کرده است، همه را هم زدیم زیرش. آن مردم متوجه می شوند که این انقلاب قربانی است. آن دینی که بیان استقلال و آزادی بود و آن اسلام قربانی است. قربانی کی است؟ قدرت. مردم خودشان قربانی هستند؛ وقتی بفهمند اینطور است، دیگر بجای آنکه خود را لعن کنند که چرا انقلاب کردیم، دینشان را لعن کنند، انقلاب را لعن کنند، آن بندگان قدرت را لعن می کنند و جلوی آنها برمیخیزند، می گویند آقا، شما به این انقلاب خائن هستید. دفعه اول هم نیست، سه بار ما در یک قرن انقلاب کردیم، هر سه بار این خائنان قدرت پرست به آن انقلاب خیانت کردند و شد تجربه نیمه تمام. اگر بخواهند انقلاب نیم تمام دیگری را آغاز نکنند و همینطور تا قیامت ادامه ندهند، و همین انقلاب را به نتیجه برسانند، می باید که بجای خودزنی که ما مردم خطا کردیم انقلاب کردیم، بجای آنکه بگویند انقلاب بد بود؛ انقلاب را ما کردیم، بد هم نبود برای اینکه ما از آن مدار بسته بیرون آمدیم، و بجای اینکه دین ستیزی بکنند، قدرت ستیزی کنند! قدرت را از زندگی خود برهانند و بجایش حقوق را بنشانند. برای اینکه این امر رخ ندهد، سانسور می شود. حالا کدام رژیم استبدادی است که سانسور وسیله اول کارش نیست؟ اصلاً سانسور نباشد، بزن و ببند و بکش و شکنجه بی اثر می شود. چون این سانسور است، آن شکنجه و داغ و درفش و اعدام هم است، از جمله برای اینکه سانسور برجا بماند. آنهایی که کشته می شوند، کی ها هستند؟ آنها که اعدام می شوند، شکنجه می شوند کی ها هستند؟ کسانی هستند که لو می دهند، جنایتها را، خیانتها را، فسادها را لو می دهند. راه کارها را پیشنهاد می کنند. پس دلیل سانسور اینست که یک رژیم استبدادی ناقض هدفهای انقلاب ایران و عامل قربانی کردن انقلاب، مردم ایران، فکر راهنمای این انقلاب، اصول راهنمای انقلاب، و سوزاندن فرصتهای رشد نسل انقلاب، نسل بعد از انقلاب. جامعه آنوقت خود روبرو آن میبیند. می فهمد که تقصیر انقلاب نبوده، پس کاستی های خودش را سعی میکند بفهمد. چه کاستی در من بود که او توانست آن استبداد را بازسازی کند. آنها را رفع می کند مانع را برمی دارد و انقلاب را به نتیجه می رساند."

جنبش همگانی را بدون تردید مردم ایران ابداع کرده‌اند.:از دید بنی صدر

بنابر شاهنامه فردوسی، نخستین جنبش ایرانیان بر ضد ضحاک، یک جنبش همگانی بوده‌است. جنبش‌ها برضد بنی‌عباس و مغولان، هم استقلال طلبانه و هم، کمابیش،همگانی بوده‌اند.انقلاب مشروطیت و نهضت ملی کردن صنعت نفت و نیز انقلاب ایران که صفت اسلامی‌جست،همه جنبش‌های همگانی بوده‌اند. بنابرنوع جنبش، اندیشه راهنما بیانگر حقوقی بوده‌است که جمهور مردم می‌خواسته‌اند از آنها برخوردار شوند. انقلاب ۱۳۵۷جنبش همگانی کامل‌تری بود.

در دوره جدید، جنبش همگانی مردم ایران جنبشی بود که با شرکت جمهور مردم در اعتصاب‌ها و سپس پیوستن کارکنان بخش نفت و کارکنان دستگاه اداری و بیرون رفتن سربازان و درجه داران و شماری از افسران از ارتش، به پیروزی رسید. دولت شاه با بکار بردن خشونتی بیش از آنچه بکار می‌برد، توانا نبود و نمی‌توانست برجا بماند، زیرا قلمروئی برای حاکمیتش برجا نمانده بود و ارتش نیز «چون برف آب می‌شد».باوجود این که جنبش مردم ایران کاملترین جنبش همگانی با سازماندهی خودانگیخته بود که در قرن بیستم دیده شده‌است، کاستی‌های موجود در آن، مانع از موفقیت کامل آن شدند.

با آنکه جنبش همگانی پیروز، دنباله یک رشته جنبش‌ها است و آن جنبش‌ها علامت وقوع جنبش همگانی می‌شوند، هم شاه و رژیمش به این دلخوش کردند که آن جنبش‌ها را سرکوب کرده‌اند و به مردم فهمانده‌اند که هر جنبشی سبب استحکام بیشتر رژیم می‌شود و هم بخش بزرگی از مخالفان رژیم به این نتیجه رسیدند که «دوران سکوت» است و چاره‌ای جز «صبر و انتظار» نیست. در نتیجه، به ایجاد بدیل سیاسی کارآمد نپرداختند. با وجود تمایل همگان به «مصدقی»ها،آن خلاء بزرگ که بدیل قدرتمدار پر کرد، این بدیل بود.

امید که نسل کنونی این جنبش همگانی و انقلاب خود را تا رسیدن به اهداف پی بگیرد و کاستی های انقلاب مردمی ۵۷ را شناسایی و تکمیل کند وبدیلی مستقل و آزاد و وفادار به حقوق مردم ایران را که نه از جنس استبداد شاهی باشد و نه استبداد ولایت فقیه و کارنامه ای درخشان و شفاف و پاک و بری از مماشات با قدرت داخلی و خارجی داشته باشد را برگزیند و خود هیچگاه از صحنه تصمیم گیری در باره امور ایران خارج نگردد .

آقای ابوالحسن بنی صدر ایرانی مستقل و آزاد را و نظامی غیر موروثی همانا جمهوری و لائیسیته را به معنی بی طرفی بنیاد سیاسی نسبت به بنیاد های دینی و مرامی را همراه با برقرای دولتی حقوند را می خواست و در کتاب حقوق

پنجگانه(*۶) و نیز قانون اساسی پیشنهادی بر مبنای حقوق پنجگانه که باهمکاری دوستانش نگاشت، پیشنهاد کرده است(*۶) وی سربلندی ایران را نه تنها آرزو داشت، بلکه در عمل در پی تحقق آن بود. به ضرس قاطع هر ایرانی آزاده ای که در نظر و درعمل رهرو این راه است ، با وی هم آرمان است. وی یکی از بزرگترین داشته های نسل ما و آینده ایران است.

ملتهایی در طول تاریخ موفق به طی مدارج و قله های علم و رشد شده اند که قدردان میراث بجای مانده از فرهیختگان میهن خود بوده اند واز بررسی و نیز نقد نظرات آنها و نیز تکمیل آن نظریات همواره بعنوان عناصر فرهنگی خودی سود برده اند.

قدر زحمات وی را و میراث فکری و عملی بپا مانده از وی بعنوان گنجینه ای از اندیشه و راه حل تجربی را بدانیم.

* ۱/سوال از آقای ابوالحسن بنی صدر :تلخ وشیرین ترین خاطره درزندگی سیاسی تان چیست ؟

https://www.youtube.com/watch?v=ljLEcfba۱P۸

* ۲/کتاب یاداشتهای زندان خطاب به همسرش، عذرا حسینی/ تنظیم به همت خانم فیروزه بنی صدر

منتشر شده در جمعه, ۰۳ بهمن ۱۳۹۹

https://banisadr.org/index.php?option=com_content&view=article&id=۱۳۸۵:۲۰۲۱-۰۱-۲۲-۱۸-۰۶-۳۵&catid=۹&Itemid=۱۴۱

* ۳/سخنان علی امیر حسینی در جلسه یادبود و بزرگداشت زنده یاد ابوالحسن بنی صدر در لندن ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲

https://enghelabe-eslami.com/index.php/component/content/article/۱۹-didgagha/maghalat/۴۸۶۶۲-۲۰۲۲-۱۰-۰۱-۲۲-۵۳-۲۲.html?Itemid=۰